

دَارُ وُجَلَاءِ



دیوانہ کنہہ غیر کوی ۱۳۵۱



مصعب کبیر و قصر نامہ استرداد استقلال افغانستان علیحضرت
حضرت شاہ شہید کار نامہ ہمارا آن مرد مبارک و مشفق
فرزند اسماعیل دلیہ را ہم سزیم آنت

فهرست این شماره



۱	جگرن فیض محمد عاطفی مدیر مجله اردو	اسعد داد آزادی
۳	اداره	دخپواکي دکاليزي تجليل
۴	تورن شمس الدين ظريف صديقي	تجليل از مقام مادر
۱۰	پيغله همطرزي	همه مادر ها را دوست ميدارم
۱۱	ترجمه و نگارش چگتورن علي احمد جلالی	روابط بين قوه ، سياست و متراليزي
۱۵	چگرن سيد شيرين	مارشال پنج لهرمانه حرب دوم
۱۸	دگروال سيد عثمان الدیشه	اصتادم ميگفت
۲۰	بناغلي محمد اسمعيل اختواری	تجهيز طيارات با توپ و لکي
۲۲	بناغلي اونگوت	در سالهای نبرد
۲۶	لمري بریدم محمد اکبر سروري	سيستم مدافعه ضد هوايي
۳۰	بناغلي محمد مصطفي ميرزي	لندی
۳۱	تورن عبد الغياث بيدار	کوجني اسيران
۳۳	دپلوم العنير چگتورن عبدالطيف	نامه از يکدختر قهرمان
۳۵	جگرن محمد يوسف پغمالی	فعاليت ماهرانه در تاريخي شب
۳۸	جگرن حاجي فتح محمد نور زالی	هندوچين را بشنا ميد
۴۱	دکتور محمد نور ترا بی	میعود های جلو گیری از توليد مثل
۴۳	چگتورن سيد هاشم کاموال	قوای هوای در حربهای گذشته
۴۵	دگروال عبد القدوس صاحبزاده	موري ديره می ياديزي
۴۶	عاطفی	چکيده های هنر
۴۸	چگرن محمد يونس خمکني	دگريلا حرکانو ضد فعاليت
۵۴	الحاج تورن مير حسام الدين محتشمی	ارزش و اهميت ورزش
۵۹	پوهنيار جلال الدين صديقي	آرشميدس چطور از خاک خود دفاع کرد؟
۶۱	تورن محمد هاشم منگل	مانور قوتها در تعرض
۶۴	چگتورن دو کتور قمر الدين اکسري	هيبر تانسيون بالمونتر
۶۷	جگرن فضل ربی	پاصقين ، دپاصيه تأثير تطبيق او اهميت
۷۰	تورن محمد معروف	طيارات مسافر بردار
۷۲	تورن حبيب الله مزاروال	دفلستون پی کوره اولس
۷۵	چگتورن جلالی	وضعيت قوای هوای در خليج :-
۷۸	تورن غلام سخی حاجی	تعليم و تربيه بلوك تانک
۸۰	نورن فرید شاه محدران	استعمال صدا جهت دیدن داخل جسم
۸۲	چگرن گلا جان پنهونجار	د تخليسي او ترميم پوستي فعاليت
۸۵	عاطفی	ماو خو اندگان
۹۰	تورن عبد الغياث بيدار	جهان در یکماه اخير
۹۳	ظريف صديقي	اردو در خدمت اجتماع

دار دو مجله:

ویا پی چه دگران هیواد دخپلواکی دبیرته
اخیستلو د خلو ر پنځوسمی کالیزی دنمانځنی
له کبله خپل دزیره له گومی مبارکی
دمحبوب ټولواک معظم همایونی
اعلیٰ حضرت المتوکل علی الله
محمد ظاهرشاه دار دو اعلیٰ
سرقومانان، علیا حضرتی معظمی
ملکی، د سلطنتی درنی
کورنی، د افغان پیاوړی
اوقهرمان اردو منسو بینو
او ټولو وطنوالوته
وېاندی کوی

نطق اعلیٰ حضرت سعید شهید محمد نادر شاه غازی

در موقع افتتاح جشن سال سیزدهمین استقلال

بنام خداوند فیاض و توانا این جشن مقدس سال سیزدهمین استقلال ملی را آغاز و افتتاح میبائیم و ملت عزیز افغانستان را ورود این دوره فرخنده و بهترین یادگارهای افتخارات ملی تبریک و تهنیت میگوئیم.

ای ملت عزیز و دایر من!

استقلال ملت ها از جمله آن نعمت های بزرگ خداوند قدیر است که در مقابل آن مالها و جانها را قدر و قیمتی نمیباشد زیرا ماها و جانها بری زندگی چند روزه دنیا و این زندگی بحکم حقیقت و فطرت آدمیت برای استقلال و مخصوص آزادی نوع انسان است.

افغانستان که بفضل و مرحمت خداوند وحییت و عبرت ملت نجیب خود سیزده سال پیشتر استقلال خود را تحصیل و مالک آن گردیده والی ماشاء الله در سایه استقلال زندگی با شرفانه بسر برده استقلال شان برقرار و بر دوام خواهد بود.

اینستکه ما امروز بیادگار همان جهاد پاک ملی و حصول استقلال افغانستان این جشن مقدس را افتتاح میکنیم و دوباره بکافه ملت عزیز خویش تبریک و تهنیت میگوئیم.

ای ملت عزیز و شجاع من!

وظایف ملیه ما در راه حفظ استقلال و وطن بسی مهم و سنگین است مقتضیات عصر حاضر و ایجابات مدلیت جهان بعلاوه دشمن استقلال ملی برای ما وظایفی تعیین و مقرر میکند که در عدم ایفای آن بنیان استقلال ملی متزلزل و ناپدیدار است.

این وظایف مهمه که گفتیم عبارت

از استقلال اقتصاد، صنعتی و عرفانی مملکت است سنگهای اولین این نهادها نشر معارف صحیح و ترقی صنایع، ترویج زراعت، تکثیر محصولات وطنی، سهولت حمل و نقل تمهید راهها و امثال آن است و ایها ارجمه اولتر محتاج امنیت داخله توحید و اتفق السکر ملیه است.

چون حفظ موجودیت یک ملت محتاج بقوت منظم عسکری است لهذا قبلا ما و حکومت ما حتی المقدور در شکل با قاعده آن کوشیده ایم و امید میکنیم که بمعاونت خداوند

در سایه حسن مساعی و فداکاری وزارت حربیه و اسرار اردوی افغانی

عسکر افغانستان زودتی دارای قدرت و انتظام مکه عصری گردد و

ناگفته نماند که در آن عصر نا حال خد ما تیکه اردوی افغانستان در راه

اقت امنیت داخله قدر کارانه ایفا نموده اند البته ما و ملت ما فراموش

نخواهیم نمود. راجع به توحید و اتحاد اسکار عمومی چاره بهترین

را که در عالم متمدن هستند و متکا است همان دانستن حکومت ملی و

مجلس شورا است که ما نیز این چاره را بعون الله تعالی عملی ساختیم و

امید میکنیم که مجلس مقدس شورای ما بتواند درین راه بهترین خدمتی

را انجام داده و اسباب نظم و نسق مملکت را فراهم سازد.

بعلاوه ما و حکومت ما درین عرصه دو سال خدا برا شکر میکنیم

که در قایم کردن امنیت داخله نشر معارف نظم عسکر و ادارات تمهید

طرق و شوارع ترقی مطبوعات تهیه

آلات و ادوات حربی و امثالها توانستیم خدمتی بنمائیم ولی نصب العین ما چون ازین ها بلند تر است از خدای متعال توفیق میخوایم که بتوانیم در آینده خیالات وطن پرورانه خویش را از قوه بمیدان عمل آریم. ای ملت عزیز من!

من بهمه شما توصیه مینمایم که متحداً و متفقاً فی القول والعمل در

راه حصول این مقاصد مقدس ملیه و ترقی و تقدیم وطن عزیز از هیچگونه سعی و ایثار مضایقه و دریغ ننمائید

از ملت و دولت انتظار داریم که در ایفای وظایف منتهای جدیت و

صحیمیت را ابراز نمایند و از هیئت شورای مقدس خواهش مینمایم که

با قدم های سریع در تنظیم اجتماعی این ملت طی طریق نمایند من یقین

میکنم که در تمام طبقات ملت عزیز دست بدست داده متحداً و متفقاً در

راه تقدیم و تمدن مملکتی قدم می بردارند و از مخالفت های قولی

و عملی که باعث تشتت آرا و افکار اقوام و منتج به نتایج سؤ و پیش

آمد های پر بادی قوای مادی و معنوی ملت است اجتناب خواهند کرد.

درین صورت شاک نیست که مملکت عزیز ما افغانستان بزودی مراحل ترقی

و تمدن را طی خواهد نمود و وظایف دینیه و ملیه ما و شما در مقابل بازپرس

خداوند عادل ادا خواهد گردید.

زیاده از خداوند قادر و توانا مسئلت مینمایم که بملت افغانستان موقع آن

بخشد که تا قرن های درازی بامسرت خاطر و ترقیات روز افزون بیادگار

جهاد پاک استقلال ملی خویش جشن های مقدسی دایر و افتتاح نمایند.



اعلیٰ حضرت معظمہ ہمایونی پادشاہ محبوب اور قوماندان اعلیٰ اردو
و حامی بزرگ استقلال افغانستان

پیام علیا حضرت ملکه معظمه بمناسبت روز مادر



علیا حضرت ملکه معظمه، مادر معنوی ملت
افغان که پیام معظم لها در روز مادر
نمونه بزرگی از بزرگداشت و تکریم مقام
مادر در مملکت ما میباشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

مادر حلقه وصل امروز ما بهمه دیروز هاست. تجلیل از مقام ارزنده او در حقیقت
تجلیل از نعمت زندگی و نعمت پرورش است. فرهنگ انسانی شاید بیش از هر
عنصر واحد دیگر از عناصر حیات اجتماعی رهون مادر باشد. در آغوش مادر
است که ما بنیاد ارزشهای فرهنگی را می آموزیم و تسلسل تاریخ انسانی را
بواسطه آن حفظ میکنیم.

چشم مادر نخستین آئینه ایست که در عمق آن ما آشنائی خود را با مفهوم
محبت، با مفهوم اندیشه پاک، با مفهوم خانواده، با مفهوم تعلق به زادگاه و وطن و با
صداها مفاهیم عالی دیگر که بنیاد زندگانی بشری را بروی اخلاق نیکو استوار
میسازد آغاز میکنیم.

مادر آموزگار نخستین ماست: آموزگار بیکه احساس فکر و قوت بازوی

او همه در راه ما و در راه بار
آوردن ما بحیث اعضای سودمند
جامعه ایکه در آن بسر میریم
وقف گردیده است.

شریعت برگزیده خدا جل جلاله
و قوانین و سنن ملی ما روی این همه
ارزشهای فطری و فرهنگی بمقام
مادر خصوصیت برارنده ای
بخشیده وثقافت این کشور باستانی
و مسلمان مقام صامخ مادر را
در ادب مردم با هاله ای از
احترام احاطه کرده است.

بهرتر و بالاتر از همه مظاهر
احترام به مادر بذل توجه اساسی
به ترتیب خود او میباشد. ما هرچه
یکوشیم افق دانش ما دران را
وسعت و وضع صحی و اجتماعی
شانرا بهبودی بخشیم بهمان پیماله
سلامت عقل و جسم و صفای ترتیب
فرزندان خود را بهتر خواهیم
کرد.

درین روز فرخنده پیام محبت
خود را بهمه مادران افغان میفرستم
و از بار گناه بزرگ خداوند
بخشاینده برای آنها توفیق در
ایفای بهتر نقش با اهمیت شان
و برای همه فرزندان این خاک
توفیق بیشتر در تجلیل نقش و مقام
مادر نیاز مبرم:

جلد پنجم فیض محمد طغیانی در مجله اردو

استرداد آزادی

مجادلات پیگیر و مبارزات طولانی ملت نجیب افغانستان در راه استقلال ملی و حفاظت کشور، فصول زرین تاریخ این سرزمین را احتوا میکند اساساً مردم ما در اعصار طولانی با هر نوع محرومیت‌های اقتصادی و فشارهای گوناگون حیات فردی و اجتماعی خویش با صبر و حوصله کامل که شایسته روح اصیل افغانی است همیشه تن در داده‌اند اما هرگز ننگ اسارت و تحکم بیگانگان را نپذیرفته‌اند دست استعمار و استثمار اجنبیان با توجه بموقعیت جغرافیائی افغانستان که در چار راه خاور میانه قرار دارد دائماً بسوی کشور ما دراز بوده و هر زمان که فرصتی به آز طلبان منفعت چو دست داده با قدرت و قوت و دسایس پلید خویش چند گاهی خاک ما را تسلط نموده‌اند اما روح آزادیخواهی و شعور ملی و مذهبی مردم در کمترین فرصت

بیدار و بهیجان آمده ، مردان مبارز و قهرمانان فداکار ملی از گریبان مادر وطن سر بیرون آورده و بقیام سلحشو را نه برداخته اند با نیروی ایمان بخدا و با انکأ بعشق و شور آزادی آنچه در درس عبرتی بدشمنان ما داده اند که هرگز فراموش خاطره های تاریخ و بیگانگان نخواهد شد .

شش جوزا نیز روز ستاخیز ملت افغان است که در چنین روزی آزادی از دست رفته ما بهمت مردان پاره و فداکار و شامشیر حق و عدالت از چنگ دشمنان اغاصب مجدداً بدست آورده شد و بساط استعمار و سیطره اجنبی از سرزمین مقدس افغانستان بر چیده گردید .

شعار آزادی و قیام ملی از حنجره مردوزن در فضای کشور طنین افکند و همه فریاد بر آوردند که (یا جان رسد بجانان یا جان ز تیغ براید) قهرمانان نامدار معرکه استرداد استقلال یعنی اعلیحضرت شهید سعید محمد نادر شاه که بقدرت شمشیرش دشمنان مسلح و مجهز آزادی مامجبور به شکست و عقب نشینی شدند و همچنان بهمت فداکاران و جانبازان رشید فغان و الاحضرت سپه سالار مرحوم سردار شاه محمود خان غازی و الاحضرت مارشال شاه و لیخان غازی فاتح کابل واردوی با شهامت افغان و ملت مبارز ما بار دیگر پرچم آزادی افغانستان بر فراز محیط ما و ملل مستقل جهان باهتزاز درآمد .

ماروز شش جوزا را بزرگترین همد ملی خود میدانیم و این روز مبارک

را مبدأ تحولات عمیق زندگی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی خویش می شماریم زیرا با بدست آوردن آزادی و تحکیم مناسبات سیاسی بین المللی با کشور های دنیا و بنیاد اساسات نوین فرهنگی و کلتوری فصل نوینی در زندگی ما رخ داد و امروز افغانستان راهی را می پیماید که مستقیماً باشعور ملی و بیداری و نهضت های گوناگون تحولات همه جانبه ارتباط بلا فصل دارد .

ماروز شش جوزا را از صمیم دل به ملت نجیب افغانستان واردوی فداکار خویش که نیاکان شان در راه

استقلال و وطن در سخت ترین شرایط ، قربانی داده اند و افتخارات سرمدی را بما بیاد گار سپرده اند تبریک می گوئیم .

در ختم مقال بروح شهدای راه آزادی تحیات و درود های فراوان می فرستیم و از خدای توانا و داد گر التجاء میکنیم تا افغانستان و ملت باشاهمت افغان را اتحاد همگانی توفیق ارزان فرماید که در راه مشکلات حیات اجتماعی و ملی خویش مردانه وار پیش بروند و اردوی افغان کانون استوار ملیت و پاسبان حقیقی استقلال و صیانت کشور ما باشد .

افکار بزرگان

* انسان اگر بتواند افکار گذشته را بیهوده نگارد و برای خود آینده شریف و روشن پیش بینی کند ، کمتر گرفتار ناراحتی و غم خواهد شد. (گوته)

* وقتی از شما چیزی میخواهند که توان بر آوردنش را ندارید صادقانه جواب رد بدهید و بیهوده امید و ارشان نکنید. اما برای آنچه میخواهید و میتوانید انجام دهید آنهارا زیاد در انتظار نگذارید. (یا لزاك)

* اینکه دیگران ، مرا آنطور که هستم نمیشناسند برایم رنج آور نیست ، چیزی که رنج میدهد اینستکه من آنرا آنطور که باید نمیشناسم . (کنفوسیوس)

* ما همیشه از زندگی شکایت میکنیم ، از گذشته با تأسف یاد میکنیم ، و از آینده نگرانیم ، شادیه را کم و غمها را زیاد می بینیم ، در حالیکه ما خود ، در وجود آوردن آنچه پیش میاید لقی اساسی داریم. (گوته)

یاسختی داشته باش دلپذیر یادی داشته باش سخن پذیر .

(محمد حجازی)

بدرست حرف بزن یا عاقلانه سکوت کن .

(ژرژ هرت)

فراوانی گفتار بیهوده از صفت شخصیت گوینده است .

(گوستاو لوبون)

گاهی سکوت بیش از تمام حرف ها مقصود را بیان میکند. (مونتسکیو)

حرف زدن بدون فکر مانند تیراندازی بدون هدف است .

سخنگوی ماهر کسی است که از آراء ، مطالعه و تفکر و استماع ثروتی اندوخته باشد که در هر گفتار او را مقتدر سازد . (سروالتر سکاوت)

برای کسیکه علم درستی و خوش طبعی را نداشته باشد ، هر علم دیگری زیایلخش است .

زیایلخش است .

زیایلخش است .

«مونتسی»

قهرمانان معرکه استقلال



۱۴۱ حضرت شهید سعید معرکه آرای جهاد استر داد آزادی
با برادران رشید و قهرمان خویش والا حضرت مبارک شال
شاه ولیخان غازی فاتح کابل و مرحوم والا حضرت سپه سالار
غازی سردار شاه محمود خان

د خپلواکي

د خلوړ پنځوسمې کاليزې تجليل

د جوزا شپږمه ورځ دگران هېواد د خپلواکي د ترلاسه کولو د خلوړ پنځوسمې کاليزې سره مصادفه وه . په دې مناسبت د کابل فاتح والا حضرت مارشال شاه وليخان غازي د مرکزي ډول اردو قوماندان والا حضرت جنرال سردار عبدالوالي



والا حضرت مارشال شاه وليخان غازي د کابل فاتح هغه وخت چه په مخصوص کتاب کښي خپل د مبارکي مراتب لاسليک کوي

مناغلي غلام عثمان علمي ورسره ژ دغرمي په دولس هجود همايونې . معظم اعلي حضرت په حضور د دلکشا په ماني کښي بارياب شو او د خپلي مبارکي او په کابل کښي د کور د پيلو ماتیکو دريسانو د مبارکي مراتب ټي په دې مناسبت د شهرياري ذات حضور ته په عرض ورسول .

د خپلواکي د خلوړ پنځوسمې کاليزي په مناسبت خپلي مبارکي په مخصوص کتاب کښي ثبت اولاس ليک کړل . د سلطنتي تشر يفاتو درياست د خبره مخي په کابل کښي د امريکي د متحده ايالاتو لوي سفير او شيخ السفرا مياغلي رابرت نيومن په داسي حال کښي چه د سلطنتي تشر يفا تو رئيس

صدر اعظم دکتور عبد الظاهر د ولسي جرگي رئيس پوهنتوال دکتور محمد عمر وردک د شرا نو جرگي رئيس سنا تور عبدالهادي داوي ، قاضي اقتضات پوهاند دکتور عبد المحکيم ضيا ټي د صدارت مرستيال دکتور عبدالصمد حامد د کابينې غړي ، دستوري محکمي قاضيان د شوري د دوار و جرگو غړي و ملکي او عسکري عماليرتبه مامورين له غرمي نه مخکښي له اتو بجونه دغرمي تر يوولسو بجو پوري د دلکشا ماني ته لارل او خپلي مبارکي ټي د هيواد د خپلواکي دساتولکسي همايونې معظم اعلي حضرت حضور ته په مخصوص کتاب کښي درج او لاس ليک کړل .

دغه راز له يوولسو بجونه دغرمي تر دولسو بجو پوري په کابل کښي د کور د پيلو ماتیکو رئيسانو د هيواد

مادر با یکدست گهواره و با دست دیگر دنیا را تکان میدهد

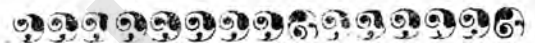
« نایون بنیپارت »

تورن شمس الدین نظر فیض صدیقی

معاون نایون

تجلیل از مقام مادر

* * * * *



مادر ، کلمه پرشکوهِ است که قلب هر انسان را به تپش می اندازد ، چون هر فرزند مادری دارد و بیگمان خاطره های دوران کودکی و نوازش های صمیمانه مادر ، او را بهمانی میکشاند که مادر در ساختن آن جهان سهم مروری داشته است ، تجلیل از مقام رفیع مادر ، تجلیل از مقام والای انسانیت است ، چون مادر سازنده ملتی فرزندانیت که انسانیت را بعنوان یک صفت بزرگ با کارنامه های شان ، با حماسه های شورانگیز شان و با تلاشها و تپش های فراموش نشدنی شان ، ثبت تاریخ زندگی بشر نموده اند .

مادر بوجود آورنده اجتماعات پیشرفته و تنظیم دهنده تکوین جهان پر از فعالیت و کوشش بشری است و برای همینست که خدای بزرگ بعد از عبادت خود ، با حسنا والدین امر فرموده است و مادر درین میان نقشی دارد که بفرموده حضرت محمد (ص) بهشت را زیر پای مادر قرار داده است .

مادر با تربیت و پرورش فرزندان صالح و قهرمان ، در حفظ ارتقاء جامعه و تکمیل آزادی ملتها رول ارزنده را بعهده گرفته که بحق باید مقام و برا تجلیل نمائیم و از زحمات ، فداکاریها و شب زنده داریهای مادر با ستشناسی و تکریم یاد آوری کنیم .

در مملکت عزیز ما ، که شایستگی مادر در پرورش اطفال ، لوجوانان و مردان بزرگ در طول تاریخ مقامی بس تنظیم را گسب نموده از پنج سال باینطرف مقام مادر مورد تکریم و تجلیل خاص قرار میگردد .

اردوی شاهانه بحیث جزئی از جامعه افغانی ، که همواره خاطره های پرافتخاری از مادرانی که اولاد قهرمان و وطنپرست پرورانیده اند بخاطر دارد مقام مادران را همزمان با سایر



والاحضرت شاهدخت مریم
منگامیکه جو ایزیکی از مادران ممتاز
سال را اعطاء مینمایند.

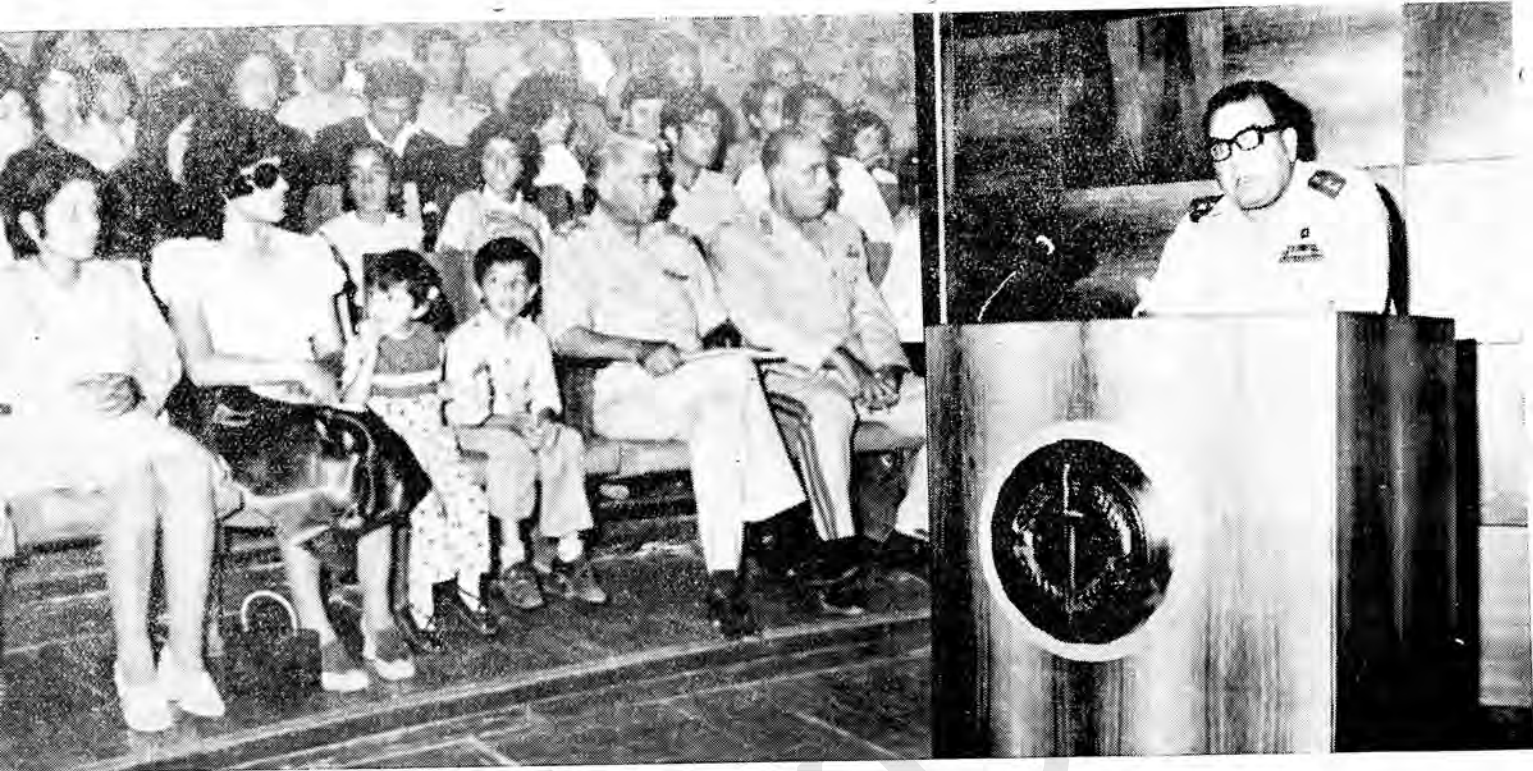


چنانچه از گزارش اخبار مربوط روز مادر بخوبی این حقیقت
مشهود است به سلسله تجلیل از مقام والای مادر روز ۲۴
جوزای امسال ششمین سالگه روز مادر با قرائت پیام
علاحضرت ملکه معظمه مادر معنوی ملت افغان ضمن محافل
شانرداری در سرتاسر کشور عزیز تجلیل گردید .
والاحضرت شاهدخت مریم عصر روز ۲۴ جوزا مادران
ممتاز سال را در احتفال بزرگی که بمناسبت بزرگداشت روز
مادر در هتل الترننتل ترتیب یافته بود توزیع کردند.

مؤسسات مملکتی با کوه هر چه تمامتر احترام مینمایند و با
نشرت خویش از آن قدردانی و یاد آوری میکنند .
خوشبختانه همه ساله در میان مادران ممتاز و برگزیده
مادرانی که فرزندان آنان در خدمت اردوی شاهانه ایفای
وظیفه مینمایند وجود دارند و این خود میرساند که خدمات
آندسته از مادرانی که اولاد صالح خویش را در خدمت اردو
برای حفظ صیانت ملی و تمامیت و طن مقدس ، تقدیم جامعه
عسکری نموده اند بصورت خاصی بیزموره قدر دالی قرار میگیرند.



والاحضرت خاتول حین توزیع
جایزه درجه اول شعر پینتو
به لپری برید من
محمد صدیق رازقی



دگروال شاهپور احمدزی در اثنای ایراد بیانیہ در ادیتوریہ حربی ہونٹون

تعلیمات خصوصی فرزند ان خویش را در ساحت امکانات یکی بعد دیگر شامل مکتب نمود. در نتیجه عزم متین و ارادہ را سخوی چهار فرزندش امر و زبیت صاحب منصب در قطعات اردوی شاہی افغانستان شامل خدمت مقدس عسکری میباشد :
فرزند بزرگش جگرن شیر احمد لجرابی کہ اکنون بحیث قوماندان کندک در فرقه ۸ قول اردوی مرکزی ایفای وظیفہ مینماید، بریدمن فتح محمد کہ بعد از فراغت از ہونٹنی استحکام ہونٹون حربی در قوماندانی قوایکا روزارت فوائد عامہ خدمت میکند .

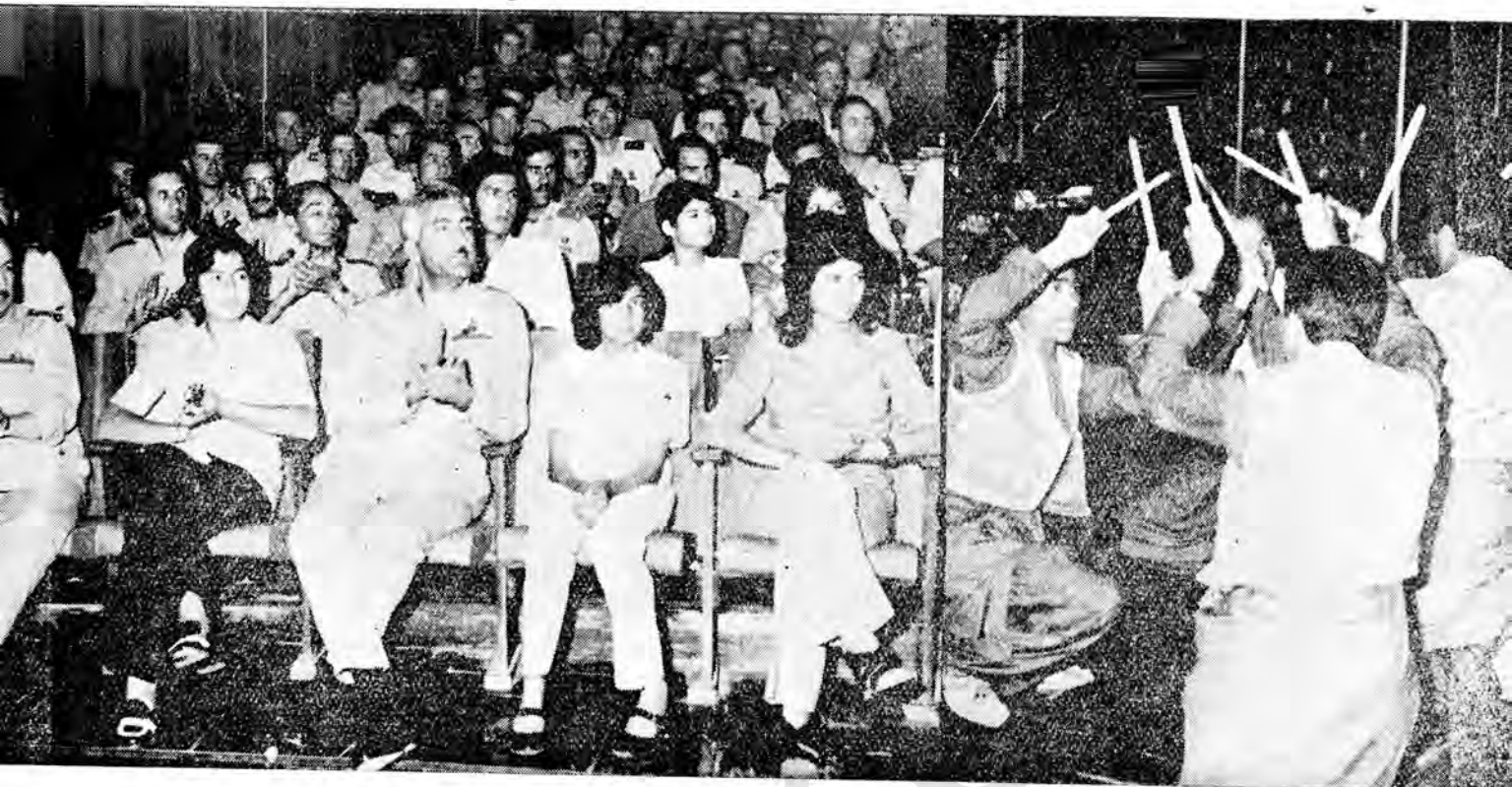
بریدمن ہوائی عبدالجی، بریدمن قوای ہوائی کہ مہرورف تحصیلات عالی در اتحاد شوروی میباشد، فرزند چہارم وی نیز در میدان ہوائی بگرام قوای ہوائی ایفای وظیفہ مینمورد ومدت سه سال جهت کسب تحصیلات عالی بہ اتحاد شوروی اعزام گردیدہ و نام وی بریدمن محمد اسمعیل لجرابی میباشد .
آخرین ہسر محترمہ میرمن بی بی شہین لجرابی بیباغلی عبدالشکور لجرابی است کہ بعد از دورہ تحصیلات فعلاً بحیث مامور رتبہ ۷ در وزارت فوائد عامہ ایفای وظیفہ مینماید .

نویسندگان، شعرا، و ہنرمندان کہ از حضور و الاحضرت خاتول مفتخر باخذ جایزہ گردیدہ اند عبارتند از :

میرمن فرزوان حازم (اسماء فارانی) برندہ جایزہ اول اثر منظوم دری، احمد شاہ فیضیار برندہ جایزہ دوم اثر منظوم دری، پیغلہ قاطمہ نوہمین صالح برندہ جایزہ سوم اثر منشور ادبی دری، لمری بریدمن محمد صدیقی رازقی بریدمن قطعہ دہم استحکام ہل چرخ برندہ جایزہ اول اثر منظوم پیتو، لمری بریدمن محمد صدیقی رازقی در سال ۱۳۲۰ شمسی

ہمچنان و الاحضرت خاتول جوایزی را برای نویسندگان و ہنرمندان کہ آثار شان حایز جایزہ شدہ بود توزیع کردند. درین محفل و الاحضرت شاہدخت مریم، و الاحضرت خاتول، رئیس ولسی جرگہ، بعضی از اعضای کابینہ، عدہ از جنرالہای اردوی شاہانہ، مامورین عالی رتبہ ملکی، بشاروال سرہرست کابل و عدہ از میرمنہای ستور پایتخت اشتراک ورزیدہ بودند. محفل بہ تلاوت چند آیہ از قرآن عظیم الشان آغاز گردید و متعاقباً پیام علما حضرت ملکہ معظمہ کہ بمناسبت روز مادر شرف صدور یافتہ بود قرائت شد (پیام مذکور بصورت جداگالہ درین مجلہ بہ طبع رسیدہ است) بعد از بیانیہ رؤسہ موسسہ نسوان مادران ممتاز سال معرفی شدند. مادران ممتاز سال عبارتند از : میرمن زینب کامیار درجہ اول. میرمن حمیرا خالد درجہ دوم، میرمن قطب النساء درجہ سوم و میرمن بی بی شیرین لجرابی درجہ چہارم .

میرمن بی بی شیرین لجرابی ساکن نجراب ولایت کاپیسا مادر است کہ از لابلای کوه ها و درہ ها چشمان فرزندانش را بہ اورعلم و معرفت روشن ساخت. موصوفہ در ایام صباوت از نعمت داشتن پدر محروم بود در سن پانزدہ سالگی مرحوم باغلام حیدر ولد سلطان بچہ مسکونہ نجراب از دواج نمود. شوہرش را کہ پیشہ دہقانی داشت سی سال قبل از دست داد. و برای پنج طفل خورد سال خود از حاصل یک جریب زمین نہا چیز دہقانی و وظیفہ مادری و ہدیری را انجام دادہ است و با شرایط ناگوار و ہر مشقت زندگی با متحد و دیت های شرایط اقتصادی و محیطی کہ مردم آنسر زمین در آن زمان از علم و عرفان بہرہ نہداشتند. محترمہ بی بی شیرین با روح معتقد و آگاہ بعد از



منظره دیگر از تجلیل روز مادر و ادیتوریم حربی پوهنتون

دگروال شاهپور احمدزی معاون تدریسی و مدیر مجله حربی پوهنتون درباره اهمیت مقام مادر و ارزش آن در تکوین نظام اجتماع بشری بیانه ایراد کرد.

دگروال احمدزی از سهم اردو در تجلیل مقام مادر یاد آوری نموده و مقام مادر را نسبت به تربیت فرزندان فداکار و قهرمان که خدمات آنان در کسب و حفظ آزادی فراموش نشدنی است ستود.

متعاقباً پیغله جمیله ولی، تورن گلزرك نادران و لمری بریدمن محمد فاروق کوشان، بناغلی شاه میر اکاخیل و رافع النور دو تن از محصلین حربی پوهنتون بیانه های درباره مقام مادر ایراد کردند.

دربین محفل برید جنرال امیر محمد معاون حربی پوهنتون، بعضی از جنرالهای اردو شاهانه هیات های اداری و تدریسی حربی پوهنتون، منسوبین خدمات تخنیکي و اکادمی تخنیک با خانمهای شان و محصلین کورس احتیاط اشتراك ورزیده بودند.

دربین محفل قرعه کشی لاتری به نفع صندوق مادر صورت گرفت و کالسترتی نیز با چوب بازی جالب و اتن ملی توسط جوانان آر کستر محلی حربی پوهنتون اجرا گردید و محفل با ادای لوی سلامی خاتمه یافت.

همچنین محافلی در سایر مکاتب و مؤسسات عسکری و ملکی بمناسبت روز مادر ترتیب گردیده و راجع به مقام مادر مقاله ها و اشعار شیوانی ایراد و انشا گردیده است.

مجله اردو و بیعت جزئی از نشرات اردو نیز به تقریب اینروز فرخنده و برای تکریم روز مادر صفحات علیحده را تخصیص داده و با نشر مقاله ها و اشعار از مقام والای مادر تجلیل کرده است. قراریکه خبر دیگر جمعیت افغانی سره میاشت بمناسبت روز

مادر یکصد جوهره لباس را که هفتصد متر تکه میشود بمادران مریض و بی بضاعت در شفاخانه های مرکز توزیع کرده است.

در خاص کستر متولد شده و بعد از ختم پوهنتون حربی در قطعه دهم استحکام پل چرخ ایفای وظیفه میکنند. وی در شعر پشیتو، جزء شعرای خوب محسوب میگردد و آثار منظوم وی در شماره های مختلف مجله اردو به پیمانه زیاد نشر شده است.

بناغلی سیلاب برنده جایزه دوم اثر منظوم پشیتو و بناغلی منت بار برنده جایزه سوم اثر منظوم پشیتو همچنین جایزه درجه اول هنری روز مادر به بناغلی محمد ارشد به زاد سلجوقی فرزند

مرحوم استاد فکری سلجوقی تعلق گرفت، بهزاد سلجوقی هنرمند میناتور نیست تابلوی زیبایی با حاشیه میناتور از علیاحضرت ملکه معظمه کشیده است و جایزه درجه اول اثر منظوم تصنیف به بناغلی علی اصغر بشیر تفویض گردیده است. (شعر لری بریدمن

رازقی بصورت علیحده در مجله اردو بطبع رسیده است)، دو جمله مادران سال گذشته، میرمن صفیه بخشی مادر درجه اول میرمن بی بی نور مادر درجه دوم، میرمن زلیخا مادر درجه سوم و میرمن حکیمه بهادر مادر درجه چهارم سال همه جز مادرانی بودند که فرزندان شان بجهت صاحب منصب در اردو انجام وظیفه

مینمایند. همچنین در جمله آثاری که سال گذشته جایزه شده بود یکی هم قطعه شعر پشیتو بنام (مور) اثر دگروال عبدالقدوس صاحبزاده مدبر مکتبیت و لایت زابل همکار صحیمی مجله اردو بوده که در شماره سوم مجله اردو بطبع رسید.

در محفل روز مادر که در انتر کانتی لنتل برگزار شده بود نشریه های فوق العاده که به مناسبت روز مادر بچاپ رسیده بود بحضورین توزیع شد و مدعوین به صندوق مادر مساعدت کردند. جریان محفل از طریق راد یو افغانستان از هتل انتر کانتی لنتل مستقیماً بخش شد.

قراریکه خبر دیگر محفلی عصر روز ۲۴ جوزا بمناسبت روز مادر ادیتوریم حربی پوهنتون ترتیب شده بود. در آغاز

امضای معاهده بن با مسکو و پولند



خوانندگان محترم مطلع خواهند بود که اخیراً در پارلمان جمهوریت اتحادیه آلمان معاهدات حکومت بن با مسکو و پولند تصویب گردید. این عمل موجب تبصره های گوناگون در سراسر جهان گردید و حتی عده از کشورها در حقیقت این واقعه را ختم جنگ بین المللی دوم محسوب کردند، اینکه ما در اینجا تبصره را به نشر میرسانیم که در جراید مملکت بصورت رسمی انتشار یافته است:

مقامات موسسه ملل متحد و ناتو از رای مجلس نمایندگان بن در مورد معاهدات جمهوریت اتحادی آلمان با پولند و اتحاد شوروی استقبال کردند. داکتر کورت والد هایم سرمنشی موسسه ملل متحد گفت:

تصویب معاهدات مذکور توسط مجلس نمایندگان بن يك قدم در راه حسن تفاهم بهتر بین شرق و غرب میباشد. داکتر لوانز منشی پیمان ناتو نیز از نتیجه رای گیری مجلس نمایندگان بن در مورد تصویب معاهدات مذکور استقبال نموده گفته است که با تصویب این معاهدات را برای انعقاد يك کنفرانس امنیت اروپائی هموار شده است.

اتحاد شوروی در اولین عکس العمل رسمی آن کشور از تصویب این معاهدات استقبال نموده و آنرا يك امر مهم خواند.

ولیی برانت صدراعظم جمهوریت اتحادیه آلمان گفت با تصویب معاهدات بن با مسکو و وارسا يك فصل جدید در حیات جمهوریت اتحادی آلمان باز خواهد شد.

مجلس نمایندگان بن بعد از سه هفته رکود بالاخره معاهدات مذکور را تصویب نمودند، تقریباً همه اعضای

حزب مخالف دیموکرات مسیحی در رای گیری مذکور رای مستنکف دادند. داکتر بارزل رهبر حزب مخالف دیموکرات مسیحی در روز قبل مخالفتش را در مورد معاهدات مذکور از میان برد.

نتایج رای گیری امروزی پارلمان جمهوریت فدرالی آلمان در مورد پیمانهای آن کشور با مسکو و وارسا صفحاتی را در تاریخ بعد از جنگ آلمان تغییر داد و دور نمایی جدیدی را در روابط شرق و غرب افتتاح خواهد کرد.

این حقیقت که لایحه مربوط به تصویب معاهدات مورد تأیید مجلس نمایندگان قرار گرفت گرچه اکثریت در آن خیلی زیاد نبود مایه امیدواری حکومت ویلی برانت میباشد و آخرین مهر را برای عادی ساختن روابط آلمان غربی با اروپای شرقی گذاشت.

يك حساب جنگ جهانی دوم فقط درین روز بعد از آنکه موثقی ترین سند صلح از آخرین مرحله تصویب راه خود را بسوی مسجلات قانون بین المللی باز کرده خاتمه یافت.

حکومت ویلی برانت معمار، سیاست جدید مصالحه آلمان فیدرال امروز موفق شد تا متن پیمانهای را که در واقع روی قالب ستا تسکوی اروپا کاتکریت می ریزد از مجلس پارلمان کشور خود گزارش داده و باین ترتیب به هفته ها انتظار سیاست مداران اروپایی که با تقرب این مرحله بحرانی و نازک نفس های خود را بالا گرفته بودند پایان داد.

جریانات مربوط به تصویب یا عدم تصویب چنین اسناد تاریخی در خلال چند ماه گذشته خیلی پرسر و صدا بود

که تقریباً درین مدت همه روز موضوع روز شمرده میشد زیرا پیمانهای را که برائت در سال ۱۹۷۰ با اتحاد شوروی و پولند امضاء کرد در پارلمان جمهوریت اتحادی آلمان بر سر يك دوراهی خطرناکی قرار داشت. یا اینکه باید جزء مسجلات قانون بین المللی میگردد و آغاز يك تاریخ جدید اروپا میشد و یا اینکه مانند اوراق لی اثر در باطله دائمی تاریخ گذشته آلمان سقوط میکرد.

چانس هر دو حادثه مذکور مساوی بود و سرلشت این اوراق مهم مدت زیادی محل گفتگوهای تند مردم و احزاب آلمان غربی و جروب بحث های بین المللی بوده است.

بهر صورت این پیمانها که برای بار اول لفظ ناپذیر بودن بالقوه سرحدات موجود اروپا از جمله سرحد بین دو آلمان را برسمیت میشناسد ازین دوراهی نجات یافت و عملاً آلمان و اروپا سراز امروز تاریخ صلح خود را آغاز کرده و بجزئیات میتوان گفت که سلسله تاریخ جنگ جهانی دوم با ناپدید شدن آخرین منشای جنگ سرد که عبارت از دامن زدن خصومت در قلمرو افکار و ذهنیت ملت ها است فقط امروز در اروپا پایان یافت.

اشتباه است اگر صلح را توقف يك جنگ گرم تعریف کنیم صلح وقتی حاصل میشود که حالت موقت بعد از جنگ نیز جای خود را بیک حالت دائمی داده و متعارف بین حالت جنگ سرد را بین خود از بین ببرند مردم آلمان اینک شاهد همین وضع هستند.

متصل تصویب این پیمانها مردم آلمان اولین اروپایی هایی بودند که طعم حالت صلح را چشیدند زیرا قرار

موافقات بین دو قسمت آلمان که تاحال مشروط به تصویب پیمانها بود امروز مردمی که ۲۳ سال خویشاوندان خود را در آنطرف خط انقسام ندیده بودند باالصوب رفتند .

آلمانی ها ازین به بعد بخاطری نفسی براحت بکشند که بالاخره چشم بواقعیت باز کردند .

نمایندگان مردم آلمان غربی امروز با دادن رای خود با جرئت اخلاقی بواقعیت های تاخ اعتراف وجغرافیای بعد از جنگ اروپا را قبول کردند . (توماس کارلائل) مورخ معروف انگلیسی میگوید، هیچ مردمی نمی تواند از نتایج تاریخ خود فرار کند . ملت آلمان که امروز بحال انقسام است تاریخ پرفراز و نشیبی داشته است و از آن نتایج مختلفی گرفته اند .

یکصد سال قبل از امروز نوئی بسمارک روی خرابه های امپرا توری متلاشی شده پروشیا اساس رایش آلمان را بنا کرد او باین جامعه جدید قدرت اقتصادی داده موسسات دیموکراتیک بنا کرد و بنیاد يك پارلمان ملی را گذاشت .

ولی متاسفانه چا نشینان بسمارک دوسر تبه باز گلیم خود بیرون کردند وآرامش همسایگان خود را برهم زدند و در لوبت آخر به جنگی دست زدند که نظیر آنرا تاریخ بشریت ندیده بود . این جنگ دوم جهانی بود موجه های این جنگ باچنان قوت و شدت در دنیا حمله ور شد که نتایج و تغییرات فراوانی را در تابلوی سیاست بین المللی چهره اروپا و چهره آلمان نقش نمود . در اثر حرب دوم بین المللی در صحنه سیاست بین المللی دو قدرت جدید یعنی اتحاد شوروی و ایالات متحده عرض الدام کردند این دو قدرت از فراز يك قاره تقسیم شده خود را مقابل یکدیگر یافتند .

تندیاد این جنگ خالمان سورخطوطی را که روی نقشه ملل اروپائی را از هم جدا میکرد پاک نمود و اروپا را

در يك حالت ابهام گذاشت که در آن کسی نمی دانست به چه کشوری تعلق دارد . زعمای قدرتهای بزرگ در کنفرانس های اوضاع اضطراری با پنسل لشفه جدیدی رامسوده کردند که فقط امروز با تصویب پیمانهای عدم تعرض روی آن رنگ ریخته شد . تاریخ تجربه کرده که هر گاه يك جنگ گرم بچنان عظمت و قوت خاموش هم گردد در عقب خود هزار ها پرابلم را باقی میگذارد و در عقب آن جنگ سرد وجدالهای غیر مسلحانه ادامه می یابد .

حالت جنگ سرد بعد از جنگ بین المللی متاسفانه ۲۷ سال دوام کردنه تنها دوام کرد بلکه يك مرتبه حین بحران برلین ۱۹۶۱ نزدیک بود باز بیک جنگ گرم تغییر شکل بدهد، دلیل آن این بود که حکومت آلمان غربی بر اساس تیوری دا کترها لشتاین نمیتوانستند نتایج این جنگ را که عبارت از انقسام آلمان بود قبول کنند . دو کتورین ها لشتاین بقدری پیش میرفت که بر اساس آن آلمانی های با یست هر پیشنهادی از جانب شرق را بدون تفکر بصورت اتوماتیک رد میکردند لفظ سه سال میشود که آلمانی های این نظریات راره کردند و عقاید عامه باشندگان جمهوریت فیدرال آلمان در آرائی متمکس گردید که به لفع انتخاب ویلی برانت داده اشد .

ویلی برانت پایه ای را که معمار آن دا کتر ها لشتاین و زیر خارجه ادناور بود از زیر پلهی که اینکشور را با جهان خارج وبه همسایگان شان ارتباط میداد دور نمود و در عوض دو پایه مصالحه و دیتانت را استوار کرد که عبارت از همان دو پیمان است .

برانت میدانست که از راه زور توحید مجدد دو آلمان امکان ندارد اگر از راه استعمال قوه باشد آلمان واحدی که بیک خا کتوده رادبواکتیف مبدل شود . بدرد چه کسی میخورد . معذک و در قناعت مخالفین سیاست

دوستی خود با شرق مخصوصا در قناعت کسالی که عمری را تحت تاثیر جنگ سرد بسر برده بودند مشکلات فراوان داشت مقاومت سر سختانه و قوت سیاسی حزب دیموکرات مسیحی ، در مباحثات چند هفته ئی پارلمانی خود نشان داد که مردم آلمان روی این موضوع تقریبا بدو نیم حصه مساوی تقسیم شده بود .

برانت با درک همین حساسیت پیمانهای خود را طوری ترتیب داد که مغایر اید پال توحید مجدد آلمان از راه صلح ومذاکره قرار نگیرد زیرا بیکه از سطور مندرج در پشانی قانون اساسی آلمان فیدرال نوشته شده که هر آلمانی مکلف است تا در راه وحدت آلمان کار کند . لفظه حساس پیمانها این سطر است که میگوید سرحدات موجود اروپا از راه قوه قابل نقض نمیباشد .

اگر این پیمانها رد میشد یقینا آلمان فیدرال در میان متحدین خود و در جهان حرب تجزیه میگردد (زیرا فرانسه خود جاده دوستی با شرق اروپا پیش گرفته و رئیس جمهور ایالات متحده نیز به مسکو رفته است تا حالت مقابله را با اتحاد شوروی خاتمه بدهد . ایتالیا کانادا و انگلستان هر کدام آهنگ اختتام وضع خصومت کرده اند .)

اگر پیمانها رد میشد در چنین یک جهان آینده آیا آلمان میتواند مانند جزیره جنگ سرد در وسط اوقیانوس روابط بین المللی بحیات نور مال خود ادامه بدهد .

مجلس پارلمان این کشور که نمایندگی از عقاید مردم آن میکند با تصویب پیمانها امروز باین سوال جواب منفی داد و با یدعم میداد زیرا چنین چیزی امکان نداشت .

برالت سال گذشته در حالیکه پروژه اوست هولتیک او هنوز خام بود و در دیگر مباحثات پارلمان نجوشیده بود بخاطر آن جایزه صلح گرفت ولی تأیید امروز پارلمان از وی ثابت کرد که سیاستمدار بیکه تا این قدر دور اندیش باشد مستحق یک جایزه بین المللی است .

در سراب آب و گل پرورده است
کو ترا با خون دل پرورده است
رهی هستیوری

مهر بان مادر چو شاخ گل مر ا
میفشایم خون دل در پای او

لوئیسده بیغله نورجهان

صاحبان (مخامی)

ما در!

مادر، مادر .

مادر مهربان من .

هیچگاه خاطره های خویش را که از
تو یادگار دارم فراموش نخواهم کرد .

مادر . ای کانون عشق و محبت
ای فرشته زیبا و مهربان من .

من گاه گاهی وقتی که بفکر زیباترین
و با ارزش ترین چیزها در دنیایم اندیشم
فوراً نام زیبای تو در ذهنم خطور میکند .

ای مادر شیرین من !

کلمه مادر مقدس ترین و زیبا ترین

کلمه در جهان است .

روزی که همه فرزندان این سرزمین
بپاس مقام شامخ مادر این روز را با
گرم جوشی تجلیل میکنند .

همه پسران و دختران به پیشگاه
مادران خود زانو میزنند و بردستهای
مادر بوسه های فراوان نثار میکنند .

هدیه های که ارزش معنوی آن
بمراتب بالاتر از ارزش مادی آن
میباشد بمادران خود تقدیم میکنند .

مادر . من که تر اندام تا هدیه
برایت تقدیم کنم و به پیشگاهت زانو
بزدم و دست هایت را غرق بوسه کنم .

مادر . اینک چند قطره اشک فرزند
بیکس و تنهایت را بعنوان هدیه قبول کن .
مادر ترا میگویم صدایم را میشنوی

نه ... نه ... نه .

میدانم ... تو سالیهاست که مرا
ترک کردی .
آن دستهای نوازش گرت که همیشه

سرور و بیم را نوازش میکرد حالا در

از همه طرزی

همه مادرها را دوست میدارم!

زیبا ترین کلمه

و مقدس ترین نام !

(مادر) .

برای من همه تان مقدس و پاک هستید .

از آن مادری که طفل در بغل در کوچه ها در جستجوی تان است .

تا آن مادر بیکه در ناز و نعمت طفلیش را پرورش میدهند .

از آن مادری که با کترین لطفه را پرورانیده .

تا آن مادری که در اثر اشتباه لغزیده .

آخر او نیز مادر است .

و همه مادر هستند .

و برای من همه پاک و مقدس اند .

.....

برای من :

مادر ... مادر ... مادرها .

همه مقدس اند .

همه .

همه بپاس زن بودن ، همه بپاس رنج کشیدن .

و پروراندن لطفه ، باله ماه مشقت و زحمت .

آری همه مادرها برایم مقدس اند

و هادشان برای من گرامیست .

و همه در روز مادر و روزیکه مقام شان تحلیل میشود سپیچند .

چون (مادر) هستند .

و مادر ... همیشه همه جا و برای همه گرامیست .

باز هم خاطره های توست که تا
اندازه مرا بخود مشغول میدارد .

دختران و پسران جهان . شما که
مادر دارید . شما که از نعمت نوازش -

های مادرانه بر خوردار هستید .
بر خود بیایید و بفر کنبید زیرا

وقتی شما بقدر و منزلت مادر خوبتری
برده میتواید که مادران قار را از

دست بدهید . درود بر تمام مادران جهان .

زیر خاک ها مدفون است .

آه مادر . مادر تازنینم من و تیکه
ترا داشتم همه چیز داشتم و غمی را

نمی شناختم . اما . اما تو رفتی و مرا
در دنیا با تمام غم هایش تنها گذاشتی

حالا هیچ چیزی ندارم .

مادر . تو بزرگترین اتکای من
بودی . مادر مادر ایکاش میدیدی که

ای تو چقدر زبون و چقدر لاتوالم .

روابط بین قوه، سیاست و ستراتیژی در عصر امروز

ترجمه و نگارش جگتورن ارکانجر
علی احمد جلالی

قسمت سوم



طرف مونستیکو و لوکو و پیل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به اینصورت در شرایط کنونی از یکطرف احساسات ملی کتله‌های مردم در کشورها و جوامع کم‌رشد و روبه‌انکشاف در راه احراز موقعیت مستقل سیاسی در جهان و قبول فداکاری‌های مداوم درین مورد و از جانب دیگر مخالفت توده‌های مردم در مالک انکشاف یافته و غنی در مقابل حرب‌های استیلائی و استعماری دور از کشور عواملی است که بر استعمال قوه در ساحه عمل تجدیداتی وضع میکنند. به این ترتیب اگر قوه استعمال شوند بسیار نیرومند و توانا بوده و قدرت در هم شکستن مقاومت‌ها را در خارج هم مالک باشد باز هم چون از داخل بر استعمال آن تجدید وضع می‌شود و استعمال کنندگان قوه از داخل زیر فشار می‌آیند بنا بر آن نیرومندترین قوه هم در ساحه عمل یافته و غنی می‌گردد. در کشورهای انکشاف یافته و غنی کم شدن تمایلات مردم به قبول خطرات بزرگ در راه پیشبرد جنگ‌های استیلائی در خارج و مشکلات نظام‌های آزاد دیموکراتیکی در آنجا اجرای هر نوع حرب استیلائی خارجی و محدود را از طرف دولت که با سیاست خارجی آن کاملاً موافق نبوده مورد قبول عامه نباشد مشکل است و همینکه اینگونه دولت‌ها به چنین حرب‌هایی که از طرف اکثریت اتباع آن کشور حرب‌های مذکور می‌مورد تلقی می‌گردد اقدام ورزند فشار توده‌های مردم بر دولت‌ها در مورد قطع کردن حرب‌های مذکور بعمل می‌آید، همانطوریکه امروز همین گونه فشار بر حکومت ایالات متحده آمریکا در خصوص حرب ویتنام موجود است.

در اینجا برای توضیح حالتی که اکثراً عدم توانائی قوه را در حوادث بین‌المللی امروزه به ثبوت میرساند وضعیت ایالات متحده آمریکا را در ویتنام مثال می‌آوریم. اگر ایالات متحده آمریکا به توصل به اهداف خود در ویتنام از طریق استعمال قوه به موفقیت نرسیده است دلیل آن از یکطرف مقاومت ویتنام شمالی و از جانب دیگر عکس‌العمل مخالف آرا و ذهنیت داخلی آمریکائی‌ها می‌باشد. یعنی همانطوریکه مقاومت و فعالیت اکتیف ویتنام شمالی و ویتنامیک در راه رسیدن آمریکا به اهداف آن در ویتنام موانع ایجاد میکند ذهنیت عامه در داخل آمریکا و عکس‌العمل‌های ناشی از آن نیز بر فعالیت‌های سیاسی و نظامی آمریکا در ویتنام تجدید وضع کرده در مقابل نیروهای آن موانعی بوجود می‌آورد. دلیل اولی ناشی از تلاش‌های ضد استعماری و آرزوهای حریت طلبی و احساسات فداکاری، قربانی و گرایش بیکه مقهوره واحد توده‌های کم‌انکشاف می‌باشد که از سالهای سال به جنگ در مقابل خارجی‌ها عادت گرفته‌اند و از نظر مفاهیم آیده‌لویژیکی و ستراتیژیکی این مقاومت از طرف یک تشکیلات و دسپلین دولتی بوجود می‌آید که توسط جنبش‌های کمونیستی رهبری شده و زاده جنگ‌های انقلابی می‌باشد. در عین زمان دلیل ثانوی (ذهنیت‌های عامه در داخل آمریکا) ناشی از انکشاف ارتباطات کنلوی بین مردم، تبارز ارزش‌های فکری عامه و انحطاط نفوذ قدرت در جوامع ثروتمند و یا ناشی از مشکلات یک دیموکراسی آزاد در مورد سوق و اداره و پیشبرد یک حرب استیلائی با موجودیت یک سیاست خارجی معین می‌باشد. و این موضوع اخیراً لذکرمدتها پیش از

برخی ناظرین درین مورد بر جنبه های ویتنامی و جنبه های امریکائی جنگ و یا بر جنبه مراحل و صفحعات انکشاف اقتصادی و اجتماعی و یا بر جنبه نوعیت ساختمان های سیاسی تاکید بیشتر بعمل آورده و خصوصیت هر کدام از این جنبه ها را بطور جداگانه قابل تحلیل و تجزیه خواهند دانست. مگر در تمام موارد اختلافات و فرقه ها در خصوصیات این جنبه ها به هر شکلی که باشد قضاوت ما را در مورد ناتوانی قوه در ساحه عمل در اوضاع کنونی جهانی و نتیجه گیری ما را در مورد نقش قوه تأیید میدارد و در عین زمان یکتعداد سوا لاتی را به میان کشیده میتواند که امروز هنوز هم قابل بحث و گفتگوی بیشتر می باشند.

اولتر از همه آنچه امروز حرب های استعماری را بسیار مشکل ساخته عبارت از نیست که در کشور های کم رشد و روزه انکشاف یک سفربری و وسیع و بسیج شدن کتلوی سوسیو پولیتیکی به وجود آمده است و تمام نیرو های داخلی که بر ارزش های سیاسی و اجتماعی متکی می باشند برای مجادله و مبارزه بخاطر حفظ هویت ملی، استقلال و حاکمیت ملی سفربر شده اند (در چنین کشور ها یک تناسب بزرگ تزیاید نفوس به اشکال مختلف بر سیاست ملی و سیاسی جهانی موثر قرار گرفته است). برعکس آن همیشه از متفرق شدن نیرو های داخلی متکی بر ارزش های سیاسی در کشور های انکشاف یافته ذکر بعمل می آید طوره که در شرق و غرب هر دو بخوبی بملاحظه میرسد که زلدگانی شخصی، افرادی، قومی و حرفوی (صنفی) نسبت به زلدگانی کولکتیف (مجموعی) افلا با اغماض بعضی حالات استثنائی بیشتر توسعه و پیشرفت می کند (همانطوریکه قبلاً بنجامین کانستانت به آن اشاره کرده و نظر به آن آزادی سودن را بر خلاف آزادی قدیم دانسته است). همچنان معلوم می شود که یکنوع بخصوص نشنالیزم خشوات آمیز در کشور های تازه به استقلال رسیده در حال ارتقا و در کشور های انکشاف یافته، افلا در ممالک غربی در حال انحطاط می باشد. ریشه اصلی برا بلم از همینجا منبع میگیرد به این معنی که آیا میتوان گفت که استیلا و یا اشغال نظامی کشور های کم رشد و روزه انکشاف بسیار مشکل می باشد (مانند ویتنام) و برعکس اشغال نظامی کشور های انکشاف یافته آسانتر است (مانند چکوسلواکی)؟ مخالفت قلبی مردم چکوسلواکی در مقابل اقدامات شوروی برای اشغال آن کشور مسلماً کمتر از مخالفت هلنی مردم ویتنام شمالی در برابر اقدامات ایالات متحده امریکا نبوده است. اگر مردم چکوسلواکی مقاومت نظامی قابل مقایسه و یا ویتنام شمالی را از خودشان ندادند دلیل آن صرف به شرایط اراضی و همچنان به این حقیقت مربوط می باشد که یک ملت غربی، انکشاف یافته و سرمایه دار بدون مسلم بودن چانس های موفقیت قطعی راه مقابله را اختیار نمیدارد.

مگر در عین زمان یک جنبه دیگری هم موجود است که

عبارت از دلچسپی ها و ملاحظیات مربوط به قدرت های بزرگ جهان (و این موضوع در حقیقت یک فکتور دیگری است) و نوعیت رژیم سیاسی می باشد که به نوبه خود که نحو استعمال قوه موثر قرار میگیرد: یک دیموکراسی آزاد در استعمال قوه مغایر پرنسیپ های خود و در برابر چشم ذهنیت های عامه داخلی خود (افلا در حالیکه ظاهرآ استعمال قوه مغایر این پرنسیپ ها باشد) مشکلات دارد و به سوا ل زیادی مواجه می باشد. اتحاد شوروی این را بلم هارا ندارد: پس از اشغال براگ از طرف نیرو های اتحاد شوروی نه انتخاب کنندگان و نه پوهنتون های آن کشور مانند مردم و پوهنتون های ایالات متحده امریکا پس از عملیات تعرض تیت (سال نو ویتنامی) و آغاز اقدامات نظامی در کمبود یا به جنبش و تظاهراتی دست زدند. یعنی در حالیکه با تعرض عمومی توانی امریکائی در ویتنام در سال نو ویتنامی (۱۹۶۷) و داخل قوت های امریکابه کمبود پادرت تمام امریکا مردم و پوهنتون های به تظاهرات علیه پالیسی حکومت تشیث کردند، پس از اشغال براگ از طرف قوای شوروی مردم و پوهنتون های شوروی هیچکدام به عکس العمل مخالفی اقدام نوزیدند. بر اساس این موضوعات آیا نمیتوان نتیجه گرفت که نقش قوه اساساً در دو طرف فوق الذکر به این علت از هم فرق دارد که در مورد اول (امریکا و ویتنام) یک کشور دارای دیموکراسی آزاد و اقتصاد بسیار غنی بایک ملت کم رشد و دارای رژیم کمونیست (ویتنام) مقابل می باشد و در مورد دوم (شوروی چکوسلواکی) یک قدرت کمونیستی که قسماً روزه انکشاف است بایک کشور انکشاف یافته اروپائی که آلمم اگر چه کمونیست می باشد ولی بنا بر دلایل قوی تمایلات آزاد داشته مقابل بوده است؟ یعنی آیا میتوان دلیل فرق نقش قوه را در مورد فوق از یکطرف به درجه رشد اقتصادی متخاصمین و از جانب دیگر به نوعیت رژیم های سیاسی آنها مربوط دانست؟

اشتهاء خواهد بود اگر اینطور نتیجه گیری کنیم که انگیزه های ارزش ها و سیستم غیر شد بد و غیر نظامی ضرورآ تمایلات دفاع را تقلیل میدهد و یا میلان بعضی از گروپها به زلدگی در یک افق وسیع که در آن میل به اختلاط در نسل های دیگر نسبت به گرایش به تمامیت های خاص سیاسی زیادتر می باشد ضرورآ باعث بوجود آمدن انحطاط در هویت های ملی و یا هویت های غربی میگردد. بهما از تجربه های گذشته نشان میدهد که در برابر تهدید و خطر مستقیم قوه و یا ظلم احجاف اقدامات و اجرا ات دیموکراسی ها نیر و مند تر از مسهلین دیکتاتور ها می باشد. مگر بطور دقیق خطر استیلا و تهدید خشونت آمیز و مستقیم قوه کمتر از خطر فرسایش و اختلالات داخلی (که از داخل آغاز شده، توسط دیگران تشویق شود و یا از خارج تحریک گردد) در وقت صلح می باشد و دلیل آنهم اینست که در وقت صلح اختلالات داخلی در اجتماعات اشتراکی همکاریها و اتحاد مجموعی، در اجتماعات آرام دفاع و در

اجتماعات لیبرال توازن خارجی را مختل می سازد و اندیشه های همکاری، دفاع و توازن خارجی دلایل عمده خطرناکتر بودن اختلالات داخلی را نسبت به تهدیدات مستقیم قوه تشکیل میدهد.

درجهانی که همه به توسعه بحرالالت و دوام آن می کوشند بوجود آمدن پراپلم های مختلفی بین دولت و اجتماعات و درچوکات بین المللی بین سیستم های نسبتاً مستقر دولت ها و تحولات نسبتاً پر حادثه اجتماعات ماواری ملی امکان پذیر می باشد. دولت یا دولت ها طریق وارد کردن فشار را در مقابل بی انتظامی های داخلی انتخاب کرده می توانند و با جلب منابع توسعه اتوریته خود به داخل و یا تمرکز اقدامات خارجی خود به داخل جلو حوادثی را می گیرند که روزی خطر انفجار داخلی را بوجود آورده می تواند. و با برعکس یک انحطاط بطی و یا جذب بطی اتوریته از طرف جامعه و توده امکان پذیر می باشد و این حالت یک وضع فرسایش سیستم ها خواهد بود: دولت توسط سازمان های خود، اتحاد، امکانات نظامی به موجودیت خود دوام میدهد مگر در شرایطی که دولت ها درچوکات یک کلمه تخنیکی قرار گرفته و به پیشبرد ایجابات آن مصروف میگردد، اشتغال و فعالیت ارزش ها و توسط جامعه بتدریج تعدیلاتی بر آن ها وضع می نماید. معروفیت و اشتغال پارتی ها (یعنی کشورهای شامل اتحادیه ها و یا گروه ها و افراد در ملت ها) سیستم ها را بدلیل سایرین می برد که صرف بعضی از متخصصین کار بودن آنها تأیید میدارند: از همین موضوع خطر دولت های بدون اتباع و بدون مردمان دولت و جنگهای بدون سرباز بوجود می آید.

در یک سیستم بلاک و بین المللی و یک جامعه تکنو-بیر و کراتیک تقریباً بطور مداوم میتوان یکنوع انارشی داخلی را که تا حدودی از طرف سازمان هائیکه زندگی مطلوب خود را تعقیب میدارند دوام داده می شود درک و ملاحظه کرد. درین ضمن باید وسیعتر خطرات از بین رفتن و ضعیف شدن قانون، انحطاط و یا عکس العمل های تشدد آمیز باقی می ماند. گذشته از آن امکان دارد که این خطرات از خارج وارد شود یعنی در صورتیکه تأثیرات اختلالات و انفجارات داخلی یک سیستم فرعی دیگر به داخل یک سیستم فرعی در حال فرسایش انتشار یابد و یا اگر اختلال یک محیط زمینه را برای توسعه اختلالات محیط های دیگر به محیط مذکور آماده سازد.

در یک جامعه انکشاف یافته که بیک شکلی با موجودیت یک سپروچتر اسلحه ذروی مالک تحفظ باشد احتمال دارد که ملاحظات توازن، قدرت، نفوذ و یا امتیلا مفهوم جدیدی پیدا کند سیستم بخوبی فعالیت خود را دوام میدهد مگر آنچه در داخل آن میگذرد و روی میدهد از یک سیستم فرعی به سیستم فرعی دیگر توسعه یافته و هدف یک سیر معکوس فرسایش و یا یک دکادالس (انحطاط) قرار میگیرد که معادل سپر مودرن

قدرت می باشد. هیچکدام قدرت چیزی بدست نمی آورد و نه کسی تمایل به بیرون شدن از اتحادیه غیر مطلوب پیدا میکند در خارج از نقطه نظر تقسیمات ارضی و خطرات تجاوز هیچ حادثه ای رخ نمیدهد. مگر در واقعیت امر تمام حوادث در داخل واقع می شود به این دلیل که در خارج نفوس ملتها و اتحادیه ها از خود دارای هویت، اتحاد و دینامیزم های قابل مقایسه می باشند بنابراین یک سیاست تعرضی عبارت از تلاش برای تخریب دشمن و یا سیستمی که تعرض کننده جزء آنست نخواهد بود بلکه عبارت از وارد کردن تأثیر برای جلوگیری از تشویق اتحاد و تقویت دشمن و تشویق توامت نیروها و ازین بردن انارشی در داخل قلمرو تعرض کننده خواهد بود شاید در عصر ذروی همین موضوع جانشین استیلا و یا معکوس اتحادیه ها و در عین زمان تامین کننده عمق و ثبات سیستم و تحول و انکشاف مجرد آن باشد.

در تمام موارد قبل از همه بر اساس همین شکل غیر مستقیم و مغلق دیپلتيك فرسایش و عقب ماندن، توسعه و انفجار می باشد که امروز بحیث پراپلم اصلی در روابط بین قوه و سیاست قرار میگیرد.

بطور کلی قوه هائیکه برای تبارز، فرسایش و عقب آمدن فشار وارد میکنند در غرب به خوبی به ملاحظه میرسند و قوه هائیکه برای نفوذ، توسعه وارد کرد و خطرات انفجار را قبول کرده می توانند زیادتر در شرق موجود می باشند در حال حاضر اتحاد شوروی (و پس از پایان انقلاب کلتوری کشور چین) استند که از استقلالیت حرکت بزرگی در موضوعات سیاست خارجی، مداخلات نظامی و از قابلیت تامین نظم و اداره در دولت های مربوطه خود و صحنه های تحت نفوس خویش برخوردار می باشند، علایم فرسایش و عقب آمدن موجوده که در غرب دیده می شود بارزتر و روشنتر از امکانات توسعه مزید یا انفجار آینده در شرق می باشد.

هرگاه جهان سوم را درین محبت داخل نموده و نقش قوه را در حوادث و اوضاع مربوط به آن قیمت بدیم معلوم می شود که کشور های کمونیستی، اقلاً از نقطه نظر تشدد داخلی یک موقف وسطی و غیر ثابت را اشغال میکنند هرگاه قرار باشد که مقایسه اوضاع را در سه دنیا (غرب، شرق و جهان سوم) در یک جمله خلاصه کنیم میتوان گفت که این اوضاع بصورت عمومی و مجموعی مجادلات داخلی را بسرعت و خشونت زیاد در کشورهای روبه انکشاف تقویه کرده و به بی ثباتی و غیر مشخص شدن ساختمان های دولتی و روابط بین قدرت ها کومک میکند. در غرب مجادلات داخلی روبه توسعه ولی دارای شدت نسبتاً معتدل در ساختمان های داخلی و روابط نسبتاً استیکی با دیگر قدرت ها موجود است یعنی روابط کشور های غرب با قدرت های دیگر شکل استیکی و مجادلات داخلی آن در تشکیلات داخلی شدت نسبتاً معتدل را دارا می باشد. در جهان کمونیست فشار و قوه یک شکل

ساختمانی دارد و در داخل تشکیلات منحل شده است مگر اختلافات علنی داخلی درین مناطق بعثت جدی بودن تشکیلات و روابط قدرت ها به قدرت دیده میشود . سوال عمده عبارت از فهمیدن این موضوع است که آیا دنیای کمونیست (از طریق فرمایش و با تحول نسل ها) بسوی يك حالت بی انتظامی استیسی مانند غرب تصور خواهد نمود و یا آیا يك حالت مجادله بین گروپ ها ، مجادله ملت ها و یا آزادی هائیکه در کشور های جهان سوم به آن قیمت داده میشود انفجار خواهد کرد .

از نظر تشددات و اختلافات بین الدول که هدف نخستین مطالعات ما را تشکیل میدهد گفته شده میتواند که تشددات و اختلافات بین الدول زمانی امکان پذیر است که قبل از تمام تطورات داخلی قدرت فعالیت و امکان تطبیق پیدا نماید . آنچه امروز الحطاط کرده است عبارت از تصمیم عمده برای استعمال مستقیم قوه بین دولت های انکشاف یافته ، خصوصاً در محیط های ذروی (یعنی مناطقی که استعمال اسلحه ذروی در آن احتمال داشته باشد) می باشد . در حقیقت ایجابات محاسبه و سنجش منطقی فکتور های اقتصادی و ستراتیژیکی باعث امتناع از استعمال مستقیم قوه و ما جراً جوئی ها قرار میگیرد . مهذا بعضاً در وضعیت های غیر مساوی یعنی در حالیکه طرفین از حیث قوه مساوی نبوده یکی لست به دیگری تفوق داشته باشد عین محاسبه و سنجش های منطقی (فکتور های اقتصادی و ستراتیژیکی) بسیار به آسانی به استعمال قوه در ساحه بین الدول منتهی شده می تواند مانند استعمال قوه بلاک شرق در چکوسلواکی . بالا تر از همه ، علاوه به محافظه واقعی حالت توسعه تمایلات به تشدد لزد دولت های روبه مودرن شدن (که اکثر اوسیله صنعت داخلی آنها اصلاح می شود) تشددات بین الدول بسوی اشکال بسیار غیر مستقیم تحول و تغییر می یابد .

اگر قبل از همه با انحطاط حرب نوع مجادلات فرق کرده و مجادله بشکل تشددات در داخل کشورها عبور کرده است این تشددات در ساحه روابط بین الدول نیز منجبت شکل فعلی مجادله العکاس میکند زیرا استعمال مستقیم قوه در ساحه بین الدول بعثت ترس از انکشاف آن بیک حرب تخریبی و تحریک مداخله قوه های بزرگتر غیر عملی بار آمده و مجادله بشکل تشدد را بخود گرفته است . مسلماً قدرت های بزرگ کوشش می کنند که از مجبور شدن به استعمال مستقیم قوه جلوگیری بعمل آورند و بعضاً درین راه تا حدی اهتمام بخرج میدهند که اخیراً با کشوری چون سیلون يك اتحاد غیر لفظی را برای محافظه حالت موجوده در آن ساحه بوجود می آرند . مگر این قدرت های بزرگ که بهرالات پولیتد را از یاد نبرده و وضعیت فعلی را در امریکای لاتین به چشم سر می بینند بخوبی میدانند که هنوز هم در جهان امکان تکرار شدن حوادث چکوسلواکی ، مسلماً بحران ویتنام موجود است و بعضاً خطرات عدم استقرار داخلی کشورها و مداخله خارجی مانند حوادث

یوگوسلاوی ، شرق میانه و هند با کشور هائی هم تماس پیدا میکنند که در مناطق مذکور دلچسپی هائی دارند و به یکی از جوانب خوشبینی پیدا میکنند و این موضوع خود بخود خطر را متوجه مداخله کنندگان می سازد .

ثانیاً استعمال غیر مستقیم قوه عسکری به مقصد وارد کردن فشار های معتدل ولی مسدود دهلوماتیکی امکان پذیر می باشد مثال های مربوط به اوضاع دولت های کوچک که بیطرف می باشند و یا با یکی از قدرت های بزرگ نزدیک واقع شده و یا هم از طرف یکی از قدرت های بزرگ حمایت می شوند این موضوع را بخوبی روشن می سازد . و این همان خطری است که اروپا را تهدید میکند البته در صورتیکه اروپا با حالت آمادگی دفاعی را اتخاذ نکند .

بالاخره و مهمتر از همه تاثیرات غیر مستقیم تر از قبیل توازن ستراتیژیکی ، توازن ترس ها و امیدواری ها و توازن تمایلات عناصری اند که قیمت دادن و مسلماً درک و شناختن آنها برای ما بسیار مشکل است و این عناصر محققاً در تعین و تشخیص محیط های بین المللی فردا نقش قاطعی دارند . در چنین محیط ها استعمال مستقیم و تعرضی قوه تقریباً همیشه مصیبت بار خواهد بود . و بنا برین میتوان امیدوار بود که استعمال مستقیم و تعرضی قوه در آینده بسیار نادر و نادر تر شده خواهد رفت . مگر نقش پوتائیسل غیر مستقیم و دفاعی قوه منجبت يك عنصر توازن استقرار بدون تاثیرات فزیکتی و انتشار یافته يك نتیجه حتمی و اجتناب ناپذیر انحطاط استعمال مستقیم و تعرض قوه خواهد بود . بین دولت ها مانند اوضاع داخلی جوامع پیشرفت مدنیت قوه را از بین نخواهد برد مگر طرق استعمال آنها طوری خواهد ساخت که در داخل جهت تامین استقرار و دفع تهدیدات قوه موثر قرار گیرد .

(پایان)

له هری خوا

دینخ او کرمی په مقابل کی
د انسان د رنگ تغییر :
د انسان د بدن پوست چی په ژمی
کی الوتی بنه اختهاری او یخ تی
کیزی ددی سبب دی چی دیر حرکت
نه کوی او بدن می د دیر حرارت
خخه محرومی او یخ تی کیزی .
او په وویسی کی دالسان د بدن
پوست (سوروالی) او دهغه خخه
خوله توئیدل بیاد دیر حرکت او
حرارت خخه پیدا کیزی .

مارشال پنج قهرمانه حرب عمومی دوم از سر گذشت خود حکایت میکند

ترجمه از آثار خودش:
سیدشیرین جگرن لوژستیک

بدوام گذشته :

آوری و کشیدن آنها از آب. من از آن زمان تا حال علاقه شدیدی به شکار دارم. و این علاقه در تنهادهن خلق شده است. درین وقت پدرم عازم مسکواست. قبل از حرکت خود، روی بعدارم نموده گفت که فعلاً در مسکو بهران کار است و اجتماعاتی بر ضد بیکاری و مزد کم ادامه دارد.

— مادرم گفت: تو نفر ژاندارم هستی این موضوع بتو تاثیر ندارد.
— پدرم گفت: ازین وضع لاهنچار مضطربیم و متاثر میباشم.

بعد از رفتن پدرم، مدت ها از وی خبر بودیم و کدام احوالی از آن نرسید. این وضع ما را پریشان و ناآرام ساخت. چندی بعد از تصادفاتیکه بین مردم و پولیس در ۹ جنوری ۱۹۰۵ رخ داده بود واقف شدیم.

در بهار همین سال یک شورش عمومی در دهات برپا شد. مردم دهات از مخالفت ها و قیامهاییکه در مسکو برپا شده بود باخبر بودند.

در سال ۱۹۰۶ پدرم بده مراجعت کرد و گفت که: دیگر بمسکو نخواهم رفت و از مخالفت و مشاجرت های این پولیس و مردم خسته شده ام. از اینکه پدرم بمسکن و ماوای خود بازگشته است مسرور می باشم.

در همین سال مکتب روحانی (کلیسا)

راست بود. مرا با خود بیک چای خانه (سماوار) برد. در آنجا چای نوشیدیم. سماوار مذکور در یکی از قریه های نزدیک ما واقع بود مردها بالخاصه طبقه جوان در چای خانه مذکور گرد آمده، جرگه نموده و هم به قطعه بازی میپرداختند.

از چای خوردن در سماوار بین اشخاص مسن خوشم می آمد. آنها در حین چای خوردن، راجع به مسکو و بطر بورگ قصه می کردند. من به پدر خود گفتم. من خوش دارم که همیشه بنزدیک شان نشسته و به قصه های شیرین آنها گوش دهم.

در سماوار مذکور پسر کاکای مادرم کار میکرد. بیچاره از یک پای لنگ بود و مردم او را بنام لنگ صدا کرده و نزد خود میطلبیدند. نامبرده با وصفیکه لنگ بود از جمله شکاریهای مشهور محل بشمار میرفت. تابستان اکثر آ به شکار مرغابی می پرداخت و در زمستان در چای خانه کار میکرد. در بین قومی در زمره اشخاص مردانه صفت مشهور بود. نامبرده بسیاری اوقات مرا با خود به شکار میبرد. و من بسیار خوش می شدم. خصوصاً وقتیکه او به مرغابیها فیر میکرد و من به تعقیب آن دویده و آنها را از آب بیرون میکشیدم. گویا وظیفه او فیر مرغان بود و از من جمع

طوریکه قهلاباد آوری نمودم، پدرم در بین قریه یک شخص خیر خواه بود. اهالی قریه او را قلیاً احترام میکردند، و همیشه در مجالس و محافل جرگه می، فیصله آخرین را به رای او واگذار می شدند من پدر خود را دوست داشتم و او مرا از مهداد. اما گاهی بعضی پیش آمدهائی هم روی داده است که تصور از من بود و پدرم بالای من عتاب نموده و حتی بذریعه چتک تسمه بگان تنیه هم می نمود. مگر من یک اندازه سرتنبه بودم، هر قدر او اقرار عقوه را از من طالب بود، من شق نمودم و باظهار چنین کلماتی در مقابل پدر خیره سری نموده و مقاومت میکردم.

یک دفعه او بر من تصور خواند تا مرا جزا دهد. من وضعیت را پیش بین بودم و برای فرار از جزای اوسه شبانه روز را در باغ همسایه خود پنهان شدم و بدون از خواهرم کسی از موضوع واقف نبود. مابین خود عهد بسته بودیم تا او محل را افشاء نه نموده و هم نان بمن بیاورد و بهر گنجی که مرا جستجو کردند اثری نلیاقتند. از طالع کاسا همسایه به آبیاری باغ خود شروع نمودم و مرا دریافت. از بند دستم گرفته بنزد پدرم برد. پدرم بشدت بر من عتاب کرد. بعداً تاسف کرد و مرا عقوه نمود.

بغاطر دارم بکروزیکه طبیعت پدرم

را بپایان رسانیدم. و در تمام صنوف پارچه اعلی کاسایی را که با آفرین ها توأم بود اخذ نمودم. در داخل فاسیل ما از موفقیت من همه مسرور بودند و من نیز خوشحال. مادرم در مقابل این موفقیتم بکداله پهرن طور تحفه برایم اهدا کرد. و پدرم شخصاً یکجوره موزه برایم دوخت.

— پدرم گفت: بچیم تو حالا تعلیم یافته و با سواد گشتی. باید که ترا بمسکو برده و بمکتب صنایع شامل سازم.

— مادرم گفت: بگذار که یکسالک دیگر هم پسرم درده بگذرانند، یک کمی کلان شده و جان بگیرد بعد از آن به شهر بیرش.

تا ختم خزان سال مذکور یازده ساله شدم. و با خود میگفتم که این خزان آخر است که در خانه پدری سپری میکنم.

زمستان میگردد، کار و فعالیت شروع میشود من بزیر فشار کارخانه خود را کم کرده بودم. مادرم اکثرآ به شهر جهت حمالی میرفت، و پدرم از حامدادان تا ناوقت شب به کفش دوزی میرداخت. مگر درآمدش بحدی کم بود که یک دهاتی بمکشل متوالست زندگی کند. مادرم همیشه با پدرم به قال مقال میرداخت که حاصله و در آمد کار تو بسپار ناچیز است.

وقتیکه کار و بار پدرم رونق گرفت و در دوختن موزه توفیق حاصل کرد.

در فابریکه بوت دوزی مزد خوب میگرفت. در هنگام بازگشت از فابریکه من و خواهرم بسراه اورفته، ملاقاتش نموده و مانند باقی میگفتیم. او همیشه ازین پیش آمد ما خوشی کرده و با کلیچه و شیرینی درهما لجا ما را استقبال میکرد.

در زمستان کار و بار خاله سبک بود. و من با استفاده ازین وقت فراغت به ماهی گیری میرفتم و هم به سکی بازی.

تابستان شروع شد، دلم بوسواس افتاد. و با خود میگفتم که: بزودی این خانه، والدین و رفقا را ترک گفته و به مسکور هسپار میگردی. من دانستم و حس کردم که دوره طفولیتم بپایان رسیده است. حقیقتاً باید معترف بود که دوره

طفولیت یک دوره بیغمی است و از بهترین دوره های حیات است. و من تا امروز خاطره های خوش آنرا فراموش نکرده ام از یک شامی بغاطر دارم که مردم درین کوچه جمع بودند و میگفتند که

د پوهانو افکار

پسر دځان په نسبت ډیر بیرحمه حیوان دی . (نیچه)

هر ستر اقدام په ابتداء کې محال بشکاري .

(توماس کار لایل)

دری شبان ډیر سخت دی :

فولاد ، الماس ، او لځان پیژ ندل . (فرانکلین)

له ارسطونه ئی پوښتنه وکړه چه بشکلا په څه شی کې ده وویل دغه پوښتنه له رانده نه وکړی .

(..)

پتی دخپلو د ځیمنا نوله پاره دومره مه تو دوی چی گرمی ئی تاسو په خپله وسوزوی .

(شکسپیر)

تاسی هغه څه نه ئی چی فکر کوی بلکه هغه شبان ئی څنگه چی

فکر کوی . (نرمان وینت پتل)

داسی ډیر کم لیدل کیژی هغه چی لرو خو لید پری واخلو او خوشاله اوسو خو کوم شی چی نه لرو ډیر ورته اندیشمن یو . (شوپنهاور)

بچه ها را باید بمسکو ببریم و بمکاتب عالی داخل شان سازیم. یکی آن آرزو داشت که پسر خود را بزودی بمسکو ببرد. دیگری گفت: یکسال دوسال انتظار باید کشید تا پسرم کلانتر شود. مادرم میگفت که: پسر م باید بعد از ایام گنج بازار بمسکو برود. و آنجا بمکتب صنایع موبل سازی شامل ساخته شود.

پدرم روی بمن کرده گفت: بچیم بهمهراه مسلک سراجی موافقه داری که او را یاد بگیري؟ من در جواب گفتم که پدر جان آرزو دارم که بمطبعه شامل شوم. پدرم در جواب گفت: در رشته مطبعه کدام آشنائی نداریم که بما کمک کرده و در قسمت

شمول توبه کورس حروف چینی بماهکاری کند. مادرم چنین قرارداد که: از برادر خود میخواست خواهش میکنم که پسرم را بخود بدستگاه پوستین دوزی برده و شامل کار سازد. پدرم موافقه نموده و گفت که: پیشه مذکور یک کار خوب میباشد. من شخصاً برای اجرای هر گونه کار و پیشه که برای فامیل ما مفید واقع شود موافقت داشتیم.

در جون ۱۹۰۷ ما مایم بمنزل خود آمد و زمینه برای رفتن آماده گردید. میخواستیم چند کلمه در باره ما ایم میخواستیم بشما تذکر دهیم.

میخواستیم مثل مادرم دورهای مشکل زندگی راهت سر گذاشته است. و زمانیکه ۱۱ ساله بود او را به پوستین دوزی شامل ساختند. بعد از دوام چهار و نیم سال در رشته مذکور بمقام استادی رسید. میخواستیم یک شخص اقتصادی و صرفه جو بود. و طور ما هرا نه در ظرف چند سال یک میان پول را بس انداز نموده و یک تصدی خورد شخصی را باز کرد. او از بهترین استادان پوستین دوزی بود و یک تعداد مشتریان بمول را بخود جلب کرد و با ایشان باروبه نمکورتا می کرد. میخواستیم با مرور زمان دستگاه خود را توسعه داد. در دستگاه مذکور ۸ نفر کارگر فعالیت داشتند.

بر علاوه چهار طفل طور شاگرد کار میکردند. بهمین ترتیب کار آن رونق پیدا کرده و سرمایه آن به هزار روپل طلائی بالغ گردید .

این بود سرگذشت مختصر مامايم . که بعداً مرا با خود بهیث شاگرد برد . مادرم بقریه که دورتر از ده ما واقع بود . بمنزل تابستانی مامايم که در آنجا استراحت داشت ، رفت و با او درین مورد گپ زد . و بعد از بازگشت گفت : که بچيم بها با هم یکجای بمنزل اورفته و ترا با و معرفی کنم . درینوقت پدرم گفت که میخائیل راجع به پسر ما چگونه شرایط گذاشته است ؟

— مادرم گفت : واضح است که چهار وليم سال شاگردی نمود و بعداً استاد خواهد بود .

— پدرم گفت : ازین چه بهتر ! پسر را باید بمنزل او برده و برایش معرفی کنیم . بعد از دو روز ، پدرم مرا با خود بقریه شان برد . و قتیکه بدروازه او رسیدیم پدرم گفت :

— اینه بین خلیفه آینده تو در تراس بچوکی نشسته است . تو وقتیکه باونزدیکه میشوی اولاً سلام داده بعد بان دست داده و چنین احوال پرسى کنی : « آقای میخائیل صحت شما خوب است ؟ » — نی من چنین خواهم گفت : « والسلام علیکم ماما جان » .

— بچيم تو فراموش کردی اوترا بهیث شاگرد قبول کرده است له خواهر زاده ، از جالب دیگر مردم متمول اقارب غریب خود را دوست ندارد . این تو هستی که صمیمیت داری .

به تراس خاله او رسیدیم . میخائیل در حالیکه دریک چوکی دبل نشسته بود . از جای برخاست . پدرم با او احوال پرسى کرد . درینوقت پدرم مرا به پیش روی توله کرد و گفت : با قومهای خود جور پسالی کن . درینوقت میخائیل دست خود را بطرف من دراز کرد با او مصاحفه کرده گفتم :

السلام علیکم استاد میخائیل !
— و علیکم السلام شایس ! میخوای

هوستین دوزهاشی ! من خود را چه گرفتم .
— هان ! هوستین دوزی کار خوب است مگر برجنجال .

— پدرم گفت : کاری برجنجال است مگر باید از آن به تشویب بود . پسرم از طفلی بکار و مشکلات عادت کرده است بصورت اعلی تحصیل کرده است . پدرم جدول لمرات را با آفرین هایکه در آن درج بود برایش نشانده .

— مامايم گفت : شایس ! بعد از وی خود بطرف دروازه دور داده و صدا زد .
ای ! شما تنبها اینجا بیائید !

از اطاق دیگر برسرالش اسکندر و نیکولای مایس با کالای منظم برآمده و بنزد پدر خود آمدند .

مامايم گفت : به بینداین لست لمرات یک محصل زحمت کش است . اینطور باید درس خواند و آفرین گرفت له اینکه هما روز خود را گذرانده اید و بالاخره لمره ضعیف گرفته اید .
در اخیر وی خود را بطرف پدرم دور داده گفت :

— بسیار خوب . پسر شما یک آدم جدی و هوشیار بنظر میخورد . من او را با خود میبرم . من چند روزی درین جا میباشم ، بعداً بمسکو میروم . من در خطا السیر خود بعضی کارها دارم او را با خود برده لمیتوانم مگر یک هفته بعد خسر برده ام سیرگی بمسکو میآید من برایش میگویم که او را با خود بیاورد .

با این ترتیب از وجداشده عازم خاله شدیم . درین وقت من بسیار خوش هستم از اینکه یک هفته دیگر را نیز درده میگذارانم .

و قتیکه بخاله رسیدم مادرم پرسان کرد : که برادرم با شما چه طور پیش آمد کرد .

— پدرم گفت : مثل باارولو کر .
— شما را بجای دعوت نکرد ؟

— حتی او به نشستن ما را دعوت نکرد . اول نشسته بود و ما مثل حاضر باش پیشروی آن استاده بودیم . آیا از چنین کله بی خبری آرزوی چای رامیتوان داشت . حالا همرا پسرک خود یک چایک گرم وامیزلیم .

مادرم یکداله نان گرم هم با چای آورد و باشتهای تام صرف نمودیم .

مسکورقتنم فرا رسید . مادرم یک جوره کالا ، یکجوره ، پایبچ و یک دستمال روی یک بقچه بسته کرد . دو داله نان روغنی و پنج داله تخم جوش داده را نیز با آن یکجای نمود . و مرا جهت اجرای مراسم دعا خوانی بر رسم روسهای قدیم بروی چارپائی نشانده .

— مادرم مرا به بغل گرفته در حالیکه گریه را سرداده بود میگفت : بچيم خدا حافظ و ناصرت ! دوری تو بر من قابل تحمل نیست .

من دهم در حالیکه چشمان پدرم سرخ گشته بود اشک بروی گوله هایش سرازیر گردید . وضع من نیز از کنترل برآمده بود و موازله روحی خود را از دست داده بودم .

تا قریه مامايم خود با مادرم های پیاده رفتیم . درین راه بمادرم گفتم که این راه مکتب من است و جهت جمع آوری توت زمینی و سمارق بارها بان جنگل رفته ام .

— درین راه و قتیکه نزدیک درختان بلوط رسیدیم مادرم دم گرفته و روی بمن کرده گفت : بچيم و قتیکه در خاله موضوع فراق تو گلویم راعنده دار ساخته بود در حین میده کردن پیاز انگشت خود را بریده ام . حالا لظرم را بخود جلب کرد .

— بچيم میدانی که : مادرم همیشه در راه اولاد میسوزد و میسازد . مگر متاسفانه و قتیکه اولادها کلان میشوند از همه غمخوارها و دلسوزهای مادری بکلی فراموش میکنند و در مقابل مادر بی پروا میگردند .

— من بجدیت گفتم : مادر جان زحمت کشیها و دلسوزی های تو هرگز فراموشم نمیشود .

و قتیکه من و کاکایم سرگی سوار قطار آهن گردیدیم ، یک باران شدید شروع شد . واگون تاریک گردید ، و یک چراغ ضعیف دهلیز واگون را نیمه روشن ساخته بود . از دهان کلسکین بیرون (بقیه در صفحه ۳۰)

استادم می گفت

خواننده محترم تحت عنوان فوق داستان مختصری را به مطالعه شماعرضه مینمایم شاید مطالعه آن از یکطرف خاطرات ایام طلبه گری تارا تجدید نموده و ازجانب دیگر ممکن است استفاده فکری را برای شما فراهم سازد .

بامتانت خاصی به معلم صاحب مایه طور وانمود کرد که ایندولفر مریض هستند و میخواهم هردو را توسط ضابط صاحب صنف به شفاخانه معرفی کنم تا تحت مداوی لازمه قرار گیرند .

معلم ادبیات ماگر چه مرد معمری بوده ونورچشمالش خیره گی داشت ولی ازینکه چشم دل او بنا بر روشنفکری اش نهایت درجه بهنا ورشن بود مثل اینکه شاهد قضیه باشد بلافاصله اینطور گفت: شاید ایندو نفر باهم جنگی کرده باشند و تو اینها را نزد ضابط صنف می بری ؟

از شنیدن این سخن قدمدار سا جوابی داده لتوالست وسکوت مالد وتصادفاً یکی از رفقای اخیر صنف صدا کرد :

— صاحب راست میگوئید .

شنیدن این سخن از طرف معلم او را مشتبه ساخت و به قدمدار امر کرد تا اصل حقیقت را بطوریکه هست حکایه کند... قدمدار ما که اکنون یعنی امروز وظیفه مهمی را بدوش دارد مجبور شد آنچه را که در بهرون و داخل درسخانه مشاهده کرده بود یکایک به معلم ما که در آنوقت حیثیت بزرگی و پدری را داشت توضیح نماید زیرا در برابر پرسش معلم و اظهار آن طلبه (که بعدها سرود توبیخ و سرزنش تمام طلاب قرار گرفت) غیر از اظهار حقیقت کدام چاره نداشت ولاجرم قضیه را سرا پا به معلم بیان کرد .

برادر! میدالی که قلم من طوریکه از نامش پیداست بیمثل بوده و حتی نایاب است و آنرا یکی از دوستان پدرم به پدرم هدیه داده بود که بعد هابن تعلق گرفت هرگاه قلم را پیدا کنی البته من در آنصورت به قوماندان صاحب مکتب شکایت خواهم کرد ...

گفتگوهای دولفر رفیق هم صنفم بهمین ترتیب ادامه داشت و مداخله سایر رفقایم نیز بر آنها مؤثر واقع نشد و بالاخره اشاره شروع درس سوم نواخته شد و همه ما داخل صنف شدیم اما بازهم نزاع زبالی آلهاقطع نشد و لحظه به لحظه تشدید می یافت و سخن به جایی رسید که یکی بر دیگری سلی و مشت هارا حواله کردند و قدمدار صنف هر دورا به سکون دعوت داده و رعایت نظام و آداب درسخانه را از ایشان مطالبه نمود ولی مداخله قدمدار صنف هم آتش غضب آندو نفر را خاموش ساخته لتوالست و بالاخره او مجبور شد تا اداره صنف را به نفر مابعدش سپرده و آن دولفر را به غرض تأدیب نزد ضابط صنف ببرد و همینکه میخواست با آن دولفر طلبه از دروازه صنف خارج گردد معلم صاحب ادبیات در برابرش قرار گرفت و کیفیت را از وجویا شد . چون قدمداران صنف اکثر اعداات دارند که حتی المقدور اینچنین قضایا را از نظر معلمین مکتوم نگهدارند و بهمین سبب قدمدار که شخص صالح جوانی بود

ماه سرطان ۱۳۲۳ (یعنی بیست و هشت سال قبل) چنان ماهی بود که من و رفقایم در قسم (ب) صنف دوازدهم حربی بیولوژی مشغول تدریس بوده و باصطلاح آخرین روزهای تحصیل خود را در آن مؤسسه سپری می کردیم در یکی از روزهای ماه مذکور هنگامیکه بعد از فراغ درس دوم برای تفریح در بیرون درسخانه با چند تن از رفقای هم صنفم قدم (!) میزدیم که ناگاه همان دولفر از هم صنفانم گفتگوی زبالی رخ داد که به اثر آن من با چند نفر رفقاء دیگرم به دور آندو نفر که باهم گفت و شنود داشتند جمع شدیم تا بدانیم که اصل موضوع نزاع آنها برسر چیست ؟

خوب بیاد دارم که آن یکی بدگرش می گفت که دهر و ز قلم (بی نظیر) مرا تو از من خواستی و من در همان لحظه قلم خود را که واقعا نظیری نداشت برایت دادم تا بعد از ختم کار دوباره اعاده نمائی اما طرف مقابلش می گفت که من اصلاً قلم بی نظیرتر انگر فندام مسکن است یکدام شخص دیگری داده باشی زیرا من که هم صنفی تو هستم و باز در عقب یکمیز درسی درسهارامتفاقی تعقیب میکنیم چطور شده میتواند که قلم بی نظیر ترا بگیرم و بعد از انجام کار دوباره اعاده اش نکنم ... رفیق دیگر من (صاحب قلم) که در این لحظه خیلی ها عصبالی شده بود چنین گفت :

معلم ادبیات ما که فی الواقع مرد صاحب‌دل، روشنفکر و شاعری بود و سالها قبل به رحمت ایزدی پیوسته است چنان فرمود:

فرزند نام خوب شد که من از ماهیت گفتگو و منازعه‌ایند و رفیق تان آگاهی یا قسم و حال لزوم ندارد اینها نزد ضابط صنف به عرض مجازات برده شوند زیرا من خود به مجازات هر دو خواهم پرداخت بعداً امر کرد که هر دو فقر بجاهای خود بنشینند...

معلم صاحب‌مدرس خود را اینطور شروع کرد:

به خاطر دارید که در دروس گذشته از (تجزیه نظم) بحث می‌کردیم و در باره اینکه یک نظم چنان مورد تجزیه قرار می‌گیرد اساساتی را به شما توضیح نموده بودم اکنون اساسات مذکور را بالای یکی از نظم‌ها تطبیق می‌کنیم تا طرز عملی آن فهمیده شده بتواند.

معلم مادر حصه نوشتن یک نظم یعنی یک‌فرد چند دقیقه فکر کرد و ما همگی متوجه‌اش بودیم که آیا کدام فردی را بروی تخته سیاه خواهد نوشت؟ بالاخره ما را مخاطب ساخته گفت - اینک بیتی (فردی) را از غزلیات ابوالمعانی بیدل برایتان انتخاب کرده‌ام و آنرا بروی تخته مینویسم و بعداً یکی از رفقای شما به تجزیه آن خواهد پرداخت طبعاً با او همه ما و شما کمک خواهیم کرد معلم ما که در حقیقت استاد بود این بیت را بروی تخته صنف نوشت:

(درس کتاب معرفت حوصله خواه خاموشیست

گر سخنت بلند شد تا سردار میرسد)

سپس فرمود کی حاضر است این بیت را مطابق اساسات گذشته تجزیه و تحلیل کند - همه دستهای خود را برسم دیرینه بلند کردند معلم بسیار خورشند شد و آنگاه از تخت معلم فروه آمد و به ما نزد یک شد و اینچنین گفت:

- صاحب قلم بی نظیر این فرد را

تجزیه و تحلیل کند!

آن رفیق سایه‌نی صاحب قلم بی‌ظیر که اکنون در اردوبه حیث صاحب‌منصب ایفای وظیفه میکند و از مدت‌ها پیش مثل من (۲۵) سال سیگارد از خطاب آنروز معلم خیلی‌ها محجوب به نظر میرسید و گویا هایش سرخ شده بود (مثل اینکه به غلط خود فهمیده بود) از جا برخاست و بالای تخت معلم قرار گرفت و به تجزیه فرد فوق شروع کرد.

استاد مادر ضمن تجزیه فرد متذکره فوق به رفیق ما اینچنین فرمود:

ارجمند عزیز - من از خودت در حصه این بیت در موضوع را می‌خواهم. اول اینکه فرد بالا را از نقطه نظر تجزیه نظم و قواعدها و نحوه کلمه‌ها و با جمله‌ها جدا کرده و بعداً هر کدام را علیحده علیحده تجزیه و تحلیل نمائیم - دوم اینکه بعد از تحلیل فرد معنی و مفهوم آنرا برای رفقای توضیح کنی تا هم خودت و هم رفقای صنف که در اینجا نشسته و همه‌شان متوجه خودت می‌باشند بفهمند که این بیت به چه دلالت میکند؟

رفیق هم صنفم که بالخاصه از پرسش دوم استاد خود (یعنی معنای بیت) در ینوقت پوره به سه‌چند دقیقه قبل خود ملتفت شده بود و غیر از اینکه بگوید (بسیار خوب) دیگر چیزی گفته نتوانست و همان بود که تپاشیر سفید را بدست گرفت و به تجزیه بیت مذکور ابتدا از کلمه (درس) که کلمه اول بیت فوق میباشد آغاز نمود.

آنروز و بالخصوص آنساعت استاد ما خیلی‌ها مسرور بود چه بیت انتخابی‌اش که واقعاً بجا انتخاب شده و به گفتگوی دو نفر رفیق ما به طرز جالبی مطابقت داشت طوریکه آرزویش بود تجزیه‌اش و اتفاقاً رفیق هم صنفم در آنروز با وجود عصبانیت چند دقیقه قبلی که با او رخ داده بود بیت متذکره را توأم با معاونت معلم بیک شکل مؤقلاً به تجزیه کرد و خوشنودی استاد خود را حاصل نمود.

استاد مرحوم ما بعد از اینکه امتحان خویش را به نسبت تجزیه فرد به آن رفیق اظهار داشت از وی سوال دوم خود را بدین ترتیب پرسید:

فرزندم - تحلیل این بیت را اینطوریکه من آرزو داشتم انجام دادی تشکر می‌کنم اکنون از تو می‌پرسم که در ضمن تجزیه بیت بالا حتماً معنی و مفهوم بیت را هم را فهمیده باشی؟ رفیق ما که از سیمایش آثار خجالت مخصوص طلبه‌گری هویدا بود گفت:

بلی صاحب - به معنای این بیت در همان لحظه که شما آنرا بروی تخته سیاه نوشتید مدرک شده بودم و حتی فهمیدم که این بیت را صرف برای مجازات روحی من انتخاب فرموده‌اید - حال من اعتراف می‌کنم که حادثه گذشته در اثر بی‌صبری و ناشکیبائی من رخ داده است و ازینرو من به حضور شما از تمام رقبا بالخاصه آن رفیق پهلونشینم که متأسفانه او را به سلی زده‌ام عفو می‌خواهم امید است سزا عفو کندا اکنون بخاطرم رسد که قلم خود را امروز اصلاً از الماری‌ام لیاورده بودم - من در ینحالت که از شخص خجالت زده‌ام بیش نیستم خدا را شکر گذارم که درین خطای بزرگ استادم را هادی‌ام قرار دارد رفیق من یعنی هم صنفی من آنروز زیاده‌تر ازین چیزی گفته نتوانست و خاموش ماند و درین وقت استاد ما با تبسم ملیحی او را نزد خواست و رویش را بوسید و هنگام نقر مقابلش را نیز به عین شکل استقبال نموده و هر دو را اینستور مخاطب ساخت:

حال هر دوی شما در محضر خودم با هم آشتی کنید و کدورت چند دقیقه قبل را کاملاً از یاد ببرید و آینه متوجه باشید که در هنگام غضب بر اعصاب خود ما کم شده بتواید هرگاه این عمل را انجام داده توانستید آتوق بر مشکلات (بقوه در صفحه ۲۹)

تجهیز طیارات باتوب (ولکن)

آنچه که برای طیارات شکاری و بمبارد مان امروزی اختصاص داده میشود عبارت از تکمیل شدن آنها با راکت ها و توپ میباشد . بطور مثال متذکر باید شد که طیاره شکاری - بمب افکن فالتوم $F-4$ باتوب «ولکن» نوع $M-61$ بیست میلی متری تجهیز میشود

در حال حاضر طیارات جت شکاری ترا نسپورتی و هلیکوپترها با توپ ها ماشین دار تسلیح میکردند . بطور مثال توپ های ۲۰ میلی «ولکن» در طیارات $F-104$ ، $F-105$ ، $A-7$ ، $F-4E$ و طیارات بمب افکن ، $B-58$ بعضی بمب افکن های $B-52$ نصب کرده و تحت استعمال قرار گرفته است .

سرعت انداخت توپ «ولکن» که عکس آن درین صفحه نشان داده شده در هر دقیقه ۶۰۰۰ مرمی بوده وزن مرمی های آن هر یک ۲۵۴ گرام ، وزن توپ ۱۱۵ کیلو گرام ، طول ۱۸۸ متر و قوه پس لگد ۱۷۲۰ کیلو گرام میباشد . نیروی منبع انرژی که برای بکار انداختن توپ بکار میرود ۴۵ قوه اسپ نشان داده شده است . کار چالان شدن در طیارات $F-4M$ « فالتوم » بکمک سفارتر برقی اجرا میشود . بعد از آن که انداخت اول صورت گرفت این توپ برژیم انداخت کردن اتوماتیکی انتقال می نماید . برای قراردادن توپ به انداخت سریع یکصد انداخت در دقیقه مدت ۳ ثانیه وقت بکار میباشد

که این عمل مراحل انداخت آنها با لوبت کوتاه کاهش می یخشد . سرعت انداخت طیاره $I-104$ - F از ۴۰۰۰ مرمی در دقیقه بیش نیست . در اینجا بعضی معلومات درباره ساختمان مدل اولی توپ های «ولکن» امریکای ارائه میشود . توپ «ولکن» دارای شش میل بوده همین شش میل مذکور بطور متناسب در داخل یک پوش عمومی اخذ موقع نموده است . این بلاک میل ها مانند عنقریب ساعت گردش میکند (در حالیکه از طرف کارخانه آن ملاحظه شود وظایف انداخت داخل شدن کارتوس ها بطور لوبتی بعمل آن و خارج شدن کارتوس خالی به حالیکه در رسم نشان داده شده اجرا میشود .

هم زمان برای اجرای انداخت تنها یک میل مورد استفاده قرار میگیرد یعنی در موقعیکه این میل به وضع آخرین درجه فوقانی خود میرسد انداخت صورت میگیرد در جریان یک دوره گردش بلاک از هر عدد میل یک انداخت اجرا میشود مجموعاً شش میل در بلاک مذکور قرار دارد در حالیکه توپ مذکور سرعت شش هزار انداخت خود را در یک دقیقه اجرا می کند بلاک میل ها با سرعت یک هزار دوره در دقیقه چرخ میزند .

توپ $XM-140$ دارای تویچ چالانی برقی بوده و تغذیه آن از سیستم فیتته ای میباشد .

سرعت انداخت آن ۲۵ - انداخت در دقیقه ، سرعت ابتدائی مرمی ۶۷۰ متر در ثانیه و کالیبر آن ۳۰ میلی متر است . وزن توپ مذکور ۶۸ کیلو گرام ، طول آن ۳۹ ، ۱ متر و قوه پس لگد آن ۷۲۶ کیلو گرام میباشد .

اکثر توپ های که تا کنون در طیارات جنگی مورد استعمال قرار گرفته است برای ذخیره جنگی آماده شده طرح ریزی گردیده بود . درین اواخر کارتوس ها برای بهتر ساختن مؤثریت آن یکجا با اسلحه طرح ریزی میشود . درین روزها اطلاع میرسد که برای توپ «ابرلیکون» یک نوع کارتوسهای طرح شده که گیلایس آن از مخلوط سبک وزن بوده و وزن چارچ داروی آن به اندازه سه مراتبه بیشتر و در حدود پنجاه درصد مواد انفلاقیه آن افزایش یافته است . بعضی از متخصصین نظریه داده اند که این کارتوس ها برای توپ های هوایی بهتر بوده و در نوع جدید گیلایس دار قرار میگیرند . در نتیجه آزمایشاتیکه در لابراتوار اسلحه سازی قوای هوایی ایالات متحده امریکا مقرر گردیده که تبدیل کردن گیلایس های برنجی به المولیمی و پلاستیکی وزن تعداد ۱۱۴۰ کارتوس ۲۰ میلی متری به اندازه ۹۷ کیلو گرام کمتر میگردد . بحث درینجا روی گیلایس است که دارای تهداب المولیمی و پوش پلاستیکی میباشد برای تهیه نمودن این نوع گیلایس ها و کارتوس های پلاستیکی بکار میرود

در رسم ۱ توپ «ولکن» را مشاهده میفرمائید.



и с. 1. Пушна «Вулкан».



توپ ولکن اختیار

رسم ۲ نقشه سا یکل انداخت در توپ «ولکن» به نظر میرسد.

دار ۱۲۷ میلی متری و دو پایه توپ ۲۰ میلی متری با مقدار ذخیره جنگی مجموعی ۱۶۰ کارتوس تعبیه شده و هم چنان يك پایه گرانات اندازه او تو ماتیکی ۴۰ میلی متری 5 - M در قسمت لوک طیاره نصب میباشد . سرعت گرانات السداز مذکور در يك دقیقه ۲۰۰ انداخت و بعد موثر انداخت آن - ۱۵۰۰ متر نشان داده شده است . در هیلکوپتر UH-1B نیز از همین نوع گرانات السداز نصب میباشد . بر علاوه گرانات السداز مذکور یک توپ نوع 31 XM در هیلکوپتر ها نصب میباشد . در بعضی از هیلکوپترها گرانات السداز XM - 129 نصب شده که سرعت السداخت آن در هر دقیقه ۲۴۰ مرمی میباشد .

بکار رفتن توپ در طیارات چیزی جدید نیست اما مراحل ساختمان و سیر تکامل اسلحه راکتی را بدرجه پائین می آورد . از مطبوعات چین اطلاع میرسد که کارات شدیدی درین رشته ادامه دارد .

بطور مثال شواهدی بدست آمده که نوای هوایی امریکا ایجابات تاکتیکی و تکنیکی راکت های صنف هوا هوا را کار نموده که بطور خاصی بمنظور جنگ های هوایی در فاصله کوتاه اختصاص یافته است . از متخصصین اسلحه سازی تقاضا شده تا بعد اصفری هرتاب راکت را کوتاه سازند ، قابلیت از بین بردن اهداف در حال مالوره را افزایش بخشیده و درجه مطمئن بودن آنها بهتر نمایند و هم چنان حجم کارات تکنیکی آنها کاهش دهد . راکت جدید باید گردش سریع را برای بدرقه کردن و از بین بردن طیارات شکاری داراھ قابلیت مانوره عالی که با سرعت زیاد پرواز می کند اجرا کند .

« انجام »

مقدماتی قرار دارد .

در حال حاضر توپ های ثابت که دارای نوعیت مختلف میباشد در طیارات جنگی بکار برده میشود . مثلا در طیاره « یاگوار » دو پایه توپ ۳۰ میلی متری در داخل بدنه نصب شده و در طیاره شکاری « لایت لینک » توپ به حال نیمه پوشیده در قسمت زیر بدنه قرار داده شده است . در طیاره « هاری بر » دو توپ ۳۰ میلی متری « ادن » بکار رفته که آلهم در زیر بدنه قرار دارد در طیارات F-4E توپ ها در قسمت لوک طیاره بزیر بدنه نصب گردیده است .

در طیارات ترالسپورتی C-130 و C-74 و C-119 توپ های ثابت و متحرك نصب میباشد . (طیاراتی که برای استعمال چنین توپ ها اختصاص یافته باعلام Ac-119K و Ac-47، Lc-130K لسانی شده است) در هیلکوپتر های علمیاتی امریکا نیز که در جنگ های ویتنام بکار برده میشود توپ های ثابت و متحرك تعبیر شده است . در طیاره AC-130K سه پایه توپ « ولکن » نصب میباشد . در هیلکوپتر CH-47A « چینوک » پنج عدد ماشین دار ۷، ۶۲ میلی متری با ذخیره جنگی مجموعی ۲۰،۸۷۹ کارتوس و یا پنج پایه ماشین

که در مقابل بار ضربتی مقاومت داشته و در کشش نیز خیلی محکم میباشد . هم چنین اطلاع گرفته ایم که کار در بالای کارتوس بدون گیلانس جریان دارد . فرق کارتوس مذکور از کارتوس داروئی چنین است که در کارتوس بدون گیلانس چارچ تنها توسط پوش لازلک پلاستیکی و یا ذریعه لاک حفظ شده است . بعد از السداخت در داخل کارتوس دانی مواد گرم باقی می ماند که سبب چرکه دادن کارتوس بعدی میگردد . مطبوعات در باره مشکلاتی که در کارتوس های بدون گیلانس وجود دارند نیز تشریحاتی را داده است .

طوری که معلوم است یکی از اندازه های تعیین کننده موثریت السداخت عبارت از سرعت ابتدائی مرمی میباشد . این سرعت در توپ های که برای استفاده جنگی در ارتفاعات کم اختصاص یافته باید زیاد باشد . راه های مختلف بلند برون سرعت ابتدائی مرمی تحت مطالعه قرار دارد و منجمله از اثر افزایش دادن وزن چارچ دار و بکار بردن مواد داروئی که دارای قوه انرژی عالی بوده مطالعه میشود . پروژه توپ های هوایی دارای سرعت اولی عالی مرمی و خط سیر نهایت درجه افقی و سرعت السداخت متناوب در مرحله تحقیقات

در سالهای نبرد

قسمت چهارم

نویسنده:
جنرال س. م. شتیمینکو
مترجم:
ع. ح. اولنکوت

مبذول دارند، راه غیر صحیح پیموده اند و در نتیجه مساعی جمیله آنان بخاطر درك علل شكست‌هایی كه در سال ۱۹۴۱ با عاید گردید، بجای آنكه به نتایج مثبت منجر گردد، بر عكس تنقیدات زیان آوری را پدید آورد. است. آنها سیکوشند مفاهیم و ظواهری را كه هرگز باهم مطابقت ندارند، باهم منطبق گردانند: مثلاً آنها بین آمادگی سلاح جوی برای پروازهای جنگی، آمادگی قوای توپچی برای آتش کردن و آمادگی نیروی پیاده برای جلوگیری از حملات دشمن از یکطرف و آمادگی کشوردارد و طور عموم برای داخل شدن در جنگ علیه دشمنی قوی پنجه نیرومند از طرف دیگر الطباق میدهند.

من نیز میخواهم بهمن مناسبت لقاط نظر خود را ابراز بدارم، طبعاً ادعا ندارم كه اندیشه‌های من درین زمینه

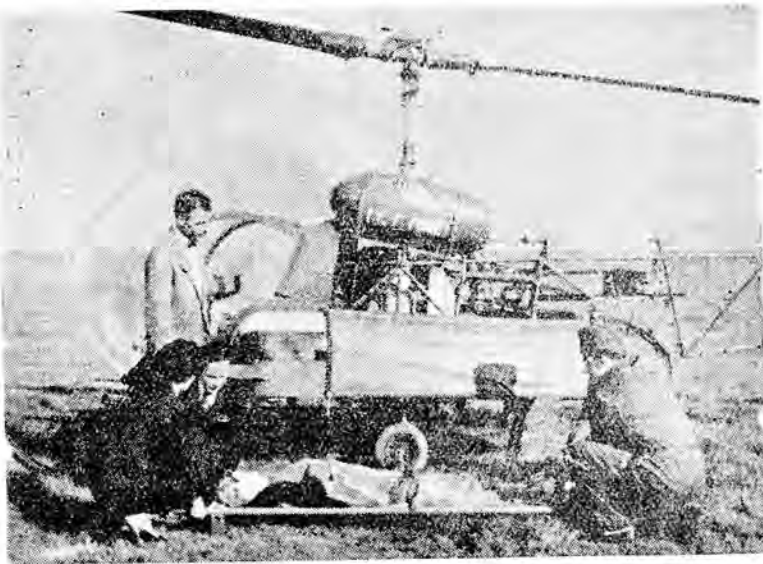
بخاطر آنكه نیروهای بزرگ موظف درین مناطق، روی سرحد و متصل آن پاسداری نمی‌کردند. بلکه دور از سرحدات قرار داشتند. باید گفت كه با اتكا به پراتیک و نظر از دیر زمانی باینسو مدلل گردیده است كه نیروهای اساس باید در عمق خود با در نظر داشت تمام اشكال فعالیت‌های جنگی تنظیم گردند. این مسأله كه قسمت بیشتر نیرو در كجا تنظیم گردد و آخرین حدود عمق نیروها چقدر باشد، خیلی مغلق و پیچیده بوده. كاملاً به موقفی كه قطعه قرار دارد و به نظر فرماندان موظف مربوط میباشد.

مختصر كلام اینكه آنالیکه خواسته اند در باره این جنگ نظریات خود را ابراز ندارند بعقیده من گاهی بدون آنكه در تحقق و بررسی ماهیت امری كه مورد التقاد قرار داده اند، توجه جدی

دیوار بلندی از اصطلاحات خاص و پیچیده پیرامون آنرا احاطه کرده است. مثلاً گفته میشود كه به نسبت درك نادرست ما (البته بنا بعقیده آنها) از طبیعت و محتوای مرحله اول جنگ، تریه نیروهای ما برای كارهای جنگی مخصوصاً در همین مرحله بصورت نادرست انجام یافت.

این تصورها نقدر كه جسورانه است، جاهلانه نیز میباشد. زیرا مفهوم مرحله اول جنگ «يك مفهوم عملیاتی استراتژیكی است كه هرگز نمیتواند هیچگونه تاثیر قابل توجهی در تریه تولى، كندك، لوا وحتی فرقه داشته باشد. تولى، كندك، لوا و فرقه در تمام مراحل جنگ عموماً بشكل هماهنگ فعالیت میکنند. باید آنها در تمام حالات و با قطع نظر اوزمانی كه جنگ در آن جریان دارد، اول و با آخر جنگ، باقا طبیعت حمله كنند، مخصصانه دفاع نمایند و ماهرانه مانور انجام دهند. در نظام عسكری هیچگونه محدودیتی كه درین زمینه وجود نداشته و فعلاً نیز وجود ندارد.

درین باره سخنان گوناگون دیگری نیز ابراز میشود كه نمیتوان ارزشی برای آن قابل شد و مضمون آن چنین است كه گویا ما خطر جنگ با آلمان را كوچك و ناچیز پنداشتیم طرفداران این نظر برای دفاع از آن علی ذكر مینمایند كه كاملاً خنده آور است. بنا به تصور آنها نیروهای كه در مناطق عسكری، پوشا شدن سرحدات غربی و دفاع آنرا بدون داشتن داشتند، در كار خود موفق نبودند چه اموق نبودند؟



النقال مریضان بواسطه هلیکوپتر در اردوها

کامل و منحصر بفرد است ، بلکه فقط با اتکا به وقایع تاریخی معروفی که نزد همگان روشن است و با استناد به فکر سلیم و تجارب عملی در ریاست ارکان عمومی این کار را به پیش خواهیم برد.

آیا کشور ما برای جنگیدن در مقابل یک دشمن نیرومند امکان‌پذیری داشت؟ طبیعاً بلی! غیر از دشمنان ما که میتواند ازین واقعیت انکار نماید که اتحاد شوروی در دهه چهارم از یک کشور عقبمانده از لحاظ اقتصادی بیک دولت بزرگ نیرومند متکی بر اصالت اجتماعی مبدل گردیده بود؟

بعد از تطبیق موافقانه دو پلان پنجساله اقتصادی بخاطر انکشاف اقتصاد ملی دیگر کشورها تمام امکانات مادی و تکنیکی لازم را برای درهم شکستن هر نوع دشمنی در اختیار خود داشت چنانچه جریان جنگ این واقعیت را بخوبی تأیید نمود. ما با مقایسه بزیان جنگ به پیشرفت‌های بزرگ و چشمگیری در استخراج معادن لایل شده بودیم و از لقطه نظر تولید فولاد و آهن با آلمان فاصله لاجیزی داشتیم. در سال ۱۹۴۰ ذوب فولاد در اتحاد شوروی بیش از ۱۸ میلیون تن اما در آلمان کمی بیش از ۱۹ میلیون تن بود. در برابر تولید ۱۵ میلیون تن چدن، آلمان فقط ۱۴ میلیون تن تولید کرده بود. گرچه رایش سوم از لحاظ تولید انرژی برق تاحدی از ما جلو بود (در حدود ۶۳ میلیارد کیلووات در آلمان و ۴۸ میلیارد کیلووات در کشور ما)، اما در استخراج نفت از ما خیلی عقب میماند. صنعت تصفیه نفت در مملکت ما مدارج انکشاف خود را پیغموده بود، در غیر آن تانکها و طیارات شوروی مجال حرکت نمیداشتند، ما صنایع ملی تولید آلات و ادوات، صنایع طیاره سازی، جرسقیل سازی و غیره را اساسگذاری کرده بودیم. ساختمان زراعت بر اساس تعمیم نظام تعاونی از ریشه تجدید گردیده بود. دست آورد-های عظیم فرهنگی نظام اجتماعی ما بما موقع داد تا از دانشمندان انجیران



در اردوهای کشور
های جهان زنها
در اکثر موارد با
برادران خود دوش
بدوش انجام وظیفه
می نمایند.

تکنیشن‌ها، طراحان و کارگران و طبیعاً در ساحه عسکری از افراد تا مارشال چنان کدرهای شایسته و ورزیده ای تربیه نمائیم که جها نیان را دچار شگفت و حیرت سازد.

در سالهای قبل از جنگ تشکیل اردویی مرکب از میلیونها شخص برق آسا جریان یافت. تنها چنین اردویی قادر بوده لجوشایسته و بیگیر در برابر دشمن استادگی کند و با آن بیکار نماید. در عین زمان اردو مجدداً مسلح ساخته شد و عین کار در نیروی هوایی و دریایی نیز صورت گرفت و تمام نیروهای مسلح شوروی از ناحیه تشکیلاتی و تکنیکی با ایجابات نوین جنگ هماهنگ ساخته شد.

بیمانه نیروهای زره پوش کشور بصورت خاص افزایش یافت. مثلاً در سال ۱۹۴۰ نه (۹) قول اردوی

میکالیک تشکیل گردید و در ماه های جنوری-مارچ تشکیل ۲۰ قول اردوی-میکالیک دیگر (هر قول اردو متشکل از دو قره زره پوش و یک قره پیاده میکالیک) آغاز گردید و همچنان با بلند رفتن بیمانه تولید تانکهای زره پوش در سال ۱۹۴۱ پنجم هزار پنجمه تانک تسلیم داده شد. ولی ماحتی تا آغاز جنگ نیز از حیث تعداد تانکهای جدید تاحدود زیادی نسبت به دشمن عقب بودیم و ممکن نشد نیروهای خود را با تکنیک عصری تجدید سلاح نمائیم و نتوانستیم قول اردوهای را که تشکیل یافته بودند و یاد در مرحله تشکیلاتی قرار داشتند حتی در مهمترین مناطق عسکری نزدیک سرحدات یعنی منطقه خاص بالتیک، منطقه خاص غربی و منطقه های خاص کیف و او دیسا با تانکهای قوی از نوع «ک-ف» و «ت-۳۴» مجهز سازیم. این مناطق

که ضربات اساس آلمان هتلری را متحمل شده بودند، جز کمیت ناچیزی از تانکهای نوع جدید در اختیار نداشته و تانکهای نوع سابق قادر نبودند در جریان عملیات آینده تاثیر قاطعی وارد آورند و همچنان مقدار موجود این تانکها نیز کمتر از نصف معیار لازم بود اما رویهمرفته مصیبت مسابه کمبود تانکهای نوع «ک ف» و «ت - ۳۴» ارتباط داشت. هرگاه بخواهیم از امکاناتی که اتحاد شوروی در زمینه انکشاف دادن نیروهای زره پوش در اختیار داشت حرف بزنیم، باید بگوئیم که این امکانات کافی بود تا کشور ما در خلال سالهای جنگ وطنی با استفاده از آن بردشمن برتری حاصل نماید.

حالنگاهی هم به وضع نیروی هوایی بیفکنیم کشور ما در سال ۱۹۳۸-۵۴۶۹ طیاره، در سال ۱۹۳۹-۱۰۳۸۲ طیاره و در سال ۱۹۴۰-۱۰۵۶۵ طیاره تولید کرده بود و تولید آلمان در عین سالها بالتربیب به ۵۲۳۵، ۸۲۹۵ و ۱۰۸۲۶ طیاره از مودلهای مختلف بالغ میشد. باید گفت که از سال ۱۹۳۹ در کشورها بمنظور تقویه ورشد پایههای اساسی صنایع طیاره سازی، توسعه موسسات طراحی و طرح و دی-زاین طیارات جنگی از اتمام مودلهای آن

و منجمله تنظیم تولید آن تصامیم فوق العاده ای اتخاذ شد و تحت اجرا قرار گرفت. وضع هوالوردی قبل از جنگ نیز تا حدی به وضع تانکها شباهت داشت: موسسات صنعتی به کمیت زیادی طیاره تولید میکردند، اما این طیارات همانطور یکه طراح معروف اتحاد شوروی ا. س. یا کوفلف واقعینا نه گفته است از حیث خواص تکنیکی و فنی خود طور جزئی کهنه شده بود و با اینکه تا حدودی با ایجابات جنگ هماهنگی نداشت. به ساختن طیارات بم انداز طی حرکت با مدت پرواز کوتاه که در حقیقت نمیتوانست هیچگونه دفاعی در برابر جنگنده ها از خود بعمل آورد اهتمام زیادی مبذول میگردد.

دولت ما که صنعت طیاره سازی پیشرفته آن زمان را در اختیار داشت، ناگزیر بود در مدت کوتاهی طیارات مورد ضرورت خود را تجدید نماید. اما مصیبت این بود که با وجود پیمانده عالی کار وقت کافی برای رسیدن باین مامول وجود نداشت. در سال ۱۹۴۰ نتوانستیم بیش از ۶۴ جنگنده «پاک-۱» و ۲۰ جنگنده «میک-۳» تولید نماییم. در لجه اول سال ۱۹۴۱ تولید جنگنده های جدید «پاک-۱» و «میک-۳» و «لاگ گک-۲» به ۱۹۴۶ فروند و بم

اندازهای «بی-۲» به ۴۵۸ فروند و طیارات شکاری «ال-۲» به ۲۴۹ فروند رسید و بدین ترتیب مجموع تولید طیارات به بیش از ۲۶۵۰ فروند بالغ گردید.

در جنوری سال ۱۹۴۱ رهبری حزب و مجلس نمایندگان مردم اتحاد شوروی فیصله مهمی پیرامون تجدید تشکیلات نیروهای هوایی در اردوی سرخ صادر کردند. این فیصله نامه حدود پلان تجدید سلاح قطعات هوایی تشکیل قطعات هوایی جدید و مناطق دفاع هوایی و اصول تربیه پیلوتان برای اداره طیارات جدید را تعیین میکرد. بدون تردید این سند در تسریع آماده ساختن نیروهای هوایی برای جنگ تاثیر شایانی داشت.

در کشور ما خیلی قبل از جنگ قوای پراشوتی بزرگی که نظیر آن در هیچ یک از اردوهای جهان وجود نداشت تاسیس گردیده بود. دست آورد های ما در این زمینه طی مانورهای سال ۱۹۳۵ در کیف و سپس در بلوروسی بمعرض نمایش گذاشته شد و تا حدود زیادی مایه تعجب مشاهدهن خارجی گردید و تا فرارسیدن سال ۱۹۴۰ تعداد افراد قوای پراشوتی ما دوچندان گردید.

نیروی جنگی دریایی مانیز گام بزرگی بجلو گذاشته بود. طی دو پلان پنجساله، موسسات ملی کشتی سازی برای این منظور بیش از پنجصد کشتی مختلف النوع تولید کرده بودند و در اکمالات جنگی قبل از جنگ رشد سریعی مشاهده میشد. هنگام حمله آلمان هتلری ما ۲۱۸ تحت البحری، ۲۶۹ کشتی تارپید و انداز ۵۹، مخرب، ۱۰ کشتی جنگی از انواع دیگر و ۲۵۰۰ طیاره در اختیار داشتیم.

نیروی دریایی کوچکی که در شمال وجود داشت، از ۲۵ جولای ۱۹۳۳ تا ۱۱ می ۱۹۳۷ به نیروی دریایی شمال مبدل گردید و قبل از آنکه جنگ بزرگ وطنی آغاز گردد، در اثر سرعت رشد کشتی



مجاهدین عربی در حال تعریف الذاختهاوان

سازی، این نیروی دریائی لوئاسیس در بن لیره‌های دریایی ما با داشتن تحت البحری‌ها و سفینه‌های قابل توجه و مجهز بودن با وسایل دفاع ساحلی و قوای هوایی بحیث نیروی جنگی مهمی عرض وجود کرد.

قوای بحری پیشین مخصوصاً قوای بالتیک دارند نشان پرچم سرخ انکشاف داده شد و بهبودی حاصل کرد. این قوا در تالین، خالکو و دیگر مواضع پایگاه‌های جدیدی بدست آورد که هر کدام آنها طی جنگ مسلحانه در بن ساحه لشکری ارزندای ایفا نموده‌ند.

نیروهای ما برداشتن نظامی پیشرو اتکالیافت. در کشور ما قبل از هر کشور دیگری طرح و فرمولیندی نظریه اجرای عملیات نظامی عمیق با استفاده از دسته‌های بزرگ تانک، نیروی هوایی، قوای توپچی و پاره‌اشوت بپایه تکمیل رسید.

ریشه‌های اساسی این نظریه را میتوان در خلال سالهای دهه سوم پیدا کرد.

همچنان عقیده عسکری ما ماهیت مترقی راست و در عین حالیکه متوجه دفاع از وطن اشتراکی بود پیشبرد جنگ بمنظور تامین اهداف قاطع و مساعی پیگیر را در راه توحید تمام نیروهای مسلح و اقسام اسلحه طلب میکرد. طور عموم نقش انواع نیروهای مسلح و اقسام و چکولگی استاده از آنها در خلال جنگ، بدرستی تعیین گردیده بود.

این درست است که تدقیق بعضی مسایل جریان جنگ صورت پذیر نیست و حتی گاهی ناگهیز شدیم از برقی نظریات کاملاً منحرف گردیم. اما باید گفت که مرحله جنبه تطبیقاتی داشت که معمولاً باعث تصحیح نظریات میگردد. عقیده عسکری و دانش نظامی ما طور عمومی ثابت ماند و هر دو برای تهیه کادرهای عسکری که توانستند با فنون نظامی خویش

بر جنرالها و افسران آلمان هلتری جیره گردند، اساس خوبی بودند.

طبعاً عدم موجودیت قومالداان بحرب و آزموده در آغاز جنگ بزرگ وطنی مصیبت بزرگی نسبت باردوی ما و کشور ما محسوب میشد و قومالداان جدید ازین رهگذر بمشکلات زیادی بر مغمور شدند. گرچه آنها در جریان بیکار تجارت لازم را می‌آموختند، اما غالباً این دستاورد ها خیلی گران تمام میشد. بهر حال سرالجام منصبداران جوان توانستند در بایند که چگونه میتوانند بردشمن پیروز گردند.

در اینجا لازم است راجع به سوال مهمی که هنوز هم غالباً در برابر ما نظامیان طرح میگردد و نمیدانم چرا پیوسته از پرداختن بجواب آن شانه خالی میکنیم، قدری حرف بزنیم. سوال اینست که: آیا ما پیش بینی کرده بودیم که آلمان در سال ۱۹۴۱ بر ما حمله خواهد کرد؟ و آیا برای عقب زدن این حمله اقدامات لازم بعمل آورده بودیم؟ آری ما امکان این حمله را پیش بینی کرده بودیم! و هم اقدامات لازم را بعمل آورده بودیم.

قبل از شروع جنگ جلب نیروهای اضافی کاملاً مخفیانه بمناطق عسکری نزدیک سرحدات آغاز گردید. از اعماق کشور پنج اردو بجهت غرب انتقال داده میشدند: اردوی نمبر ۲۲ بقومالداانی جنرال ف. ا. یرشاکوف اردوی نمبر ۲ بقومالداالی م. ریمیزوف اردوی نمبر ۲۱ بقومالداانی و. و. کراسیمینکو، اردوی نمبر ۱۹ بقومالداانی ا. س. گولیف و اردوی نمبر ۱۶ بقومالداانی م. و. لوکین.

یک دسته عملیاتی از منطقه نظامی مسکو بطرف وینیتسا حرکت کرد و آنجا به اداره جبهه جنوبی مبدل گردید. نمایندگی مردم برای نیروی دریایی دستوری صادر کرد که بر اساس آن

با حفظ لیره‌ها و گردآوری اطلاعات تشدید میگردد و قسمتی از قوای بحری بالتیک از لیبافا و تالین به مواضع محفوظتری انتقال داده شد و در آستانه جنگ قوای بحری بالتیک و دریای سیاه و قوای بحری شمال بحال تیاری کاملاً در آورده شدند.

چگونه میتوان اینهمه را فراموش کرد؟ چگونه ممکن است اینهمه فعالیت‌های بزرگی را که حزب و حکومت قبل از شروع جنگ برای آمادگی کشور وارد و بمنظور درهم شکستن حمله دشمن انجام داده بودند، نادیده گرفت؟ اما مساله لا کافی بودن وقت بخاطر حل کامل و ظائف مهمی که در برابر ما قرار داشت کاملاً مساله جداگانه است.

همچنان اشتباه مادرستجش مقدار آمادگی نیروهای آلمان هلتری برای حمله بر اتحاد شوروی تأییراتی از خود بجا گذاشت بدون تردید این اشتباهات وضع ما را هنگام بیکار با ماشین جنگی بزرگ آلمان هلتری که بر منابع اقتصادی و نظامی عده ای از کشورهای اروپایی تکیه داشت تا حدودی پیچیده ساخت. ولی با صرف نظر از تمام اینها باز هم اردوی آلمان از همان آغاز متحمل خسارات بزرگی گردید و پس از نیم سال نخه قول اردوها و فرقه‌های آن در نزدیک مسکو کاملاً منهدم گردید و این نقطه چرخش اساسی در جریان جنگ بود. سرالجام باین نتیجه منجر گردید که دولت ما استوار و شکست ناپذیر باقی ماند، اما فاشیزم به شکست‌های تباہ کننده‌ای مواجه گردید.

این آموزش تاریخ است. باید انسان په‌وحته آنرا بخاطر داشته باشد.

سیستم مدافعه ضد هوایی پیمان ناتو

NADGE

دستگاه های را دار و مجلات فرصد ساخته شود. ساختن عمارات و مجلات حساس بعضی از قسمت های این سیستم مدافعه ضد هوایی در سال ۱۹۶۷ شروع گردیده است. طوریکه پیش بینی شده و سیستم مدافعه ضد هوایی «Nadge» شاید در اوایل سال ۱۹۷۱ و یا اوائل سال ۱۹۷۲ در تشکیل قوا مسلح پیمان ناتو شامل ساخته شده است و یا اینکه شامل ساخته میشود.

تقریباً يك سوم حصه مصارقات ساختن این سیستم مدافعه ضد هوایی را اضلاع متحده امریکا بدوش گرفته است. البته تادیه این مبلغ هنگفت در نزد حکومت اضلاع متحده امریکا اساس نیست. نظر به عقیده زمامداران نظامی و سیاسی اضلاع متحده امریکا این سیستم مدافعه هوایی بحیث خط اول (جبهه پیشرو) کشف و آگاه ساختن سیستم مدافعه ضد هوایی براعظم امریکای شمالی اجرای وظیفه می شود.

فعلا خواص تکنیکی، و تکنیکی، تشکیل سیستم مدافعه ضد هوایی «Nadge» ساختمان اداری، طرز فعالیت سیستم در زمان کشف هدف را شرح میدهم:

ساختمان سیستم مدافعه ضد هوایی «Nadge» نزدیک به ختم بوده و یا اینکه ایام ختم شده است. قیمت تقریبی این سیستم مدافعه ضد هوایی به (۳۱۰) میلیون دالر می رسد. در ساختن

خوانندگان محترم: در شماره اول سال جاری تحت عنوان تحلیل و تشکیل بکت های نظامی جهان. راجع به بکت ناتو معلومات مفصلی را بدست آوردید اینک مکرراً جهت یاد آوری شما راجع به تشکیل این بکت چند کلمه تکرار می کنیم:

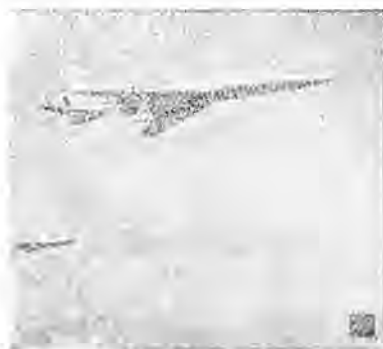
پیمان اتلانتیک شمالی و یا بکت ناتو در چهارم اپریل ۱۹۴۹ تشکیل و اعضای آن عبارت از انگلستان، فرانسه، بلجیم، لکسمبورگ، کانادا، ایتالیا، ناروی و دانمارک، ائسلند، نیدرلیند و پرتگال بود و در فبروری سال ۱۹۵۲ معالک یونان و ترکیه و در ماه می ۱۹۵۵ جمهوری فدرالی آلمان نیز باین بکت شامل شدند. بدینصورت در بکت ناتو ۱۵ مملکت مترقی و پیشرفته اروپای غربی و امریکای شمالی که دارای ساحه تقریباً ۲۲ میلیون متر مربع و نفوس زیاد تر از ۵۱۰ میلیون نفر است شامل میباشد.

در سال ۱۹۶۶ جمهوری فرانسه ازین بکت خارج گردیده و فعلا درین بکت نظامی ۱۴ مملکت جهان شامل میباشد.

اگر بخاطر داشته باشید گفته بودیم که در قوا استراتژیکی تدافعی قوت های دافع هوا شامل می باشند و اینکه راجع به سیستم مدافعه ضد هوایی «Nadge» Nato معلوماتی چند در دسترس شما خوانندگان محترم قرار میدهم:

نظر به عقیده قوماندانی عمومی پیمان اتلانتیک شمالی استفاده از قوا مسلح عمومی اتحادیه اتلانتیک شمالی در میدان های جنگ اروپا بدون داشتن سیستم مدافعه ضد هوایی موثر غیر قابل قبول می باشد. در زمان حاضر قوماندانی عمومی عالی ناتو دقت زیاد خویش را برای زود ساختن سیستم های اتوماتیکی زمینی Nadge معطوف کرده است.

در سیستم مدافعه هوایی «Nadge» طوریکه در مطبوعات خارجی ذکر شده است باید تمام سیستم های مدافعه ضد هوایی معالک اروپای غربی عضو پیمان ناتو یک کامپلکس واحد را تشکیل دهند. غیر ازین ها مجدداً زیاد تر از (۸۰) مراکز



یکی از طیارات
مباردمان بلاک
شرق

یکی از جدیدترین
طهارات اتحاد
هواوی که در
سطح آب فرود
می آید



این سیستم تمام ممالک اروپائی عضو پیمان Nato و اضلاع
متحدہ امریکا و کانادا حصہ گرفتہ اند. اندازہ مصارف
تمام ممالک حصہ گیرنده در ساختن این سیستم مدافعه هوائی
Nadge به قرار فیصدی طبق آتی است:

اضلاع متحدہ امریکا ۸۳ و ۳۱ فیصد؛ جمہوریت آلمان
غربی ۱۹/۵ فیصد، فرانسہ ۱۱/۷ فیصد، انگلستان ۱۱/۲۴
فیصد، ایتالیا ۵/۸۲ فیصد، کانادا ۵/۴۲ فیصد، بلجیم ۴/۱۳
فیصد، نیدرلند ۳/۷۴ فیصد، دانمارک ۲/۴۵ فیصد، ناروی
۲/۳۱ فیصد، ترکیہ ۱/۰۷ فیصد، یونان ۰/۶۵ فیصد، پرتگال
۰/۲۷ فیصد و لکسمبورگ ۰/۱۷ فیصد.

پہرلسیب ساختن سیستم مدافعه ضد هوائی Nadge مربوط
ہے تاکہ تمام ممالک اروپائی عضو پیمان ناتو ما لند
یک ساحہ فراخ مدافعه ضد هوائی بشمار برود. از دستگاہای
«Radars» رادار و دیگر دستگاہای فعال مدافعه ضد هوائی
این سیستم باید در مقابل دشمن عمومی این پیمان نظامی استفادہ
شود. ممالک عضو پکت ناتو (بہ استثنای فرانسہ) باین نتیجہ
رسیدہ اند کہ باید طیارات شکاری مدافعه ضد هوائی، راکت
های رہبری شدہ دا فع ہوا بہ تحت ہدف تو سط ازین سیستم
موجودہ توجیہ شود.

رادار (Radar) و یا بہ عبارہ دیگر چشمان: سیستم مدافعه
ضد هوائی «Nadge» عبارت از دستگاہائیست کہ در خاک
ممالک اروپائی غربی از شمال لاروی تا شرق ترکیہ مستقر
گردیدہ است.

در دورہ اساسی دستگاہای رادار این سیستم زیاد تر از
۸۰ مراکز عدد دستگاہای رادار و محلات ترصد موجود است
لازم است کہ یاد آور شویم کہ تمام دستگاہای رادار سیستم
مدافعه ضد هوائی Nadge جدید نمی باشد بعضی از ممالک
اروپائی غربی عضو پیمان ناتو در زمان ختم کارات ساختن
قسمت های اساسی این سیستم مدافعه هوائی بعضی دستگاہای
راداریکہ در خواص تکنیکی و تکتیکی خویش نزد یک بہ
دستگاہای رادار اصلی این سیستم میباشند تہیہ و از آن
استفادہ می نمایند. بعضی ازین دستگاہا برای اینکہ بہ مقتضیات
عصر مطابقت کند مکمل تر و عصری تر گردیدہ است. سیستم
دستگاہای راداریکہ درین اواخر دو دسترس یک ہدہ
ممالک عضو پکت ناتو قرار گرفتہ است بالعموم بطور وسطی
دارای قدرت تا ۲۰ میگاوات بودہ و عبارت از ادامہ عصری

ساختن دستگاہای رادار فرانسوی نوع ہالہیہ میباشند. این
دستگاہای Radar سہ پارامتر اہداف هوائی را اندازہ کردہ
و دارای قابلیت تدافعی خوب در مقابل پارازیت ہا میباشند.
در آن سکٹور های سیستم مدافعه ضد هوائی کہ دستگاہ
های Radar اندازہ کنندہ کوردینات موجود نمیباشد بطور
اضافگی از دستگاہای رادار اندازہ کنندہ ارتفاع نیز
استفادہ می نمایند.

ماشین های الکترونی حساب کنندہ: در سیستم مدافعه ضد
هوائی Nadge تقریباً از ۵۰ عدد ماشین های حساب کنندہ
الکترونی برای اخذ معلومات از دستگاہای رادار، تجزیه
و تحلیل و ارسال آن بہ اوپراتور های مربوطہ استفادہ بعمل
می آید. باتصویر (شکل) عادی اہداف هوائی درپردہ مشاہدات
در سروی معلومات اضافگی دیگری راجع بہ ہدف با سبجولہای
عددی و حروف مخصوص زیاد می سازند. بمجردیکہ اوپراتور
ہدف را دید فی الفور دارای معلومات مکمل از قبیل ارتفاع
پرواز، کورس، سرعت، متعلق بو دن طیارہ از خود، غیر
قابل تشخیص و یا بیگالہ (وغیرہ را در بارہ ہدف بدست آورده
می تواند. ماشین های حساب کنندہ الکترون همچنان مسائل
دیگری را نیز انجام بدهند بطور مثال:

الف سیستم سلاح را انتخاب کند (طیارات شکاری گیرندہ
و پاراکت های رہبری شدہ دفاع ہوا)، تا اینکہ بطور موفقانہ
با اطمینان کامل و سرعت زیاد ہدف را گرفتہ بتواند،
ب: خواص طیارات شکاری مدافعه ضد هوائی ممالک
عضو پیمان ناتو رادار دسترس شان قراردادہ و نوع طیارات
شکاری گیرندہ را برای استعمال بمقابل اہداف مشخص
تعیین می نماید.

ج: برای پیلوت شکاری مدافعه ضد هوائی ممالک عضو ناتو
پیشنہاد می کند کہ استعمال کدام نوع سلاح در مقابل این
ہدف هوائی موثر و بہتر تر خواہد بود.

د. در زمان بازگشت پیلوت بمیدان هوائی مربوط آن
کمک کردہ و در صورت محدود بودن ذخیرہ محروقات
نشستن طیارہ را بہ یکی از پایگا های هوائی دیگر پیشنهاد
می نماید.

با وجود آنکہ ماشین های حساب کنندہ الکترونی یک بار
عظیمی را از شالہ های اوپراتور ہا دور می نماید. مگر تصمیم
اصلی و تہائی در سیستم مدافعه ضد هوائی حتما باید ذریعہ بہترین
ماشین حساب کنندہ الکترونی جہان یعنی دماغ انسان اتخاذ
گردد. بطور مثال ماشین حساب کنندہ الکترونی فقط پیشنهاد
خویش را راجع بہ استفادہ یکی از انواع اسلحہ موجود
تقدیم می نماید. مگر تصمیم لہائی راجع بہ استعمال آن از طرف
اوپراتور های باتجربہ اتخاذ می گردد.

تشکیل سیستم مدافعه ضد هوائی Nadge مرکز
اوپراتیوی سیستم مدافعه هوائی ممالک اروپائی پکت
ناتو کہ در زیر اثر آن سہ مرکز اوپراتیوی ساحہ وی مدافعه

یکی از نمونه‌های
طیارات تکنیکی
اصلاح متحده
امریکا .



«معلومات عمومی»

عملیات طیاره	۲ نفر
سرعت اعظمی	۲۵۰۰ کیلومتر فی ساعت
ارتفاع اعظمی	زیادتر از ۲۲۰۰۰ متر
مسافت اعظمی پرواز	۳۷۰۰ کیلومتر
وزن بمب	۶۰۰۰ کیلوگرام
سلاح	۴ -- بولمان
راکت ها	۶ -- سپارو
وزن پرواز	۲۴۷۰۰ کیلوگرام
فاصله بین بالها	۱۱۷ متر
طول طیاره	۱۷٫۸ متر

بعد از آن ماشین حساب کننده الکترونی برای اوپراتور توجیه کننده (۸) وقتی را که برای گرفتن هدف بکمک کدام نوع سلاح لازم است میدهد. اوپراتور توجیه مرکز اداره و خبردهنده به کمک ماشین های حساب کننده الکترونی انتخاب سیستم سلاح (۹)، معلومات حاصل شده قیمت راداره و بادر نظر داشتن عوامل دیگر نوع سیستم سلاح (طیارات شکاری و یاراکت های رهبری شده دافع هوا) را برای گرفتن این هدف تعیین می نماید .

اگر بطور مثال تصمیمی راجع به استعمال راکت های رهبری شده دافع هوا اتخاذ گردیده باشد، فی الفور رئیس مرکز اداره خبردهنده هدف و مسئولیت تخریب آن را با اوپراتور تقسیم کننده راکت های رهبری شده دافع هوا میدهد. اوپراتور مذکور بواسطه ماشین های حساب کننده الکترونی (۱۰) برای گرفتن آن پارامتر هدف را به بطریقه موظف و تعیین شده ارسال می نماید بطریقه ازمهمات و آلات خویش (۱۲ و ۱۳) استفاده کرده، هدف را گرفته و آن را تعقیب می نماید. و در زمان مطلوبه راکت های رهبری شده دافع هوا را پرتاب می نماید .

شرح جریان مسلسل گرفتن هدف وقت زیاد را در برمی گیرد و بطور مجموعی برای تمام عملیات چند ثانیه مصرف خواهد گردید که این زمان برای گرفتن طیاراتیکه دوچندساعت صوت (سرعت صوت ۳۴۳ متر درثانیه انتخاب شده است) سرعت داشته باشند بالکل کفایت می نماید .

اگر اوپراتور مرکز اداره و خبردهنده تصمیم گرفت که برای تخریب هدف از طیارات شکاری گیرنده استفاده کند

ضدهوائی ایفای وظیفه می نماید در کشور بلجیم در ریاست ارکان قوماندانی عمومی پکت Nato در اروپا قرار دارد . در هر ساحه مدافعه ضد هوائی یک و یا چندین منطقه مدافعه ضد هوائی که هر کدام از چندین سکتور مدافعه هوائی تشکیل گردیده اند شامل می باشد. در سکتور های مدافعه ضد هوائی مراکز اداروی و خبردهنده و محلات ترصد مشاهده و خبردهنده موجود می باشد .

عملیات مسلسل سیستم مدافعه ضد هوائی «Nadge» (برای فهمیدن بهتر طرز عملیات از شمه هر نسیمی اینز استفاده کنید) :

بعد از آنکه اوپراتور محل ترصد و خبردهنده (۱) هدف (طیاره) (۲) در پرده اندکاتور دستگا های رادار کشف می نماید سیستم پرتاب کننده (از خود و یا یگانه) را فعال می سازد تا اینکه متعلق بودن طیاره را واضح ساخته بتواند . بعد از آن به کمک دستگا های Radar ارتفاع پرواز طیاره را تعیین می نماید. تمام معلومات حاصل شده را راجع به هدف به شکل اخبار بسیار کوتاهی از طریق سیستم مخابره مرکز اداروی و خبردهنده (۳) ارسال می نماید . ازینجا بطور اتوماتیکی به ماشین های حساب کننده الکترونی (۴) داده میشود که در نتیجه ماشین ها به هدف نمره شیفره شده را نیز اضافه می نماید همزمان ماشین های حساب کننده الکترونی بطور اتوماتیکی معلومات راجع به هدف را به تمام اوپراتور های علاقه مند (مربوط) مراکز سکتور های مدافعه ضد هوائی و هم چنان مراکز اداروی و خبردهنده مشترک (۵) میدهد .

ضابطه مرکز اداروی و خبردهنده مطابق به معرفی و شناسائی طیاره پارامتر آن را با پلان پرواز طیارات خود که در سیستم حفظ کننده ماشین حساب کننده الکترونی موجودیت (۶) مقایسه می کند . بعد از آن فئاعت خویش را در باره موقعیت طیاره که نظر به پلان پرواز می کند و یا خیر و یا اینکه هدف در مقابل سوال سیستم جواب نمیدهد حاصل کرده و بعد از مشوره با اوپراتور سیستم شناسائی به اوپراتور توجیه راجع به نتایج تحقیقات خویش و به رئیس مرکز اوپراتیوی سکتور مدافعه ضد هوائی را پور میدهد . به تمام این عملیات نه زیادتر از یک دقیقه وقت مصرف می گردد . در صورت پیدانشدن کدام سوال اضافگی دیگر، هدف هوائی کشف شده طیاره دشمن (و یا اینکه طیاره غیر قابل تشخیص) اعلان گردیده و مکرراً علامه گذاری می شود .

در عین زمان این طیاره را دستگا های رادار دیگر کشف کرده می تواند. در این صورت پارامتر هدف به ماشین های حساب کننده الکترونی مرکز اداروی و خبردهنده داده شده و معلومات حاصل شده با معلومات دستگا رادار اولی مقایسه می شود. در صورت لزوم ماشین های حساب کننده الکترونی می تواند بطور اتوماتیکی امر ادامه مشاهده و تعقیب هدف را فقط بواسطه یک دستگا رادار صادر نماید .

یکی از انواع
راکت های
سترا تیژ یکی
ممالک پیمان
وارثا



جمع کننده (ذخیره کننده) و دهنده معلومات راجع به هدف
۵: بلاک ارسال کننده معلومات راجع به هدف بمرکز اداروی
و خبردهنده همسایه و بمرکز اوپراتیوی سکتورهای مدافعه ضد
هوایی ذی علاقه (مطلوبه) ۶: ماشین های حساب کننده
الکترونی سیستم شناسائی هدف ۷: اوپراتور سیستم شناسائی
۸: اوپراتور توجیه ۹: ماشین حساب کننده الکترونی انتخاب
سیستم سلاح ۱۰: ماشین حساب کننده الکترونی تقسیم کننده
راکت های رهبری شده دافع هوا ۱۱: بطریقه راکت های
رهبری شده دافع هوا، ۱۲: بلاک پرتاب راکت های رهبری
شده دافع هوا، ۱۳: ماشین های حساب کننده الکترونی توجیه
راکت های رهبری شده دافع هوا به سمت هدف، ۱۴: پایگاه
هوایی نظامی، ۱۵: ماشین های حساب کننده الکترونی
توجیه طیارات شکاری مدافعه ضد هوایی سیستم *Nadge*
به سمت هدف .

درینصورت اوپراتور هدف را به اوپراتور تقسیم کننده
طیارات شکاری میدهد. درین زمان اوپراتور به کمک ماشین
های حساب کننده الکترونی بطور مشخص نوع طیاره را
برای گرفتن هدف تعیین می نماید. درین مورد از یک ویا چندین
طیاره وظیفه نوکری والی (گرز) درهوا اجرا می نمایند ویا
از طیاراتی که در نزدیکیترین پایگاه هوایی نظامی (۱۴)
موجود میباشند استفاده بعمل خواهد آمد.

معلومات راجع به وضعیت و حالت طیارات شکاری مدافعه
ضدهوایی سیستم «*Nadge*» که برای گرفتن هدف پرواز
کرده باشد به ماشین حساب کننده الکترونی (۱۵) داده
می شود. که در نتیجه این ماشین حساب کننده به ضابط توجیه
کننده معلوماتی چند که برای گرفتن هدف از قبیل کورس هدف
سرعت و ارتفاع پرواز طیاره دشمن لازم است میدهد. این معلومات
به پیلوت طیاره شکاری گیرنده داده میشود .

بعد از گرفتن هدف هوایی اداره طیاره شکاری
مدافعه ضد هوایی به اوپراتوریکه مسئول
از نشان دادن طیاره به پایگاه هوایی مربوط خود
و یا همسایه اش میباشد داده میشود بکمک ماشین حساب کننده
الکترونی (۱۵) معلومات لازم را تعیین و برای عملیه طیاره
ارسال می گردد بدینصورت اداره سیستم گرفتن طیاره دشمن
ذریعه مرکز اداره و خبردهنده انجام می گیرد .

همزمان با همه این عملیات تمام معلومات راجع به هدف بطور
مداوم (ثابت) بدون وقفه به مرکز اوپراتیوی سکتورها،
منطقه ها و ساحه های مدافعه ضدهوایی و هم چنان بریاست ارکان
قوماندهای عمومی عالی قواء مسلح ممالک عضو پیمان *Nato*
دراروپا داده میشود .

شمه بررسی عملیات سیستم مدافعه ضد هوایی پکت نظامی
لاتو «*Nadge*»

۱: محل دستگاه رادار مشاهده و خبردهنده ۲: هدف طیاره
۳: مرکز اداروی و خبردهنده ۴: ماشین حساب کننده الکترونی



استاد می گفت

(بقیه صفحه ۱۹)

ناشی از کشیدن گیهای روزگار بیروز
خواهید شد .

معلم مادر فرصتی که اشاره ختم درس
نواخته شده بود تمام صنف را اینچنین
مخاطب خود قرار داد :

ارجمندان عزیزم - این سرگذشت
اسرو زرا با فردیکه حالا برایتان میگویم
در دفتر خاطرات خود یاد داشت کنید
تادر آینده از آن مستفید شوید - چون
موقع تفریح بود و طلاب که میخواهند
اولتر فرد انتخابی استاد را بشنوند و بعد
بتفریح بپردازند یعنی هر دو مطلوبه
خویش را دریکوقت تأمین نمایند مجتمعا
به سخنان استاد دویده رسیدند :

معلم صاحب فریاد تان نرود لطفا
بفرمائید تا نوشته اش کنیم .
معلم ماتو ام با جمله (بسیار خوب)
بهت مطلوبه را اینطور قرائت کرد و
سپس از صنف خارج شد .
وقت خشم و وقت شهرت مرد کو
طالب مرد چنینم کوبه کو
این بودیکی از خاطرات (۲۵) سال
تجیل من .

لندی

دینیتی دہلی ادب لویہ خزانہ

د تیر و گنوپہ تعقیب

خداہ لہ کفرہ سرہ جنگ دی
خداہ موزیا لو کینی سرک کلہ کپی
خداہ ہفہ ساعت بہ کوم وی
خلک کالی کوی اختر دی
خود بہ می سر تہر آسمان تیروی
خورنی ہیکی تار تار وریموئخ کر
خولگی دی را کرہ خپلہ بارہ
خولہ بہ ترچکی عسکر چار کرہ
خولہ بہ لہ خپل یارہ قربان کرہ
خولی خولی وجود می رہودی

د

داہوری غردی ہرما ہروت وای
د آزادی بہ لار کینی مرشی
د آزادی بہ لاری جنگ دی
د آزادی چورہ اخترہ
د آزادی جوہری میلی دی
د آزادی سندری وایم
د آزادی معشوقہ وائی
د آزادی لہ محان قربان کرہ
داکبر خان غازی بہ توره
داہرہ مور بہ زا من راوری
د ہرگی کوتوال بندی کرہ
د اقبالو زلمو وار دی
د ہوار سر د ہرہنوںہ دی
د تانزی لویہ جگرہ کینی
د تور توہک بہ دی غنہی شم
د توروہک می ویشل خوبن دی
د تورو جنگ د ننگ میدان دی
د توریالی اکبر (۱) لہ برہ
د تور یالیو خوبندی ژاری
د توری وار راہاندی وکرہ
د چر زور را ہسی راغی
د چہل کوی بابا بہ خوا کینی

(۱) اکبرخان غازی دامہر دوست محمد خان زوی

ژوگوف مارشال پنج...

(بقیہ صفحہ ۱۷)

نگاہ کردم، يك جنگل ويك آتش تنور
ازيك ده بنظر ميخورد .

تا اين وقت بقطار آهن سفر نكرده
بودم وراه آهن را بچشم ندیده بودم .
باين نسبت سفاول من درقطار آهن از
خاطره های فراموشی لاشدنی من است .
باستيشن بالا بالوف رسيديم واز دور
يك عمارت چندطبقه نوری روشن بنظر خورد .
— شخصيكه در کنار كلسكين
با من ايساده بود برايش گفتم : كا كا
جان اين كدام شهر است ؟

— چوچه جان اين شهر نيست يگی
از فابريكات بزرگ نساچی است و
پانزده سال من درين فابريكه بحيث
كارگرمشغول كار بودم . مگر حالا در
انجا كار نميكنم .

— پرسيد چرا انجا كار نميكنيد ؟
— يك عالم از سرگذشت خود قصه
كرد . دره - جاخانم و دختر خود را بچاك
سپرده ام . ديدم كه رلك آن از حالت
طبعی تغير كرد و برای دقيقه چند چشمان
خود را بست و گفت :

— هر بار كه از کنار اين فابريكه
لحس ميكنم ، آرزو دارم كه بسوی
آن نگاه كنم البته همراهان من بغير
جلب ميكنند .

او دفتاً از كلسكين پس شد و در
گوشه تاريك واگون نشست و بسكرت
كشيدن پرداخت و من به تماشاى اين
عمارت ادامه دادم و ديگر لازم نديدم
كه از حل موضوع كنجكاوی كنم .

در هنگام شفق بامدادن بسكووار
شديم . از ديدن ساختمان واكزال
(استيگه قطار آهن) مبهوت و حيران
مانده بودم . مردم بسرعت از واكزال
سپهر آمدند كسی تكري بدست داشت ،
كسی صندوق و كسی بكس ويك ديگر
تكر خورده ميرفتند . من لمبهالستم كه
چرا مردم اين قدر عجله دارند .

— كا كايم - هر گي كه رهبری اين
جالب را داشت بمن گفت : اين جاه ده
ليست . دهانت را بسته كن و گوش و
چشم را باز .

سپهني سيني به محوانان پدی هر كولدا غونه
چه د غيرت لپولی بخولی خلاصی شينه
چه د وطن پر بيرغ و بيندم گلولونه
زه دشمنه جاسی به خوا کینی مگر محومه
چه لوی پادشاه مواحمدشاه به مخکبني غينه
د يار دوينو برتندی خال ورتنه پدینه
سخته جگره ده د مرچل به لوری غينه
چه د ناموس اوقام نه محان قر بانوينه
چه ترخوايه وطن خپل محان قربانوينه
ساخوسی خيړی چه پردی وطن لہ محمه

هرمادی نه وی دموزی سړی لاسوله
چه جنازه دی د آسمان ملکي وړينه
علمی به مينه کینی سرونه ور کوينه
به تا کینی گرنم توری سترکی سره لاسوله
لوی او واره به غتمه خوله خندا کوينه
چه زلمی ملا و تری جنگ ته تيار شينه
د غلامی هارته خولگی لہ ورکومه
چه هر سهار بخولی زهارت لره درخينه
وطن رننا شو دښمنان به ماتي غينه
د احمد شاه به شان به لپړو پيدا شينه
خو د اسلام باچا خبری و به مره
به خپل وطن به توریالی محان چاروينه
خود زلميو پری جوړنه شی زیار توله
گوره غلیمونه تپينه و له کپی مينه
چه ورسى نه کپی دلا کسوپه لاسوله
داد چرو ویشل سړی بدر لکنه وينه
شم بلپری د عشق اور تازه کوينه
محوانان د ننگ توری وهی سرور کوينه
د سوسوزيانو خوبندی سترکی توروينه
راته رانه کپی دبی پتو پيغورونه
د سپروزور را هسی لشته و به مره
چرگی آسوله غازی خان تری دینه

گر ده شبه باران دواور دی سره یونخای اوریده دشمال باد د جوارو په بانو کښی آواز تولیده وه جرمنیان چپ وه ، زمونږ مرگ باره اسلحه چه په ساحل کښی وه دتوپ بوسیله ئی د «ماریاپل» دینار پخوانی اور کاوه هدی وخت کښی دتالندی آواز بیدیا اوصحرائی لرزه وه .

کولی دشپی په تیاره کښی پرواز کاوه او وپرونکی آوازنی دهرانسان دماغ ته سخت ټکان ورکاوه د سهار په لمړیو وختو کښی دوه عسکر چه آهنی خولی ئی پرسر وی اودباران په شاخکو غلیدلی په خاورینی کوتی ته چیرته چه یوجکړن اوسیده یو زوړ سړی چه ولدنی تپته وه راووست . دهغه برکه کړتی چه په باران لنده شوی وه پرخانی نښتی وه .

دهغه دپنوسره ختی دجکړن کوتی ته راوړل شوی . عسکرو د جکړن دمیز په سر باندی پاسپورټ د ژبری پاکی برسی اولور شیان چه دتلولو په وخت کښی دهغه زاړه سړی نه لاس ته راغلی وه کشیشودل او خبرئی ورکړ چه دهغه سړی دستگیر شوی دی دتپوس په وخت کښی دهغه زاړه سړی خپل لمان دماریاپل دینار دتیار دم معرفی کړ او یوه کیسه ئی وکړه چه وروسته ټولو کاولیانو ته چه دمعاهد په شاوخوا کښی اوسیدل ورسول شوه . دهغه دم بریالی شوی نه وچه دالمالانو درسیدونه پخوا وتشتی هغه دخپل همسایه ددو لمانو سره یونخای دتیار په لاندی کوتی کښی پت هوی وه یو ورځ ددغو ماشومانو مورد ددوی دلاسته راوړلو دپاره پارتته تللی وه مگر بیرته ستنه نشوه او هغه دغلم د هوائی بمباردیو له کبله مړه شوی وه .

دهغه زاړه سړی دورو ماشومانو سره پوښه او ورځ په لاندی کوته کښی اوسیدلی وه او ورو ماشومانو په دهغه غای کښی دپختی د لاس نه هڅ له وه ویده هوی بلکه لمان بی دیوبل

سره نشلولی وه هدی فکر کښی دوپول چه غه بهوشی به شپه کښی کوچنی ماشوم په ژړا پیل وکړ او زاړه سړی هری پیغی وکړی چه غه موده چپ شو په همدی وخت خلیفه سلمانی دخپل دکرتی دجیب نه کرمی اوبه راوايستلی چه کوچنی نه ئی ورکړی مگر ماشوم دهغه اوبه ونه چشلی او وروسته معلومه شوه چه دکوچنی هلمک لمان د اویونه کرم دی مگر د زاړه سړی د اصرار په اثر کوچنی ماشوم په ژړا سره دهغه اوبه وچشلی .

کوچنی اسیران



ترتیب او تهیه : تورن عبدالغیاث

په دوهمه شپه ليقير تير (بريدگي) چه جرمني وه ددوه عسکری افرادو سره کوچنی ماشومان او قريدربخ کابلرک ئی راوستل لمړی بریدمن دغاشو دپاکتر په اپارتمان کښی چه هغه لمانی ئی پریښی وه ژوند کاوه په دهغه اپارتمان کښی چه کړکی خرابی شوی دی دهغه پرغای بی نوری تختی کلسی کپری وی دغه اپارتمان تماره او سوړ وه هدی وخت کښی بریدگي ووېل چه دری نفره پهودیان یعنی دهغه خبرئی لمړی

بریدمن ته ورکړه . بریدمن ووېل دروغ مه وایه دهغه دوه ماشومان یهودی دی خو دهغه زوړ سړی لکچه دهغه غیری اوه تیب غځه معلومېری یونالی دی اوبریدمن په خپله دهغه خبره دوسره تینگار وکړ چه حتی دخپلی خبری دثبوت دپاره شرط ته حاضر وه .

زوړ سړی چپ پاتی وه بریدمن (باندک موزه) لرکی په بخاری کښی اچول او امر وکړ چه اسیران بلی کوتی ته بوغی دماینام په وخت بریدمن دیو خپل دوست سره چه لوم ئی ارلی او دخلبانی وظیفه ئی درلوده راغی هغوی دوه بوتله مشروب چه په کاغذ کښی پت شوی وه راوړل او د زاړه سړی نه بی پوښتنه وکړ چه تیغ لری که نه هغه ووېل بلی راسره شته بریدمن ورته ووېل چه د دوماشومانو سرورخیره هغه وخت چه خلبان د بریدمن نه دماشومانو د سردخیریلو علت وپوښته هغه په خواب کښی ووېل چه دهغه ماشومان ډیر ښکلی دی غواړم چه لیر شائته بدر لکه شی . خلیفه دم ماشومانو سرورخیره ورو ماشومانو وژړل او سروله بی ښکته واچول خلیفه دم یوه تریخه خندا وکړه هرکله چه دهغه دم دغسی خندا کوله دلمان دپاره بی یوه بده پېښینی په فکر کښی کی گریخیده بریدمن هدی پوه وه چه دهغه زوړ سړی لمان مشغواوی .

بریدمن واره ماشومان دمیز ترشا کشینول او دیونلونو سرونه بی خلاص کړل او پر غلور وگپلا سو کښی بی مشروب واچوه او هم بی خلیفه دم ته ووېل چه لن ماشام ته وظیفه لری چه لمان ژیره وخره بی ، لمانکه زه لن شپه د ساعتیری دپاره ستاسو شکلو پېغلو غځه هم . بریدمن خپل غایو له په ورو ماشومانو وه پریشول او په تهدید آمیز توگه بی هغوی ته دم مشروب ډک ډک کپلاسوله وخوړل واره ماشومان غرنکه چه دهغو دغیری غځه معلومیده او نفسوله ئی تنگه شوې وه په ژړای پیل وکړ .

بریدمن خپل ملگری ارلی نه وویل
 چه زه همیشه دترمی ر و یی طرفدار
 دعلیمانوپه مقابل کښی یم . بریدمن
 ارلی وویل چه هغوی په اوس ستا
 په مخکښی د(میوفش) رقص اجرا
 کړی. بریدمن دوم گیلای هم د ماشومانو
 په خوله کښی توئی کړ او بریدمن
 تصمیم لیولی وه چه ټول مشروب باید
 ماشومان وچشی ، واره ماشومان به یی
 ویرول ، چیغی به یی یری وهلی ، تهدید
 ول به یی او ورته به یی ویل چه دغه
 مشروب یامز دی . واره ماشوم په
 گانگی پیل وکړ اوستر کی یی - یری
 شوی وی او دغو کی دسرته وایدل. او
 دکوتی په مخ کښی اوږدولید او
 خلبان هغه په غیږ کښی ونيوه او پر
 غوکی یی کښیناوه او دریم گیلای
 یی په خوله کښی خالی کړ . بدغه
 وخت کښی لوی ماشوم دلمړی محل دپاره
 په ژړا شو او په لوږ آواز یی وژړل
 بدون ددی نه چه بل چیری وگوری په
 وار خطا توگه ئی دبریدمن خواته کتل

بریدمن یری چیغی وکړی او پر خوله
 کښی یی ددریم محل دپاره مشر و ب
 توئی کړ پدی وخت کښی لوی ماشوم دی
 وولویداو وریی لتاوه اما معلوم وه
 چهغه شی نه وینی دسر ئی په ورول کیده
 اوسخت ژویل شو او درمی ترموله ولکی
 آواز ئی له خولی ووت او آرام شو .
 خلیفه دم وویل پس نه غه
 مودی دواړه ماشومان سره شرل او
 د هغوی وجود نور گریدلی وه دوه
 غیتزونه نکه چه تالنده وهلی وی .
 بعد له دی نه جکرڼ راغی او یوا امر
 چه دمیز په اسر پورت وه هغه ئی واخسیت
 جکرڼ محما نه پوښتنه وکړه چه بریدمن
 غه شو ماورته وویل چه بریدمن ماته
 امر کړی دی چه ژبه په یی وخرم غرنکه
 چه هغه مست وه لاس یی پدی احمقانه
 تصمیم و نیوه بقیر ددی هغه که مست
 نهؤ دا حمقانه تصمیم یی نه نیوه خلبان
 ولاړ او زه دبریدمن سره دهغه تودشوی
 اپار تمان ته ولاړم . هغه دآئینی په مقابل
 کښی ودرید او ما شمع چه په شمع دان

کښی وه ولکاوه او دبریدمن ږیره
 شعدان می دآئینی څنکه ته کیدو پدی
 وخت کښی چه می دبریدمن ژیره خیروله
 د صابوله ټک پرس می دهغه په سترگو
 ومښه هغه چیغه وکړه اما زه بر یالی
 شوم چه په ټول قوت سره می چه درلود
 داوسپنی شعدان می دهغه پرس ووايه
 او هغه می وواژه جکرڼ رانه پوښتنه
 وکړه بل اوه ورغی کښیری چه ستا
 بلو می حرکت کړی او دی جکرڼ
 همیشه رما چاره خواته ئی کاته ماورته
 وویل زه پوهیږم چه ته ولی محما چاره
 خواته گوری تاسو فکر کوی چه باید
 مساددی تیغ غچه استفاده کړی وه
 دا کار صحیح وه اما تاسی پوهیږی چه
 حیف می چاره ته راغی دا چاره محما پیر
 قدیمی انگلیسی چاره دی چه دلسو کانو
 را پدیخوا دده تیغ نه کار اخلم . . .
 جکرڼ راپاخید اولاس یی دخلیفه
 دم خواته اوږد کړ او وویل چه دی
 سړی ته خواره او پنا بسته کالی ورکی
 جکرڼ ولاړ او خلیفه دم هم د آشپز
 سره دصحرای آشپز خانسی بلوته
 روان شو .



دقول اردوی
 سر کزی
 کماندو دافرادو
 فعالیت او
 تمرینات



دجا پالی
 کماندو
 فعالیت
 یو صحنه

نامه از یک دختر قهرمان



ماری کودر ژیکووا یکی از فدا کاران نامدار کشور چکوسلواکیا است. زمانی که وطن او مورد تاخت و تاز اجنبی ها قرار می گیرد ماری بهیث یک جالفدای مطلق با اشغال گران داخل پیکار و مبارزه می گردد. خدمت های شایانی را انجام میدهد و سر انجام بدام می افتد و بالاخره باید اعدام شود. پیش از اینکه چشم او را برای ابد بسته باشند برایش موقع داده می شود تا نامه به والدین خود بنویسد. که این حقیقت تلخ و نا آرام را شما از زبان خود (کودر ژیکووا) که در روز های سالگرد تولدی آن تحریر گردیده است مطالعه می فرمائید .

مترجم

زندگی بروی شما و شما در زندگی
بخندید. مادرك، بابه جان، نور دیده
های عزیزم بسر جان و دختر ك گلم
مادر كلان، پدر كلانم همه تان را به
هزارها بار می بوسم. بکوشید همیشه
صمیمی بوده و مرا از میان تان دور
نداشته باشید هزاران شکر گذاری و
عش ب همه شما :

دختر شما ماری کودر ژیکووا
با این مکتوب میخواهم چند کلمه
دیگر علاوه کنم.

راجع به خود چه بگویم؟ ب همه تان
معلوم که من دختر خوبی برای شما
بوده ام و به همین ترتیب فرمانبردار این
دنیا را ترک خواهم کرد. بگانه خواهم
از شما این است تا بالای قبرم اشک
نریزید. بگذارید بالای خاکم مسرت و
خاموشی حکم فرما باشد.

مرد روحانی نزد آمد و بایک صحبت
نهایت صمیمی قلبم را شاد ساخت.

حتی تلخ ترین لحظه حیات
زندگی از دست رفته خود را نزد خود
مجسم - اختم و بالاخره خوشی زیادی
برایم دست داد زیرا آنچه در زندگی
کرده ام سراسر خوشبختی بوده و حق
هم داشتم که خوشبخت باشم.

نسبت بمن کدام ترس را در خود



ماری کودر ژیکووا

شما شکر گذاری خود را تقدیم میدارم
حتی در آخرین ساعات زنده گی هم مادر
قلب من جادارید. عشق شما را توسط
اشک از چشمانم نمی ریزم بلکه آنرا
با تبسم همراه میدارم و از شما هم
تقاضای تبسم های شهرین را دارم تا

هر لبض از زندگی را دوست و هر
لحظه آن را قدر کنید، دوست بدارید
یک دیگر خود را. دوست داری را
بیموزید. کوشش کنید هر وقت از
زندگی و با الخاصه لحظات شیرین و
مقبول آن. را با تمام وجود حس کرده
و خاطرات فراموش ناشدنی با خود
داشته باشید. بگذارید تا تنها شما
بدهند بلکه بدهید و شاد باشید.

حتی امروز برای من بسیار مقبول
و زیباست. آنقدر اعتماد، عشق و سر
گذری را در خود حس می کنم که
دست های خود را بلند کرده و شمارا
در آغوش خود می کشایم نامه مرا
قلبا درك نموده و قبول بدارید. حتی
هنگامیکه سهوه می کردم و یا مرا
آزرده می ساختند، همیشه قلبا ب طرف نیکی
و کرامت های انسانی کشانیده میشدم
زندگی من بسیار زیبا بود، هستی و
بلندی های زیادی داشت. زندگی با
اعتمادی داشتم. مبارزه می نمودم و
موفق بودم.

عزیزان نهایت گرامی. من به پیش
شما به زانو در می آیم و از شما عشق
و بخشش التجا دارم.

روها و دست های همه تان را
بوسیده و به چشم های خود می مالم ب همه



منظره جالبی از
تمرینات پرش
افراد کماتندو

سالگرم یاد نموده و چی برایم آرزو کرده اید.

سامان و لباس مرا در جای بگذارید چائیکه در آنجا از همه بیشتر لبش زندگی در تکان باشد. تا از آنجا من توانسته باشم همیشه به شما بنگرم، در غم و شادی با شما شریک زندگی باشم.

دوست دارم، در حرکت هستم و اعتماد دارم.

دخترتان که شما را بیش از جان خود دوست میدارد مازی کودر ژهکوا

سلام بهمه، بخشش باشد. شکر گذاری از همه.

بدون خوف و هراس بیدان می برآیم. چوتی های موی خود را خودم بریدم. باموهای تشنگ خود که یگانه همراز تنهایی ام بودند يك عالم بوسه، عشق و محبت برای تان تقدیم میدارم. موهایم را با کالایم يكجا اخذ خواهید کرد.

به هم نوع خود می باشد. هیچ تغییری در خود نمی بینم مثل همیشه حواس آرام دارم و بدنی سبیله برای اینکه شما بمن اعتماد کرده برای تان اطمینان میدهم. حالاً لقمه بکلی آرام گرفت لحظات واپسین فرا می رسد. امیدالم شما در خانه هستید و یا از الگور باغ در حال باز گشت می باشد خور بهر صورت.

امیدالم که شما حس می کنید که من باشم هستم؟ می خواهم با کف های دست خود داغ های قلب تان را که از اثر اهدام من پیدا می گردد پنهان و التیام کنم.

و باز می خواهم همیشه با شما باشم. درین دقایق آخر زندگی فقط امکان نوشتن برایم موجود است و تنها در معلومات بعضی پرش ها بیکار می مانم. من هنوز تیریکی تان را نسبت روز تولدی خود از شما اخذ لکرده ام. اما مطمئن هستم که باهک محبت قلبی و عشق تمام مرا در شب

راه ندهید. من همیشه وجدان پاک داشته ام آنچه را خواهم دهد محض بخاطر آنست که بمردم و خاک خود خدمت نموده ام و از سرگذشت خود گدازم بشیمانی ندارم و آنچه بالا می تحمل گردد خواهم کشید. باین لحاظ گریه نکنید؟ غم نکشید و تنها برای بهبود جامعه خود خوشبختی تان را که بسته به آنست زندگی کنید و قدر آن را بدانید.

من طوری که باشم بوده ام همیشه باشم خواهم بود. دلم بسیار می خواهد چیزی خنده داری برایتان بگویم تا از يك طرف باعث خوشی تان گردیده و از طرفی هم شما اطمینان پیدا کنید که من آرام هستم. اما این خنده حیثیت خنده سر مستیج را خواهد داشت. من که هیچ وقت به این قسم نبوده ام. آخ مادر عزیزم چقدر دلم می خواهد که سر خود را بالای سینه ات بگذارم و ضربان قلبت را مثل ایام طفولیت با تمام جان درک کنم. ارجمندان نور چشم هر دوی تان را در آغوش خود می فشرم. پدر جان عزیزم می خواهم یگانه اتکای قلب مادرم بوده باشم. متشکرم، متشکرم از همه شما و دست های تان را می بوسم.

گدی گدک عزیزم خودت چه حال داری؟ من در مکتوب های خود همیشه با تو گپ می زدیم امیدالم چیزی از آن می فهمیدی و یا نه. مادر کلان و پدر کلان عزیزم از شما همیشه راضی بوده ام و رویه های تان را می بوسم.

شهادت نامه مرا محفوظ داشته باشید و بخاطر داشته باشید که در زندگی خود از هیچ يك امتحالی نترسیده ام و هیچ يك حادثه مشکل زندگی مرا مشوش نساخته است.

درین لحظه واپسین حتی خوف ترس و هراس مرا تنها گذاشته اند یگانه چیزی که تادم مرگ با من خواهد بود تصمیم کلی و عقیده راسخ

فعالیت ماهرانه در تاریکی شب



نظریه یک تقسیم اوقات و پلان معین، توسط قوماندان بلوک و یا تولی پیش برده می شود. در اینجا به اساس پلان و تقسیم اوقات مرتبه هر کدام درس برای مدت (۵۰ دقیقه) دوام میکنند زمان مذکور به ترتیب ذیل تقسیم گردیده است :

احضارات (۱۰-۷ دقیقه) بخش اصلی درس (۴۰-۳۸ دقیقه) و قسمت ختم درس (۳-۲ دقیقه) سنجش گردیده است قرار اظهار نویسنده مضمون نامبرده، از تمرینات و تعلیم و تربیه فیزیکی شب، که توسط یک قوماندان بلوک جوان و مجربیکه وظیفه تعلیم و تربیه یک بلوک فوق العاده خوب و رسیده را بدوش داشت دهنده نموده است. قوماندان بلوک عبارت بود از لمری بریدمن (V. Sobolev).

لمری بریدمن (V. Sobolev) جهت پیش برد تعلیم و تربیه شب، یک اراضی متوسط عارضدار را با موانع متعددیکه عبور از آنها چندان مشکل نبود انتخاب کرد بعداً در خط مبدأ حرکت وظیفه بلوک را ترتیب، طرز و شرایط اجرای وظیفه را توضیح استقامت حرکت را (نظریه لقاط معاونه) نشان داده و افراد مربوط خود را راجع به مراعات خاموشی و ستر و اخفای شب ایقاز نمود. متعاقب امران افراد بلوک موضع هجوم را اشغال نموده، با دادن فرمانده «هجوم و راندی» افراد بسرعت از خندق جست زده، به استقامت که تعیین شده بود بمسافه (۲۰۰-۱۵۰ متر) بطرف علامات و اشاره های معینه، تثبیت شده (ستاره، روشنی چراغ، صدا) که توسط قوماندان بلوک مذکور تعیین گردیده بود حرکت نمودند افراد بلوک بعد از طی مسافه مطلوب بیک صندوق جیبخاله مواصلت و از مواصلت خود به آن جا ذریعه وارد آوردن گسه ضربه، توسط بم دستی به پوش صندوق جیبخاله و تولید یک صدا که نشانه از مواصلت تمرین کننده گان به محل معینه بود به قوماندان بلوک اطلاع دادند جهت اطمنان قوماندان بلوک، از اینکه افراد مربوط حقیقتاً به محل معینه صندوق جیبخانه رسیده اند و یا خیر، ترتیب گرفته شده بود تا تمرین کنندگان بیک بم دستی (F-1) را به صندوق گذاشته و با اخذ یک بم دستی (R-G) از صندوق و سپس بخط عودت نمایند.

در مرحله اول جهت پیش برد این تعلیم و تربیه، یک وظیفه نسبتاً سهل و آسان برای تمرین کننده گان داده شود. بطور مثال همه افراد با در نظر داشت خصوصیات تاریکی بیک نقطه توزیع

حسب معلومات خوانندگان محترم، فعالیت و اجرای حرکات در شب یکی از جمله فعالیت های محاربه ای، خصوصیت، که نظریه خصوصیات تاریکی و درجه تاریک بودن خود، بر حرکات و فعالیت جزو تام در تاریکی تأثیر خصوصی وارد میکند. بنابر همه قوماندانان، بالخصوص قوماندانان جزو تام های خورداز قبیل بلوک، تولی است تا تدابیر و چاره های مختلف را با اجرای تعلیمات و تمرینات شب، اتخاذ نماید. تا بتواند از تأثیرات منفی تاریکی شب بالای حرکات و فعالیت محاربه ای جزو تام خویش جلوگیری و یا تقلیل بخشیده و از جنبه های مثبت و طرف های مفید تاریکی به نفع جزو تام های مربوطه خویش استفاده نماید جهت بر آوردن مرام متذکره، لازم است تا با اجرای تمرینات متعدد شب ملکه و مهارت جزو تام خویش را، برای فعالیت بهتر تر و طرز حرکت صحیح تر، در تاریکی شب، الکشاف داده، سویه تعلیم و تربیه و قدرت محاربه ای شب جزو تام خود را رشد و ارتقا بخشد. بمقصد رشد ملکه و مهارت جزو تام خود بانیست از خصوصیات طبیعی اراضی مختلف النوع که هر قسم موانع طبیعی را دارا باشد، در شرایط و وضعیت های مختلفه استفاده نماید.

روی مرام فوق الذکر می خواهم نمونه یک تمرین شب را که توسط یک بریدمن، جهت رشد الکشاف سویه تعلیم و تربیه شب و بلند بردن ملکه و مهارت بلوک در تاریکی شب بکار برده شده خدمت شما تقدیم نمایم.

تاریکی شب نظریه خصوصیت آن، عاملست که همیشه در تحت هر گونه شرایط و وضعیت های مختلفه، از استعمال مؤثر و مساعد، قوت ها سلاح، و سایر شرایط در شب کاهش بعمل می آورد. نظریه خصوصیات مذکور اجرای حرکات را در بالای اراضی، کشف و عبور از موانع و تعقیب استقامت را مشکل میسازد. از همین جا است که اجرای فعالیت محاربه ای مؤثرانه و بهتر در تاریکی شب، یک تعلیم و تربیه خصوصی و اختصاصی شب را ایجاب میکند این تعلیمات مشتمل از یک سلسله تمرینات تکنیک ها و فعالیت های است که مخصوص پشیرد اجرای وظائف محاربه ای در تاریکی شب میباشد. منجوت یک قاعده تمرینات شب، احضارات است که با استفاده از دروس نظری و عملی در شرایط شکل ماهرانه در آورده می شود. دروس و تعلیمات شب،

جیخاله رفته، و با سه مراتبه ضربه دادن، به صندوق جیخاله توسط
بم دستی تکرار بخطر مبدأ عودت نمایند.

بعد از اكمال معارثه افراد در حصه این تمرین بسیط،
تمرین کنندگان بیک وظیفه بسیار بغراج و مشکلی گاشته شدند:
بدین ترتیب که تمرین کنندگان گفته شده تا خودهارا به هدف
نمبر (۱) رسانیده و بعد از مواصالت به هدف مذکور، استقامت
خودرا تبدیل و با اجرای یک چرخ (۹۰) درجه خودرا به هدف
نمبر ۲ رسانند، بعد از مواصالت به هدف مذکور تکرار بخطر مبدأ
حرکت عودت نمایند. درین تمرین افراد گروه بستی گردیده
و هر گروه از تمرین کنندگان بعد از یک وقفه (۱۰۵-۱ دقیقه)
بحرکت میگذشتند.

در درس دیگر لمپری بریدمن (Sobolev) جهت انکشاف
ورشده بهتر ملکه و معارثه تمرین کنندگان، تمرینات را بیشترتر
پیچیده و بغرنج ساخت. درین مراتبه افراد بلوک را بدو
Section تقسیم و بیک قسمت آنها در خط مبدأ حرکت، داخل
موضع گردیده و بشکل قطار رفتار (دولیکه و یاسه لیکه) ترتیب
شدند. قومانده « هجوم و راندی » داده شده، افراد نظریه
قومانده مذکور، افراد به پیشرو حرکت کرده و بیک مسافه
(۲۵۰ متری) را به استقامت یک نقطه بارز معاونه طی نمودند.
به مجرد مواصالت افراد تمرین کننده به نقطه بارز مذکور، نظر
بیک اشاره برق دستی که توسط کنترل کننده نمبر ۱ داده شد،
ایشان استقامت خود را تغیر داده و بصوب روشنی مذکور
حرکت نمودند، در همین لحظه که ایشان استقامت خودرا تغیر
داده اند و به استقامت روشنی در حرکت بودند، کنترل کنند،
نمبر (۲) برای (۵-۳ ثانیه) روشنی را قطع نموده در حالیکه افراد
بحال حرکت بودند بیک اشاره دود (با استفاده از یک چارچ
تولید دود) که مفهوم آن اشغال مواضع مساعد از طرف تمرین
کنندگان با استفاده از عوارض اراضی بود داده شد. بعد از
(۱۵ ثانیه) افراد از مواضع اشغالی خود برآمده و به استقامت
نقطه که از طرف کنترل کننده نمبر ۲ داده شده بود حرکت
نمودند. بعد از دریافت و کشف نمودن محل نشانی شده خودها
در اراضی، و تعیین استقامت حرکت، Section مذکور بخطر
مبدأ حرکت عودت کرده و بالای یک زره پوش ارکاب
گردیدند. درین تمرین هر کدام از Section بلوک بعد از یک
وقفه (۶۰-۴۵ ثانیه) بحرکت گذشتند.

در اثنای این تمرینات درجه مواصالت صحیح افراد به نقطه
کنترل، مقدار و اندازه انحراف آنها بحساب متر از استقامت
داده شده و ترتیب قطار رفتار و هر کدام از قسمت های بلوک
توسط کنترل کنندگان ثبت و یادداشت گردیده، اشارات که
لنماینده گی از استقامت عمومی حرکت بیشترتر تمرین کنندگان
را میگرد داده شد.

بعد از انجام و اجرای این تمرین، زمانی را که هر کدام از
Section های بلوک، جهت طی این مسافه در بر گرفته بود،
با درجه صحت مواصالت آن به نقاط کنترل توسط صاحب منصب



صحنه از فعالیت افراد کماندوی اردو

مسئول آنها برای شان ابلاغ گردید. شخص قوماندان بلوک
فعالیت هر گروه را ارزیابی کرده و خطای های را که توسط
کنترل کنند، ثبت گردیده بود یاد داشت نمود.

لمپری بریدمن (Sobolev) در ضمن صحبت و سخنرانی در
قسمت دروس آینده در شرایط روز تمرینات و انداخت های بم
دستی را با علاقه مفرط و شدیدی بازرسی نمود و از اینکه افراد
بلوک آن بر علاوه انکشاف ملکه و معارثه در حصه الداخت بم
دستی درین تمرینات، در قسمت اهمیت و مفاد بم دستی، عکس العمل
سریع بمقابل روشنی ذهن سلاح و یا اشارات صدائیه، قابلیت
تخمین مسافه و استقامت هدف را بهز انکشاف داده اند، برای
افراد بلوک خود خاطر نشان نمود. و هم راجع به اینکه ایشان در
اثنای تمرینات در تاریکی شب مجبور به الداخت بم دستی از
وضعیت و لای، وضعیت زنگون کپرد و هم چنین جهت الداخت از عقب
ستره و یا سپر بمقابل اهداف و لای و یا افتاده خواهند بود آن هارا
ایقاز نمود.

در درس اول بلوک بریدمن Sobolev تمرینات خودرا با
استفاده از وسایل تنویر (که هدف توسط روشنی برق دستی
مرمبات تنویر که هدف برای یک مدت کوتاه روشن گردیده
بود اجرا نمود. زمان تنویر هدف بصورت تدریجی کاسته شده
بود. با اكمال قابلیت و استعداد افراد بصورت تدریجی، به
الداخت بم دستی در شرایط تاریکی مطلق آغاز نمودند. متعاقب

آن تکرار ایشان انداختیم را با استفاده از صدای شدید که زلک کسه با چکش ضربه داده میشود. بمقابل هدف که برای یک مدت کوتاه روشن کرده میشود ادامه دادند. از اینکه در اثنای شب کنترل نمودن انداختیم دستی بوقه بازوی افراد خیلیها مشکل است، از همین لحاظ نظر است که ابتدا تمرین انداختیم را با یک مسافت کوتاه که توجه بیشتر در حصه صحت انداختیم آن از وضعیت های مختلف معطوف کرده شده بود اجرا نمودند. بهر حال با اکتشاف تکنیک انداختیم در تاریکی و پیدا نمودن ملکه مسافت انداختیم به تدریج زیاد ساخته شده، ابتدا بمقابل اهداف و لار و بعداً بمقابل اهداف افتاده تمرین را اجرا نمودند.

پیش از اجرای تمرین بریدمن *Sobolev*، اسر داد، تابعی از بیمها را سفید رنگ نمایند، بدین منظور یک پارچه سفید را به اطراف بعضی از بیمها چسباندند. این کاریک که همک و معاونت بزرگ جهت پالیدن و پیدا نمودن بیمهای بود که انداختیم گردیده بودند.

قرار ملاحظه اهداف در بالای اراضی که تعلیم و تربیه اجرا میشود بشکل یک مثلث ترتیب گردیده بود. که این کار بمنظور معاونت به تمرین کنندگان در نظر گرفته شده بود. انداختیم کنندگان بعد از انداختیم چندین بیم در بالای یک هدف، به استقامت هدف مذکور حرکت کرده و در این سرتابه بعد از اعاده بیم دستی جهت انداختیم بکدام آشیانه دیگر هدف بخط میآید حرکت عودت نه نمودند.

جهت پیش برد تعلیم و تربیه مذکور از تأسیسات اهداف ذیل استفاده گردید: یک گروه اهداف متعرض که مشکل از دو عدد هدف و لار نمایان که در بالای یک پلاتفورم رویه آهنی دایره دار بقطرهای (۲-۳-۱ متر) نصب گردیده بود، در کنج دوم این مثلث خندق بطول که تیان آن ذریعه چوب قرش گردیده بود وجود داشت کنج سوم این محل انداختیم مثلثی حاوی چند هدف و لار بود که از چوب ریخته شده بود. یکی از این اهداف (۱۰۵ × ۱ متر) به ارتفاع یکمتر از سطح زمین بلند و یک هدف دیگر (۱ × ۲ متر) مستقیماً در بالای اراضی (سطح زمین) نصب گردیده بود. جهت اینکه از زخمی شدن افراد جلو گیری کرده باشند و بمقصد تأمین امنیت بیمهای پرتاب شده تنها نظریه امصاحب منصب مسئول آن دوباره جمع کرده میشود. وهم چنان باز هم بمقصد معاونت از ظهور کدام تهلکه بیمها بیکه پرتاب شده جهت انداختیم مکرر با خود عقب می آورند نه اینکه آنها را بعقب پرتاب نمایند. با مشاهده ابراز لیاقت افراد در حصه انداختیم و اجرای تمرینات می توان ایشان را از اجرای تمرینات معاف گردانید.

قابلیت و استعداد افراد در حصه تأمین فائزیت عبور از موانع مختلفه در تاریکی معادل به مؤفقت آنها در محاربه شب مهم است. اهمیت این موضوع را افراد مربوطه بریدمن (*Sobolev*) نظر به موضوعات قبلی بیشتر تر درک نمودند.

از همین نقطه نظر اهمیت آن بود که افراد بلوک بشکل مشتاقانه و دوامدار، بعد از اکتمال انداختیم بیم، در حصه عبور از موانع مختلفه از تاریکی شب تعلیم و تربیه گردیدند. تمرینات مذکور مشتمل بر یک کورس نور مال تعلیم و تربیه موانع ۲۰۰ مترئی (باستثنای سیم خار دار شده) و عبور از موانعی انفرادی عمودی و افقی، در شرایط صحرائی چقریها، چقریهایکه از بیم بوجود آمده، سیم خار دار موانع عمودی چوبی دیوارها خندقها، گودالها و بجه گلهای خورد و یک تعداد دره گلهها بود.

در چند روز اول، حین اجرای تمرینات و دروس افراد موانع را بصورت متفرد، تنها به تنها و متعاقب اکتمال ملکه افراد، تعلیمات بشکل گروه وار تمرین کرده شد. متعاقب این کار بلوک شروع به اجرای، فعالیت های نسبتاً پیچیده نمود. بدین شکل که عبور از موانع را با استفاده در چوب دستک یا کدام بل، بالاشدن و یا پائین شدن از وسایط، پائین کردن و کروب بار معولهها اجرا نمودند.

راهیکه بریدمن *Sobolev*، بلوک خود را بالای آن تعلیم و تربیه می نمود از نقطه نظر شکل مشعش بوده و به هر کدام اضلاع مثلث تقریباً در حدود ۱۰۰ متر طول داشته و تمرین کنندگان عبور از موانع را موقفاله انجام و به استقامت نقطه کنترل حرکت نمودند.

تمرینات اجرای عبور از موانع، در مراحل اول در یک شرایط (dm) و یا خیره (در شرایط نسبتاً تاریک، و حیات تنویر و در روشنی چراغ های کمپ) اجرا نمودند. متعاقباً این تمرینات در شرایط تاریکی مطلق پیش برده شد. پیش از آغاز تمرینات بریدمن (*Sobolev*) با دادن یک استقامت عمومی حرکت بصورت یک اشاره روشنی افراد بلوک را در بالای اراضی آشنا ساخت. در ضمن تمرینات جامع و مکمل فوق قومانده بلوک بر می توفه های حرکت، سگنالها و قومانده جهت تبدیل استقامت استفاده از اراضی حمل و نقل و بردن محمولهها آنها را آشنا ساخت این بود شمه از نمونه یک تعلیم و تربیه شب بلوک و انکشاف ملکه و مهارت بلوک در حصه اجرای محاربات در تاریکی شب که توسط بریدمن مذکور بصورت ماهرانه و با استفاده از همه امکانات موجوده پیش برده شد، بود خدمت شما تقدیم نمودم امیداست مورد استفاده بیشتر خوانندگان محترم گردد.



منظره از
آشپز خانه
سیار دشمهای
خبازی اردو

هند و چین را بشناسید

آ نام - یا ویتنام

موقعیت ویتنام: دربر اعظم آسیا در منطقه ساحلی شبه جزیره جنوب شرق آسیا واقع بوده و در سابق بنام هندوچین فرانسوی مسمی بود. ویتنام یک مملکت کم عرض ولی طویل بوده و طول آن شمالاً و جنوباً از چین تا خلیج سیام به یک هزار میل بالغ میگردد.

تقسیمات سیاسی ویتنام

ویتنام که قبل از جنگ عمومی یک مستعمره فرانسه بود، امروز تقریباً بدو حصه مساوی تقسیم گردیده و در ویتنام جنوبی رژیم جمهوری و در ویتنام شمالی رژیم کمونستی حکمروائی دارد. از نگاه موقعیت جغرافیائی، جمهوری ویتنام شامل اراضی دلتای دریای میکانگ و قسمت های کوهستانی مرکزی است در حالیکه ویتنام جنوبی اراضی دلتای دریای سرخ را دربر میگیرد.

جمهوریت ویتنام

مساحت و نفوس :-

بزرگی ویتنام ۶۷۲۴۰ میل مربع بوده و جمعیت آن به پنج میلیون هفت صد چهل هزار نفر مساحت ویتنام شمالی به ۷۰۰۰۰ کیلو متر مربع و نفوس آن به ۶،۷۲۰،۰۰۰ نفر میرسد.

مرکز حکومت آن :- هانگون پایتخت ویتنام جنوبی بوده که به نزدیک ساحل جنوب شرقی واقع بوده و یک شهر عصری و مدرن و یک بندرگاه فعال است که نفوس این شهر به دو میلیون نهصد هزار نفر بالغ میگردد.

مرکز ویتنام شمالی شهر ها لوی که نفوس این شهر به یک و نیم میلیون

در چندین موسسات تخصصی ملل متحد عضویت دارد ولی بنابر مخالفت روسیه شوروی تا هنوز بعضویت یونو پذیرفته نشده است.

اوضاع اقتصادی :- رو به مرفته و اقتصاد ویتنام ضعیف بوده زیرا اقتصاد ویتنام با لای زراعت برنج، و ماهگیری و صنایع کوچک استوار است. که درین اواخر تقریباً ۲۷۰ کارخانه صنعتی کوچک را داشتند که از همه آن چراغ های دستی بود که همه افراد از آن کار می گرفت.

درین اواخر صنایع خوبی انکشاف کرده و برنج و رابر یا کوچک صادرات تشکیل میدهند.

ملتیکه از ۱۹۰۰ تا اکنون با جنگ آوران و لشکر کشان و محرکین در نبرد باشد علی رغم خرابی املاک و ویران شدن خانه فوت افراد و با جبراً و قهرآ به میدان جنگ و لبرد رفتن برای بهبود اوضاع اقتصادی و پیشرفت صنعت و فلاحه چه امید باقیمانده میتواند، البته فرانسه، چپان امریکا و متحدین آن به شمول چین کمونست و اتحاد شوروی همه به نوبه خویش در بر بادی و فلاکت واد بار این ملت بدبخت رول مهم دارند این خاک میدان آزمودن تمام اسلحه جات

پنجصد چهل هزار نفر مرد و های نژونک بندر بزرگ ویتنام شمالی است.

مردم لسان و مذهب :- اکثریت مردم این خاک از قوم ویتنامی بوده در قصبه های کوچک زراعتی در سواحل و جلگه های دلتای میکانگ زیست میکنند یک عده چینیانی ها و کمبودیانی ها اقلیت های نژادی را تشکیل میدهند.

مردم بنام الماریاد شده از نژاد منگولاید بوده دارای کلتور چینی اند. مذهب اکثریت مردم بودائی و پرستش اجداد است زبان عامه رازبان ویتنامی که از نوع چینی بوده با الفبای لاتین نوشته میشود تشکیل میدهد زبان فرانسوی نیز از طرف اکثر مردم مخصوصاً در دوائر دولتی و مسایل تجارتی استعمال میشود.

حکومت :- در ماه اکتوبر (۱۹۵۵) میلادی سیستم حکومت جمهوری در ویتنام بوجود آمد قرار قانون اساسی (۱۹۵۶) قوه اجرائیه بدست رئیس جمهور و نوه مقتنه بدست مجلس شورای ملی قرار گرفت جمهوری ویتنام یک مملکت کاملاً مستقل بوده و در سال (۱۹۴۹) میلادی به اثر موافقه بین حکومت فرانسه و امپراطور ویتنام آزادی این کشور از طرف فرانسه برسمیت شناخته شد. ویتنام با اینکه



احضار و اعمال راکت های اتمی در اردوهای بزرگ

مروجه ساخت جالبین از راه بحر قضا و خشکه قرار گرفته در حال حاضر هم به زور و اسلحه جانبین در این خود با هم میزنند ، میکشند معلوم میسازند همان توتیه زمینیکه مساعد زراعت و آبادی بود همه به ذریعه مواد منفجره امریکا و کمونست ها خراب گردیده است فکر بهبود زراعت و صنعت شان به سالها عقب رفته زیرا آنها نمیتوانند به خوایش خود و اراده خویش اقدام نمایند همین چند نفر سیاست مداران صاحب اقتدار به هوا و هوس خود خواهی آنها را با هم در ستیز میسازند ، مفهوم اصلی زندگی و زیست با همی هیچ گاه در هیچ اجتماع چنین مقررات ندارد تمام دنیا به شمول جامع ملل متحد ناظر این اوضاع بوده و با این هم هیچ يك از جانبین دست فعالیت را از آستین ندامت نکشیده و لغو استه است که اشکلهای بیوده زنان و یریتیمان را خشکه سازند و برای آنها چانس یکه زندگی بدهند .

معارف ویتنام :- سیستم تعلیمی که قبلا باصول فرانسوی بنا یافته بود در این او آخر تحت تجدید نظر قرار گرفت مکاتب دهاتی و ابتدائی از طرف یونسکو کمک میشوند و تعلیمات عالی در سه پوهنتون داخل کشور صورت میگرفت و معاونت های چینی به ویتنام شمالی و امداد های ایالات متحده و متحده ین آن به ویتنام جنوبی در کلتور و تربیه افراد هر دو حصه تاثیر بسزای وارد کرده بعضی از عنعنات آنها تغییر شکل نموده و صورت عموم اذهان به سوی لبرد و خون خواهی میلان پیدا کرده سوابق تاریخی :- ویتنام قبل از سال ۹۳۹ میلادی تقریباً برای مدت یکمزار سال به حیث یکی از ولایات چینی تحت تصرف آن دولت اداره میشد . و در سال ۹۳۹ میلادی جنبش آزادی خواهی به عمل آمد در نتیجه چینی ها را از خاک ویتنام رانده شد و برای مدت صد ها سال بصورت مستقل به حیث يك دولت عرض وجود کرد در او آخر قرن (۱۳) م قوبلای خان

لاوس

موقعیت و مساحت : لاوس يك مملکت كاملا محاط به خشکه بوده و در قلب جنوب شرق اسیا وقوع دارد . این سرزمین در سابق بنام هندوچین فرانسوی مسمی بوده تحت سلطه فرانسوی ها قرار داشت بطرف شمالی این کشور چین جمهوری ، شرق آن ویتنام شمالی طرف جنوب ویتنام جنوبی و کمبودیا سمت غرب آن تایلند و بر ما وقوع دارند نفوس لاوس بین سه ملهون چهار صد نفر تخمین گردیده است .

ساختمان طبیعی آن :- اراضی لاوسی اکثرآ کوهستانی بوده از جنگلات غلو و البوه پوشیده شده است وادی دریای میکانگ در غرب لاوس نزدیک تایلند از معمور ترین مناطق لاوس بشمار میرود اراضی پست شمالی حاصل خیز است که غذای اکثریت مردم را تولید میکند . توسط دریای میکانگ و معاونین آن آبیاری میشود . لاوس دارای خطوط ریل نبوده ، سرك های موتررو همه در فصل بارانی غیر قابل عبور و مرور میشوند .

مواصلات هوا ئی درین او اخر رو با انکشاف گذاشته است و میدان های

از خاک چین از طرف وطن پرستان ویتنامی حمله هایی شان عقب زده شد . در نیمه قرن (۱۹) فرانسوی ها از طرف جنوب به ویتنام داخل شد و کم کم ویتنام را تحت تصرف خود در آوردند . در جنگ عمومی دوم ویتنام تحت تصرف جاپانیها در آمده حکومت داخلی بدست فرانسوی ها قرار داشت بعد از ختم جنگ و مغلوب شدن جاپانی ها چون فرانسویها دوباره به ویتنام مراجعه نمودند . خود را در مقابل افکار شدید آزادی خواهی ویتنامی ها یافتند . در نتیجه يك سلسله جنگ های داخلی که تا سال (۱۹۵۴) دوام داشت فرانسوی ها مجبورآ از ویتنام خارج گردید و ویتنام به دو حصه منقسم گردید . يك حکومت کمونست تحت راهبری هوچی من در شمال و حکومت جمهوری مستقل در جنوب ویتنام بوجود آمد . و در سال ۱۹۵۴ در جینوایك قرار داد آتش بس در بین کمونست ها و ویتنام جنوبی در شهر جنو امضا گردید که حد فاصل به حیث سرحد بین ویتنام شمالی و جنوبی همانا خط ۳۷ درجه عرض البلد بین ویتنام شمالی و جنوبی تعیین و قبول گردید .

هوب هوایی در آن بنا شده است اقلیم لاؤس از نوع استوایی بوده، بارندگی پنج ماهه فصل مانسون رطوبت دایمی درین کشور تولید مینماید .

شهرها: - ولتیان شهر بزرگ و پایتخت ملی لاوس بوده نفوس آن به ۸۶ هزار نفر تخمین شده است شهر لوانگ پراهانگ در شمالی لاوس پایتخت و مقر شاهی بوده جمعیت آن بن ۴۵ الی ۵۰ هزار نفر میرسد .

مردم ، لسان و مذهب :- در حدود نصف جمعیت لاوس از قوم لاو بوده عموماً دروادی دریای میکالنگ زیست دارند . زبان آنها به زبان تایلندی قرابت زیاد دارد . مذهب اکثریت رسمی کشور را بودائی تشکیل میدهد در حدود ۳۵ هزار نفر چینی و ویتنامی با یک عده فرانسوی ها و ژاد های دیگر اروپائی نیز درین خاک زیست دارند لسان لاو زبان رسمی مملکت بوده و زبان فرانسوی در اکثر دوائر حکومتی و معاملات تجارتهی بکار میرود .

حکومت :- طرز حکومت لاوس شاهی مشروطه بوده سلاله لوانگ پراهانگ خاندان سلطنتی را تشکیل میدهد صدراعظم و کابینه اش از طرف پادها انتخاب میشود اعضای اسائله ملی از طرف مردم انتخاب میگردد . اعضای مجلس مشورتی شاهی از اشخاص صاحب رسوخ ایالات انتخاب میگرددند . لاوس در سال ۱۹۵۳ میلادی پس از عقد معاهده صلح با فرانسوی ها با استقلال خود نائل آمد .

اوضاع اقتصادی :- اقتصاد کشور بیشتر بالای زراعت تربیه مواشی و جنگل داری استوار است جنگلات شمال لاوس به چوب تیکه شهرت زیاد دارد مواد صنعتی همه از خارج وارد میگردد .

رو بچرفته اوضاع اقتصادی درین خاک خیلی ضعیف میباشد گذاره باشندگان بادشورای ها روبرو است .

تعلیم و تربیه ! لاوس سیستم تعلیمات عامه را به کمک فرانسه ، اتا زون ، یولسکو و سایر دول عضو کولمبو تقویه میکند در سال (۱۹۵۸) میلادی در حدود ۹۴ هزار شاگرد به مکاتب ابتدائی شامل بودند . اکثر معلمین مدارس ثانوی را فرانسوی تشکیل میدهند . در همین اواخر یک پوهنتون در ولتیان افتتاح گردیده است . کمبودها :

موقعیت ، مساحت و نفوس کمبودها قسمتی از جزیره لمای جنوب شرق آسیا را تشکیل میدهد اطراف این مملکت را تایلند ، لاوس ، ویتنام جنوبی و خلیج سیام احاطه نموده اند . این مملکت برای چندین سال به حیث پورت کثرت فرانسه قرار داشت . بزرگی این سر زمین به ۶۷ هزار میل مربع و نفوس آن تقریباً به هشت میلیون هفت صد هزار نفر بالغ میگردد .

ساختمان طبیعی :- کمبودها از یک میدان وسیع تشکیل گردیده و بعضی قسمت های آن را مناطق بست جنگل زار پوشانیده است در حصص مرکزی این میدان بزرگ دریای میکالنگ جریان داشته و این منطقه را برای زراعت برنج مساعد ساخته است درین او آخر یکی از بنا در بالای دریای میکالنگ توسط یک سرك عصری به یکی از بنا در خلیج سیام وصل ساخته شده در تجارت خارجی مملکت سهولت زیاد پیش نموده است .

مردم ، لسان و مذهب :- در حدود (۸۹) فیصد را جمعیت کمبود بائی ها و بقیه را چینیانی ها تشکیل میدهد . لسان مردم را نیز زبان کمبود بائی با خود مرز نموده القبای آن از القبای هندی منشأ گرفته است . لسان فرانسوی زبان دوم مردم را تشکیل میدهد . مذهب اکثریت مردم بودائی است که در قرن (۱۵) باین سر زمین التشار یافته بود .

حکومت :- کمبودها از سال (۱۹۴۷) با بنظر طرف دارای سیستم حکومت شاهی مشروطه است صدراعظم از طرف شاه تعیین گردیده و با اعضای کابینه خود نزد نماینده گان ملت مسئولیت دارند . استقلال ملی در سال ۱۹۵۳ اعلام گردیده ولی مذاکرات سیاسی درین مورد با فرانسه تا سال (۱۹۵۵) تکمیل نگردیده بود کمبودها از زمان استقلال تا کنون به حیث یک دولت بیطرف در صحنه سیاست بین المللی باقی مانده است .

اوضاع اقتصادی :- اکثر مردم کمبودها به زراعت اشتغال دارند . برنج پیدوار مهم و خوراک عمومی را تشکیل میدهد ، ماهیگیری هم به پیمانها زیادی صورت میگیرد . تربیه حیوانات و مواشی برای گوشت نیز رواج دارد . بعد از برنج را بر خام یا کاوچوک صادرات عمده دیگر مملکت کمبودها است .

تربیه و کنترل جنگلات را بر تاهنوز بدست فرانسوی ها قرار دارد .

تعلیم و تربیه :- تا زمان جنگ بین المللی دوم تعلیم و تربیه عمومی در معابد بودائی صورت میگرفت سیستم تعلیمی امروز از سیستم تعلیمی فرانسه اقتباس گردیده است . تعلیمات دهاتی هنوز هم در معابد صورت گرفته و آهسته آهسته به مکاتب رسمی ابتدائی مبدل شده میروند . مجموعه مشمولین مکاتب ابتدائی در سال ۱۹۵۸ میلادی در حدود ۴۸۶ شاگرد یعنی پنج مرتبه بیشتر از سالهای ۱۹۴۵ و ۴۶ بود . تعداد مکاتب ثانوی هنوز هم انگشت شمار اند مرکز تعلیمات موسسه بودائی هالی و انستیتوت قانون و اقتصاد ملی است بصورت عمومی باشندگان آن اقتصاداً ضعیف و نادار می باشند .

میتود های جلوگیری از تولید مثل

آیا کثرت نفوس پرابلم آینده کشور ما است؟

تتبع و نگارش
دوکتور محمدانور قرابی



قانون نامه مذکور مجاز است اما در مورد جلوگیری از تولید مثل تا کنون کدام ماده قانون در افغانستان که جواز و یا عدم جواز آنرا ایضاح کند وجود ندارد .

جلوگیری از وقوع حمل بدو صورت امکان پذیر است: یکی بصورت موقتی و دیگری بصورت دائمی در صورت اول همانا استفاده از هدایات و دساتیر علمی میباشد که بصورت موقتی کثرت اولاد دریک قامیل محدود میشود و در صورت دوم همانا عقامت است که بصورت همیشه تولید مثل بصورت لمیکیره البته همکاری زوجین در هر دو شکل لازمی میباشد . میتودها و طریقه های جلوگیری از حمل قرار آتی خلاصه میشود :

۱- جلوگیری از نزدیکی دستوری است که از نگاه غریزه جنسی چه در افغانستان و چه در سایر مسالکت قابل توصیه لمیباشد .
۲- نزدیکی لاتمام : این عمل در بین . بسیاری از زن و شوهر ها رواج دارد و از این طریقه استفاده میکنند اما این طریقه از نظر نتیجه کاملاً اطمینانی نیست و بعضاً عقامت ها را به حث نقص جانبی این میتود ذکر کرده اند . دهم در نزد زن ها تشوشات عادت ماهوار ، لاغری و اختلال اعصاب نیز ظهور میکنند لذا بهتر است از این طریقه خود داری شود .

۳- کاهوت و یا استعمال پوش های رابری : يك نوع پوش های لاستیکی و رابری از طرف سردها هنگام مناسبات جنسی استعمال میشود استعمال این سامان بالخاصه در امریکا و سایر کشور های غربی زیاد تر است و کسانیکه به این میتود عادت گرفته اند آنرا بر دیگر طریقه ها ترجیح میدهند . از نظر نتیجه باید گفت که استعمال کاهوت نظر بر سایر روش ها امیدوار کننده است مشروط بر اینکه بصورت منظم به کار برده شود .
بهتر است پوش الاستیکی مذکور برای یکمرتبه استعمال شود . از لفظه نظر معذوریت باید گفت که این میتود آقدر مورد پسند زن و شوهر قرار نگرفته و بعضاً باعث تخریش جهاز تناسلی

از آنجا که موضوع روز افزون نفوس در جهان با به میان آمدن شرایط زندگی نوین و پیشرفت علم و صنعت بالخصوص انکشاف در ساحه طب و قایوی و طب معالجوی غیر قابل انکار است مسئله جلوگیری از تولید مثل جنبه جهانی کسب کرده و پرابلم اکثر کشورها مخصوصاً کشورهای روبه انکشاف را تشکیل میدهد زیرا کثرت نفوس چه از نگاه صحت عامه و چه از نظر اقتصادی مشکل بزرگی را بوجود آورده است به همین علت انجمن حمایت مادران و سازمان صبحی جهانی چنین پیشنهاد میکند (در مسالکی که به علت اقتصادی ، صبحی و اجتماعی محدود کردن تعداد اولاد ضروری بنظر میرسد لازم است طبییان هنگام معاینه زنان حامله موضوع جلوگیری از حمل را به آنها تفهیم نمایند البته در پیشنهاد جلوگیری از حمل این ، آداب ، رسوم و بالاخره عقیده شخصی مادر کاملاً مدنظر گرفته شود) شرایط بهتر حفظ الصحه ، ارتقای امور طب و قایوی ، تنزیل فیصدی و فیات اطفال توقع حیاتی زیاد فکتور هائیت که در تاسمین از دیاد نفوس رول بسزائی دارد .

در کشور عزیز ما افغانستان نظریه احصائیه های که از مهربانو روغتون و زیژنتون در دسترس است و قوعات ولادت روبه افزایش است روی این ملحوظ محدود نشدن زایمان و ولادت پرابلم آینده ما را تشکیل میدهد .

دالستن فلسفه زندگی با ارتقای حیات مدنی و پیشرفت علوم در جوامع بشری روز بروز عام شده میرود .

چون در محیط و دورو پیش خود همیشه با مادران و پدران بر میخوریم که روی این مشکل خالوادگی از ما مشورت میخوانند میتود ها و طریقه های علمی را به منظور استفاده در حل این پرابلم اجتماعی جو یا میشود از اینرو خواستیم آدستورات و طریقه های علمی در غرض استفاده خدمت خوالنده گان محترم مجله اردو تقدیم کنیم .

نخست از همه باید گفت که سقط جنین جنائی خلاف قانون نامه وزارت صبحیه بوده و سقط جنین به منظور طبی نظر به

مرد و هم زن میشود خطایی حمل از سبب سوراخ شدن آن بمیان میآید.

۴ - دیافراگم و یا پزره‌های او کولوز یف: یکتوع سامان است که از فلز و پارار ساخته شده داخل مهبل در قسمت پورسمیو واجینال گذاشته میشود و در وقت مناسبات جنسی مانع عبور *Spermatozoide* ها بداخل رحم میگردد. این طریقه امروز طرفداران زیاد دارد و نتیجه جلوگیری از حمل با این میتود خیلی خوب است از نوع الاستیکی آن زیادتر خانم های تجدید پسند و تحصیل یافته استفاده مینمایند. زیرا گذاشتن آن از طرف خود خانم ها صورت گرفته و کدام مشکلات احساس نمیشود معذوریت این میتود همانا عدم رغبت زنها به گذاشتن آن بداخل رحم است و بعضاً هم سبب افزایات جهاز تناسلی زن میشود.

۵ - *Cyclo teste* یا رعایت سیکل ماهوار: آزاد شدن تخمه زن عموماً در یک روز معین از سیکل ماهوار صورت میگردد. از طرف دیگر تخمه زن تا مدت ۸ ساعت بعد از آزاد شدن قابلت القاح را دارا مینماید و تخمه مرد هم تقریباً بعد از ۸ ساعت قدرت القاح خود را از دست میدهد. بنابراین اگر بصورت دقیق روز آزاد شدن تخمه در نزدیک زن معین شود و دو روز قبل و هم دو روز بعد مناسبت جنسی صورت بگیرد بصورت قطع از حمل جلوگیری میشود ولی مناسبات دهنده شده که آزاد شدن تخمه زن ها آنقدر زیر نظم و ترتیب نیست و اشتباهی درین میتود رخ میدهد. این میتود در کشور المان عمومیت بیشتر دارد و در آنجا بصورت دقیقانه این میتود رعایت میشود طوری که کورف هانی چایی و مخصوص برای خالما نیکه بخواهند از این میتود استفاده کنند اعطای میشود. خالم هر صبح وقتی از خواب میخیزد درجه حرارت خود را در آن قید میکند از روی تغییر درجه حرارت روز تعلم گذاری خالم معلوم میشود.

این طریقه برای خانم و شوهر نیکه کاملاً با دقت تام این روش را لعقیب مینمایند و از رهنمائی صحیح و سیکل ماهوار منظم برخوردار اند موفقیت آمیز است.

۶ - لوپ و یا پزره‌های داخل رحم: بمنظور جلوگیری از وقوع حمل میتود دیگری که عبارت از گذاشتن سامان بداخل رحم است بمیان آمد و میتوان گفت که بعد از استعمال قرص های ضد حاملگی جدیدترین میتود است. در کابل نیز درین چندسال اخیر اجرای این روش از طرف انجمن رهنمای خانواده صورت گرفته و تا اندازه خالم ها به آن علاقه گرفته اند. سامانهای الاستیکی به اشکال حلقه حلزولی از طرف طبیب و با دقت تام بداخل جوف رحم گذاشته میشود. لوپ های مذکور بایک انجام بار یک موماند بداخل مهبل قرار میگردد یعنی قسمت اخیر لوپ شکل یک تار داخل مهبل میباشد. این سامان برای مدت یکماه، دو ماه، یکسال و تا هر زمانیکه خانم بخواهد حامله نشود تطبیق شده میتواند و در صورتیکه خالم بخواهد حامله شود نزد طبیب آمده و طبیب آنرا از قسمت انجام فلا جیلی آن به آسانی خارج میکند ولی بخاطر باشد که اگر زنی

بخواهد از این میتود سالها استفاده نماید باید بعد از چند ماه لوپ را تجدید نماید.

میخائیکه جلوگیری از تولید مثل درین میتود موضوع پیشگیری از القاح و اخلاص آشیانه گزینی بیضه مطلقه است. بعضیها میگویند که قرار گرفتن قسمتی از پزره بداخل عنق رحمی مانع عبور *Spermatozoid* ها میشود فلذا عمل القاح صورت نمیگیرد. اما پروفسور مارتیوس (*Martius*) عقیده دارد که این سامان ها مانع القاح نگردیده بلکه عمل آشیانه گزینی را مختل ساخته و سقطه های متکرر و ماهانه را سبب میشود. از نظر معذوریت و عوارض ناگوار این میتود باید عرض شود که از موجودیت جسم اجینی یعنی پزرها بداخل رحم التهاب غشایی مخاطی رحم پیدا میشود علاوه بر خطر التهاب نفیرها و پرتوبلیت حوصلی نیز متصور است. عقامت تالی رالیز میتوان از قطار معذوریت این میتود ذکر کرد.

۷ - شستشوی مهبل: توسط مواد کیمیای بعد از مناسبت جنسی مهبل شسته میشود.

این طریقه از قدیم درین مردم به آرزوی جلوگیری از نسل رواج داشت ولی امروز آنقدر مورد استعمال نداشته و علاوه بر آن نظر نتیجه اطمینانی نیست.

۸ - قرص های کف کننده و سایر مواد کیمیای: اکثر آرزو مواد کیمیای مختلف جهت جلوگیری از حمل استفاده مینمایند. مقصد از تطبیق این مواد تغییر دادن محیط قلوبی مهبل به محیط اسیدی است. شرکت های دوا سازی تا بلیت ها، شیافت ها و اووول های مخصوص ساخته اند که در بازار تجارت بفروش میرسد بطور مثال از قرص های کف کننده طوری استفاده مینمایند که قرص را قبل از عمل جنسی بداخل مهبل قرار میدهند بعد از چند دقیقه قرص حل شده کف مینماید و گاز کار بولیک تولید میشود و چنین فکر میشود که کف مانع عبور سبوما توزوئید بداخل رحم میگردد علاوه بر آن در قرص مواد دیگری کشته اسپرم است نیز وجود دارد.

هیاف ها و سوپوزیتور ها نیز از مواد کیمیای روی این منظور از طرف کمپنی های دوا سازی ساخته شده است که آنها را در داخل مهبل قرار میدهند و بعد از اقرابت جنسی صورت میگردد. خطای مواد کیمیای تقریباً در حدود ۲۰٪ میباشد که ممکن است از اثر استعمال غلط آنها بوقوع رسیده باشد همچنین عیب دیگر این مواد آلودگی جهاز تناسلی خانم به این مواد است که آنقدر از طرف زن ها مورد پسند واقع نمیشود بر علاوه بعضی از این مواد خیلی مخرب بوده و قابل توصیه نمیشود.

۹ - استعمال قرص های ضد حاملگی و یا ادویه *Contraceptive*: در سال ۱۹۵۷ با تحقیقات علمی یک تعداد ادویه بهیدان آمد که با مصرف نمودن آن از طریق دهن پزرا نلم کثرت نفوس تا اندازه مرفوع گشت و در این سالهای اخیر استعمال آن درین مردم خیلی مروج بوده و تا اندازه میتودهای دیگر جلوگیری از تولید مثل را تحت اشعاع قرار داده است. (بقیه در صفحه ۵۰)

قوای هوایی در حرب های گذشته

و بیلانس نظامی ۱۹۷۱ - ۷۲ بعضی از کشورها

در آغاز حرب اول جهانی سرعت اعظمی طیارات بیش از ۷۵ میل فی ساعت نبود. ولی در سال ۱۹۱۷ طیارات شکاری بعضی از دول می توانست به سرعت ۱۵۰ میل فی ساعت و الی ارتفاع (۲۴۰۰۰) فوت وظایف خود را انجام دهند.

او این ممالکت که طیارات خود را به مقصد وظایف کشف به خط جبهه استخدام کرد فرانسه بود. که بعداً بسیاری از ممالکت متخاصم به همین منظور از طیارات استفاده می نمودند لاکن دبری نگذشت که طیارات باتوپ بمب و راکت مجهز گردیدند بر علاوه محاربات هوایی یک عمومیت خاص کسب کرد. که در همین وقت جرمن ها و متحدین طیارات بمبارد شکاری خود را بداخل تشکیل کنندک و غند در آوردند تا بتواند در بالای خط جبهه و مواضع یک دیگر حملات را اجراء بدارند.

پیلو تا نیکه از سه الی پنج طیاره دشمن را در هوا از بیخ می بردند بنام قهرمان یاد می شدند.

اما توجه ممالکت بزرگ جهان راجع به توسعه و انکشاف قوای هوایی عاقل نماند و به تعداد پیلوتان و طیارات خود افزودند. چنانچه در سال ۱۹۱۴ تعداد طیارات جرمنی به ۳۰۰ عراده میرسید اما در سال ۱۹۱۸ به ۱۵۰۰۰ عراده بالغ گردید. همچنان تعداد طیارات انگلستان در ابتداء ۳۰۰۰ عراده و در اخیر حرب اول جهان به ۲۲۵۵۰ عراده رسید و تعداد طیارات

فرانسه در ابتداء ۱۶۰ عراده و الی ختم حرب به ۳۵۰۰ عراده ارتفاع یافت.

در فرصتیکه امریکا داخل حرب شد تعداد طیارات آنها بیش از ۷۵۰ عراده نبوده که از آن جمله ۱۹۶ عراده آن ساخت خود امریکا بود. به اساس نتایج خو بیکه از نیروی هوایی در حرب ۱۹۱۴ گرفته شده بود انگلستان قوای هوایی خود را در سال ۱۹۱۸



هلیکوپتر از نوع
چاپتوک در حال

از دو قوای دیگر (بری و بحری) مستقل ساخت ولی بعضی ممالک که امتنای قابل قدری در توسعه و پیشرفت نیروی هوایی نکردند درین فرصت آنها بدو مشکل بزرگ رو برو گردیدند.

۱ - اینکه حاصل نمودن کمک مالی برای وسایط و مالزمه .

۲ - برای اینکه در حرب آینده از قوای هوایی استفاده اعظمی شده بتواند لازم بود تا یک تشکیل جدید مدرن و موثر بوجود آورد. بر علاوه اختلاف نظرهای زیاد در زمینه وقوع پیوست که آیا قوای هوایی جز قوای دیگر باشد و یا بطور مستقل عرض وجود کند. بالاخره برید جنرال (میچل) (امریکائی) اسرار زیاد نمود و نظریه داد که برای سهولت و موثر بودن وظایف در حرب های آینده قوای هوایی باید یک قوه مستقل باشد که این نظریه باعث تمجید و ستایش همه گمان واقع شد. در همین فرصت بود که بسیاری از ممالک توجه بیشتر خود را به توسعه و مدرنایز نمودن نیروی هوایی معطوف کردند و طیارات سریع السیر با تخنیک و تکنیک جدید داخل صحنه گردید. برای اولین بار در سال ۱۹۳۰ انگلیس ها توانستند که شبکه رادار را به اردو تقدیم کنند. بطور مختصر گفته می توانیم که اولین مملکتیکه قوای هوایی را از دو قوای دیگر خود مجزا ساخت انگلستان بود.

قرالسه نیز به نوبه خود توجه بیشتر را به ساختن خط (ماژینو) نمود و توسعه و انکشاف نیروی هوایی را

یک طرف گذاشت. جرمنی در سال ۱۹۳۵ به تشکیل یک قوای هوایی (لوفت و ف) مقتدر اقدام نمود. ولی دیری نگذشت که حرب خالمانسوز درم جهان در سال ۱۹۳۹ آغاز شد که درین حرب نیروی هوایی یک قدرت موثر و عامل فیصله کن میدان محاربه بود که جرمنها با داشتن قوای هوایی برجسته خود توانستند حاکمیت و امنیت ساحلی نا روی را از جنگ نیروی بحری انگلیس حاصل نماید سپس برناتیا با داشتن قوای مقتدر خود نیز توانست تا انگلستان را از تهاجمات هوایی جرمن ها نجات دهد. جاپانی ها نیز به اوبه خود بحریه امریکارا در پول ها ر برل نا بود ساخت. لاکن دیری نگذشت که امریکا ضربه متقابل را در میدوی ایرلیند بر جاپانی ها وارد کرده بالاخره دو بمب اتمی را در ۹-۱۹۶۱ گست سال ۱۹۴۵ بالای شهر هیروشیما و نا کاساکی از طیاره فرو ریختند که تمام این عملیات هوایی باعث ختم جنگ جهانی دوم شد. این مرفقیات متحدین علل بوجود آوردن و وسایط و طیارات با اوصاف مانور عالی گردید. بطور مثال سرعت طیارات انگلیسی در ابتدای حرب به ۳۶۰ میل فی ساعت با بعد پرواز ۱۴۰۰ میل و مهمات ۲۰۰۰ کیلوگرام ولی در اخیر سال ۱۹۴۵ سرعت به ۴۵۰ میل فی ساعت با بعد پرواز ۱۷۶۰ میل و مهمات ۲۵۵۰ کیلوگرام میرسد جرمن ها موفقی به اختراع جیت دو ماشینه گردیده بتواند طیارات متحدین را در هر اوع

شرایط مشکل و عادی مترو لوژی از بین ببرند. چونکه طیارات فوق الذکر از نگاه خواص اپرودینا مهکی طیارات برجسته شکاری بودند. لاکن جرمن ها با العموم طیارات خود را برای اجرای بمباردمان در ساحه نا کستیکی و برای انجام دادن وظایف توپچی استخدام می کردند. که این عملیات آنها پیشرات قوای زره دار و پیاده رافراهم می نمودند. اما این عمل یک سهو و اشتباه بزرگ از نقطه نظر فعالیت محاربه ای هوایی بوده که منجر به نا کامی جرمن ها گردید و از طرف دیگر اسباب موجهه موفقیات متحدین این بود که اولاً استقلالیت قوای هوایی را از دیگر قوتها تأمین نمود و برخلاف جرمنها طیارات خویش را بوظایف ستراتژیکی استخدام می کردند.

بطور خلاصه احصائیه طیارات جرمنی در آغاز حرب ۱۷۰۰۰ عراده و تعداد طیارات امریکا در سال ۱۹۴۱ به ۱۴۰۰۰ و در سال ۱۹۴۴ به ۸۰۰۰۰ عراده طیارات ایتالیا در سال ۱۹۴۰ به ۵۰۰۰ عراده لاکن بعداً فابریکات طیاره سازی آن بکلی سقوط کرد. تعداد طیارات جاپانی در تمام مدت حرب به ۵۲۰۰۰ میرسید. در سالهای ۱۹۴۵ و ۱۹۵۰ وقتیکه حرب جهانی دوم خاتمه یافته بود ستراتژی دول بزرگ جهان برین بود که هر ملت برای تمامیت اراضی اصلی خود و متحدین خود دارای یک قدرت هوایی مقتدر و فیصله کن باشد و این یگانه دلیل برای جلوگیری از جنگ خواهد بود (بقیه در صفحه ۵۱)

موری ډیره می یادگیری

لن په زړو نو کی د هرچا، ته هم ښکته پورته کیږی
خدای دهر هله په جنت که، موری ډیره می یادگیری

موری میندی دی که بخونه بلبان درته راغلی ستا دلور مقام دها، دثنا خوان ورته راغلی
دوی ښابسته لکه دحورو، درضوان درته راغلی ستا دیا دو بود دپاره، آرزو مان درته راغلی
داروا حو په عالم کښی، خود په ته ډیره لازگیری
خدای دهر هله په جنت که، موری ډیره می یادگیری

میندی داسی ښکاری لکه، چه سوپسی ته شوک وگوری پیغلی نچونه دسی ښکاری، لکه بل، بل کوی ستوری
میندی ناستی دی قراره، دخپل غای له هیڅ له ښوری پیغلی اجولنه یو تر بله اشارت کړی له هر لوری
همه یاد ستا دعت کا - خود به رو حاً آ با ډیری
خدای دهر هله په جنت که موری ډیره می یاد گیری

زه ناپوهه وم ترهغی، چه محلی اوپسی لوی شوم محلی غه چه پوښ سړی او، هم واده خاوند دطوی شوم
ترهغی ومه ناپوهه، چه زه پلار دلوراو محوی شوم پس له هغی نه بیا موری، ستا به قدر باندی پوی شوم
خو افسوس چه گور زلدان نه بیاته کله آزادگیری
خدای دهر هله په جنت که موری ډیره می یادگیری

ماماگان پی کورلی دی، چه ئی وویتم له ورايه ستا په یاد ئی آی مور جالی، کوم قدر دهر چانه
حتی ستا خاطر دپاره، هدیره دی په سا گرانه دیدن تنده مساتومه، ستا دقبر دفضا له
په عالم دتخیل کښی، را ته جخته ولا ډیری
خدای دهر هله په جنت که، موری ډیره می یادگیری

چه خاله به می خپل کورته، میلستیا ته ور بللم یا به زه به خپله خوښه هغی کورته ور غللم
ډیری مینی نه به ئی زه هم، په خپل غېږ کی ولیولم کله تنه یی، کله سر نه، کله مخ له چپو لم
مورلی پوی تر ور سینی له، خوره ئی ته مشامیږی
خدای دهر هله په جنت که، موری ډیره می یادگیری

دارائی منصب به غه کم، خوراووری لوراو محوی واره کاشکی ته راته ژولدی وای او کچکول وای راهواره
ته وای مخ کی زه او خورمی، وای دوان درهسی دواره مولیه واره ستا خدمت کی، وای ولاړه به هسکه غاره
که ما، کم بدکار کولای، ناوای مکره بر یادگیری
خدای دهر هله په جنت که، موری ډیره می یادگیری

خویندی ورو له که لږسه، هغه ټول رانه کشران دی بودر جن اولاد لږسه، دری نجی دری هلکان دی
وروله خویندی غامن لونی، ټول په عرش کی دخپل محان دی ستا فراق کی چه زه ژاړم، دوی کت، کت راهوری خالده
راته وائی (صاحبزاده) ئی، چچی غم کی فریادگیری
خدای دهر هله په جنت که موری ډیره می یاد گیری

د آزادی مینه



سخن

جمال مرد فصاحت زبان اوست .
(حضرت محمد ص)
کسیکه حرف میزند میکار و آنکه
میشنود درو میکند .
(حضرت علی کرم الله وجهه)

مادر

هیچوقت نمیتوانستم تصور کنم که تمام شادی
زندگی و همه سعادت دنیا در کلمه مادر نهفته
است . (پوشکین)

* * *

مادریگانه موجودی است که حقیقت عشق
پاک را میبخشد . (بالزاک)

* * *

هروقت مادر فاسد شد لسن فاسد میگردد .
(قرانسوا موریاک)

* * *

یادآور آن دستهایی که در شبهای کودکی
بالوازش هایش دردهای ترا تسکین داد
یاد آور آن دلی که به خاطر تو زخمها خورد
و باز وفادار و فداکار ماند زانوی خود را به
زمین گذار و برای مادرت دعا کن . (شیلر)

* * *

مادر مهربان اهر وقت دفتر عمر خود را
بالکشت های خاطرات ورق میزنم و دور تر
میشویم اسم ترا بیشتر می بینم و حتی جانی مهرسم
که سوای نام تو چیز دیگر ایست . (ویکتور هوگو)

* * *

در زندگی دو بار زانو زدم یکبار برای
آفرید گارم و بار دیگر برای مادرم . (شلی)

* * *

ما برای آزا دی ملت و آبادی کشور ،
پیش از همه به مادران سالم و آگاه نیاز داریم
«لا اله الا الله»

* * *

هیچوقت نمیتوانستم تصور کنم که تمام شادی های
زندگی و همه سعادت دنیا در کلمه مادر نهفته
است . «پوشکین»

* * *

مادر، ای فرشته زمین ای دلبرترین آفریده
آسمان . توتنها پرتوی هستی که قادری زندگی
ما را روشن سازی . «لامارتین»

افغان یم بهلوان یم په میدان د آزادی
تل مال و سرمی کړېدی قربان د آزادی
تاریخ د اشیا رنگین زما په کار لامودی
ورکړی می دنیا ته امتحان د آزادی
د سرو وینو قطر و کښی می کښل شوی د حق لومدی
د دارپه سرهم غواړم لور نشان د آزادی
د حق ناری وهل بیا د سولی سرته ختل
منصور ته می بیو دلی په جهان د آزادی
سولی د حوا د ثو ته می خپل تهر نیولی
سدام می لور ساتلی دی نشان د آزادی
په تیغ کښی په جفامی وجود بند له بنده بیل شی
هیخ بیل به را نشی تینگ ایمان د آزادی
په زره د اشیا کښی د غیرت هغه قطره په
په اور د محبت چه وی بریان د آزادی
د بت او مروت ساتل میراث می دیکو دی
په وبل ته بخښلی ارمغان د آزادی
جریان د طبیعت ته که خوکه له گوری لادان دی
فطرت ماته را کړی دی فرمان د آزادی
د دعوان زاړه رگو کښی د غیرت وینی خوتیږی
چه جوړی نن جرگی وی د افغان د آزادی
مرموزدی به ختالیه سعادت په حریت کښی
چه ونه تری خوله له ایمان د آزادی

عبدالله بختانی

مادر از نگاه بزرگان

فقط یک چیز از خداشناسی من جلوگیری کرد و آن خاطره
ساعتی بود که مادرم در بستر مرگ دستهای کو چکم را گرفت
مرا بزاو نشانده و ایمان بخدا را بمن آموخت . (گوئیته)

* * *

بترس از آنکه مادر دستهای نفرین را بسوی آسمان بلند سازد .
(الفونس کار)

* * *

قلب مادر زیباترین و جذابترین جایگاه فرزندانست حتی در
روز غایتیکه موهای فرزند سپید گردیده باشد .

(شکسپیر)

دمورگرا نینت

گرانی مهربانی عزتمنی او خودی موری
 دیری قدردالی قدر منی او درلی موری
 ستا شیده حیات دی او هغه چه پری جهان پایی
 ستا وینده پا که روح هغه چه پری انسان پایی
 لویه مدرسه د طبیعت ستا توده غمیر ده
 دیر بیکلی جنت په دی دلها ستا هسته غمیر ده
 گرانی مهربانی عزتمنی او خودی موری
 دیری قدرمنی قدردانی او درنی موری
 یولاس دی زانگوزنگوی بل لاس دی جهان منم
 ستا د پنبولاندی په ریتیا منکه آسمان منم
 ته په ورونی کی جهانونه هم تر لای شی
 ته په لری تارستر قدرتونه هم تر لای شی
 گرانی مهربانی عزتمنی او خودی موری
 دیری قدرمنی قدردانی او درلی موری
 ستا مینه د ژوند مینه درکار او دهستی مینه
 ستا مینه بیکنی د بشر نیکه رخی مینه
 ته بی شرق او غرب کی بس د مینی محبت رنا
 ته بی په دی زړو کی د کمال او معرفت دلپا
 گرانی مهربانی عزتمنی او خودی موری
 دیری قدرمنی قدردانی او درلی موری
 ته بی چه نبوغ قهرمانی او ابتکار روزی
 ته بی چه لپی کی تا روغ وینوته شهکار روزی
 ته در زمانی مورد فطرت لوی قهرمانه بی
 منکه غوریدلی او هسکه تر آسمانه بی
 گرانی مهربانی عزتمنی او خودی موری
 دیری قدرمنی قدردانی او درلی موری
 ته بی چه داژ وند روزی په ژوند کی فنکاران روزی
 ته بی چه پیری او دوی ته انسانان روزی
 ستا د سیوری لاندی خدا پراود لور آسمانونه دی
 ستا غمیر کی پراته د طبیعت بیکلی ر مزونه دی
 گرانی مهربانی عزتمنی او خودی موری
 زیباتی قدرمنی قدردالی او درلی موری
 ستا برکت به دا دنیا آبا ده او لایا ده کپی
 ستا مینه به دا بشر لیکمرغه لا آزاده کپی
 ستا برم به راوری دی لپی ته عظمتونه لا
 ستا قدرت به راولی انسان ته بد لونونه لا
 نمائینی تاریخونه به ستا لویی کارنامی موری
 ساتی په بی زره کی دا جهان ستا خاطر موری
 ستا زمان به وخیژی سپیدی پورته ستورونه
 ستا لونه به وا لوزی له منکی تو لو لورونه
 ستا دا جانکنی به هوسایی او نعمتونه شی
 ستا د زهارخولی به ایما شیکلا شی او گلونه شی
 ته به تل ژوندی بی نه هیر پیری ستا کیسی موری
 جاردی شم له نومه د حاله هم خودی موری
 لمی برید من محمد صدیق را زقی

بتو ای مادر من

بتو ای مادر من !
 بتو ای مادر جان پرور من !
 بتو ای مادر برمهرو صفا گستر من !
 باد این روز گرامی تبریک .
 * * *
 بتو ای حاسی تن !
 بتو ای مولس جان !
 بتو ای مادر خوش قلب ! که شب
 تابه شعر
 بوده لالائی توداروی خواب آور من
 باد این روز گرامی تبریک
 * * *
 بتو ای گوهر پکتا که وجود تو بود :
 بهر من رحمت عام
 بهر من نعمت خاص
 بهر من لطف خدای .
 * * *
 بتو ای مادر شایسته لیک اختر من
 باد این روز گرامی تبریک
 * * *
 بتو ای آیت رحمت ! که خداوند
 کریم
 بتو داده است دلی پاک تر از اشک پتیم
 شعر خود را که بود لغمه روح :
 مینمایم ز دل و جان تقدیم
 بپذیر ...
 بپذیر از فرزند ...
 * * *
 گر قبولت شود این هدیه ناچیز دلم
 رسد از فخر و مباحات بگردون سر من .
 بتو ای مادر من !
 باد این روز گرامی تبریک
 ناصر طهپوری

هزرع

اهیک واران



هر که روآرد سحرگه سوی صحرای بهاران
 راز رستن های نور ایشنود از سبزه زاران
 از سفر باز آمدند انبوه مرغان مهاجر
 شاید آوردند با خود مژده دیدار باران .
 انتظار آرد بیار امیدها، آشفتنکیها
 من که هستم عاشق بی تابی چشم انتظاران .
 گر نباشد آرزوی روز گاران طلائی .
 جان شود تاریک و تن بزمان زگشت روز گاران
 تخم خوشبختی چو هر بذر دگر تا سبز گردد .
 آبیاری کردنش باید بصد امید واران .
 بی ثمر هرگز نماند مزرع امید واران .
 در تلاش قطره آبی سوختن صدها بهتر
 ز آنکه همچون چار پاخفتن کنار جو بیاران
 دل بدریاسی زلد هر کس دلی دارد چو دریا
 نیست با کی مرغ توفان : از لم نم های باران
 آسیای سرکش تقدیر می چرخد بشدت
 یا که دردست تو انا چرخهایش را گرفتن
 یا بخواری خرد گشتن زیر چرخ بی امانش
 انتخاب ره بود بهیوسته کار رهسپاران .
 من پس از عمری یقینم شد که با گشت زمانه
 باز پیروزی نشیند روی دوش باید اران .
 ژاله

د گريلا حرکاتو ضد فعاليت

پټ نيول، چټکتيا، غلطول (فريب) تينبټول، پټيدل

د گريلا د حرکاتو مشخصات دی



توگه به ئی غځی کار اخیست. کروکک پخپله عجب خموی درلود ډیری ایزی خبری به ئی کولی هر چاته به ئی غوړی نیولو او د سرخ پوستانو هر هوسر باز ته به ئی چه ډیره درنه سترگه کتل. سکوت، آرامی، کم آرزو په عین حال کی اراده او تصمیم دهغه له خصوصیاتو غځه وو. د کروکک اصلی ماسوریت دا وو چه سرخ پوستان دی ته راضی کی چه د چور چه اول غځه لاس واخلی او تل د پاره صلح برقرار او آرام ژوند وکړی. او هم هغوی دی ته مجبور کړی چه په کورنی ژوند مشغول شی. لولدی مقصد لپاره کروکک دوی خولی استعمالوی چه یوه ئی عسکری او بله ئی د سیاستمداری وه.

دنړی دوهمی جگړی غځه دا پد پخوا د گريلا افرادو د پټولو، چټکتیا، غلطول، تینبټول او پټیدلو اصولونه په یو لاند، الجزائر، ملایا او هندو چین کی خپل ارزشت په ثبوت ورسولو وروسته له هغو دغه ډول جگړی د معمولو جگړو وه ردیف کی داخلی شوی اگر چه د جنرال کروکک د عملیاتو طریقې په اوسنی وخت کی تغیر خوړلی دی اما دا چه دا جنرال سل کاله پخوا دغه ډول جگړو میتودونه په غه ډول سره پرمخ بیولی وو دهغه لویه شهکاری او پوهه بلل کیږی.

که چیرې د دازه نیزو عملیاتو ضد حرکتونو لپاره صبحی او زینتی معلوماتونه په لاس کی موجود له وی تراچرا لاندی ونیول شی البته بی غایه وخت ضایع کول دی. د اهم اساله خبره لده چه یو قوماندان په اسانی سره پوره او صحیح معلوماتونه په لاس راوړی مخکه چه په تکنیکی اصطلاح سره دهغوی پیدا کولو ته لس نا پذیر وائی او داسی خبرولو په لاس راوړل ډیر مشکل کاردی. یوازی هغه قوماندان دغه کار کولی شی چه د پشه تدبیر او پوهی خاوندان وی. د اړه ایز ضد فعالیت په هغه وخت کی په موافقت او برهالیتوب سره تمامیږی چه د هیواد ټول وگړی دغه کار ته دعوت شی او په عین وخت کی اقتصادی اوسیاسی شرایط د نظامی پلان جوړولو لپاره مساعد وی.

د اهاشه خلک چه د جنوب غربی امریکا د سرخ پوستو غځه عبارت دی ډیر زهرک، تکړه، ماهر او د عملیاتو د اجرا کولو لپاره دجه توان، قدرت او تحمل غځتن وو هغوی کولی شول چه په ډیره لږه موده کی یوه ټولنه په ترس او وحشت کی واچوی.

همداو، چه ضرورت پیدا شو چه دهغوی د ماتولو لپاره د کوم ډول فعالیتونو غځه بیروی وشی او په دغه ډول د اجرا لاندی ونیول شی بیا بالخصوص د داسی خلکو په مقابل کی چه هغوی تاریخ کی د جنگ جوئی نوم لری. له پلایخوا د داسی حرکاتو په مخ بیولو لپاره غه ډول صاحب منصبان باید وټاکل شی او د غه ډول خصلتولو خاوندان باید وی. د اهاشیانو د مغلوبولو لپاره لکه غرانگه چه نا نا په ۸۰ کلنی عمر کی د ډیر شو تنو جگړه کولکوسره په نیو میکسیکو بالدی حمله وکړه د شپټو ورځونه په کچه موده کی د زرو میلو په شاوخوا په امریکائی ترس او وحشت واچاو، او بیرته په ډیری چلا کی سره د زرو تنو عسکرو غځه و تینبټدل، او محالونه ئی بیرته خپلو محایوته خلاص کړل.

جنرال جارج کروک چه د امریکا یو زبردست تکتیکی او اوستراتیژیکی قوماندان و، و گمارل شو چه دغه خلک باید له مینځه یوسی او دهغوی مخکه د حکومت په لاس کی ور کی.

یوه هغو افسرانو غځه په سنه ۱۸۷۰ کال کی داسی وائی: اوړی و، چه جنرال کروت بیله کوم غیر اوسر صدا د یو لاشناس سړی په غیر په ادب و لاک کی قدم کیښود. په هغه غای کی هر غوک چه په فکر ته وائی او یا به ورسره مخامخ کیدو دهغه سره به ئی مباحثه کوله او د سر پوستو قبائلو په خصوص کی به ئی معلومات لاس ته راوړو. حتی که عسکری او ملکی خلک به ورسره مخامخ هم شول د سرخ پوستو په باره کی به ئی پوښتی غځی کولی او هغوی ته به ئی ټینگ غوړی نیولو.

جنرال جارج کروک پخوا لاینه چه په عملیاتو لاس پوری کړی د ډیر لږ معلومات غځه به ئی هم استفاده کوله او په عملی

جنرال کروك دجزو تام دحمل ونقل لپاره لکه څرنگه چه داسپاڼی اوسکيسکو جزو تاسونه مجهزوو ده هم دچټکو قاطرو غځه چه په مخصوصو زینونو مجهز شوی وواستفاده کوله هغه ډېر وخت لپاره دهغه کسانو سره چه دقاظرو په تجهزوولو کی مشغولیت درلود خبری کولی په داره اېزضر حرکاتو کی تر ټولو مهمه خبره داده چه هغه نفس چه په حرکاتو کی اشتراك کوی باید دداسی قوت، پوهی اوزیره کی غځبتن وی چه وکړای شی په ډېره لږه موده کی هم خپل مخالفونه اوهم خپل حمل کونکی مجهز کړی. له بېلخوا دا قدرت باید ولری چه په هر ډول اراضی اونورو شرایطو کی دگر ڼیلا پانوسره مقابله وکړی اوبریالیتوب په لاس راوړی که چیری دعملیاتو په وخت کی ډېر لږ تردد او وارخطائی ویشی البته دناکامی سبب به ئی وگرځی. دمنځو ټکو غځه چه په دا ډول عملیاتو کی اهمیت لری دادی چه وپوهیدلی شی چه دقوت اندازه باید غومره وی، په هغه ترتیب باید وروزل شی، دارتباط سیستم ئی په هغه شکل باید وی او قوماندان ئی باید هغه اوصاف او خصوصیات ولری هغه وخت چه داپورتنی ټکی په نظر کی ونیول شی وروسته له هغه کولی شی چه دهغوی په اساس گریلايانو ته دمتواتر و حملو په اجرا کولو سره ماتې ورکړی.

جنرال کروك ښه پوهیدلو چه دهغه افراد دا پاشیانو سره دتن په تن جگړی توان نه لری ځکه هغه ته دا ښکاره وه چه دپاشی افراد له کوچنیوتوب غځه په یوه گوله ډوډی لږو اوبو او ورځی لخوا له پنځوسو غځه تر ۷۵ میلولاری په گرځیدو سره عادت شوی وو. اگر چه دجنرال کروك اصلی هدف یوازی دجگړی کول وو اما دائی هم په نظر کی وو چه ترڅو چه دهغه افراد داراضی سره اشنائی پیدا کوی باید روحیه ئی لوړه کړای شی نوهر کله چه دهغه افرادو اوه سووه مهله مسافه قطع کړه پوه شو چه اوس زما افراد کولی شی چه ددشن سره په هر گوت کی جگړه وکړی. دده

نظر کی دمنطقی پېژندل اهمیت درلود او توصیه ئی کوله چه ټول قوماندانان او افراد چه دگریلايانو سره مقابله او یا جگړه کوی هغوی ته باید کافی وخت ورکړشی. قوماندانان ددی لپاره چه تل درست او صحیح معلومات په لاس راوړی ددی مقصد لپاره باید ډیر قوی او پوه افراد په لاس ولری دا ښکاره خبره ده چه دگریلايانو په ضد جگړه کوی البته دنورو معمولی افرادو سره ډیر تو په ډیر لری یعنی مطلب دادی چه هغه افراد چه دگریلايانو په ضد جگړه کوی داسی باید وروزل شی چه دهر ډول اراضی شرایطو په مقابل کی ټینګ مقاومت ښکاره کوی. ځکه چه گریلايان سخ کی له پنه چه تر یوی مودی پوری مقاومت ښکاره کی سمدستی په تښته لاس پوری کوی او خپلو ټاکلو محایونو ته تښتی بالخاصه په اراضی داسی محایونو ته شی چه هغه محای ته ترڅو چه ټکره او ښه وروزل شوی افراد نه وی ورتلای لشی.

جنرال کروك دغه موضوع درک کړی وه چه دپاشیانو په مقابل بریالیتوب په بل ترتیب سره امکان لری ترڅو چه هغوی په دوامدار ډول سره تعقیب لشی او دستعاقبو حرکاتو داچرا کولو لپاره موقع ورلکړی. دا مفکوره ئی هم لرله چه ددغو جگړو لپاره باید داسی ترتیب ونیول شی چه نقلیات په ډیره بیره په هر محای کی بېله معطلی غځه اجرا شی. نولدی لحاظ لکه چه پخوا هم یادونه وشوه کچری باید داسی وروزل او تجمیزشی چه په هر ډول اراضی، شپه، ورځ او نورو شرایطو کی خپل نقلیات په ښه توګه اجرا کوی.

دبومی افرادو غځه استفاده کول:

جنرال کروك دکار مشکلاتو دتشخیص په ضمن کی دبومیانو گرفتارول داچیر په حیث شروع کړه. بومیان علاوه پر دی چه دسلحشور ځنګ وو په دا هم قادر وو چه دسرخ پوستا نو سره جگړه په بریالیتوب سره سرته ورسوی، نو په همدا ډول ئی وکړای شول چه دناواهووز، پیماز او پاشه ټپانلی افراد وروسته له هغه چه داچیر په حیث ونیول شول



فعالیت ایراد کماندو در اراضی
عارضه دار

د جزواتا مونو په مینځ کې تقسیم کړل او اداره مستقیماً په هغوی پورې مربوط کړه. په مناسبو موقعیتو کې به ئی د محلی مستقو نفرونه هم د شورشیانو ټکولو لپاره استفاده کوله. د دغو خلکو د پیژند گلوی په نسبت د کروک سهارت لائور زیات شو د شورشیانو د سرکوبی لپاره بهری لاری پیدا کړی بومیان چه په جگړه ماری کې ترحد زیات تکړه وو کروک وغوښتل چه دوی باید داسی مجهز شی چه گریلابانو قعا ایتونه د هغوی په وسیله شنل کړی ای شی ځکه چه د بومیانو ارزشت په تعداد کې له وو بلکه د هغوی په استعداد او قابلیت پوری اړه در لوده په هماغه وخت کې چه جنرال کروک د نظامی اردو په ترتیبولو کې سر گرم اخته وو د سیاست مداری فلسفه هم نه وه هیږه کړی دهر نفر سرخ پوست سره به چه یو لځای شو د هغه سره به ئی په هر خصوص کې مذاکره او خبری کولی او هغوی ته به ئی دا ښکاره کوله چه تاسی ددی لپاره چه په آینه کې تاسی یو ابرومند او آرام ژوند لری لو حتماً باید د حکومتی اداری لاندی ځانونه را ولی او که دا خبره قبوله نکړی البته گردبه تر تیغ تیر شی دده خبری دو مره با نفوذه او جذابی وی چه کله به د سرخ پوستو سره په خبر و اخته شو هغوی به ئی داسی تر تاثیر لاندی را وستل چه هیڅ به ښهادتی هم به زړه کې نه پاتی کیدو کروک هیشوقت دروغ نه ویل رښتیانی شعار گریږیدلی وو. جنرال دغه ټکی نه تل اشاره کوله چه د جگړی هدفونه باید د سیاسی، اقتصادی مسائلو او اجتماعی وظائفو سره یو لځای بررسی کړای شی او ددی مطلب لپاره باید په کافی ډول تبلیغات وشی ترغو چه دخلکو عامه افکار د هدفونو د منلو لپاره وگرځوی.

مگر سره له ټولو کوششونو ۱۸۷۲۵ کال تر پایه پوری

میتودهای جلو گیری از تولید مثل

(بقیه صفحه ۴۲)

این ادویه که از نظر کیمیاوی با مقدارهای معین استروژن و پروجسترون که هورمون های جنسی میباشند ترکیب شده تاثیرات مخصوص بالای جهاز تناسلی زن داشته و آزاد شدن تخمه را نمی میکند. باید گفت که یک ارتباط صمیمی بین غده تخمیه و قوخذان زن از نظر افراز هورمونی وجود دارد. با تطبیق استروژن و پروجسترون این هم آهنگی را میتوان مختل نمود مشروط به اینکه مواد فوق اند که بایک ترکیب مخصوص و مقدار معین مصرف شود به این صورت بیضه متوث پخته نگردیده و از تخمدان آزاد نمیکردد که در نتیجه القاح صورت نگرفته و حملی بوجود نمیآید. سابقاً فکر مینمودند که قرص های ضد حاملگی در اثر تطبیق اثرات ناگوار روی بیضها میگذارد که غیر قابل ارجاع است و برای همیشه بیضها از فعالیت میمالد لکن امروز تحقیقات علمی این نظر بهرارد نموده و ثابت شده که هر زمانه بخواهیم ادویه فوق الذکر را قطع کنیم

جنرال کروک ته ثابت شوه چه اهاشمه خلک په نرمی غاړه له ابردی ځکه چه د هغوی حملی ورځ په ورځ زیا تبدیل وژل وژل کیدل هم د زیاتیدو په حال کې وو. مجبور شو چه له قوی څخه کار واخلي امروله ئی ورکړ داهم پاته له وی چه د جنرال اسرونه ډیر ساده او عام فهم وو. وروسته له هغه چه خپل جزواتامونه ئی په وضعیت ښه پوه کړل جگړه و نیښته د جنرال کروک عسکر و هغوی په جدی توگه تعقیب کړل حتی یوه گړی هم شورشیان آر ام پاتی نشول جنرال خپلو افرادو ته داسی امر ورکړی و که پیږی ستاسو آس له پښو و لو پږی پخپلو پښوی هم د تعقیب څخه بهری نیژدی همدا سبب وو چه د دوامداره تعقیبو نو په وسیله ډیر قبائلی افراد سره له وسلی تسلیمولو ته غاړه کیښوده.

جاویدانی اصول:

د جنرال جارج کروک حملی په بریا لیتوب سره هر ته ورسیدلی هغه سرسخت او بیبا که قبایلی خلک چه چنگچوئی کې ډیر شهرت درلود بالاخره سروله تسلیمولو ته کیښول.

جنرال کروک داسی اساس کیښو دچه ورځ د هغه څخه په عسکری موسساتو کې د گریلابی ضد جگړو لپاره استفاده کپړی دی هغه استادو چه تر ټولو دمخه دغه ټکی ته متوجه شو چه داسرارو په مقابل کې باید داسی لارغو ره شی چه د هغوی دنا کامی سبب وگرځی او خپل ځا نوته بیله کوم شرط حکومت ته تسلیم کړی.

د یادونی ټکی دی چه هغه قبائلی اولس چه د ژوند ډیر و خو ندو څخه محروم پاتی وو لن ورځ دیو مدنی ژوند څښتنان دی.

باید به انتظار حمل دیگری بود.

در پهلوی میخانیکیت نمی Ovulation باید تذکر شد که ادویه فوق الذکر باعث تغییر مخاط اندومتر شده و هم ویسکوزیستی مخاط اندومتر و والد سرویکس را متغیر میسازد که هر دو در جلوگیری از حمل رول عمده دارد معمولاً این قرص ها بعد از روز پنجم عادت ماهوار روزانه یک قرص مصرف شده و تا مدت باست روز دوام میکنند اگر این ادویه بصورت منظم استعمال شود نتیجه از مصرف آن ۱۰۰٪ است و نسبت به تمام میتود ها اطمینانی تر است.

معذوریت قرص های ضد حاملگی: - باید گفت که در مسالک الکشاف نیافته معذوریت اول آن قیمت آن است زیرا مصرف مداوم این قرص ها پول هنگفتی را ایجاد میکند از پترو قابل های فقیر و نادار بصورت منظم از آنها استفاده کرده نمیتوانند در بین مردم شایع است که قرص های ضد حاملگی بالای کرده ها و جگر وغیره تاثیرات سوء وارد میکنند ولی به جرئت باید گفت که تا کنون کدام اثر سوء از استعمال این ادویه بالای کرده ها و جگر دیده نشده ولی اینقدر باید گفت در نزد کسانی که برانشیم جگر شان کدام آفت داشته باشد تجویز این ادویه را نباید گذاشت.

قوای هوایی در حرب های گذشته

(بقیه صفحه ۴۴)



تانک و موتریزه قسمت اعظم قوای محاربه رادرمحاربات
امروزی تشکیل میدهند.

- ۶ کشتی لقبهاک کن ساحلی
- ۸ کشتی باوزن کمتر از یکصدتن از نوع SRN-۲ وویلنگه تن.
- ۴ کشتی فرود
- قوای هوایی: ۲۲۲۰۰۰ نفر
- ۱۷۲ طیاره جنگی
- ۴ کندک شکاری بمبارد از نوع E-۴ و F-۴ مجهز باراکت
های هوا به هوا از نوع سایه و ایندرو سیارو
- ۵ کندک شکاری بمبارد از نوع F-۵
- ۲ کندک شکاری از نوع F-۸۶
- یک کندک کشف از نوع RT-۲۳
- ۵۶ طیاره ترانسپورت از نوع C-۱۳۰
- ۱۰ طیاره ترانسپوت از نوع C-۴۷
- ۷۱ طیاره هلی کوپتر از نوع AB-۲۰۵، هسکی و سوپر فریلان
- یک تعداد زیاد هلی کوپتر و راکت های زمین بر هوا از نوع
تایگر کیت درخواست شد.
- قوای غیر نظامی: ۴۰۰۰۰ نفر که به تعداد ۳۰
هلی کوپتر از نوع AB-۲۰۵ نیز بدسترس قوای ژاندارم
گذاشته شده اند.

عراق

تعداد نفوس: ۹۵ میلیون نفر
خدمت عسکری: دو ساله

ایران

تعداد نفوس: ۲۹۸۵۰۰۰۰ نفر
خدمت عسکری: دو ساله
مجموع قوای مسلح: ۱۸۱۰۰۰ نفر
کل عایدات ملی: ۱۱ میلیارد دالر
مصارف دفاعی سال ۱۹۷۲ و ۷۱: ۱۲۳ میلیارد دالر
یکه دالر = ۷۵۷۵ ریال ایرانی
قوای زمینی: ۱۵۰۰۰۰ نفر

۳ فرقه زره دار

۳ فرقه پیاده

۴ لواء مستقل پیاده

یک کندک راکت زمین به هوا از نوع هاک

۹۶۰ تانک از نوع M-۶۰ و M-۴۷: ۲۴

۱۱۰ زره پوش از نوع M-۱۱۳/۸-۲۰ و BTR-۵۰/۶۰
هاوان، اوبوس، توپ ضد طیاره به چاپ ۱۵۵، ۱۰۵، ۸۵ و ۴۰

ملی متری.

۸ طیاره هلی کوپتر از نوع هسکی

قوای بحری: ۹۰۰۰ نفر

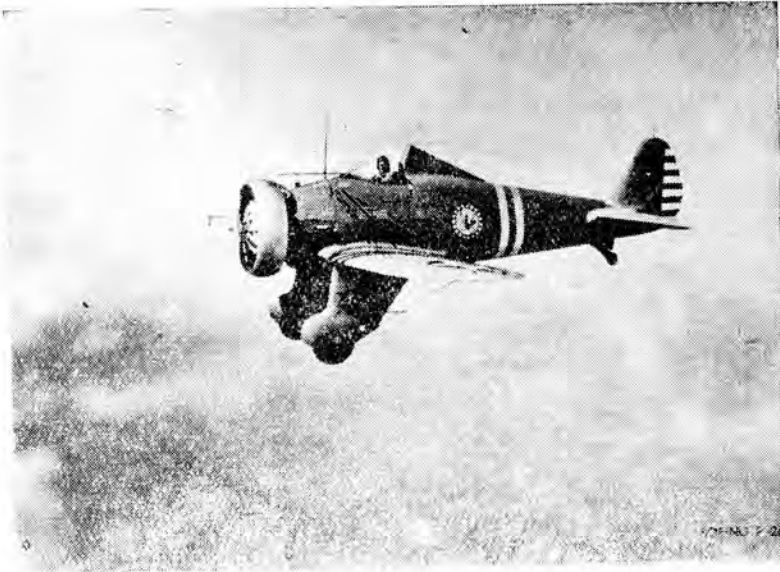
یکه مغرب.

۹ کشتی مجهز باراکت های زمین به هوا از نوع سی کیت

۴ کشتی اکتشافی



طیاره ساب در حال مالور



طیاره جنگی حرب اول جهان از نوع بوئینگک P-26

ترکیه

تعداد نفوس: ۳۶۱۰۰۰۰ نفر
 خدمت عسکری: یک سال و هشت ماه
 مجموع قوای مسلح: ۵۰۸۵۰۰ نفر
 کل عایدات ملی: ۱۳۷ میلیارد دالر
 تخمینات مصارف دفاعی سال ۱۹۷۲-۷۱: ۴۴۶ میلیون دالر
 یک دالر = ۱۵ لیره ترکی
 قوای زمینی: ۴۲۰۰۰ نفر
 یک فرقه زره دار
 ۱۲ فرقه پیاده

۸ لواء زره دار
 یک فرقه مکا لیزه
 ۳ لواء مکانیزه پیاده
 ۲ کندک پراشتوت
 تانک از نوع ۴۷-۴۱ M-۴۸ و M-۲۶/۲۴
 زره پوش از نوع: M-۱۱۳/۵۹
 هاوان و او بوس به قطر ۲۰۳، ۱۵۵ میلی متری
 توپ ضد طیاره و راکت های زمین بزمین از نوع
 هالست جان
 قوای بحری: ۳۸۵ نفر

۱۲ تحت البحری
 ۱۰ کشتی منحر ب
 ۶ کشتی پیشقراول ساحلی
 ۱۱ کشتی تار پییدو
 ۱۵ کشتی نقب پا کن ساحلی
 یک بحریه فرش کننده لقب

مجموع قوای مسلح: ۹۵۵۰۰ نفر
 کل عایدات ملی: ۳۵ میلیارد دالر
 مصارف دفاعی سال ۱۹۷۱: ۲۳۷ میلیون دالر
 یک دینار = ۲۸ دالر

قوای زمینی: ۸۵۰۰۰ نفر
 ۴ فرقه پیاده

۲ فرقه زره دار
 ۹۱۵ تانک از نوع T-۲۴/۸۵ و T-۵۴/۵۵
 ۱۷۵ زره پوش از نوع BTR-۱۵۲ و AML
 ۳۰۰ میل توپ به قطر ۱۲۰ و ۱۲۰ میلی متر

قوای بحری: ۲۰۰۰ نفر
 ۱۲ کشتی تار پییدو
 ۱۵ کشتی اکتشافی
 ۳ تحت البحری

قوای هوایی: ۸۲۵۰ نفر
 ۲۲۰ طیاره جنگی

۹ طیاره بمبارد متوسط از نوع TU-۱۶

۱۲ طیاره بمبارد خفیف از نوع IL-۲۸

۴۸ طیاره شکاری بمبارد از نوع SU-۷

۳۵ طیاره شکاری بمبارد از نوع هنتر

۱۶ طیاره شکاری بمبارد از نوع T-۵۲

۸۵ طیاره شکاری از نوع میک ۲۱

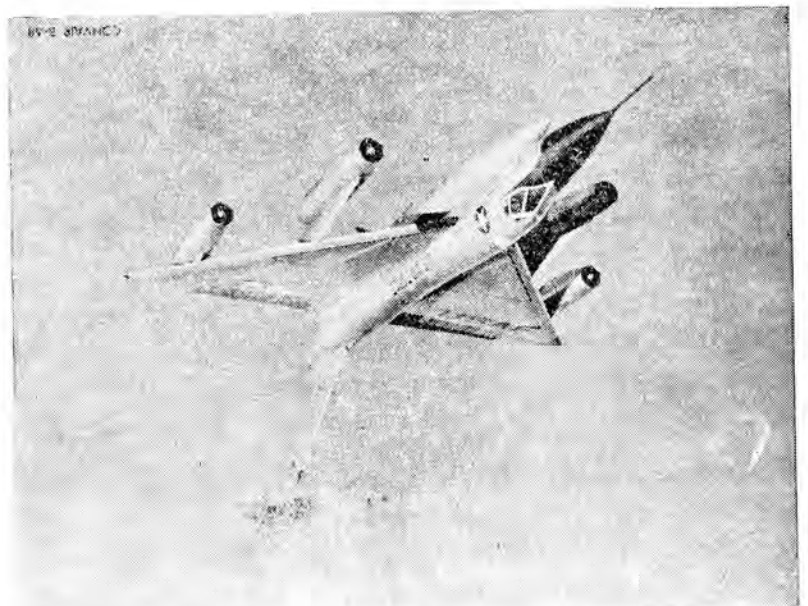
۱۵ طیاره شکاری از نوع میک ۱۵

۵۲ طیاره هلی کوپتر از نوع MI-۴، MI-۸ و ویسکس

۲۴ طیاره ترانسپورت از نوع AN-۲، AN-۱۲ و AN-۲۴

TU-۲۴

قوای غیر نظامی: ۲۴۰۰۰ نفر



طیاره فوق سرعت صوت از نوع بمبارد وسط B-58

۵ کشتی فرش کننده لقب (ساحلی)

چند کشتی فرود

قوای هوایی: ۵۰۰۰۰ نفر

۳۶۰ طیاره جنگی

۲ کتدك شكارى بمبارد از نوع F-۱۰۴

۴ كتدك شكارى بمبارد از نوع F-۱۰۰

۴ كتدك شكارى بمبارد از نوع F-۵

۲ كتدك شكارى از نوع F-۸۶

۲ كتدك شكارى از نوع F-۱۰۲

۲ كتدك كشف از نوع RF-۸۴

هر كتدك محاربوى مشتمل است از ۱۲ الی ۲۵ طیاره.

۴ كتدك ترانسپورت باشمول ۵۰ طیاره از نوع C-۴۷

۳ طیاره از نوع C-۵۴

۵ طیاره از نوع C-۱۳۰

دو كتدك راکت زمین به هوا از نوع لایك هر كولس.

قوای غیر نظامی: ۷۵۰۰۰ نفر

یونان

تعداد نفوس: ۹ میلیون نفر

خدمت عسکری: دوساله

مجموع قوای مسلح: ۱۵۹,۰۰۰ نفر

کل عایدات ملی: ۹۲ میلیارد دالر

مصارف دفاعی: ۳۳۸ میلیون دالر

یک دالر = ۳۰ دراكس یونانی

قوای زمینی: ۱۱۸,۰۰۰ نفر

۱۱ فرقه پیاده

یک فرقه زره دار

یک لواء کماندو

دو كتدك راکت زمین به هوا از نوع هالست جان

یک كتدك راکت زمین به هوا از نوع هاك

۴۷۰ تالک از نوع M-۴۸/۴۷ و M-۲۴/۲۶

زرهبوش از نوع M-۱۱۳/۲۰-۸

هاوان، اوبوس و توپ های ضد طیاره به قطر ۱۵۵، ۱۰۵

۴، ۲۰۳، ۹۰، ۷۵ و ۴۰ ملی متری.

قوای بحری: ۱۸,۰۰۰ نفر

۶ تحت البحری

۸ مخرب

۴ مخرب پیشتر اول

۷ کشتی اکتشافی ساحلی

۲ کشتی فرش کننده لقب

۲۰ کشتی لقب پاکن ساحلی

۱۲ کشتی سریع السیر تارپید و مجهز با راکت های زمین به زمین

۸ کشتی فرود تالک

۸ کشتی طیاره بردار

۸ طیاره اکتشافی ساحلی از نوع Hu-۱۶

قوای هوایی: ۲۳,۰۰۰ نفر

۲۱۶ طیاره جنگی

۳ كتدك شكارى بمبارد از نوع F-۸۴

۲ كتدك شكارى بمبارد از نوع F-۱۰۴

۴ كتدك شكارى از نوع F-۵

یک كتدك شكارى از نوع F-۱۰۲

یک كتدك شكارى كشف از نوع RF-۸۴

هر كتدك محاربوى مشتمل است از ۱۸ طیاره

۳۰ طیاره ترانسپورت از نوع C-۱۱۹ و C-

۲۸ طیاره هلیکوپتر از نوع H-۱۹، AB-۲۰۵ و Bell-۴۷

یک كتدك راکت زمین به هوا از نوع لایك هر كولس

قوای غیر نظامی: ۲۵,۰۰۰ نفر

و ۲۰۰,۰۰۰ نفر احتیاط

البانیا

تعداد نفوس: ۲,۱۹۰,۰۰۰ نفر

خدمت عسکری: دراردوی زمینی دوسال و درقوای هوایی و

بحری سه ساله می باشد.

مجموع قوای مسلح: ۴۲,۰۰۰ نفر

کل عایدات ملی: ۰.۹ میلیارد دالر

تخمینات دفاعی سال ۷۱-۱۹۷۲: ۱۱۶ میلیون دالر

یک دالر امریکائی: ۵ لکس البانی

قوای زمینی: ۳۵,۰۰۰ نفر

یک لوا زره دار

شش لوا پیاده

۸۵ تانک از نوع T-۳۴/۵۴

۲۰ زرهپوش از نوع BA-۶۴ و BTR-۴۰

راکت های زمین به هوا و توپ ضد طیاره

قوای بحری: ۳,۰۰۰ نفر

۴ کشتی ضد تحت البحری

۸ کشتی لقب پاکن ساحلی

۳۰ کشتی ضد ترپیدو

برخی از راکت زمین به زمین در بنا در ساحلی از نوع دورازو و

لولا جای بجای شده اند

قوای هوایی: ۴,۰۰۰ نفر

۷۲ طیاره جنگی

۳ كتدك بمبارد شكارى از نوع میک ۱۷

۲ كتدك بمبارد شكارى از نوع میک ۱۵

یک كتدك شكارى از نوع میک ۱۹

هر كتدك مشتمل است از ۱۲ طیاره

یک كتدك ترانسپورت از نوع AN-۲ و IL-۱۴

۸ طیاره از نوع MI-۸ و MI-۴

قوای غیر نظامی: ۳۷۵۰۰ نفر

قوای امنیتی داخلی: ۱۲,۵۰۰ نفر

قوای سرحدی: ۲۵,۰۰۰ نفر

تورن میر حسام الدین
محتشمی. معاون آمریت
تالیف ترجمه

ارزش و اهمیت ورزش در راه تعلیم و تربیت و انکشاف

دستگاه های مختلف

و ج

زیرا اگر ورزشکاران با تریك اشتباه جزئی برای چندین مرتبه بعد از ختم سهورت در حالیکه وجودشان با تریك بلند رفتن درجه حرارت گرم شده و عرق از سر و صورت آنها جاری میگردد به ترتیب از درجه وجود خویش نگاهند در نتیجه مصاب بانواع و اقسام مختلف درد های عضوی میگردد که تا اخیر حیات ازین ناحیه مشکلاتی زبادی را متحمل خواهند گردید .

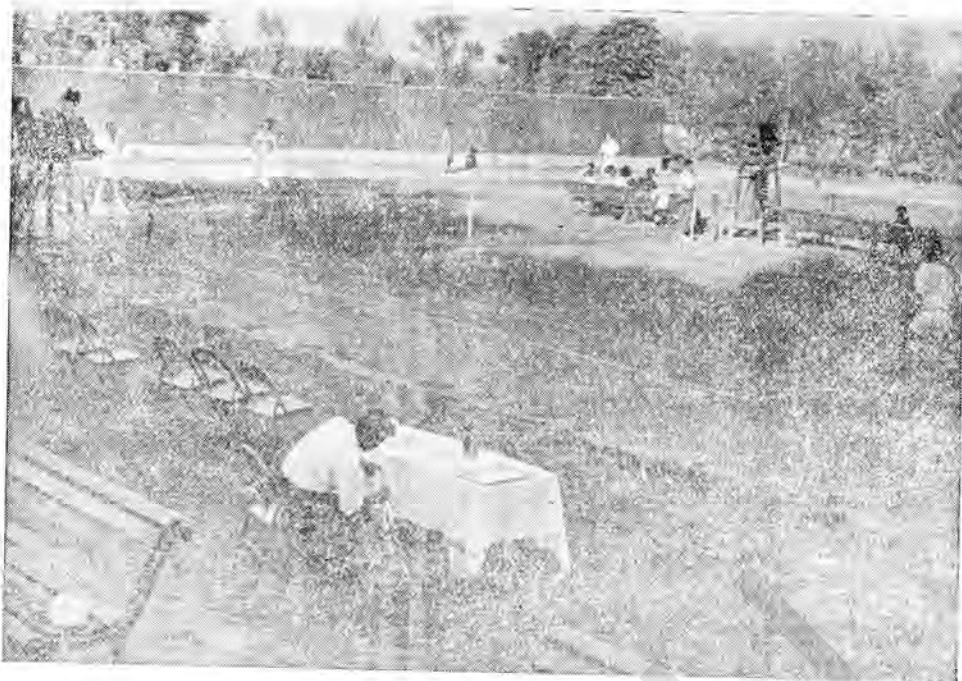
پس بر جوانان ورزشکار لازم است که بعد از ختم ورزش بی احتیاطی را کنار گذاشته و به تدریج وجود خود را سرد سازند تا در آینده از دردهای شدید عضوی در امان مانده و حیات خویشی را توأم با صحت مندی سپری کنند . مخصوصاً بانعمه از ورزشکارانیکه بعد از ختم مسابقه مایعات سرد می نوشند باید گوشزد گردد که این عمل آنها صد در صد به ضرر آنها تمام شده و بعد از اندک مدتی بدرد های گوناگون مبتلا خواهند شد .

بر معلمین ورزشی لازم است که عمل سرد شدن وجود را یک امر سطحی نپنداشته و برای شاگردان خود ارزش و اهمیت آنها در راه سلامت وجود بیان و شرح بدهند تا ازین ناحیه در آینده خطری متوجه شاگردانشان نگردد زیرا سهورت علاوه از آنکه سستی و کفالت را از وجود ورزشکار بر طرف میسازد همچنین صحت و سلامتی آنها را تأمین میکند . چنانچه اگر ما بورژوازی ورزشکاران را سالخورده نظر بیالدا زیم می بینیم که

آنها با وجود گذشت زمان ، باز هم از قدرت کانی بهره ور بوده و دارای چهره های بشاش و حیات خوش میباشند اما اگر ما عین مطلب را در چهره های آنها نیکه در زندگی و ورزش نکرده جستجو کنیم دیده خواهد شد که گذشت زمان هزاران چین و چروک به رخسار آنها تولید کرده و لحظه ای درد و سستی ایشان را مجاز نمی دهد که زندگی خویشی را سپری کنند .

در اینجا باید یاد آور شویم آنها نیکه ورزش سرو کار ندارند بیک نظر سطحی میتوانند که بکنفر ورزشکار یا غیر ورزشکار را از هم تفریق کنند . البته ورزشکاران سهورتهای مختلف نظر به نوع فعالیت ها شرایط جسمی شان نیز از هم فرق میکنند .

در یک دسته از ورزشکاران با ترمشق و تمرین مداوم مخصوصاً در ورزشهای ثقیله عضلات ، استخوانها و انساج آنها بهرور نمو کرده و یک



صحنه از مسابقات
تیمس در میدانهای
ورزشی کلوب
عسکری

برازلدگی خاصی پیدا میکنند که این
لوع ورزشکاران را میتوان بیک نظر
سطحی تشخیص کرد .

یکتعداد دیگر باثر پرخوری زیاد
عضلات شکم آنها فوق العاده نموپدا
کرده و از حد معمول اضافه چاق میگرددند
گروپ دیگر را ورزشکاران لاغر تشکیل
میدهند که بصورت هموسی دردویدن
های مسافت دوروهم نزدیک به نظر
میخورند این دسته از ورزشکاران
استعداد به چاقی کمتر دارند .

در اینجا باید متذکر شویم
ورزشکارانیکه به اصطلاح چاق میباشند
کمتر به نتیجه دلخواه خود میرسند
البته عضلات ایننوع ورزشکاران کمتر
به شکل حقیقی آن نمو میکنند .

وقتی آنها نیکه وزن بدنشان اضافه تر
میباشد چنینکه سهورت را ترک میگویند
در يك مدت کم فورم ثابت ورزشی آنها
تغییر شکل داده و روز به روز بجمامت
آنها افزود میگردد .

ورزش نکردن ویر خوری زهاد وزن
این نوع ورزشکاران را به حداعلی آن
میرساند که در نتیجه وقتی توازن در
بین قد و وزن موجود نباشد عضله قلب

قسمیکه لازم است ازعهده فعالیت خود
بصورت موفقانه عبور کرده نتوانسته
و در نتیجه سکنه های قلبی را بارمیاورد
که البته عمر این لوع ورزشکاران که
ذاتاً دارای جسم قوی میباشند و باثر
مشق و تمرین چندین ساله قویتر میگرددند
بعد از ترك ورزش خیلی ها کوتاه
میگردند .

اما ورزشکارانیکه با اصطلاح لاغر
میباشند بعد از یک زمان ورزش را ترك
میگویند کمتر به سکنه های قلبی مصاب
میگردند اما بمرض سستی عضلات دچار
شده و تا اخیر عمر ازین ناحیه رنج خواهند
برد .

خوب بیبینیم حالا ورزش یا قرار
تفسیرا کثرت سردان امروزی (اکثر
حیات) در پرورش و تقویه اعضای
مختلف وجود کدام رول را بازی کرده
و فواید آن در راه تقویه اعضای بدن
کدام عوامل را بار میاورد .

وقتیکه عضلات سهورتیم در تمام
نقاط بدنش نمویافته و تقویت گردد توام
بان قدرت ماهیچهئی نیز ضروری میباشد
و قابلیت اعطاف در بسیاری مفاصل
ورزشکاران بیشتر از آنها نیکه سهورت

نمیکنند میباشد . البته هر قدر قابلیت
اعطاف یک مفاصل اضافه تر باشد بهمان
همانته خطر بروز صدمات جسمی در ورزش
باین عناصر کمتر میباشد که نوع و
چگونگی ورزشها از نگاه اعطاف و
تحریک از هم فرق میکند . مثلاً در
جمناستی که چون فعالیت وجود بالای
تمام اعضای بدن بصورت مداوم وارد
میگردد باید بیشتر باشد در حالیکه در
انداخت گلوله و بعضی ورزشهای دیگر
مثل نیزه چکش وغیره آنها نیکه مشق
و تمرین میکنند مفاصل آنها در حصه لکن
خاصه وستون فقرات بهتر فعالیت اجرا
میکند که این دودسته ورزشکاران از
نگاه فعالیت های جسمی وجود شان
از هم دیگر متمایز میباشد .

قلب سهورتیم مخصوصاً عضلات
آن قوی تر و محقره های آن تا حدی
بزرگتر میشود قسمیکه قلب ورزشکاران
از یک فرد عادی یاغیر ورزشکار به نظر
بزرگتر میخورد ولی در عوض قدرت
بیشتری برای گرداندن خون در وجود
و در نتیجه تغذیه بهتری از اعضا را
پیدا میکند .

قدرت تنفسی و مقدار هوایی را که



تیم والیبال لیسه عایشه درالی که از بهترین

تیم والیبال دختران کشور می باشد

از نگاه بروز صدمات به کتگوری های مختلف تقسیم کرده و تدابیر امنیتی بحقابل آن اخذ گردد تا بدینوسیله از اثرات صدمات بکاهند. بطور مثال از نگاه وارد شدن صدمه بالای ورزشکاران فوتبال در صدر همه قرار گرفته است و برای آلکه در جریان بازی برای ورزشکاران به ضرب دیدگی مصاب نگردد ابتدا متخصصین وداکتران ورزش نوع بازی را برای آلها تشریح کرده و برایشان گوشزد میکنند تا شیخ بازی نکرده و از حرکاتیکه باعث بروز صدمات میگردد جداً اجتناب کنند. همچنین در میدان فوتبال که صدمات وارد میگردد تدابیری اتخاذ میکنند تا يك پیماله زیاد از بروز صدمات جلوگیری میکنند بطور مثال سطح میدان فوتبال را بصورت اساسی هموار ساخته موانع آهنی، درخت وغیره برجستگی ها را از میدان فوتبال دور تریاً میکنند تا بر خورد سهورتمین بالها باعث بروز صدمات گولگون نگردد.

همچنین در بین اواخر در یسکی دو مملکت پیشرفته جهان از قبیل امریکا آلمان غربی و انگلستان برای جلوگیری از صدمات مخصوصاً در اطفال خورد با والدین اطفال مذکور مقامات مسوول ورزشی چندین جلسه دایر کرده و در

با وصف تمامی این تکامل و پرورش اندام برای اینکه سهورتمین بتواند در مسابقات سهورتی و میدانهای بزرگ بین المللی موفق گردد باید به جنبه های روحی و روانی وی توجه کامل شده و با اثر تشویقی و پرورش سالم ندرت روحی آلها را بدرجات عالی رسانید. در آن صورت احراز نتیجه قطعی آنها صد درصد مشرواق گردیده و از نتایج زحمات خود بهرراضی خواهند بود.

مسأله مهم دیگری که می باید برای انکشاف ورزش به نظر اساسی نگریسته شود عبارت میباشد از اعمار میدانها و محل های مختلف ورزش برای اطفال و جوانان و تدابیر امنیتی مقابل صدمات ورزش.

زیرا در جهان امروزی همزمان با از دهاد جمعیت دنیا به پیشرفت های چشمگیر دیگری هم در همه امور اجتماعی محسوس گردیده است که توام بان ورزش هم آخرین مراحل انکشافی و علمی خود را می پیماید.

یسکی از این پیشرفت ها مطالعه میدانهای ورزش میباشد تا باعث بروز صدمات برای ورزشکاران نگردد ازینرو در شرایط مقدماتی ورزشها را

ورزشکار میتواند در داخل سینئ خود لگا هدارد هم از افراد عادی یا غیر ورزشکار به مراتب بیشتر میگردد شك لیست که حجم و مقدار هوا دلیلی بر تکامل عمل تنفسی لیست اما در ورزشکار تبادل هوای اکسیجن دار و هوای آلوده بهتر و بیشتر و با سرعت بهتری انجام میگردد باید ملتفت بود که قدرت سلسله اعصاب مرکزی در سهورتمین اهمیت زیادی دارد تطابق مساله عمده ئی است که در یک ورزشکار باید جستجو کرد.

برای حفظ کنترل در میدان مسابقات باید حسن تطابق وی با پهروی از دستورهای منزم انجام گیرد سرعت انتقال و جواب به تحریکات در سهورت مخصوصاً آلها نیکه در بازیهای اجتماعی با توپ سروکار دارند از قبیل فوتبال با سکتبال و غیره باید درین دسه از ورزشکاران سرعت انتقال پرورش پیدا کند.

برای آلها نیکه بخواهد از سلامت کامل و اندام زیبای ورزش مستفید گردد و شایستگی بدنی کامل بعنوان یک ورزشکار داشته باشد باید تمام دستگاه ها و اعضای وجود وی بطور صحیح و کامل انجام وظیفه کند

صورت بروز صدمات بالای اطفال والدین آنها بدرجه اول مقصر دانسته شده اند از بنر و والدین این اطفال بصورت مداوم راجع به ارزش و اهمیت ورزش با اطفال شان صحبت کرده و برای جلوگیری از صدمات گفتار آنها فوق لعاده مؤثر واقع گردید است چنانچه درین اواخر با همکاری والدین اطفال با مسوولین ورزش از بروز صدمات ورزشی فوق العاده جلوگیری شده . در صورتیکه عشق و علاقه اطفال و جوانان بورزش اضافه تر شده و آنها انتظارات بیشتری برای بهبود شکل ورزش خود از مقامات مسوول ورزش داشته باشند در آنصورت باید محل های سپورت و استدیوم های ورزشی مطابق سنین نو جوانان و جوانان و حتی کهن سالان تاسیس گردد زیرا در استدیوم هائیکه جوانان مسابقه انجام میدهند و یا مشق و تمرین میکنند

همین محل و عین طرز انجام مسابقه برای اطفال و نوجوانان مساعد نبوده حوادث مختلف را بار میآورد. روی این اصل باید محل های سپورت اطفال و نو جوانان از جوانان و بزرگ سالان متمایز باشد تا از بروز حوادث جلوگیری بعمل آید.

استدیوم ها محل های سر پوشیده و کلب ها باید قرار مشوره متخصصین سپورت و مسند سین بنا شود زیرا گذشته از آنکه باثر نقص های فنی بعضاً حوادثی را بار خواهد آورد همچنین کثرت و تجمع ورزشکاران در یک محلیکه گنجایش آنرا ندارد باعث سریش های مختلف از نگاه صحی لیز میگردد .

کذا در استدیوم های ورزشی باید حدود آن بقسم واضح و معین گردد و برای اطفال گوشزد گردد تا از بازی در نزدیک سر کها که وسایل نقلیه

از آن عبور و مرور میکنند جداً خود داری کنند تا صدمات گولاگون را بار نیآورد .

سامان و مالزمه ورزشی باید در یک حصه معین میدان تعبیه شده و در هر طرف میدان جا داده نشود اکثر از نو جوانان و اطفال طرز استفاده از مالزمه ورزشی را ندانسته بلکه بصورت خود سرانه بمشق و تمرین ورزشهای مختلف میپردازند که در نتیجه متوسل شدن این جوانان بورزشها توسط مالزمه ها ایکه معلومات ندارند واقعات و صدمات مختلف ورزشی را بار میآورد در چنین موارد باید باین اطفال و نو جوانان طریق استفاده از مالزمه های ورزشی و نوع سپورت قبلاً توضیح داده شده و فهمانده شود تا از بروز حوادثیکه ذکر گردید تا یک اندازه جلوگیری بعمل آید . در آنصورت با تدریس صحیح میتواند عده زیادی



هک حرکت زهباى ورزش بالای تات در اردو

رابورزشهای گوناگون جلب کنند.
 محل ورزش نوجوانان باید قسمی آماده گردد تا آنها بتوانند بوزن شمای مختلف زیر نظر معلمین خود بهر دازلد و از آن مراقبت دو امداری صورت بگیرد تا این اطفال بر مریضی های جلدی و دیگر ناراحتی ها مصاب نگردند که این کار معاینات طبی را ایجاد میکند. به آنها نباید اجازه داده شود ساعت ها رادر محل های شنا بگذرانند و هم آب آن - بصورت دو امدار باید تعویض گردیده و تمامی قوانین طبی بالایات تطبیق گردد. در سپورت های دیگر اجتماعی از قبیل فوتبال و هاکی باید ازین نوجوانان مراقبت دو امدار صورت گیرد مخصوصاً ساقهای پای و دیگر اندام های آنها که خطر برخورد متوجه شان میباشد محافظه شده و در صورت امکان از وسایل مختلف پوشش استفاده شود.

خستگی در اطفال و نوجوانان باید توسط معلمین تشخیص داده شده و اطفال با ترحم و بهر دازلد زهرا در چنین موارد اطفال کمتر بر خستگی خود متوجه میشوند البته این مساله در هوای گرم و آفتابی بیشتر آزار دهنده میباشد. در اینجا باید علاوه کرد که هرگونه فعالیت های ورزشی جسمانی بعضاً خطراتی را با خود همراه دارد ولی اگر معلمین ورزش، مربیان اطفال و بالآخر والدین و اطرافیان شان به آنها رهنمائی لازم بکنند این خطر به مقدار قابل توجهی کم میشود. همچنین بسیار اوقات بعضی از اطفال خوردن سال بخاطر هم چشمی و رقابت با جوانان داخل میدان شده و به رقابت می پردازند که در نتیجه صدمات بزرگی بآنها در اثر عدم تحمل وارد میگردد که این ورزشها مخصوص بزرگ ها میباشد باید بخاطر حفظ ایمنی و سلامت آنها ورزش برای آنها اموخت که کودک یا طفل قدرت تحمل آنها از لحاظ جسمی و روحی داشته باشد پروگرام سپورت در مکاتب و هونگی ها

باید طوری به ریزی گردد که حداقل صدمات بالای ورزشکاران وارد گردد و بطور آسانی قدرت و سلامت جسمانی جوانان را حفظ کند.

«والدین چنین جوانان مکلفیت دارند که به اقسام ورزش و طرز اجرای آنها در مکاتب آشنا باشند باید معلمین این پروگرام ها را طوری تنظیم کنند که کمترین فشار روحی و ضربه های جسمی (رقات های شدید) را به

سخنانه بزرگان

هر کس، با همه غرورش، از این امر آگاه است که آنچه میداند نسبت به آنچه نمیداند بسیار ناچیز است. این حقیقت را در نظر داشته باش تا بجای آنکه با داشتن چند چیز معدود بخود بیائی، از اینکه چیزهای بیشتری را نهداند، ناراحت شوی و باین مطلب اعتراف کنی!

«توماس آکویس»

آلکس دانا است که يك موضوع را بفهمد و آنکس بسیار دانا است که دو موضوع را بفهمد.

«اموز»

به دانش بالیدن، بزرگترین نادانی است.

«جی می تیلر»

نباید بهر سیم که چه کسی بیشتر میداند، بلکه چه کس بهتر میداند.

«مونتینی»

ممکن است که کتابخوانی سرد بسیار با استعدادی باشد، ولی چندان کتاب بر سر خویش گذاشته است که کله وی مجال حرکت کردن ندارد.

«رابرت هال»

آنها وارد سازد.
 باید سعی شود که به نوجوانان و اطفال درس (بردن) رادر ورزش به آنها ایاموخت و نگذاشت که روح آنها در سنن نوجوانی گرفتار این تلاطم های روانی گردد هیچ جوان و یا کودک نباید صرف بخاطر تمامی پدر و مادر بیک نوع سپورت عادت داده شود. با مراقبت و معاینات طبی دقیق زیر نظر معلم از لحاظ تشخیص روحی کودک و جوان از زبانی کودک در مکاتب و یا از جوانان در یوهنگی ها باید آنها را برای انواع ورزش تشویق و ترغیب نمود و وقتی آنها به سنین جوانی میرسند در نتیجه بوزن شمای مختلف از قبیل فوتبال باسکتبال کشتی و غیره روی میاورند که به تحقیق درین نوع سپورتها خطر صدمات جسمی اضافه تر میباشد.

حصه گرفتن در ورزشهای دسته جمعی در مکاتب و هونگی روز بروز فزونی یافته و جوانان بیشتری بآن متوسل میگردد. مسلماً جوان نیرو و قدرت خود را که بشکل شعله های سرکش نمودار میگردد باید بمصرف برساند و چه خوبتر که در میدانهای ورزشی که سلامت آن ها را تهدیدر آینده تامین خواهد کرد رجوع کنند.

با وصف همه این امتیازات بایسد پروگرامهایی ترتیب گردد تا صدمات بدنی را در مکاتب به نقطه اصغری آن برساند.

قسمیکه پروگرام سپورتنی فصول مختلف سال طی يك پروگرام خاص در مکاتب تعیین میگردد باید بعین صورت خطوط اصلی امنیتی و سرپرستی جوانان در میدانهای ورزشی از لحاظ صدمات جسمی نیز طرح ریزی شود. تا باشد که جوانان با پروری از نکات اساسی و علمی فوق و با خاطر آسوده و امید بآینده تا سرحد موفقیت در زندگی با حفظ سلامت جسمی به پیش روند.

باقی دارد

آرشمیدس

چطور

از خاک خود

دفاع کرد؟

مترجم: جلال‌الدین صدیقی
ترجمه از اسکالانتر نشنل

سیراکیوس سیسلی سال ۲۱۲ قبل از میلاد:

بتاریخ دوم ماه اگست سال ۲۱۶ قبل از میلاد رومیان به شکست فاحش نظامی در تاریخ کشورشان مواجه شدند. هانیبال نزدیک کاناها کنسولهای رومی بنام ایل ایویولوس پولوسوسی. تیر بن تیوس وارد شکست خوردند. از جمله ۸۶۰۰۰ عسکری رومی ۵۰۰۰۰ آن بشمول هشت عضو سنا و کنسول امی لیوس پولوس بقتل رسیدند. در سال ۲۱۵ برای نخستین مرتبه رومیان در جنگ توانستند از تباهی کامل نجات پیدا کنند. هانیبال به اپولیا عقب نشینی کرده و از تعرض دست کشید. امادر سال ۲۱۴ جنرال رومی بنام ماریوس لوس با یک کشتی بزرگ بسوی سیسلی حرکت کرد، و توانست شهر سیراکیوس را محاصره کند.

لیکن دانشمند بزرگ یونانی بنام آرشمیدس که در آن زمان ۷۳ سال داشت هرگونه حمله رومیان را پیشبینی کرده و با مقیاس و وسایل دست داشته هندسی مکاف ساخته شد تا با رومیان مقابله کند. تحت رهنمائیهایش و مطابق با طرح و نقشه های هندسی خنند قهای اعمال شد و با ساختن منجنیق های

بزرگ و قوای حملات دشمن خنثی گشت و مجبور به عقب نشینی شد. فیر های معتد که بوسیله قول های بزرگ منجنیق صورت گرفت توپهای ماریوس لیوس را از کار انداخت. و توسط همین وسایل بود که تجهیزات، وسایل تعرضی حربی رومیان قبل از نزدیک شدن به شهر منهدم و نابود گشت. بعد از هشت ماه حمله ماریوس لیوس بالاخره به طریق دیگری توسل جست و آن عبارت بود از مسدود ساختن راه های بحری وبری شهر. در بهار ۲۱۲ قبل از میلاد در اثنائیکه شهریان به تجلیل مراسم الهه دیانا مشغول بودند، ماریوس لیوس طی یک حمله ناگهانی حومه تیچاونیوپولیس را تصرف کرد و درین حمله سر نوشت سیراکیوس ظاهر آ تعیین گشت.

در ارتفاعات بلند در تپه های شهر اسرا دینا که مردم زیاد مسکن داشتند تصرف شهر چندان محسوس نبود. حتی جا روچنگالهای روزانه شهر در خانه کوچکی که آرشمیدس بانو کرش هسکال زندگی میکرد مشکل شنیده میشد. در دوران محاصره شهر آرشمیدس وظیفه قوماندانی اعلاای قواء سیراکیوس را ایفاء میکرد و بعد آ در



30

که همه اکتشافاتش را نقش بر آب ساخت. آنروز هیچکدام از ابداعات و ترسیمات هندسی اش نتوانستند بوی کمک کنند. در آنزمان آرشمیدس ۷۶ سال داشت که در اتاق کوچک خود روی میزخردی سرخودرپائین انداخته بود. در بن اثنا صدائی حواس او را بخود مشغول داشت و سلسله تفکر و تعقل او را از هم گسیختاند. آرشمیدس با انگشتان لرزانش سرعت ورق های پاپیروس تازه را سیاه ساخته و اشکال هندسی و ارقام را هرچه تمامتر ترسیم میکرد.

رومیان در مقابل دروازه های شهر تمام روز و شب مجادله میکردند تا بتوانند مخالفین را بزانو در آورده و حلقه محاصره را تنگ تر سازند از شنیدن چنین وقایع آرشمیدس بیشتر به تفکر فرو میرفت و گاهی تخیلاتی در ذهنش خطوط میکشید که او را بخنده و امید داشت و در آخر نتیجه گیری میکرد که میرا کیوس ممکن قبل از او منهدم گردد. و حتی آرزو مینمود تا باز تحت شرایط دیگری بتواند تحولی عظیم در جهان به میان بیاورد.

درین اثناء صدای وحشتناک او را بخود آورد دسته از کبوتران که محتملاً از اثر زد و خورد های پایان جاها رسیده بودند در آسمان از سمتی به سمت دیگر سرعت پرواز میکردند. این پرنده گان خاکی چنان بالهای شانرا با هم میکوبیدند که از آنها صدای هولناکی بر میخواست که شنیدن آن لرزه بر اندام انسان میآورد. آرشمیدس نیز از شنیدن چنین صداهای وهمناک مضطرب و پریشان گردید ولی با توجه به ارقام و اشکال هندسی سعی نمود تا تشوשות و اضطرابات فکری و درولی خود را بکااهد. آفتاب هر لحظه نور خود را مکدر و سرخ تر میساخته، غروب نزدیک میشد. همینکه آخرین اشعه ذرین آفتاب در افق فرو رفت ماریسی لیوس، قوماندان رومی امر حمله به شهر را صادر کرد. سرو صداهای بازار خاموش گردیده (بقیه در صفحه ۶۳)



دوست داشتی بود که خواب راحت ندانست، دمی نمی آسود حتی وقت غذا خوردن و نوشیدن را فراموش میکرد اما گاهی مقابل خانه خود در بیرون روی صحن حویلی مینشست و الفاظ و کلمات مبهم و مجعولی را با خود زمزمه میکرد انگشتان دراز و باریکش شدیداً میلرزیدند.

روزی رسید که او حتی توان صحبت را نداشت ولی هیچوقت فکر وطن و شهرش را از سر بیرون نمیکرد. روزی نو که خود را صدا زد و از او درباره اوضاع و جریانات روز شهر جوپای معلومات و اطلاعات گردید و وقتی لوگوش بوی جواب قناعت بخش نمود او را به شهر گسیل میداشت تا از نزدیک جریانات و حوادث روزگار را بخود معلوم کرده بوی خبر دهد.

آرشمیدس از وضع درهم و برهم شهر سخت آشفته گردیده و بیشتر به تفکر معپرداخت و گاهی آنقدر بفکر فرو میرفت که سلسله جریانات شهر را فراموش میکرد.

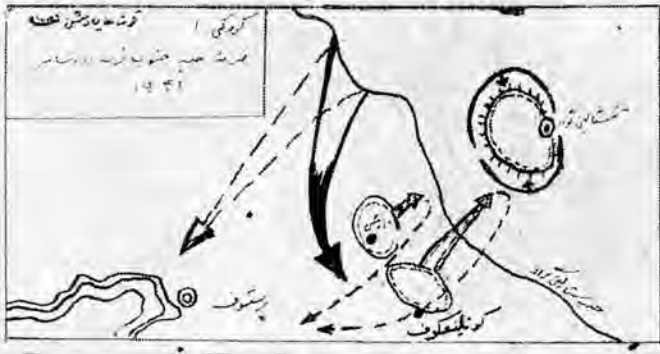
صبح یکی از روز های که غالباً به تفکر معپرداخت حادثه بوقوع پیوست

جنگ های کارتاژ لیز سهم گرفت. اما این وظیفه برایش دوامدار نبود و بعد از مدت کوتاهی ترک وظیفه کرده به خانه اش که در ارتفاع بلند سرتپه ای قرار داشت گوشه نشینی و الزواگزیبی اختیار کرد. او در آنوقت هیچکاری نداشت و مانند سالهای قبل از ماموریت عسکریش فقط بکارهای علمی و تحقیقات و مطالعات خصوصی علمی و هندسی مصروف بود ولی مردم گوشه نشینی آرشمیدس را بنظر شک و تردید مینگریستند و هر کس که قبلاً با او معرفتی داشت اکنون وضع او را مواجه با خطر تصور میکرد.

آرشمیدس روزها و حتی وقت زیادی از شب تا صبح بیدار بود و اتاقی کوچک سپری کرده و به محاسبات و ترسیم اشکال تازه هندسی و ابداع نظریه های علمی مشغول میگردد، نتایج کار عملی اش این بود که هر لحظه که از عمرش میگذشت بر شهرت و حیثیت و افتخاراتش فزونی بعمل میآید و محبوبیت مردم نسبت به وی زیاد شده میرفت. آرشمیدس دانشمند

مانور قوت‌ها در تعرض

مترجم: تورن محمد هاشم منگل ارح، پ



قوت‌های این جبهه با مساعی مشترک قوت‌های ستالین گراد و جبات دان احاطه اردوی نمبر ۶ نازی را در قسمت غربی ستالین گراد در اواخر نوامبر تکمیل نموده، و مطابق به پلان مرتبه سر قومالدانی اعلی شوروی و طبقه داشت تا ضربه عمیق خویش را به استقامت میلروف و ستوف *Millerovo - Rostov* وارد کرده و حین رسیدن به بحیره آزوف *Azov* مطابق به پلان گروه بندی نازی‌ها را در قفقاز مختل سازد. لیکن در حقیقت نازی‌ها به عجله به گروه بندی قوت‌های ضربه خویش در مناطق کوتلینکوف *Kotelnikovo* و تارمسن *Tormosin* غرض نجات قطعات محاصره شده ستالین گراد مصروف بودند. بنابراین استقامت ضربه جبه جنوب غربی از استقامت جنوب غرب به جنوب شرق تغییر داده شد و مانور مذکور به شکل موقعا له انجام یافت. وقتیکه بتاريخ ۲۰ دسامبر جبهه به تعرض گذشت، به شکل شمال تعرض خویش را ادامه داده در ظرف پنج روز ۲۰۰ کیلومتر ساحه را در جریان محاربات اشغال نموده و بتاريخ ۲۴ دسامبر به خط میلروف *Millerovo* تستنسکیا *Tatsinskaya* ماروزوفسک *Morozovsk* موصلت نموده و خط آهن لیخایاستالین گراد *Likhaya-Stalingrad* را قطع و عقب گروه‌های تارمسن *Tormosin* و کوتلینکوف *Kotelnikovo* را تهدید کرد. این مانور سریع و قاطع تمام قوت‌های جبهه که بالغ به چند صد هزار صاحب منصب و افراد میشد باعث خنثی شدن پلان دشمن گردیده و وضعیت عملیات ستراتیژیکی را شدیداً به نفع اردوی شوروی تغییر داد.

اردوی شوروی به همین قسم در چندین عملیات تعرضی ستراتیژیکی مانورها را با قوت‌های بزرگ از بسیار عقب به استقامت جبهه و یا از یک قسمت غیر فعال جبهه به یک استقامت دیگر که نتیجه قطعی حاصل شده می‌توانست به شکل موقعا نه اجرا نموده که به این ترتیب قوت‌های تمام جبهات، چندین اردوها مرکب از تانک و دیگر صنوف اضافه از صدها کیلو متر حتی به هزارها کیلومتر مانورها کرده اند.

مانور اهراتیفی: - صفت مانور اهراتیفی نیز به قوت یک جبهه یک‌الی دوار دو در عملیات تعرضی اهراتیفی اجرا گردیده است در شب احوالات مانورهای اهراتیفی به شکل ماهرانه و مصورانه

مانور عبارت از انتقال دادن قوا و وسایط به مقصد تشکیل گروه بندی مساعد قوت‌ها و وسایط دوست و فراهم ساختن وضعیت بهترین آنها نسبت بدشمن و اجرای موقعا له وظیفه اخذ شده میباشد. مانوریک جز لاینجزی فعالیت محاروبی قوت‌ها بوده که طرز اجرای آن به شرایط حقیقی وضعیت محاربه، تشریک مساعی قوت‌ها، کرکتر فعالیت دشمن، خصوصیات اراضی، موسم سال شب و روز و وضعیت جوی هوا مربوط است. غایه اساسی مانور عبارت از تأمین تفوق قوت‌ها جبهه بدست آوردن موقعت در استقامت مطلوبه در لحظات حساس محاربه میباشد. مثالهای زیاد و برجسته از صحنه‌های محاربه موجود است که گروه متعرض با وجود عدم توازن قوت‌ها یا اجرای مانور ماهرانه تفوق مؤقتی را در یک زمان مساعد و محل نتیجه قطعی حاصل نموده و نتیجه محاربه را به نفع خویش تغییر داده اند. چنانچه در حرب دوم جهان (۱۹۴۱ - ۱۹۴۵) اردوی شوروی بمقابل متهاجمین نازی در خصوص مانور قوت‌ها و وسایط تجارب ارزنده را حاصل کرده اند.

در این حرب قوت‌ها با در نظر داشت خطرات متصوره، به شکل سریع، جسور و دلیرانه فعالیت نموده مانور مؤثر را که دشمن هیچ توقع و انتظار آن را نداشت تأمین نموده اند.

نظریه مسایل که حل باید شد، ترکیب قوت‌ها، و نتایج مستحصله آن مانور یا به شکل ستراتیژیکی، اهراتیفی و تکتیکی اجرا میشود.

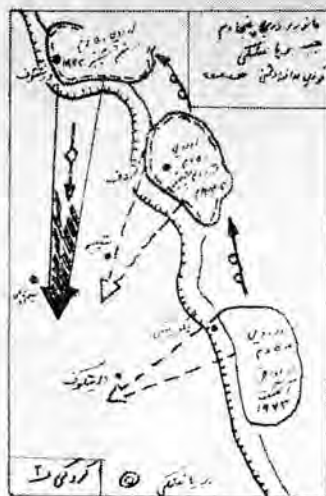
در ذیل موضوعات راجع به احضار و پیشبرد مانورهای ستراتیژیکی و اهراتیفی که از طرف قوت‌های شوروی در حرب دوم جهان اجرا شده مطالعه می‌گردد.

مانور ستراتیژیکی: - عبارت از انتقال قوت‌های بزرگ، گروه جبهات، گروه اردوهاست به مقصد اضمحلال گروه‌های بزرگ دشمن، اشغال اهداف ستراتیژیکی، و یا تغییر دادن وضعیت ستراتیژیکی به نفع قوت‌های خویش میباشد.

در ذیل بطور مثال مانور قوت‌های جبه جنوب غربی پهنای وسطی دان *Don* را که غرض اجرای تعرض مقابل بالای ستالین گراد *Stalingrad* از طرف اردوی شوروی اجرا گردیده تذکر داد. (کروکی ۱)

از طرف قدمه‌های امر و قومانده اردوی شوروی اجرا و امکانات مساعدی را برای حل یک و وظیفه معین اپراتیوی تأمین نموده است.

بیانود بوسیله یک مثال مانور اپراتیوی یک اردوی مرکب از صنوف مختلفه مسلح را در عملیات تعرضی یک جبهه مطالعه کرد (کروکی نمبر ۲)



در اواخر آگست ۱۹۴۳ مطابق به پلان قوماندان جبهه بریانسک *Brynsk*، اردوی پنجاهم که مرکب از صنوف مختلفه (مرکب از هشت فرقه پیاده، یک قول اردو و سواری و قوتیهای تقویه شده) بود وظیفه داشت تا یک ضربه را به استقامت لکوتیس *Lukavets* دیتکوف *Dyatkovo* که راه نزدیکترین به ساحه بریانسک بود اجرا کند. هنگام احضارات برای اجرای این ضربه قدمه امر و قومانده شوروی دریافت که دشمن راجع به این پلان حرکات شکیر گردیده و غرض مدافعه متین قوتیهای مدافعه را در این ساحه قوی ساختند، لذا عنصر باصقین برای اجرای این حرکات از بین رفت و قوماندان جبهه قرارداد تا قوتیها را به استقامت کسرف *Kirov* بچینو *Butchino* انتقال دهد. این انتقال دادن گروه بندی قوتیها از محل سابقه به محل تحشد جدید که تقریباً ۱۰۰ کیلومتر مسافه داشت سه شب را دربر گرفت. لیکن دشمن بازم از این پلان حرکات اردوی نمبر ۵۰ معلومات حاصل نموده و قدا ابرفوری را غرض مدافعه بمقابل این پلان گرفتند. قوماندان جبهه بریانسک بازم امکان موفقیت را در تطبیق این پلان در شک و تردید میدهد. لذا برای بارثالی پلان حرکات را نیز داده و قرارداد تا قوتیهای خویش را از اینجانب انتقال دهد و خواست قوتیها را به استقامت غربی در منطقه وارنتسوف *Vorontsovo* تحشد دهد. در این مراتبه مالور بصورت مؤقاله اجرا شده و ضربه که بالای دشمن وارد گردید بصورت هیر مترقیه و غیر منتظره بوده نتایج خوبی از آن بدست آمد.

مثالیهای ارزنده برای اجرای مانور های اپراتیوی را میتوان در عملیات مشرق قوتیهای تالک جستجو کرد.

اردوی تالک و قول اردوهای تالک و زره دار چندین مراتبه از طرف قدمه های امر و قومانده شوروی غرض تأمین انگشاف موفقیت های تکنیکی در ساحه های محاربه بشکل مانور اپراتیوی استخدام گردیده اند.

مالور مانورانه قوتیهای سیال که به عقب و جناح دشمن ضربه وارد کرده و به شکل متین ضربه های متقابل دشمن را خنثی نموده در انضای عملیات تعرضی جبهه های دشمن را رخنه نموده و بوسیله شق قوتیهای دشمن را در عمق مدافعه آن از بین برده اند بطور مثال یک مالور مؤثریکه بشکل سیال در تابستان ۱۹۵۴ از طرف جبهه اول اوکراین *Ukrain* در جریان عملیات تعرضی لواو - ساندومیرز *Lvov-Sandomierz* اجرا گردیده تذکر دهیم.

در پهلوی اردوهای مرکب از صنوف مختلفه، جبهه دارای سه اردوی تالک، دو گروه سواری و زره دار نیز بود. قابلیت این چنین یک قوه سیال به آسانی ممکن توانست تا یک مانور وسیع اپراتیوی را اجرا کند.

بعد از رخنه کردن مدافعه تکنیکی دشمن، مساعی اردوی تالک به استقامت لواو *Lvov* - پریمیشیل *Peremyshl* تمرکز داده شد. قدرت بزرگ تالک بشکل پاله توانست گروه اردوی لازمی (شمال اوکراین) را بدو حصه جدا کند. لواو *Lvov* اشغال شد. بعد از آن گروه ضربه جبهه به استقامت شمال غرب دور خورد. و مانور سریع را به استقامت ساندومیرز *Sandomierz* اجرا نموده و مسافه صد کیلومتر را در یک زمان خیلی کوتاه قطع نمود. و تالکهای شوروی به شکل غیر مترقیه در حوالی دریای ویستول *Vistula* بمقابل توتیهای دشمن ظهور نمود، و بعد از زدو خورد مختصر موضع سرپل ساندومیرز *Sandomirz* را اشغال کرد.

ممکن بعین یک مثال حرکات اردوی ششم تالک که در قرا سلوانیا *Transylvania* در آگست سال ۱۹۴۴ مالور خویش را به امتداد جبهه غرض ایفای وظیفه اپراتیوی انجام داده کمک کرده بتواند.

در جریان تعرض روسانیا، قوتیهای قسمت دوم جبهه اوکراین گروه های لازمی را به استقامت کارپات به عقب انداخته بود قوماندان جبهه بمقصد اشغال معبرهای کارپات و مواصلت به عقب دشمن، قرارداد تا مانور بوسیله اردوی ششم تالک به استقامت شمال اجرا کند. چنانچه بعد از مبارزات طولانی در عرض راه و گذشتن از آلپ ترانسولوانیا، تالکهای شوروی در عقب دشمن ظهور نموده و دشمن را به عقب تشمینی عاجل مجبور ساخت در نتیجه قول راست قسمت دوم جبهه اوکراین توانست از قسمت شرقی کارپات عبور نماید.

یکی از مالورهای دلچسپ مالور اردوی سوم گارداست که در ماه جنوری سال ۱۹۴۵ در ویستولا - اودر *Vistula-oder* اجرا گردیده (کروکی نمبر ۳) در اثر تعرض سریعانه که بعقب دشمن توجه گردیده بود دشمن را بداخل خاک خود (شوروی) تحت فشار گرفته و به مهارت کامل این مانور اجرا گردید و گروه های دشمن را بصورت انفرادی لاراً اینکه آنها را محاصره کند از بین برده است. که این جریان در منطقه برسلاو *Breslau* به ترتیب اجرا شد که اردوی ششم و پنجم مرکب

صنوف مختلف و تیکه شهر بر سلاو *Breslau* رمانند شاخهای امپوراز استقامت شرق احاطه کرده بود قومانندان جبهه اکراین به اردوی سوم گارد زره دار امرداد تا از غرب به شرق مانور را اجرا کنند همان بود که مسافه ۱۰۰ کیلومتر را با سرعت زیاد قطع نموده و در فتناً تانکست های شوروی از استقامت غرب (عقب دشمن) بالای قوتهای لازمی تعرض اجرا نمودند و حلقه محاصره شهر تنگتر شده رفت .

تجارب و عصر ما :
تمام لیدرها و قوماندان
عسکری شوروی و او به
هر رتبه و سویه که
باشد معنی حقیقی مانور
را اضمحلال دشمن تلقی
میکند . البته مفهوم
و تصور اساسی مانور
همیشه مفهوم و تصور
اساسی ستراتیژیکی
عمومی سر قوماندان
اعلی را تعقیب میکنند .



مظهر و اساس صنعت اجرای مانور قوتها که از لحاظ چندین مثل ارزنده محاربه بوی شوروی تقویه میگردد عبارات از اجرای مانور بشکل یاضیقین و سرعت ممکنه از طرف قوتها میباشد .
تمام احضارات برای اجرای مانور باید بشکل محرم و دور از نظر دشمن اجرا گردد . استقامت ضربه برای دشمن باید غیر منتظره باشد . و حتی الوسع ضربهها در نقاط ضعیف دشمن مانند جناح ، عقب و یا خالیگاههاییکه در لظامات حرکات ستراتیژیکی دشمن باشد وارد گردد . اگر دشمن غایب و مفهوم اساسی مانور را قبل از تطبیق آن کسب نماید البته صد فیصد اجرای مانور قوتها به ناکامی منجر می گردد .

قدرت و قابلیت سیالیت و ازدیاد سرعت پیشرفت آنها مانور قوتها را اضافتر مؤثر می سازد .
بنابراین قدمه امر و قوماندان شوروی اضافتر اردوهای تانک

قول اردوهای تانک و زره دار ، گروپهای سواری و سکانیزه ، قوتهای فرود آورده شده از هوا و قوتهای موتور ریزه و هوائی که قابلیت سریع حرکت را دارند استخدام و ضربه های قاطع و مضمحل کننده را به عقب و جناحهای گروپ قوتهای دشمن وارد کرده اند . در اثنای احضارات برای فعالیت تعرض پیش از پیش گروپ سیال جبهه و یا (اردو) و یا چندین اردوی تانک (قول اردوهای تانک و سکانیزه) و تانک هاییکه قابلیت سریع مانور و ضربه را داشتند تشکیل میگردد .

این گروپ سیال طوریکه از طرف قوتهای هوائی حمله می شدند شق های عمیق را با سرعت زیاد در امتداد عقب دشمن اجرا نموده گروپ های قوتهای دشمن را از هم دیگر جدا ، محاصره نموده و هدف های مهم اپراتیوی و ستراتیژیکی را در عقب دشمن اشغال نموده اند .

بترتیب فوق جریان مانورهای حربهای گذشته را مطالعه کردیم . اما تغییرات اساسی که بدون شبهه میتوان بعد از حرب دوم جهان در مانور امروزی دریافت کرد اینست که قابلیت مانور قوتها و گروپ قوتها در میدان محاربه کثیر و وسیع گردیده و همچنین این قوتها در شرایط مدرن امروزی به صورت و فور با تانکها و وسایط محاربه بوی پیاده مجهز و اکمال میشوند . بصورت یقینی گفته میتوانیم که بسیاری خصوصیات مانور در شرایط مدرن امروزی بیش از پیش انکشاف نموده مثلاً ترتیب قوتها به اساس تاملین سرعت در حرکت ، مسافه ، یعنی عمق ضربه ، و قدرت دخول جزو قوتهای بزرگ پیشقدم . خلاصه گفته میتوانیم که محاربات مدرن امروزی دارای خصوصیات مانور عالی و سریع میباشد . در نتیجه پیشرفت و ترقی روز افزون اردوها ، قابلیت مانور آتش نسبت به مانور قوتها کسب اهمیت نموده و در ردیف اول جا گرفته . چه اردوهای مدرن بنسبت مجهز شدن به راکت های قاره پیمای ، طوچی های دور منزل میتواند ضربه های عمیقتر و آتشی باجبهات عریضتر در ساحه های تکنیکی ، اپراتیوی و حتی ستراتیژیکی اجرا کند . در عین زمان تذکر باید داد که هیچ قوماندان مانور قوتها را در محاربه از نظر دور نانداخته در صورت ایجاب وضعیت و ولت و زمان از آن استفاده بعمل آید .

آرشمیدس چطور ...

(بقیه صفحه ۶۰)

حالت آرامش قبل از طوفان در شهر مستولی گردید . عساکر رومی موفق گردیدند که بعد از سه سال محاصره شهر سیراکیوس را اشغال کنند .

مارسی لیوس به عساکرش اجازه داده تا هر چه دلشان میخواهد درین شهر آزادانه انجام دهند این امر باعث شد تا در قبال اعمال انتقام جویانه و تشدد امیر آرشمیدس لوز حیات خود را از دست دهند افسانه های ضد و

نقیض در مورد مرگ آرشمیدس زیاد موجود است . مطابق بروایتی عسکر رومی حتیکه آرشمیدس مشغول ترسیم اشکال هندسی و تفکر بالای ارقام در اتاقش بود . داخل اتاق شده او را با خنجر بقتل رسانیده . قبل از حمله ، آرشمیدس التماس بوی موقع داده شود تا تحقیقات خود را تکمیل کند اما عسکر رومی این التماس آرشمیدس را نپذیرفته و او را کشت عده دیگر میگویند که آرشمیدس در بین جاده بتوسط عسکری که بچور و چپاول مشغول بوده بقتل رسانیده اما افسانهها هر چه باشد این

امر مسلم است که جنرال رومی . مارسی لیوس ، از شنیدن خبر مرگ آرشمیدس ، آن دانشمند معروف و هندسی دان برجسته یونان سخت پشیمان و اندوهگین گردیده و اظهار تأسف کرد . این بود افسانه ای حیات دانشمندی که در راه خدمت به میهنش یک عمر خدمت کرده و بالاخره درین راه جان داد و مقام شایسته ای علمی وی برای همیشه در دل تاریخ جهان زنده جاوید باقیماند .

هيپر تانسيون پولمونر

PULMONARY HYPERTENSION

3- دسته اهلپتراتفيف: كه بعلت انسداد شرايين ريوي هيپر تانسيون پيش ميآيد. مثل آمبولي ريه، قرومبوريه، پولوي آرترت روماتيزمي هيپر تانسيون پولمونر ايديو پاتيڪ .
علام بالهني :

1- در نوع هيپر ديناميڪ مريض ممكن است از طهش قلب و گاهي مختصر تنگي نفس در موقع حرکت شکايت داشته باشد و در معاینه نبض دارای حجم پرقوي است.
فشار ورید های ژگولر بالا رفته است، شوک زرده قلب غير ديناميڪ است .

در سمع قلب. سوئل سيستوليڪ در كانون پولمونر و گاهي تری کوسپيد شنیده میشود .

2- در نوع ابستر کتيف : چون بازده قلب در اين نوع بعكس نوع اول كتر از طبيعي است علائم مخصوص بان پيدايشود :
خستگي مفرط .. تنگي نفس شديد .

اختلال هوش بصورت حملات سنكوبي بخصوص در موقع حرکت زیرا بازده قلب پائين افتاده و بعلت بيهوشي دست ميدهد. انتباههای سرد و سيانوزه (سيانوز محيطي)، سيانوز مركزي دیده نميشود مگر اينكه مرض مادرزادي جلوي قلب با شانت معكوس داشته باشد .

نبض دارای حجم ضعيف است. فشار ژوگولر خيلي بالا رفته است - ضربه نوک قلب بصورت ضربان هارا استرنال است كه معرف هيپر تروفي بطين يا قلب راست ميباشد. ضربه نوک قلب چپ معمولاً وجود ندارد و جاييش را بطين راست گيرفته است. در سمع قلب گالوي پرسيتوليڪ در طرف راست قلب شنیده میشود. سوئل سيستوليڪ جهنده *EGJECTION* پولمونر و تريکوسپيد بگوش ميرسد (تری کوسپيد بان سيستوليڪ است) گاهي سوئل دهاستوليڪ پولمونر *GRAHAM-STEEL* شنیده می شود .

اين نوع هيپر تانسيون چون بيشر بعلت تنگي ميترال پيدايشود. لذا ممكن است وقتي هيپر تانسيون پيدا شد علائم سمعي

فشار داخل شريان ريوي در حدود $\frac{10 \text{ mm HG}}{8 \text{ mm HG}}$ است و حد بالای طبيعي آن $\frac{30}{15} \text{ mm HG}$ ميباشد بطوريكه فشار متوسط شرياني ريوي در حدود ۲۲ مليمتر جيوه خواهد بود . مقدار اين فشار بستگي دارد به بازده قلب - (*CARDIAC OUSPUT*) جريان خون ريوي، مقاومت عروقي ريوي و حجم خون ريوي، حرکات قفسه صدری و بالاخره قابليت ارتجاع و قدرت هواگيري ششها. از اين عوامل جريان خون ريوي و مقاومت عروقي ريوي از همه مهمتر هستند. وقتي فشار خون از حد طبيعي بالاتر رود هيپر تانسيون شريان پولمونر ناميده ميشود و بعلت ذيل اتفاق ميافتد .

A- نوع هيپر ديناميڪ: در اين نوع جريان خون شريان ريوي ازدياد يافته ولي مقاومت عروق ريوي طبيعي است در اين دسته امراض ذيل وجود دارند .

1- کم خولي. 2- مرض پاژت استخوان 3- ميتروتوگسيكوز 4- قلب ريوي 5- نارساني كبدي 6- بري بري 7- امراض مادر زادي قلب كه شانت چپ براست داشته باشند .

B- نوع ابستر کتيف: جريان خون رهوي کم است ولي مقاومت عروقي ريه بطور قابل ملاحظه اي افزايش يافته است و اين نوع بچند دسته تقسيم ميشود :

1- دسته پاسيف: كه خون بطور پاسيف در وریدهای ريوي كه به دهليز چپ بازميشوند پس ميزند و در مرض بيشر پيش ميآيد. نارساني بطن چپ - تنگي در بچه ميترال .

2- دسته وازو كنستريكتيو: كه در اين دسته عامل محرکي مثل احتقان پاسيف وجود داشته است و بروز اين عامل بعلت رفلکس ؟؟ سبب وازو كنستريكتيو عروق رهوي (شعريه ها) ميشود. در اين نوع علاوه بر زمينه قبلي مثل احتقان، رفلکس وآلوكي هم دخالت دارد.

استتوز میترال خفیف شود باصطلاح تنگی میترال خاموش
SILENT MITRAL STENOSIS را بدهد .

علائم رادیولوژی: درلوعی که مقاومت عروق ریوی
بالارفته است علائم از این قرارند:

۱- اتساع شریان ریوی و شاخه‌های اصلی آن .
۲- باریک شدن شاخه‌های محیطی شریان ریوی. اما علائم
رادیولوژی درلوع هیپرتانسیون پولمونوروییدی یا باصطلاح
فرق دارد:

1- وریدهای لوب فوقانی ممکن است طبیعی یا دگشاد باشد .
۲- وریدهای لوب تحتانی باریک شده اند . ۳- تغییرات
پارا نشیمی ریه که عبارتند از:

۱- اودیم داخل آلوئول ریه (اودیم حادریه) .
۲- اودیم مزمن نسج انترستیسیل ریه و بروزخط‌های
KERLEY B درزاویه سنیوسمی طرف راست. ۳ باریک شدن
شاخه‌های شریان ریوی درلوب وسطی و تحتانی درحالی که
شاخه‌های شریان ریوی لوب فوقانی همانطور گشاد می‌مانند .
مهمترین علت ویکی از فزاینده‌ترین علل هیپرتانسیون پولمونور-
همان قلب ریوی است که مختصر توضیح داده می‌شود .

قلب ریوی در ابتدای شروع هیپرتانسیون پولمونور نوع
هیپردینامیک ایجاد میکند ولی بعداً در مراحل نهائی ممکن
است نوع ایستراکتیف را عارض شود ولی در قلب ریوی
همیشه یک مسئله مهم و غالب دیگری اضافه می‌شود که در
انواع دیگر دیده نمیشود و آن عبارتست از نارسائی تنفسی
RESPIRATORY FAILURE است. قلب ریوی
عبارتست از عوارض قلبی راست که در امراض پارانشیمی ریه
یا قفسه صدی یا عروق ریه حادث شود و بر مراتب مهمترین و
شایعترین علت آن آمفیوزم و برانشیت مزمن است .

بنابراین علل قلب ریوی عبارت است از:

۱- آمفیوزم ۲- فیبروز ریه بعلم ذیل:
سل فیبروز- سا کوئیدوز- پنومو کوئیدوز- اسکلوئوز- درمی-
بری آرتریت نودوزا فیبروز رادیاسیون- لنفانژیت کارسینو-
ماتوز- فیبروز انترستیس (تیپ هم- ریچ- *HAMMIND*
(RICH) .

۳- امراض قفسه صدی: سیفوا سکولوز- اسهولیدیلت
آلکیلوزان- چاقی مفرط .

۴- اختلالات عروقی ریوی- آمبولی‌های مکرر- ترومبوز
بری آرتریت نودوزا وغیره .

آمفیوزم و بوالشیت مزمن: سرفه و خلطه بیش از دو سال را
برانشیت مزمن تلقی میکنند و آمفیوزم کلمه است که از نظر
کلینیسین و پاتولوژیست در ادولوزیست معانی مختلف دارد
ولی در حقیقت مفهوم آمیب شناسی آن اساتراز همه است و عبارت
ازین است که آلوئولهای ریوی از حد طبیعی بیشتر متسع شده و
حالت انقباضی خود را از دست داده باشد یعنی در زفیر نمیتوانند
مثل حال طبیعی روی خودشان جمع شوند و نیروی بیشتری باید

با الهاداده شود. آمفیوزم ممکن است بدون برانشیت مزمن باشد
ولی شایع ترین علت آمفیوزم همان برانشیت مزمن است علل
برانشیت مزمن عبارتست از: سیگار- هوای گرد آلود و مجبار
زیاد- قروسوء تغذیه - عفولتهای دستگاه فوقانی تنفس .

پاتولوژی: از لحاظ پاتولوژی ضایعاتی پیدا میشود که
بقرار ذیل هستند. غده مترشحه موکوس افزایش هیپرتروفی
میباشند. در محیط ریه ضایعات پهن‌تر است و عبارتند از:
از دیاد سلولهای موکوسی- برولشیولیت و انسداد برولشها
تنگ شدن مجرای برانش .

تنگی و انسداد شاخه‌های شریان ریوی و پیچ خوردن و بسته
شدن این عروق هیپوکسی سبب انقباض بیشتر عروق میشود.
شاخه‌های شریان برولشی متسع میشوند .

در آلوئول: در بعضی نقاط متراکم- در بعضی کلاهنس- در
برخی آمفیوزم و در برخی اودیم پیدا میشود در اند و تلیال شریان
ریوی *Hyaline Thickening* پیدا میشود .

فزه رلوژی: ششها دو عمل را عهده دارند: ۱- گسترش
خون در یک سطح بسیار وسیع که بتوالد بطور حدا کثر مجاور
او کسین قرار گیرد ۲- بلعیدن هوا داخل آلوئولها و تخلیه
آلوئولها (تهویه ریوی) .

۱- تهویه ریوی: در حال عادی شخصی سالم میتواند در
یک دقیقه حدا کثر ۱۲۰-۱۵۰ لیتر هوا را وارد و خارج ریه
بکند *M.B.C* در آمفیوزم این مقدار به ۳۰ و حتی ۱۵ لیتر در
دقیقه کاهش مییابد .

۲- ظرفیت حیاتی عبارتست از مقدار هوائی که بعد از یک
شهیق عمیق باز و راز رتین خارج میشود و در شخص عادی در
حدود ۴/۵ لیتر است. در آمفیوزم این مقدار کم میشود ولی
این کاهش بالذاته *M.B.C* اهمیت ندارد زیرا اگر به مریض
وقت کافی داده شود شاید بتواند تمام هوای بلعیده را خارج
کند ولی در حقیقت شهیق بعدی نمیگذارد که مریض مجال
کافی داشته باشد. از این جهت آمده اند مقداری هوائی را که
مریض در واحد زمان میتواند خارج کند محک قرار داده اند
و آنرا با *F.E.V.1* مینامند این مقدار در آمفیوزم و آم
خیلی اهمیت دارد زیرا انسداد برولشها مانع از آنست که مریض
بتواند بسرعت کافی هوای زفیری را خارج کند .

در حال عادی ۳/۵ - *F.E.V.1* لیتر است در آمفیوزم
هر یک لیتر میرسد .

نسبت ۷۵/۰۰ - $\frac{F.E.V.1}{\text{ظرفیت حیاتی}}$ در حال طبیعی است

ولی در آمفیوزم به ۰/۳۳ کاهش مییابد. در نتیجه مقدار هوای
باقی مانده ریوی در آمفیوزم خیلی زیاد میشود یعنی از ۲/۵ لیتر
طبیعی به ۵ لیتر میرسد .

تبادل گازی: دو عامل در تبادل گازی در آمفیوزم دخالت
میکند: یکی توزیع نامساوی بطوریکه بعضی آلوئولها کمتر هوا
میگیرند و بعضی آلوئولها کمتر خون میگیرند و بعضی

بیشتر نتیجه این عدم تساوی توزیع این میشود که فشار خون شرپان، یوی بالا رود (بعلت آنوکسی - القیاض) و اتباع هموگلوبین هم مختل میشود. عامل دوم اینست که گسترش عروقی کم میشود و خون کمتری مجاور او کسین قرار میگردد، چون بستر عروقی مقدارش کم شده است. نتیجه این دو عامل این میشود که تبادل گازی در آلئول و کاپیلار مختل شود. باین معنی که تحت اثر این دو عامل تهویه آلئولار کاهش میدهد (یعنی ممکن است هیپر و انتیلاسیون داشته باشد ولی بعلت اینکه هوا داخل آلئولها نمیشود هیپو و انتیلاسیون آلئولار عارض وی شود).

وقتی تهویه آلئولار کم شده CO_2 در خون جمع میشود و فشار CO_2 در خون بالامیرود از طرف دیگر اشباع هموگلوبین از او کسین کم میشود و O_2SAT پائین میافتند.

$PCO_2 - 4 - mmHG$ و $O_2SAT - 96\%$ (طبیعی) در نتیجه عدم اشباع H_6 وقتی هموگلوبین احیاء شده در خون بمقدار OMG در ۱۰۰ سی سی رسید سیالوز ظاهر میشود ولی وقتی اشباع او کسین باین حد پائین نیافتاده باشد سیالوز نیست اما مریض دچار نارسائی تنفسی هست پس سیالوز تقریباً علامت دیررسی است یعنی اشباع باید بعد ۶۸٪ برسد، و اگر در حدود ۸۵ فیصد باشد سیالوز نیست در همین مقدار عدم اشباع که سیالوز ظاهر نشود مقدار فشار CO_2 خیلی بالا رفته یعنی به ۸۰ میلیهترسیما بر رسیده است که خیلی بالا است در نتیجه مریض دچار تنگی نفس میشود، مرکز تنفسی را تحریک کرده آنوکسی هم عضلات تنفسی را دچار خستگی مینماید بعلاوه وقتی اشباع او کسین به ۸۰ فیصد میرسد فشار او کسین خیلی پائین تر میآید ولی از نظر بالینی وقتی سیالوز پیدا میشود خیلی مدت است که مریض از کمبود او کسین رنج میبرد است اشباع او کسین که پائین بیافتند فشار او کسین بمقدار خیلی بیشتری کاهش مییابد. بنا بر این اندازه گیری PCO_2 اشاره بهتری از اختلال تبادل گاز است.

نارسائی تنفسی: عبارت است از رتالیسیون O_2 یا افزایش

OPC_2 و کاهش اشباع او کسین. بنا بر این در قلب ریوی علاوه بر هیپر تانسیون پولمونر نارسائی تنفسی هم پیدا میشود. در مقابل نارسائی تنفسی مریض ممکن است دچار تنگی نفس شود و CO_2 بیشتری را خارج کند ولی ممکن است تنگی نفس کمتر داشته باشد و در نالیسیون CO_2 افزایش یافته و بعلت اثر روی کورتکس مغز مار کوز CO_2 ایجاد مینماید. از این جهت مریضی های ریوی و قلب ریوی گاهگاهی دچار کوما می شود گذریا خواب آلودگی میشوند قیافه این مریضها آراموش نشدنی است. قیافه برافروخته و سیالوز (مرکزی) چشمهای محتقن با او دم، فشار وریدی بالا و بالاخره حالت چرت و گاهگاهی کوما می CO_2 نارسائی تنفس بعلم دیگر نیز ممکن است پیدا شود.

۱- فلج پلیومیلیت ۲- فلج دیفتری ۳- پولی نوریت ویروسی.

۴- امراض عضلانی مثل میاستنی گراو ۵- امراض قفسه صدری مثل اسپوندیلیت الکیلوزان.

در تمام این موارد بعلت اختلال سهویه رتالیسیون CO_2 پیدا شده. نارسائی تنفسی پیدا میشود و گاهی بعلت فلج مرکز تنفسی نارسائی تنفسی عارض میشود.

درمان: درمان هیپر تانسیون پولمونر بر حسب علت فرق میکنند. در اینجا درمان قلب ریوی توضیح داده میشود.

آنتی بیوتیک: - عامل با توجن در برانشیت مزمن پنومو کولک

۲۰ فیصد و هموفیلوس الزاترا ۸۰ فیصد در موارد عادی. آنتی بیوتیکهای مناسب تتراسیکلین بین ۲ تا ۴ گرم در روز و ادامه این درمان روزی ۷۵، ۰ گرم تا چند ماه زمستان است، بغیر از این پنی سیلین و استرپتو مایسین در موارد حاد مفید است. کلور آمفینیکول نیز مفید بوده و میتوان با تتراسیکلین بکار برد.

برالکودیل: تا تود: قرض های آمینوفیلین، اتافیلین روزی

۳ تا ۶ عدد مفید است از شیاف اتافیلین یکی صبح و یکی شب در موارد سخت باید استفاده کرد و بالاخره در تنگی نفس شدید در بیمارستان باید از آمبول اتافیلین یا آمینوفیلین بمقدار ۱۰ سی سی خیلی آهسته داخل ورید روزی یک تا سه مرتبه تزریق شود.

او کسین: تجویز او کسین برای جبران آنوکسی لازم

است و باید حتماً تجویز گردد. تنها خطر آن اینست که در مریضها مرکز تنفسی بعلت ازد یاد فشار CO_2 در طی مدت طولانی حساسیت خود را از دست داده و CO_2 نمیتواند آنرا تحریک کند و تنفس را براه اندازد و تنها مرکز افلسکسی که باقی مانده است سینوس کار و تید است که نسبت به آنوکسی حساسیت دارد و کمبود فشار او کسین سبب تحریک این مرکز شده تنفس مریض را تحریک مینماید. حال با دادن او کسین آنوکسی موقتاً از بین میرود و در نتیجه سینوس کار و تید تنفس را تحریک نمیکند. چون مرکز تنفسی بولب هم فلج شده است ازدیاد CO_2 در خون بیشتر شده مریض بطرف نار کوز CO_2 میرود. در اینجا باید از ادویه بعدی استفاده کرد.

آنالیتیکها: - برای تحریک مرکز تنفس در بولب بصورت

تزریق نیکتا مید یا کار دیازول یاد تپازول که هر سه تا هشت ساعت ۱۴ سی سی - ۱۰ داخل ورید تزریق شده - دتپازول بمقدار ۲ - ۱ سی سی تزریق میشود این دار و تنفس را براه انداخته و مریض را از حالت چرت و خواب خارج مینماید. در صورت بروز نارسائی قلب بصورت کید بزرگ، اودیم اسیت باید از دیورتیکها استفاده کرد. رسالیل ۲ سی سی داخل عضله یک روز در میان و از کلوروتیازید همه روزه یا روزه های متناوب با رسالیل بمقدار لازم از یک تا چهار قرص بر حسب فرآورده های مختلف مصرف میشود. بهتر است در دیورتیک تراپی طولانی از املاح پوتاسیم شل کلورور دوهوتاس بمقدار یک گرم دو تا سه مرتبه در روز استفاده کرد دپروتیالین و فرآورده های دیگر (بقیه در صفحه ۷۴)

باصقین، د باصقین تاثیر

تطبيق او اهميت

ليکونکی: تورلجنرال
و. ماتسولینکو

داسی پتی و لیری چه جرمنیان پری هولو له جز هم نشول. همدا کار د پری اساس فاکتور وو. قطعاً د کمو فلاژ او ستر واخفا د سپلین او قاعدی په تینګه وساتلی او د شپي له خوانی حرکت و کړ دا کمالانو دریل مرکزونه، او انتقال لیاری داسی کمو فلاژ شوی وی چه په لیر وخت کی د کمو فلاژ وسایط تری لیری کیدلای شول. د ټولو د سو قرار گاهو د کمو فلاژ د سپلین کنتر ول کړ. په نتیجه کی د جرمنیانو کشف نا کومه پاتی شو او د شوروی گرو پمالی او تحشد په هکله ئی د مقابل تعرض په شروع کی درست معلومات وانخستلای شو حتی د ناری قرارگاه دوونحنی حرکاتو په خریطه کی چه دد سمبر په ۶ لشر شوی وه د غرنی جیبی په ۷ کیلو متری لیری مسافی کی فقط لس اردوگالی نیودل شوی وی (د غرنی لمری اردو لسه او شلمه اردوگانی اصلا خریطه کی له وی نیول شوی.)

د شوروی اتحاد مارشال ژوکوف لیکنی د زمو ئیر د قو او د موفقیت حقیقی عامل داوچه د شوروی اتحاد مسلحو قو او زده کړه و کړه چه محریت او ستر واخفا ته خاصه پاملرنه ولری او په پراخه پیمان له په عملی توګه د پین ته غلط او هوولو لکی معلوماتوله ور کړی او په غلط لار ئی سوق کړی په پته د گرو پمالو نو تجدید او تمرکز داسمکنه کړه چه په

تشریح کیری.

د ماسکو مقابل تعرض کی باصقین :-
دشو روی نو او د ماسکو مقابل تعرض ۱۹۴۱ کال د دسمبر په ۵ نیته د غرنی، او قسماً د کاپیتین او جنوب غرنی جیبو د قواو په واسطه سره ددی چه جرمنیانو، دی کماله فایقیت او ستراتیژیکی قدامت درلود شروع کړ. د ماسکو په مقابل تعرض کی د طرفینو قوتونه او وسلی په لاندی ډول وی:

د شوروی د جیبو د قو او شمیر:

- ضابطان او افراد: ۷۱۸۸۰۰ تنه

- تړونه او هاونوله: ۵۹۰۰ میله

- تانکونه: ۶۲۷.

- جنگی الوتکی: ۷۶۲.

د جرمنی قو او شمیر:

ضابطان او افراد: ۸۰۱۰۰۰ تنه

تړونه، هاواونوله: ۱۰۴۰۰ میله

تانکونه: ۱۰۰۰.

جنگی الوتکی: ۶۱۵.

دلای قوماندالی د ایا و د نه

لاده چه شوروی قطعات دی، د تعرض قدرت ولری. مگر شوروی اتحاد سره ددی چه دوسلو او قواو عددی فایقیت هم په دین نه لاره په محرم او سری ډول بی لازمه قطعات د جگړی مدافعه کونکو جیبی کی جمع او تحشد کړی او یوه ناغا په قوی ضربه ئی دین ته ور کړ د شوروی اتحاد عالی قوماندالی ددی مقصد دپاره ترتیبات ولیدل. او خپلی احتیاطی قواوی د جیبی خط ته

باصقین په محاربه یا حرکاتو کی د پری اساسی شرط گنل کیری. او دا امکان پیدا کوی چه دینم پنخواله خبر پد و غافلگیرشی، پیر درانه تاوانونه ووینی، دینم په ټولو قدمو کی گه وپه وی او پانهک چورشی، عزم او اراده ئی سسته او دهر احتمالی تینگار اود ترتیباتو نیولو مخ نیوی وشي یعنی د دینم پر مقابل محاربه وی نظام او ترتیبات خراب او له مینځه یوسی. باصقین دلاندی تدبیرونو په نیولو اجرا کیری :-

- د دینم پام غا طول او خپل اصلی مقصد پت ساتل.

- دراتلونکو فعالیتونو ټول پلانونه پت ساتل.

- په پته او ستر واخفا کی د ټولو فعالیتونو تیاری نیول.

- په هغه محایو تکی چه دینم هیک توقع له لری ناغا په حملی کول.

- قاطع، قوی او مدبره عملیات اجرا کول.

- د ټولو وسلو او نوو میتو د نوو (چه غلیم تری لاتر اوسه خبر نه وی) استعمالول.

د باصقین پرنسیب د شو روی اردو له خوا په لویه مپهنی جگړه کی چه

۱۹۴۱-۱۹۴۵ کلو پوری د نازی اشغال گرو په مقابل کی په پری سره

تطبيق او هغه قوی دینم ته ئی ددی پرنسیب په تطبیقولو د پری ماتمی ور کړی

دی. پدی مقالی کی د باصقین غو حالته

دېمن ناڅاپه حملې وکړای شي. دېمن با انمقابل داسې ځمکې په ځای شوی وچې د شوروی قواو اصلي ضربه د فعال تعرض حرکاتو په واسطه د ستراتيژیکي جیبې په جناح کې د دوستوف او تخوېن په استقامتو کې واقع شي. دی حرکاتو لازمی قوماندانی پاملرنه د جیبې مرکز، شرید غځه بلې خواته وگرزوله او دېمن تخمین کړه چې د عمومي قرارگاه عالی قوماندانې تسوجه نه جرمې- شوروی جیبې شمالي او جنوبي اړخ ته اصلي مساعی دپاره موجوده ده داخبره دېمن د نېو (۹) تازه فرقو (اخرینې ستراتيژیکک احتیاط) د انتقال نه مخکې چې د شوروی قطعاتو د ضربې د ذفع کولو دپاره دروستوف او تخوېن استقامتولو ته وشوه واضح او ایا ته کېږي.

دېمن پخپله پدې خبره قناعت کړی دی چې د شوروی اتحاد ماسکو مقابل تعرض چه ارام پت او نه تصور کېدونکی و. وکړ *V.M.* جرمې وائی زما په تحلیل سره) د دروسیې مقابل تعرض یو مکمل باصقېن وو او مولو دسری اردو احتیاطو په سنجش او ځمکې کې بالکل په غلطه سوق شوی وو. د نو موری نظریه د جرمې عالی قوماندانی د قرارگاه د اسنادو له مخې هم یوې تائیدېږي.

دستالین گراد مقابل تعرض کې:-
د ستالین گراد مقابل تعرض په شروع کې چه د نومبر په ۱۹ په ۱۹۴۲ کال کې وشو د طریقینو قواوې مساوی په دی معنی چه شوروی اتحاد قواو شمیر:
- ضابطان او افراد: ۱۰۱۵۳۰۰ تنه
- توپونه او هاو او لوله: ۱۳۵۳۵ میله
- تانکوله: ۸۹۰
- جنګي الوتکې: ۱۳۵۴.

اودنازی جرمې قواو شمیر:
ضابطان او افراد ۱۰۱۱۵۰۰ تنه
توپونه او هاو او لوله: ۱۰۲۹۰ میله
تانکوله: ۶۷۵
جنګي الوتکې ۱۲۱۶

څرنگه چه د منی او اوږې په جګړو جرمینانو ځینو ځایو کې بریالی شوی وونود شوروی اتحاد د احتمالی مقابل ترتیبات اود تدايرو په انتظار کې و شوروی قواو ته د ټولو څخه مهمه او ضروری داوه چه د باصقین د خواصو څخه گټه واخلي اود خپلو گرو پمانو تحشداو د ضربې وار د لوساخی په برخه کې دېمن وغلوی.

ستالین گراد مقابل تعرض دېټې او سری تیاری لپولو په غرض د عالی قوماندانی عمومي قرارگاه د قطعاتو د قوی عملیاتو په واسطه چه (د کاتین او غربي جیبو کې) وکړی دېمن ته داسې عقیده ورکړه چه د ژمی او پراسیون تیاری هم همدا ته نیوله کېږي. مگر په حقیقت کې ۱۹۴۲ کال داوږې اومتی هغه حرکات چه د غربي استقامت دلازی داردو گروپ مرکز کې وشول ددوی دغو لولو دپاره وو.

داکتوبر په میاشت کې د نازی قوماندانی د لویو قوتو نو په تحشدا کولو پیل وکړ او د شوروی اتحاد د غربي جیبې په مقابل کې د نومبر د میاشتی په شروع کې خپلی ۱۲ فرقې د تقویه نورو وسایطو سره داردو مرکز ته نزدی او تجمع کړی. په جنوب کې د مزدک په استقامت *Transcaucasian* په جیبه کې قواو متعددو مختلف عملیات وکړل.

د شوروی اتحاد عالی قوماندانی قرارگاه د حرکاتو پلانونه په کامله محرمیت کې وساتل د شمال په توگه په هغه دېر کتيف کې چه د ستالین گراد جیبې قوماندان ته د اکتوبر په ۱۹ د ۱۹۴۲ کال کې استول شوی وو. داسې وظیفه ورکړه شوی وه: (د شوروی اتحاد د عالی قوماندانی عمومي قرارگاه امرکوی چه پس لدی د راتلونکو د حرکاتو په متعلق ټول او امر او معلومات یې د شفر او د محرمیت قوی درجې څخه لشر او استول کېدلای شي د حرکات ټول پلانونه باید قلمی وی اود باصلاحیته ضابطانو په واسطه یورل

شي، د راتلونکو حرکاتو او امر فقط داردو قوماندانانو ته شخصاً په خریطه کې ورکول کېږي)

د محرمیت ساتلو په منظور د عالی قوماندان عمومي قرارگاه هغه قرار چه د جنوب غربي جیبې دپاره ورکړ شوی وودا اکتوبر په اخره کې پداخل د پلان راغی نیز دغه وخته پوری صرف د جیبې قوماندانان د مقابل تعرض پلان سره اشتاشوی وومگردوی مؤظف شوی نه وو چه دنو مبرد میاشتی پوری کوم احضارات وینسی. پدغه وخت ددوی اصلي وظیفه د ستالین گراد مدافعه وه او بس.

د شوروی اتحاد د مارشال *A.M. Vasilevsky* د ستالین گراد جیبې قوماندان جنرال *A. Iyeryomenko* پلان ته وغوښت او د مقابل تعرض پلان سره ئی اشنا کړه چه دهغی نظریې ته غوږ وینسی مگر د عملی احضاراتو دپاره یې د نومبر پوری مؤظف نکړ او ورته وویل چه ستا وظیفه اوس صرف د ستالین گراد مدافعه ده او بس.

د عمومي قرارگاه رئیس له خوا یو خصوص دېر کتيف ورکړی شو چه هیڅوک، هیڅکله نشي کولی چه د تعرض حرکاتو د تیاری او احضاراتو په هکله تلفونې مکالمې، اولیکنی وکړی ټول هدايات باید شفاهی فقط هماغه سړی ته چه وظیفه اجرا کوی ورکړی شي او بل څوک پری خبر نشي. د مقابل تعرض په ساحه کې د قطعاتو، سردلوی ترتیبات نیول، گروپمالي او تمرکز دېټې ساتنی د پاره د خاصو تدابیر و نیولو ته پاملرنه کېدل د اکتوبر په ۲۵ نیټه *Vasilevsky* د عمومي قرارگاه په امر د پلون او جنوب غربي جیبې قوماندانانو ته داسې هدايتونه ورکړل:

آ- ټول رفتارونه باید صرف د شپې په تورتم کې اجرا شي. کوم جزو قواونو چه موضع بدلوی دورځی له خوا صرف په سر پټې ځایو کې باید توقف وکړی.

طیاره بزرگ
TU-144
ساخت اتحاد شوروی



TU-144

پول دهمدی مقصد دپاره په ظاهره کی د جبهی په بی خوا کی هم د تانکولو او مرکبو اردوگانو تمرکز، تحشد بیودل شوی وو. دا ټول مشابه فعالیتونه دجبهی قوماندانان دمرستیال تر نظر لاندی اجرا شوی وو چه ددی دپاره یو خصوصی قرارگاه افراز شوی وه. د کموفلاژ فعالیتونو خپل مقصدونه سرته ورسول. د دشمن هوایی قواو د شوروی اتحاد د تحشد منطقه سخته بمباردمان کړه.

جرمنیانو ۲۴۴ بی فاندی الوتنی د کشف او بمباری دپاره وکړی ۱۲۰ ټنه بمونه ئی په غونډو لیکنی تحشدي منطقه کی چه د شوروی اتحاد قوای هلته نه وی وغور زول مگر کوسی منطقی چه د شوروی قواوی د اصلی او حقیقی ضربی دپاره پکی جمع شوی بی تاثیر پاتی شوی. جرمنیانو د ۲۸ (اته دهرشمی) اردو منطقه ته دوه فرقی واستولی (چه دا منطقه دفرعی ضربی استقامت وو.)

پدی ترتیب په حقیقت کی دلازی کشف غولیدلی وو او په نتیجه کی دلازی قوماندانی ته د شوروی اتحاد دگروهمانی تحشد او مقصد په هکله معلومات ورنگړی شو.

شوروی اتحاد د بلگراد په تعرض کی لازیان بی خبره ونیول صرف د اگست په پنجمه لیمه کله چه د شوروی اتحاد قوتونو تقریباً د توماروفسکه په منطقه کی د مدافعی خط مات کړ جرمنیانو هوایی تقلیات هلته وکړل مگر وخت له وخته تیروو او روسی قواو ته حالت داسی مساعد وو چه دشمن بالکل پارچه پارچه او امحا کړی.

ډیره قوی مدهشه ضربه نه همدغه محایه وکړ. د موضوع اهمیت په غولولو کی وو « د کورسک په محاربه کی باصقین :- د کورسک په مقابل تعرض کی چه د ۱۹۴۳ په اوړی کی وشو. کوم تدابیرو چه باصقین ئی تامین کړ هغه حالت وچه شوروی اتحاد د قواو او وسلو فایقتت په دشمن باندی پیدا کړی وو. د کورسک مقابل تعرض دورونیز، سنترال، ستیپ، بریانسک او غربی جبهو په قوتونو اجرا شو د تعرض په شروع کی د طرفینو قواو شمیر په لاندی ډول وو:

شوروی اتحاد :
ضابطان او افراد ۲۲۶۵۰۰ تنه
توپوله او هاوانونه : ۳۳۰۰۰ د
غجه زیات
تانکونه او دات الحرکه
توپوله : ۴۸۰۰ میله .
جنگی الوتکی : ۴۳۰۰ د غجه زیاتی
د جرمنیانو قواوی په دی ژیدگی :
- ضابطان او افراد - ۹۰۰۰۰۰ تنه
- توپوله او هاوانونه - ۱۰۰۰۰۰ میله
- تانکوله او دهجرم توپوله : ۱۸۰۰
غجه زیات

جنگی الوتکی : ۲۰۰۰
د تعرض د احضاراتو په وخت کی د Belgorad د بلگراد د خارکوف په مخکی وړاندی تللو خط باندی دورونیز دجبهی قوماندانی دجبهی په بی خوا باندی دخصوصی کموفلاژ حرکات اجرا کړل، داته دیرشمی اردو په منطقه کی په هلته د شپږمی او پنجمی مرکبو وسلو د محافظ اردوگانو او دتانک محافظی لمړی او پنجمی اردوگانو په واسطه دجبهی په کینه خوا کی اصلی ضربه وشوه په مشابهه

ب- ټول رفتارونه باید دالوتکو اود هوا دفع توپچی جزو تا مو نو په واسطه تر امنیت لاندی راوړل شی.

ج- دشمن د غولولو دپاره باید د فرقی دسیمه ستیشنونه دی پخپل محای کی پاتی شی او د فرقی تر محای په محای کیدلو پوری دی له هماغه محایونو کار وکړی نو کله چه ذقه لوی موضع کینی محای په محای شی رادیو ستیشنودی په مستقل ډول خپله موضع گانی دفرقی لوی محای ته بدئی کړی او خپلی فرقی سره دی یو محای شی.

د- بی سیمه مخابری په رفتار اووی موضع کی قطعاً منع دی. د فرقی په پخوانی موضع کی دی هم، رادیو مخابرو ته دوام ورکړی شی ترڅو چه دشمن گمان وکړی چه فرقه اوس هم پخوانی محای گمی ده.

په نتیجه کی دپاسنی تدابیرو په موافقه تطبیق، دلازی قوماندانی نا کامه شوه چه د شوروی اتحاد د تعرض اصلی محای د تعرض وخت او په راتله لکو ضربو کی د قوتونو قوت مخان ته معلوم کړی.

دا خبره داسیر شوو جرمنیانو د اسنادو له مخی هغه نا بتیری د جرمنی زمکنی قواو د عمومی قرارگاه رئیس دگر جنرال K. Zeitzler په یو خصوصی دیر کتیف کی لیکلی دی د روسی د تعرض کړ کترستیک وضعیت داسی وو چه ددوی کوم جزو تا مونو چه په تعرض کی برخه درلوده خصوصاً د تانک تشکیل په کافی اندازه او مشابهه ډول کموفلاژ شوی وو. هر څوک یو هیزی چه روسانو په مهارت او قابلیت سره د تعرض ټول احضارات زمونږ د کشف او ترصد غجه بالکل پت وساتل»

د جرمنیانو د مسلحو قواو پخوانی ارکاخ رئیس (jodl) د جگړی وروسته اظهار کړه چه د جرمنیانو کشف د شوروی اتحاد دستالینگراد په تحشد او تمرکز کی لا کام او معلومات ئی ورنگړی شو.

مونږ په دغه سیمه کی د روسانو د دومره قوت په فکر کی هډوله نه وو مونږ فکر کاوه چه دغه محای کی هیڅ شی نشته، مگر په ناغاهه توگه ئی یوه

طیارات مسافر بردار



وهلیکوپترهای اتحاد شوروی



ترجمه از مجله اردو اتحاد شوروی
شماره اول ۱۹۷۲

ترجمه : از محمد معروف تورن
قواء هوایی

طیاره **TU-144** : طیاره **TU-144** از جمله طیارات مافوق صوت مسافر بردار است .
طیاره مذکور بواسطه تیم ساینس دان های اتحاد شوروی به رهنمائی **Indrei Tapoleu** ساخته شده این طیاره اولین پرواز امتحالی خود را در ماه دسمبر ۱۹۶۸ اجرا کرد .

طیاره مذکور دارای ساختمان بدون ترتیبات دم بوده و بال های تیر مانند آن تغییر پذیر است ، این ساختمان استقراریت و قابلیت اداره بهتر را در پروازهای ، فوق صوت و ماتحت صوت به طیاره مذکور می دهد .

سرعت نورمال طیاره مذکور (۲۵۰۰) کیلومتر فی ساعت بوده و فاصله (۶۵۰۰) کیلو متر را در یک پرواز طی کرده میتواند طیاره **TU-144** دارای دو حصه بوده که بنام های کلاس اول و کلاس تورست یاد میشود در کلاس اول آن ۱۸ نفر و در حصه دوم آن که کلاس تورست میباشد ۸۰ نفر مسافر سفر کرده میتواند . طیاره مذکور دارای سه نفر عمله بوده و برای بهتر ساختن ساحه دید در زمان نشست و برخاست بینی مخروطه مانند آن پائین میشود و بدین وسیله پیلوتان میتواند به آسانی شریک نشست را ببینند آلات کشفانی که در طیاره **TU-144** نصب شده است بسیار پیشرفته بوده و به تمام سیستم های بین المللی مطابقت می کند طیاره **TU-144** قدرت خود

کمپنی های زیاد مورد استفاده قرار گرفته است کمپنی **In Tufling** آلمان شرقی از هلی کوپتر مذکور از سال ۱۹۶۷ تا حال در امور ساختمالی استفاده میکنند .

هلیکوپتر **V-12**

هلیکوپتر **V-12** نسبت حمل وزن زیاد شهرت جهانی دارد هلیکوپتر مذکور توسط دیزاینرهای **M. Mil** اتحاد شوروی ساخته شد . برای قایم کردن ریکارد هلیکوپتر مذکور وزن ۴۰۲۰۴ کیلوگرام را به ارتفاع ۲۲۵۰ متر بلند کرده است طول بدن این هلیکوپتر ۲۸ متر ارتفاع آن ۴۴ متر و سرعت آن ۲۴۰ کیلومتر فی ساعت میباشد .

طیاره **Tu134A** :

طیاره **Tu134A** که نوع اصلاح شده طیاره **Tu134** است برای حمل و نقل مسافرین دیزاین شده ، بعد پرواز آن ۳۴۰۰ کیلومتر بوده سرعت مفید آن از ۱۸۵۰ الی ۹۰۰ کیلومتر فی ساعت میباشد . طیاره **Tu134A** به سلسله طیارات **Tu** ساخته شده . این مؤدل دارای دو عدد انجن جت بنام **D-30** میباشد .

را از چهار عدد انجن توربوجت اخذ می کند . کاتال دخولی هواونل گازات خروجی انجن های مذکور دارای سیستم **Thrust Reuerser** بوده که مسیر قوه کشش را تغییر می دهد و در وقت نشست طول دویدن طیاره را کم می سازد انجن های طیاره مذکور دارای اداره جداگانه بوده و سیستم بار کردن آن ایم اتومات است .

که این سیستم از ضیاع وقت در میدان های هوایی در زمان بار کردن جلوگیری می کند .

هلیکوپتر **V-8**

هلیکوپتر **V-8** که توسط دیزاینر های **M. Mil** ساخته شده برای حمل و نقل مسافرین و بار مساعد می باشد هلیکوپتر مذکور برای حمل و نقل پایه های برق کبیل ها ، پایپ لاین های نفت و دیگر پرزه جات بزرگ آهنی که حمل آن به طرق دیگر غیر ممکن بوده است استعمال هلی کوپتر **V-8** قابلیت حمل ۴۰۰۰ کیلو گرام وزن را به سرعت ۲۲۵ کیلومتر فی ساعت دارد . هلی کوپتر مذکور در سالک مختلف دلیا بواسطه

ساختن موتورهای مسافرین و غیره استفاده میشود طیاره *An-26* 5،5 تن وزن را حمل کرده میتواند سرعت مفید آن ۴۳۰ کیلومتر فی ساعت و بعد پرواز آن ۲۲۵۰ کیلومتر میباشد .

طیاره *Yak-40* :

طیاره *Yak-40* توسط دیزاینر مشهور شوروی - *Alexander Yakovlev* برای جاه نشین شدن طیارات پستن دار ساخته شده است طیاره مذکور در هر نوع اوضاع جوی پرواز کرده میتواند و انجن های آن خیلی قابل اطمینان است طول بدن طیاره مذکور ۲۰ متر فاصله بین دو انجام بال های آن ۲۵ متر سطح بال آن ۷۰ متر مربع مابعد پرواز آن ۱۶۵۰ کیلومتر، سرعت مفید آن ۵۵۰ الی ۶۰۰ کیلومتر فی ساعت ، ارتفاع پرواز آن از ۴۰۰۰ الی ۶۰۰۰ متر، وزن آن ۲۵۰۰ کیلو گرام و ۳۱ عدد سیت برای مسافرین دارد . طول دویدن آن در وقت برخاست و نشست به ۳۴۰ الی ۳۶۰ متر می رسد، قدرت خود را از سه انجن جت که هر کدام آن ۱۵۰۰ کیلو گرام قوه کشش داراخذ میکنند طیاره *Yak-40* در میدان های خامه نیز پرواز کرده میتواند انجن های آن در بالای بال ها جاداده شده که در وقت دویدن بروی میدان های خامه گل و خاک که توسط عرابه ها از زمین جدا میشود توسط کانال دخولی هوا بداخل انجن داخل نشود . فشار هوادر داخل تیرهای طیاره مذکور ۴ کیلو گرام فی سانتی متر مربع میباشد که در میدان های خامه که مقاومت آن ۵ کیلو گرام فی سانتی متر مربع باشد پرواز کرده میتواند .



فرمایشات زیادی از ممالک استوایی نسبت خواص خوب طیاره مذکور به اتحاد شوروی رسیده است . یک نوع دیگر طیاره مذکور که بنام *An-24RV* یاد میشود بر علاوه انجن های اصلی با انجن های مخصوص تعجیل مجهز است که ۹۰۰ کیلو گرام قوه کشش دارد طیاره مذکور از میدان های هوایی که ارتفاع آن از سطح بحریه ۳۰۰۰ مترو درجه حرارت آن ۳۰ درجه سانتی گریز برسد پرواز کرده میتواند این ساختمان جدید ۱۷ فی صد در حمل وزن آن تغییر آورده



هلیکوپتر *V-12*

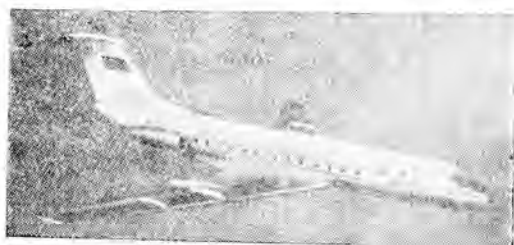
است و به سبب آن ۱۳ فی صد تنزیل در قیمت کرایه آن بوجود آمده است که برای مسافرین بسیار اقتصادی تمام میشود .

طیاره *An-26* جدید که در زیر سینه خود دارای یک دروازه مخصوص میباشد و از دروازه مذکور برای داخل

انجن های مذکور دارای تغییر دهنده سیر قوه کشش نیز میباشد . چالائی طیاره مذکور بواسطه هوا تضیق شده صورت میگیرد سیستم تغذیه مواد سوخت آن اتومات بوده و دارای سیستم تضیق کننده هوا میباشد . که این سیستم بر علاوه تضیق نمودن هوا برای تولید برق ثابت و تهیه هوای سرد برای کابین نیز خدمت می کند . طیاره مذکور ظرفیت ۸۰ نفر مسافر را دارد و ۱۴،۵ متر مکعب جای برای بار دارد و همچنان قدرت حمل ۸۵۰۰ کیلو گرام وزن را دارد . ظرفیت تانک مواد سوخت آن ۱۴،۴ تن است . طیاره *Tu134 A* با سیستم مخازن اکتشافی خیلی سودرن مجهز بوده در کابین آن آواز انجن خیلی کم است طیاره مذکور بایک انجن نیز به پرواز ادامه داده می تواند .

طیارات *An24* و *An26* :

طیاره *An-24* بر علاوه اتحاد شوروی در اضا افترازیست مملکت دیگر جهان مورد استفاده قرار گرفته است ، طیاره مذکور قدرت حمل ۵۰ نفر مسافر و یا ۵،۷ تن بار را دارد طیاره *An-24* ۲۳،۵۳ متر طول دارد . وزن برخاست آن ۱۹،۲ تن است . سرعت مفید آن ۵۰۰ کیلومتر فی ساعت به ارتفاع ۶۰۰۰ متر است و سقف عملی آن ۹۱۵۰ متر میباشد . طیاره *An-24* از میدان های خامه که ۶ کیلو گرام فی سانتی متر مربع مقاومت داشته باشد پرواز کرده میتواند طول دویدن آن در وقت پرواز ۵۰۰ متر و در اثنای نشست ۹۵۰ متر است . طیاره *An-24* تحت رهنمائی دیزاینر مشهور شوروی *Antonov* ساخته شده .



طیاره *Tu 134 A*

د فلسطین بی کوره ولس

دوهمه برخه

که په دی لار کښی څوک سره هم شی مړه نه شمیرل کېږی له دی څخه غیر نور هر ډول مرگ د بی لنگی او بی عزتی مرگ دی، فلسطینیانو او هم ټولو عربو ته بښای چې دغه ډول بېشرماله او دبی حیاتی مرگونو ته څاره کښی نه یردی او دخپلو وینو او سرشندلی په بدل د فلسطین سپیڅلی خاوره د اسرائیلی خونسکارانو داستعمار څخه آزاده کړی او بیانی غریدولکی لېجه زیاته کړه. ای آزادی! ای د بشرت د زړولو ارمان آزادی، ستادی په خپل قدسیت اوزما دبی گناه ماشومانو او کلیوالو په توئی شوو سرو وینو قسم وی چه زمونږ اواز او د فلسطیني غم زېلو او بی کوره انسانانو فریاد د زړه په څوږولو واورى، د خپلی پاکى او نجات په خاطر دی زمونږ سره مرسته وکړه زمونږ دعربى ورونو زړونه چه په خپلو منځونو پوله بل سره دکښی نه ډک دی ددښمنی نه پاک یو لاس، یوزه او په یو څخه ئی د متجاوز اسرائیل مقابلی ته راپورته کړی .

ای آزادی! ای دولسونو او بشریت دوروستیو ار مانلو وکعبی! تر اوسه پوری غرنګه چه له تاسره بښای چانه ئی پېژدلی، لږ مونږ ته غوږ ونیسه او زمونږ زگیروی او فریادونه واوره د الجزایر څخه نیولی تر مصره، لبنان سورئی، عراق او اردن پوری دگلی نه ډک اوازونه ستا په لور پورته او لاسولو ستا په لور اوږدی دی. لوی آزادی، ای دترقی او ودالی سمبوله

مهربانی وکړه اوزمونږ خواته راشه! زمونږ د فقرا نه ډکو کوډلو کیددی او خیمو) اوناپوهی لفاق او خرافاتو څخه مالا مال زړونو کښی الوتنه وکړه خرافات، جهل او بی اتفاتی موله منځه یوسه او دواقعی جهاد دپاره مو چمتو کړه او په دی وسیله مونږ له دی بدمرغی څخه خلاص کړه. او په همدی توګه ئی خپلو خبرو ته دوام ورکړ:

هیڅ شرافتمند او اصیل عرب باید دغه قتل عام او خونریزی چه بېکاشپه اولن ورځ زمونږ په خلکو عملی شوه له یاده ونه باسی، زمونږ دواس په مخکښی سختی لاری او پیچومی پراته دی. ددی لارو وهل او پیچومو بانندی ختل پوره زور او فداکاری غواړی، زمونږ هدف سپیڅلی او پاک هدف دی دهغی په لاس ته راوړلو، د حق او عدالت په پوره کولو دغلامی او حقارت دوران د ختمولو دپاره باید ډیر کړ او ونه وزغمو او قربانی ورکړو .

زیید دخپل کور غلورسړی یو محل بیا د نظره تیر کړل، سترگو کښی ئی دوینو ډله جوړو استعماری زورگیرانو او امپریالیستی گوداگیانو ډیر ډاسی ناخوالی وکړی چه پرهیچ دی ونشی په دی وخت کښی اسرائیلی افسر خپلو افرادو ته امر وروکړ چه دزیید پیقله او ټکلی شپاړلس کلنی لور «مریم» لاسونه ترشا وتړی او دکلی دانګر څخه ئی د اسرائیلی کمپونولورته بوغی ترغو په دی وسیله عربی ولس وپوهوی چه اسرائیلی تیری کولکی دعربو په

ناموس او عفت لوبی کول غواړی . دهغی او انسانی ضد هڅی دخلکو او حاضرینو زړوله دمرگ او ژوبلی هیشو څخه زیات ودردول ټولو په یوه بوغ سره چغی کړی، دلته ئی مړه کړی زمونږ پیقله بل چیرته مه وړه، مونږ مرگ دسرتښی اوبی عفته ژوند څخه ښه بولو مونږو داستعمار دغه ډول حیوانی او وحشی حرکت نشو زغملی اسرائیل باید خپل دغه ډول ناوړه اعمالو ته خاتمه ورکړی، مونږ ددغه ډول استعمار او انسانی استعمار سره پوره مخالف یو زمونږ عربی ولس به لنګه وکړی او ددغه تور داف دلیری کولو په خاطر به هر راز قربانی ته څاره کیددی .

زمونږ خلک لاهه همدی شور ما شور کښی چه اسرائیلی مشر چغی کړی وحشیانه اوازئی پورته کړ: چه! ټیټو او هستو السالانو! تاسولا اوس هم غالمغال کوی، ټول خائیان به دخپل عمل جزا وگوری.

دپاره مار اسرائیلی مشر په عقیده خائیان هغه څوک دی چه دخپل کور، وطن، اولاد او لاموس څخه دفاع کوی، په هیڅ قانون، رسم او عادت کښی دانشته چه یوه ډله خاص انسانان دی په نورو انسانانو دغه ډول ظلم وکړی او یا دی یو له بل څخه برتری ولری، یودی په ناز او تعیبت کښی ژوند وکړی او بل دی په حقارت او بی عدالتی کښی. مونږ هغه بی پایاله کړاونه او عذابونه هیرولی اشو کوم چه زمونږ خلکو د سیاسی عقیدو او یا نور مفکورو په خاطر زغملی دی. مونږ به دپناه وړونکو فلسطینیانو د فلاکت او هلاکت نه ډک ژوند چه مرگ پری زرواره برتری نه یادونه باسو، څوک به زمونږ دورولو او معصومو اطفالو دسته جمعې اعدام او هلاکول هیر کړئی څه ډول خلک به زمونږ دعربى ورونو مرگونی او خطرناک زندانونه چه نه ئی غوښتل د اسرائیلو ظالمانه رژیم ټول کړی له یاده وباسی؟

خوشبختی و روسته اسرائیلی مشردامر
 په اساس احمدزید اودهغه اولس کلن
 خوی (خلیل) یو نحای ددرول شول
 شاهنې ورته خالی کړه، او په یو،
 دوه، درې وسیلو سره نې پری دگولویو
 شلیک جوړ کړ، دواړه نحای په نحای
 ولویل د غلپل په بحیر سوری سوری
 په نمکه غوزار شول په خوشبختی کښی
 دواړو ساه ورکړه او په دی توگه
 دمیرلی او قهرمان زبید دکورنی
 تراژیدی په همدی نحای کښی ختمه
 شوه، له وینې ختمه لاجیرته وه، نمکه
 چه ښکلی «مریم» اسرائیلو ژوندیر عمل
 بیولی ده هغی د ژوند تراژیدی په
 زیاته اندازه د بشريت احساس راپاروی
 او عاطفه ئی په جوش راولی.

له دی پینې وروسته اسرائیلو زموږ
 دلارینه وده پاره درې ساعته مهلت ورکړ
 او موږ ئی (ښخی او اواره ماشومان)
 دیر عمل په توگه له نمکه سره وساتلو
 دلارینه وڅخه ئی وغوښتل چه دکلی
 ټول مری کوم چه دشپې په بهیاری
 کښی شهیدان شوی و. را ټول او
 کلی ته نژدی هدیره کښی خښ کړی.

کله چه ټول مری هدیری ته راجع
 کړی شول، موږ ئی هم هدیری ته
 وروستلو، اسرائیلی عسکر گر دچاپیره
 ولاړو. اسرائیلی افسر زموږ له خلکو
 څخه وغوښتل چه دهر کورمړی دی
 په یوه کنده واچول شی او بیادی
 پری ډیری خاوری واړول شی، هغه و
 چه د امر مطابق ټول مری په کند و
 کښی واچول شول، په همدغه بدمرغه
 ورځ زموږ خلکو دزبید دکورنی له
 پرته پنځه شپه «۶۵» لوی واره،
 ښخی او اړ په تېرونو کښی ډوب کړل
 همدارنگه ئی د نوموړی هدیری په یوه
 اړخ کښی چه لاری ته نژدی پروت و
 د احمد زبید مجاهده کورلی څخه کړی
 شوه. دوی په خاورو کښی ډوب دی
 مگر نومونه ئی د عربو د فرد په دماغ
 کښی ثبت او د تاریخ په پاڼو کښی په
 زړونو لیکو او کرښو لیکل شوی دی.

ای دوستانو! ای زړه لرونکو او
 عا طعمونو انسا ناو په فلسطین کښی
 پاتی یاست او یا که تری وتلی یاست
 داپه وینو ککړه تراژیدی که موبه
 سترگو لیدلی وی او که لوستلی او یا
 اوریدلی وی، دمیرلی او وطن پالونکی
 احمد زبید ددرویدلی او کړیدلی زړه
 په خاطر او دهغه دپاکو او معصومو
 ماشومانو دقتل عام په خاطر. اود هغو
 می پناه فلسطینیانو د پښه گناه وینو توښولو
 او قربانی په خاطر څه وخت که هغوی
 د تېرونو ترڅنگ تېرېری، پوره خاموش
 او چوپ او سپری سر خپل گریوان
 ښکته کړئ، قهرونه په شجیر او ډیر
 احتیاطه سره پورته کړی او په پوره
 احتیاطه ئی په نمکه کښی دی، دظلم
 او کبر ټول گرد او غبار مورزوونو
 څخه لیری کړی یواځی د فلسطین دبیرته
 ازاریدلو او د فلسطینیانو د حقوقو دبیرته
 اعاده کولو په فکر کښی اوسی! له
 له دی دپاره چه ستاسو دپښی اواز،
 مفروراز تفکر او یادغلامانه او تیت
 ژونم ته دغاړی ایښودلو ذهنت د
 آزادی غوښتی ولاړ میرنو شهیدانو
 هډوکی او سپیڅلی خاوری په عذاب
 نه کړی، ورو ورو او په کرار کرار
 دهغوی د قبرونو په کوزلی اړخ کښی
 په ډیر ادب، عاجزی او اخلاص سره
 ودربړی، د احترام او دعا مراسم په
 نحای کړی. نمکه اسرائیلی غرور او
 وحشت نه ډک تجاوز دهغوی خوا بده
 کړیده، دکبر او غرور، تیری او
 ظلم څخه ئی کرکه کښی دتیت او
 غلامانه ژوند دپلرلو څخه ئی بدی
 راخی. په هغو خاورو چه دهغی په مخ
 کښی د زور مبارز «احمدزبید اودهغه
 د پښه گناه پاکو ماشومانو او زړه چاودلی
 میرمن هډوکی پراته دی، زما اود
 سرگردانه اودر په دره فلسطینیانو له
 خوا پری درود وویاست او بیاورته
 د حال په ژبه داسی غرگندونی وکړی
 په همدی مقدس مکان کښی چه ستاسو
 ابدی ارامگاه ده زموږ ډیری اوښکی
 توئی شو، خوشالی مودلاسه ورکړی

او خنداگانی موخودی وری هوی دی
 موږ تل ستاسو او ستاسو دکارنامو
 یادونه کوو. ستاسو د سپیڅلو ارزوگانو
 د حصول په لیار کښی به دهیڅ ډول
 سرشندنی څخه سرورنه غړو لن هغه
 ورځ اوهغه خلک نشته اویا بیخی کم
 شوی دی چه دخارجی منابعو په لسه
 به ئی تاته کافر وسیلی او د عربی
 یووالی په لیار کښی به خنله گریدل،
 که څه چه اوس هم یخنی داسی عناصر
 شته چه دهردی شانه تخریب کاری
 کوی او دخارجی دښمنانو په گټه په
 وطن کښی د لفاق او کرکی حس پیدا
 کوی خودغه ډول کم اصله انسانان
 کمزوری دی اوسرنشی پورته کولی
 مونږ د زړه له کومی ستاد مبارزو لمانځنه
 کوو او ډاډ درکوو چه هغه ورځ
 لیری نه ده چه د فلسطین اصیل بچی به
 یوموتی اویوتن شی، داخلی ارتجاع
 به له منځه یوسی اود تور استعمار او
 دهغوی د اجیرانو جرړی به پریکړی.
 ستاسو د قبرونو څخه په د اسرائیلی
 هر غلگرو دپښو لاولی ډوری لیری
 کړی، موږ گران فلسطین له هرڅه
 څخه زیات دوست لرواود آزادی له
 پاره به ئی تر آخرین نه پوری په دی
 تاریخی مرحله کښی غان قربانی کړو
 زموږ تصمیم قاطع ادله بدلیدونکی دی.
 مړه کیدل او دبل په لاس په عامه
 توگه وژل کیدل په هر حال او هر وخت
 کښی ناوړه عمل دی خصوصاً دهغو
 انسانانو دپاره چه د وطن پرستی او قام
 پالنې عقیده لری، اوزړه ئی دروښانه
 راتلونکی د لاس ته راوړلو دپاره د
 آرزوگانو او امیدونو څخه ډک وی.
 لیکن په هر شرطه او هر قیمت سره ژوند
 پاتی کیدل هم وړ او مناسب کار نه دی
 نمکه دلاری انتخاب نه باید هدف له
 منځه یوسی، که چیری ژوند پاتی
 کیدل د حیثیت او وقار د منځه تللو،
 پستی قېلولو، مقدسو عقیدو او ارمانونو
 د پایمالولو پوری وتړل شی نو مړینه
 په سلگونو واری شرف لری. هغه
 څوک چه ژوند یواځی د ژوند دپاره

غوازی کولی شی دژوندی پاتی کیدلو دپاره دژوندائی قیمت په هره اندازه اوهرشی پوری چه ونړل شی ادا کړی. هغوی کولی شی خپلی عقیدې، نظریې او ارمانوته دکمې او لباس په تناسب جمعه کبیر دوه واره تبدیل کړی. هغه څوک چه دخپلو ارمانو دحصول په خاطر د شهادت شریعت وغښی دسره کیدلو شرافتمنده لارئی په پیوندلی ده. نوای لارو یوځل کوچه ددغه ناراده قبرونو تر اړخ حرکت کوی په ډیر احترام سره پری دگلو نو گیله ی نثار کړئی.

تکنده اوسو زونکی غرمه وه چه اسرائیلی ظالم افسر زموږ دخلکو څخه وغوښتل چه بی له تم کیدلو څخه بایدله هماغه هدیری څخه مهاجرت شروع کړو په دی وخت کښی مینو سپین سروښځو په داسی حال کښی چه خپل پورنی نی داسرائیله مسر مخکښی نیولی وسوالئی وکړ چه موږ تولو ته یوه گرمی وخت را کړی چه خپلو کورونو ته لاښو،

دغوازی کالی او لوړ ضروری شیان را واخلو اوسه ټولو صبا ناری نه دی کړی وړی دی، خصوصاً ماشومان، دوی، ډوډی، ډوډی ناری وعی، دوی به هم یوڅه وخورئ بیا به له خپلو کور و لو څخه کوچ وکړو. لیکن اسرا ئیلی بیرحمه افسرد لیر تمکیدو اجازه هم را نکړه په ژبا ژبا نثار نه پورمو خپل کورونه او خاپوړښایونه خوشی کړل، لوغی پښی شلیدلی، زاره او ناوولی کالی په غاړه روان شولو. د غوازی جامی، بستری، لنډه داچه پک کورونه موخوشی کړل غومره غم اوما تم ټچه موږ لوخ لغر، بی ازوقی ووی تیری دخپل ناټولی څخه په خپه او مایوسه زړ و لوړهی شولو دبی کوری، اوارگی، لوړی، جل وهلو مارا لوم چپچلو او داسی نورو کړاو نو فاجعه ډیره درنده او اوږده فاجعه وه موږ دغم او اندیښنی نه پک سفر شروع کړدل دمر دسترگی گرم او سوز و لکوشعلو په سرونو کښی ماغزه ویشول، خولی

را باندي روانی وی، هر قدم سره به مود پښوتلو اور اخسته، زمونږ ډیر کلبوال پخی لوغی و، هغوی خو پښی دهیو کیښودلو توان نه درلود، هرځای کښی چه به ئی شین بوتی ولیده په منله به ئی هلته غان ورساوه او پښی به ئی پری کیښودلی. کله کله به په یوه شین بوتی غوماشومان په جنک شولو یو به ویل چه ده مخکښی لیدلی او به ویل چه هغه مخکښی لیدلی و.

لنډه داچه زمونږ سفر تر نژدی ما زیگره پوری په همدی توگه و دټولو پښی ټولی شوی وی دډیرو پښو څخه وینی روانی وی وړو ماشوما نو چغی او کوکاری وهلی ښځو هم لوړ دتللوطاقت نه درلود، د هرچاد سترگو څخه داو پکوسیلاب روان و. دغه ځای کښی یوی زړی پښی زما دپلار څخه وغوښتل چه چیرته تم شو او که امکان ولری دشپی درار سیدلو پوری استراحت وکړو. (نوربیا)

هپیمر تانسیمون پوله ونر

(بقیه صفحه ۶۶)

آن لیز تجویز می شود مسلماً درین مورد ادویه عمده درمائی نیست و مثل نارسانائی قلب چه اهمیت و تاثیر فوق العاده ندارد مع هذا در موقع بروز نارسانائی قلب دادن آن مفید است. مقدار آن لیز باید کمتر از آن باشد که در نارسا بطین چه بکار میرود و بهتر است با نرمی و آهستگی آنرا بکاربرد. از قرصهای دیگوکسین ۰.۲۵ میلی گرامی میتوان از روی قرص یا کمی بیشتر شروع کرده و بتدریج آنرا کاهش داد.

رعایت رژیم غذایی بخصوص دادن نمک خیلی مهم است و غالب مواد غذایی که در دسترس عموم است مثل نان - بیسکوت و غیره حاوی مقدار یری نمک است که در صورت اودیم باید مریض از خوردن آنها خودداری کند.

هیپارین در موقعی که پولی سیستمی هم وجود داشته باشد بمقدار - ۱۰۰ ملیگرام روزی دوسرئیه (هر ۱۲ ساعت) برای این مریضها مفید است. گرفتن خون ارزش سابق را ندارد لهدا اگر پولی سیستمی مریض خطر ترد موز را پیش آورد و مریض هم در نارسانائی قلب باشد شاید گرفتن ۲۰۰ سی سی -

۴۰۰ سی سی خون گاهی کمک کند ولی هیچگاه درمان اساسی محسوب نمیشود. تراکوتومی و تنفس مصنوعی در صورتیکه مریض آمفییزیم داشته دچار لارسانئی تنفسی شدید شود بطوری که در مانهای با آنتی بیوتیک و آنالپتیکه نتواند مریض را بخصوص از مرحله حاد نجات بخشد و مریض بحال کوما برود بطوریکه خطر مرگ بعلت وجود اودیم و ترشحات زهاد در برانشها باشد مریض تراکوتومی میشود و با اسپیراتور ترشحات داخل برانشها کشیده شده و بعد بادستگاه تنفس مصنوعی بانشار مثبت بوی تنفس داده میشود در آمفییزیم خاصیت ارتجاعی آلئولها ازین رفته و در حال زفیر به خلاف عادی - هوا خارج نمیشود مریض از عضلات فرعی تنفس استفاده میکند و فشار بیشتری به هسها و قضاى داخل صدر وارد مینماید ولی از آنجائی که این فشار به آلئولها نمیتواند ریه هارا منقبض کند این فشار به برونشيو نهاداده شده و جدا برونشيو ل راروی هم میخواباند و هوادر داخل آلئولها حبس میشود و حلقه معیوب ایجاد میگردد زیرا ذره ای هوا هم از آلئولها خارج نمیشود روی این فلسفه دستگاه تنفس مصنوعی هوا را اکسیجن را در حال زفیر بانشار بیشتری وارد برانشها میکند تا از کلاپس برونشيو لها جلوگیری کند. (پایان)

وضعیت قوای هوایی در خلیج فارس

ترجمه از منابع فرانسوی

در اطراف و نزدیک خلیج فارس کشورهای متعددی دارای نیروهای قابل ملاحظه هوایی می باشند. قوای هوایی ایران در سالهای اخیر انکشاف کرده است و همچنین ترکیه که داخل پیمان ائتلافی شمالی می باشد، اسرائیل و جمهوری عربی مصر که از مدت پانزده سال به اینطرف باعمدیگر در مقابله اند بدون تردید سهمترین نیروهای هوایی را در شرق میانه مالک می باشند بریتانیا که هنوز هم از حیث قوای نظامی نیرو هائی در این ساحه دارد یک عنصر موثر در توازن نظامی این منطقه و تجدید بر استعمال قسمتی از قوتهای اطراف خلیج فارس بحساب می رود.

عراق که در گذشته از یکطرف با حوادث داخلی (کردها) مواجه بوده و از جانب دیگر در جبهه عربی مقابل اسرائیل شرکت جسته است دارای یک قوای هوایی متنوع متشکل از طیارات بمباران و شکاری ساخت اتحاد شوروی و بریتانیا در اختیار دارد عربستان سعودی و امارت های خلیج فارس با برخورداری از عواید سرشار نفت قدرت تشکیل قوای هوایی را پیدا کرده و پوتانسیل آنها توأم با پیشرفت های تکنیکی ایشان انکشاف کرده می رود و بنابراین قوای هوایی آنها نیز قدرت مداخله را در حوادث آن ساحه پیدا کرده و این موضوع بر اہل توازن را در اطراف خلیج فارس شکل تازه ای میدهد و پس از خارج شدن مکمل نیروهای بریتانیا از این ساحه این بر اہل مشکلتر و جدیتر خواهد شد.

در چنین ساحه ای که دلچسپی های نفتی توجه کشورهای زبادی را به این منطقه جلب کرده است امارت های کوچک مانند کویت، قطر، ابودابی یا عمان جز نیروهای مدافعوی هوایی که عبارت از تعدادی طیارات شکاری دفع و طرد (لایتنک) و یا طیارات شکاری بمباران درجه دوم (هنتر-سترایک ماستر) می باشد قوای دیگری در اختیار ندارند.

کویت که پیشتر از دیگران مورد تهدید می باشد یک سیستم را دارا که قدرت کشف اهداف و رهبری طیارات شکاری دفع و طرد را در شرایط مساعد جوی دارد، مالک می باشد طیارات لایتنک کویت در برابر طیارات ال-۱۸، میگ ۲۱ و میگ ۱۹ عراقی دارای قدرت مقابله مساعدی اند. علاوه بر آن کویت امیدوار است در صورتیکه مورد تجاوز واقع شود از کمک های ممکنه ایران نیز استفاده کند.

بحرین نیز بطوأمشا به بین همسایگان مقتدر خود چون عربستان سعودی در یک وضعیت ناراحت قرار دارد عربستان سعودی مالک وسایلی می باشد که قابلیت و موثریت آن در مقابل جنبش های یمنی ها طی مجادلات گذشته به اثبات رسیده است. طیارات لایتنک F-۸۶ و سترایک ماستر که با راکت های مدافعه هوایی مانند هاک و تندر برد توأم می باشد از طرف پرسونلی که در انگلستان تحصیل کرده اند و همچنان از طرف اروپائیان که بطور قرار دادی کار می کنند به کار انداخته شده است.

در سایر امارت ها قوای هوایی کوچک و دارای ظرفیت های محدود موجود است. معیناً میلان این امارت ها برای جستجوی طرق اتحاد با عربستان سعودی یا ایران بر اساس تعصبات مذهبی و حیاسی ایشان خطر بوجود آمدن بلاك های متخاصم را بوجود می آورد که دارای وسایل و اسکاات بدست آوردن حاکمیت ها و تسلط ارضی از راه قوه می باشند و در آن دلچسپی های اقتصادی و متراتژ یکی مورد توجه اساسی قرار میگیرد. مگر در این ضمن مسلماً قدرت های بزرگ چون اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا بی تفاوت باقی نمی مانند و احتمال دارد که آنها مانند گذشته به حفظ وضعیت موجود در این ساحه تلاش و مساعی بعمل آورند و جلوتمام حوادثی را که بهانه توسعه جویی یکی از

ویست و دو عدد *CH47* (بوئینگ)
 ورتول شنوک دارای دو پروانه و
 قابلیت حمل و نقل ۴۴ نفر).

عراق :

طیارات بمباران ساخت اتحاد
 شوروی هژده عدد قرار آتی می باشد:

— هشت طیاره توپیلوت ۱۶
 (*TU16*) که هر کدام دارای دو
 انجن جت و شعاع پرواز طولانی
 بوده ظرفیت حمل ده تن بمب را
 دارا می باشد

— ده طیاره بمباران ال — ۲۸
 (*IL-28*) بیگل که هر کدام دارای
 دو انجن جت و شعاع پرواز تکنیکی
 بوده ظرفیت حمل سه تن بمباران را
 می باشد.

طیارات حمایت زمینی که از طیارات
 ساخت انگلستان تشکیل شده بود با
 طیارات ساخت شوروی تقویه شده است
 و عبارت از سی و شش طیاره هتر
 (*Hunter*) ، بیست طیاره جت پروو
 و پنجاه طیاره سو — ۷ (*SU7*) می باشد.

طیارات شکاری دفع و طرد عبارت
 از طیارات ساخت شوروی بوده
 عبارتند از شصت طیاره میک ۲۱ ،
 چهل و پنج طیاره میک ۱۹ و میک
 ۱۷. با همدست گرشده که عراق از چندین
 سال به اینطرف به طیاره میراژ *V*
 نیز دستچسبی گرفته است .

قطعات ترانسپورت هوایی متشکل
 از دو طیاره هرون (*Heron*) ، سه
 طیاره بریستول فریتر ، دوازده عدد



طواراتی که در آینده قریب به قوای هوایی بعضی از دول شامل خدمت خواهند شد

با پانزده طیاره فوکر *F27* و چهار
 طیاره *F-28* (طیارات جت دوماشینه
 که پس از اسال تولید خواهد
 شد) تعویض کردند.

قطعات هیلکوپتر که اکنون اهمیت
 زیادی دارند در مرحله تجهیز قرار
 دارند و متشکل است از: بیست و هفت
 هلیکوپتر کامن *HH43* که از آن جمله
 ۱۷ عدد آن از طرف قوای زمینی بکار
 انداخته شده است. هلیکوپتر های
 قومانده و ارتباط عبارتند از شانزده
 عدد سوپر ویلون، صد عدد (اوگوستا بل
 جهت ریجبر) ، چهل عدد ایروکوا
 (که قابلیت حمایت آتش را دارا اند)

کشور های این حوزه قرار گرفته بتواند
 بگیرند .

نیلاس مختصر قوای هوایی

موجوده در خواجه فارس

ایران :

دو کندیک طیارات *F4D* که با
 پنج کندیک طیارات *F5A* برای حمایت
 زمینی تقویه شده اند .

بیست طیاره شکاری دفع و طرد
F86E ، سی طیاره *RT33* برای
 کشف که متعاقباً با طیارات کشف
RF5 تعویض خواهد شد .

وسایط مدافع هوایی عبارت از
 راکت های تایگر کیت (*Tiger cat*)
 و راپیر (*Rapier*) و هاک (*Hawk*)
 می باشد .

قوای ترانسپورت هوایی متشکل
 از ده طیاره *C130E* (طیارات
 توربوجت چهار ماشینه) که سیانتر
 ۴۶ طیاره قومانده به آن علاوه خواهد
 شد . ده طیاره دا کوتای *C47* هنوز
 هم شامل خدمت بوده و قرار است



طیاره هلیکوپتر جدید جابانی از نوع کاواما کی *KV-107*

عمان :

عمان تحت حمایت لواء هوایی بریتانیا و کاملاً با پرسونل بریتانوی اکنون پنج عدد طیاره جت پروو *Jet Provost* ، دوازده طیاره سترایک ماستر ، شش طیاره سیکای وین (*Skyvan*) سه طیاره کاریبو و چهار عدد طیاره بیور (*Beaver*) را بکار انداخته است .

قطر :

این امارت اخیراً یک لواء هوایی را که دارای شش طیاره هنتر میباشد تشکیل کرده است .

یمن جنوبی :

یمن جنوبی در حالیکه با دولت های دیگر مقابل می باشد دارای یک لواء هوایی حمایت خفیف بوده که از چهار طیاره سترایک ماستر ، چهار طیاره جت پروو و شش طیاره بیور و شش عدد هلیکوپتر *Westland* تشکیل شده است .

جمهوری یمن :

این جمهوری با دریافت آمد اد شوروی دو کتدک طیاره *IL-18* یک کتدک میک ۱۷ ، یک تعداد طیاره *C47* و *IL14* ، سه یا چهار عدد هلیکوپتر (*M14*) را در اختیار دارد .

چهل عدد بوده و اکثریت آن هلیکوپترهای (اوگوستابل جت رینجر) می باشند .
برای تعلیم و تربیه پرسونل ، عربستان سعودی از طیاره *T41* (طیاره خفیف یک ماشینه) ، *T33* ، طیاره تعلیمی لایتینگک و هنتر کار می گیرد .

ابودابی :

از دو سال به این طرف دولت ابودابی یک لواء هوایی را تشکیل کرده است که فعلاً دارای دوازده طیاره هنتر ، دو طیاره (هاویلند کاریبو) دو طیاره (آیلیندر) و چهار هلیکوپتر (اوگوستابل) می باشد .

کویت :

لواء هوایی کویت بیشتر بر اساس طیاره بریتانوی تشکیل یافته و طیاره امارت مذکور قرار آتی می باشد :
چهارده طیاره لایتینگک (*Tighting*) ، شش طیاره هنتر (*Hunter*) ، شش طیاره سترایک ماستر (*BAC 167 Strikemaster*) ، شش طیاره جت پروو ، یک طیاره آرگوسی *Argosy* (طیاره تور بوجت چهار ماشینه) ، یک عدد دیوون *Devon* دو عدد کاریبو و شش هلیکوپتر اوگوستابل .

طیاره انتونوف ۲ (*AN-2*) (معادل طیاره بیور) ، شش طیاره *AN12* (طیاره تور بوجت چهار ماشینه) ، ده عدد طیاره *AN 24* (طیاره تور بوجت دو ماشینه معادل طیاره *F27*) سیزده عدد طیاره *IL14* (معادل کلاس *C47*) .

هلیکوپتر ها عبارت از یازده عدد هلیکوپت ویکس (*Wessex*) و بیست عدد هلیکوپتر (*M14*) می باشد .

عربستان سعودی :

این کشور چهل و هفت عدد طیاره محاروبی را در اختیار دارد :
چهل و هفت طیاره لایتینگک ، شانزده طیاره *F-86* و بیست و چهار طیاره سترایک ماستر .

قطعات مدافعه هوایی آن متشکل از سی و هفت راجه پرتاب راکت های تندربرد (*Thunderbird*) و ده بطریه راکت های هاک (*Hawk*) می باشد .
ظرفیت ترالسپورتی هوایی آن نیز قابل ملاحظه است و قرار آتی می باشد :
هشت طیاره *C-47* ، دو طیاره *C118* (نوع عسکری طیاره *Dc4*) ، شش طیاره *C123* (طیاره لقلیه متوسط هجومی دارای ظرفیت 60 نفر) و نه طیاره *C103F* .
تعداد هلیکوپتر های آن در حدود

لواء از سلاح های مدرن اردوهای امروزی



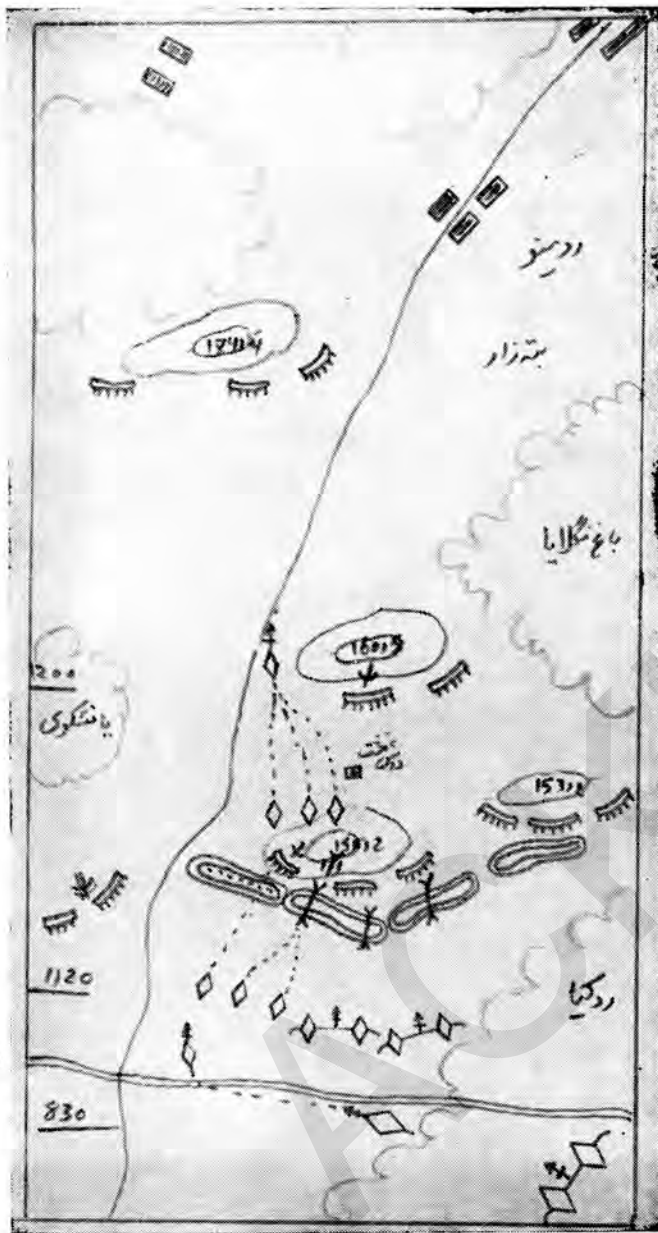
تعلیم و تربیه بلوک تانک



موضوع : تعرض بلوک تانک از حال حرکت
مقاصد تکتیکی :-
۲- رساندن قوماندانان بلوک، در ترتیب و تنظیم تعرض از حال رفتار در زمان محدود
۳- دادن سلکته و مهارت به قوماندانان بلوک و تانک در سوق و اداره تانک و کنترل مرتبات آن در جریان تعرض .
۳- رساندن صاحب منصبان و خورد ضابطان به شکل عملی و مرتکی در اجرای وظایف تکتیکی و آتشی آنها .
۴- حسن السیاق ، ابتکار و استقلالیّت حرکت را در مرتبات پرورش نمودن .
دوام تطبیقات ۶ ساعت .
ب ساعت ۸۳۰ . قوماندان تولی مرتبات را در مبداء حرکت جمع نموده مقاصد و مطالب تطبیقات را به آنها گفته و وضعیت تکتیکی را به قرار ذیل برایشان توضیح کرد .
دشمن مواضع احضار شده را اشغال نموده ، و پیشرفت جزو نامهای ما را توقف داده است قوتهای دوست مجبور شده که ارتباط های خود را جلب نموده تا دو باره به تعرض بگذرد .
تولی اول تانک دشمن در موضع ستر شده تجمع نموده که بلوک اول تانک تانک آن کنار غربی درخت زار نخلوی را اشغال کرده است .

ساعت تعرضی ۱۰۳۰ می باشد .
وظیفه در بالای اراضی برای قوماندانان بلوک توضیح خواهد شد .
کشف به ساعت ۸۵۰ . اجرا خواهد شد .
قوماندان بلوک گورچکوف جهت حاضر نمودن وسایط و تامین سترواخقای آن جهت محاربه امر داده است .
در دو ساعت که بعداً بلوک به مبداء تعرض به حرکت خواهد گذشت قوماندان تولی ولادی اوف معاینه تکتیکی وسایط را اجرا و تانکی های آلرا الی لورم اکمال کرده بعداً قوماندان تولی و قوماندان بلوک به کشف و مطالعه اراضی رفته در ضمن قوماندان تولی امر محاربه را به قرار ذیل تبلیغ نمود .
دشمن مواضع احضار شده را مدافعه نموده است که خط اصلی مقاومت آن از کنار جنوبی باغ لکلایا و یماچ جنوبی ۱۵۰۲ و جنوب باغ یا مرسک می گذرد . و همچنان بعضی سلاح های دشمن کشف شده است .
تولی اول تانک به استقامت تپه ۱۵۰۲ ، یماچ غربی تپه ۱۶۰۵ و رومینو تعرض نموده وظیفه حمله آن امجا نمودن دشمن است در محلات مقاومت تپه ۱۵۰۲ و تپه ۱۶۰۵ و همچنان خط شمال غربی باغ لکلایا و تپه ۱۶۰۵ را بدست آورده و بعداً به استقامت و لا نمود تعرض را دوام دهد .
همجوارها : بطرف راست ما تولی

دوم تانک به استقامت باغ نگلا یا تعرض خواهد کرد بطرف چپ همجوار موجود نیست .
بلوک اول تانک بالای دشمنیکه در تپه ۱۵۰/۲ موجود است تعرض نموده آلرا امجا و بعداً بطرف یماچ جنوبی آن تعرض کرده بامساعی مشترکه بلوک دوم تانک محل مقاومت دشمن را بدست آورده بعداً تعرض را به استقامت بته زار دوام بدهد .
بلوک دوم تعرض را به استقامت یماچ های سر تی تپه ۱۵۰/۲ اجرا نموده بامساعی مشترکه بلوک اول دشمن را در محل مقاومت آن امجا و بلوک بعداً تعرض را به استقامت قریه رومینو دوام دهد .
بلوک سوم به استقامت یماچ غربی تپه ۱۵۳/۲ تعرض نموده دشمن را در آلجا امجا و بعداً تعرض را به استقامت قریه رومینو دوام دهد .
در اثنای آتش احضارات توپچی :
توپچی دشمن را در محلات مقاومت تپه ۱۵۳/۲ تپه ۱۵۰/۲ و تپه ۱۶۰/۵ امجا نماید .
در اثنای آتشی حمله دشمن را در اهداف فوق الذکر مورد ضربات قرار داده تا سرعت سریع پیشرفت تانکها تامین شود و ضمناً توپچی یک پرده دود را در یماچ شرقی که در جنوب باغ یام سکوی موقعیت دارد تشکیل نماید .
زمان تعرض ساعت ۱۰۳۰ میباشد .
من با بلوک طرف چپ خواهم بود .



معاون من قوماندان بلوک اول گور خکوف می باشد.

قوماندان تولی هدایات را جمع به پیشرفت جز و تا مها به سیده تعرض اجرای آتش و عبور از موانع را داد. بعد از تبلیغ امر قوماندان تولی قوماندانان بلوک ها به کار خود شروع نمودند قوماندان بلوک گورچکوف مطالعه و وظیفه نموده، محاکمه وضعیت را اجرا و قرار اتخاذ شده آن از طرف قوماندان تولی منظور شد. بعداً حکم تطبیقات و قوماندان بلوک به بلوک آمدند. درین جا از روی مودل اراضی که در تطبیقات اجرا می شد و به شکل میز رینگ قبلا احضار شده بود از طرف قوماندان بلوک نقاط نیرنگی، عوارض اراضی، منطقه مدافعه دشمن و سلاح های آن، وظیفه بلوک، و جزو تاسمهای همجوار مطالعه شده و به هر تانک و وظیفه معینه داده شد.

ساعت ۰۳۰ / بلوک تانک حرکت را از محل انتظار به خط انبساط شروع نموده، قوماندان تولی دید که تانک ها سرعت لازمه را گرفته و مسافت در بین تانکها صحیح بوده و مخاربه درین شان بحسن صورت تبادل می شود و قتیکه بلوک به بته زار شمالی سرک رسید، بلوک نظام معار بوی خود را گرفته و قوماندان بلوک به هر تانک وظیفه را توضیح کرد درین وقت حکم تطبیقات از بی سیم کمتر ول شنید که قوماندان بلوک توسط بی سیم مخاربه کرد داود میوند دلته میرویس تماماً به استقامت تپه ۱۵۰/۲ تعرض نمایند معبر در کشت زار ما بین دشمن به مربعات سفید علامه گذاری شده است تانکها ۱ و ۲ توپ دافع تانک دشمن را از بین برده و تانک ۳ آتش را بالای خندق اول دشمن باز نمایند.

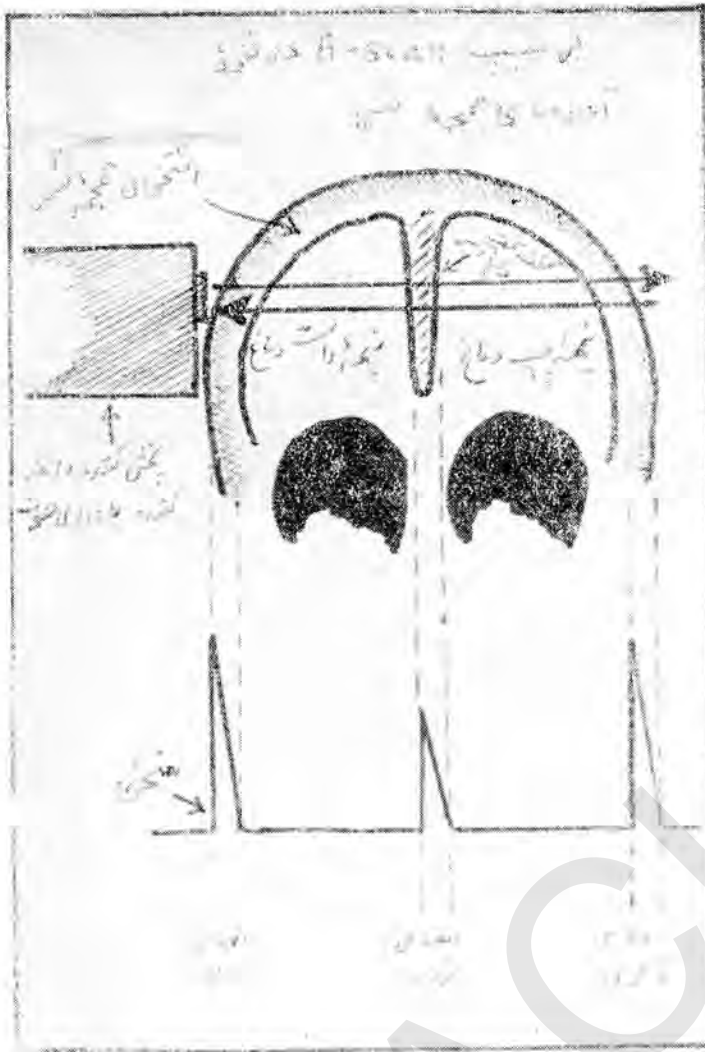
وقتیکه امر هجوم داده شد تانکها بدون توقف در خط انبساط به پیشرو حمله نموده از حال حرکت آتش را اجرا کرده بعداً برای گذشتن از معبر که درین کشت زار های مابین دشمن باز

تانک برای قوماندان نشان داده شد. قوماندان بلوک به تانک طرف چپ امر داد که آنرا امعا نماید که یک کمی بعدتر از طرف تانک مذکور زده شد. چون برای از بین بردن این هدف یک کمی معطلی بعمل آمده که این موضوع از طرف حکم تطبیقات تنقید شد.

وقتیکه بلوک به این خط رسید قوماندان تولی دشمن به قوتهای خود امر داد که به باغ لگلا با عقب نشینی نماید، قوماندان بلوک برای تزئید سرعت نظام معار بوی صف را به قطار تبدیل نمود.

ساعت ۱۲۰۰ بلوک به هدف حمله (بقیه در صفحه ۸۱)

شده بود بلوک شکل قطار را گرفته که درین وقت تجمع آتش در پیشروی شان اجرا شد و قتیکه بلوک به یماج شمالی تپه ۱۵۰،۲ رسید، حکم تطبیقات امر داد که تانک داخل موضع دشمن را بلوک تحت آتش بگیرد قوماندان بلوک گور میکوف تانک دشمن را دیده در بالای آن آتش را باز کرده و در عین زمان این هدف را به دو تانک دیگر خود ذریعه بی سیم تعریف کرد، همچنین درین لحظه از طرف قوماندان تولی یک توپ دافع تانک دشمن در کنار جنوب غرب باغ نام تسکوی تعریف گردید که چند دقیقه بعد این هدف از طرف مرتبات



استعمال صدا

جهت دیدن

داخل جسم

ساینس دانان در مغاره دوانده بودند، درین صورت شب پردها این فریکانس را تا ۱۰۰ صدا فی ثانیه بالا برده می توانند. دولفین ها *Dolphin* (یک نوع حیوانات بحری) نیز موقعیت اجسام و موانع را ذریعۀ پرنسیپ را دار صوتی تعیین میکنند. آنها حتی قادر اند تا شکل و نوع ماهی را که خوش دارند بخورند در مسافت ۵۰ یارد تشخیص نمایند.

این پرنسیپ را دار صوتی برای اولین بار جهت اندازه کردن عمق ابحار به ترتیب فرستادن امواج صدا به کف (بستر) بحر و اخذ موج منعکس شده آن بکار رفته است. الزوقت صرف شده آن برای رسیدن موج صدا به بستر بحر و انعکاس آن دوباره به سطح بحر به سهولت مسافت طی شده توسط موج صدا وهم عمق بحر در نقطه مورد نظر پیدا شده می تواند.

پرنسیپ را دار صوتی برای اولین دفعه در ساحه طبابت توسط یک نفر جراح اعصاب سوئدنی موسوم به *Leksell* اجرا شد طوریکه جراح موصوف امواج صدا را بد اخل یک جبهه سرد انسان از یک قسمت همواره به قسمت مقابل آن (مثلاً از قسمت بالائی یک شقیقه به قسمت بالائی شقیقه مقابل) فرستاد. این عملیه یک منحنی مشخص را با ۳ قله که بدوقله بلند منحنی در جناحین

تشخیص ماورای صوت یک کشف نسبتاً جدید در ساحه طب می باشد، مثال های این پرنسیپ در طبیعت از زمانه های خیلی قدیم موجود بوده است. بطور مثال شب پردها (خفاش) در داخل مغاره کاملاً تاریک می توانند که حتی بدون برخورد به خوردترین یک مانع پرواز نمایند. ساینس دانان این مسئله را ذریعۀ نصب کردن تناب های باریک از تار در مغازه های که شب پردها در آن بود و باش داشتند به اثبات رسانیده اند که این موجودات (شب پردها) قادر اند بدون مشکلات در حین پرواز از برخورد به این موانع باریک خود را نکه می دارند. آیا چطور میکنند؟ پرنسیپ آن بسط است طوریکه شب پردها در حین پرواز در تاریکی از خود یک سلسله آوازه میکشند، و تیکه امواج این صداها به کدام مانع می خوردند دوباره انعکاس میکنند مثلیکه اشعه نور منعکس میشود، شب پردها به ترتیباتی مجهز هستند که میتوانند این امواج منعکس شده صدا را ثبت کرده و محل مانع را در خط السیر پروازشان تعیین نمایند. اگر موانع دور باشند یک (فریکانس نشراتی) ۲۵ صدا (چینگ) در یک ثانیه کفایت می کند و اگر این موانع نزدیک باشند و یک تعداد زیاد موانع موجود باشند مانند تارها که

آنچه درباره مادر گفته اند

هر وقت مادر فاسد شد نسل نیز فاسد میشود.

«اسما یلز»

مادر با یکدست گهواره و با دست دیگر
دنیارا تکان میدهد. «ناهلین بناپارت»
در زندگی دو بار زانو زدم، یکبار برای
آفریدن گارم بار دیگر برای مادرم. «شلی»

— در قسمت چشم این آله قادر است که عوارض مانند
قطع شدن قرنیه *Retina* موجودیت اجسام خارجی، تومورها
و غیره را در چشم تدقیق و محل آنرا تثبیت نماید.

— در قسمت بطن *B-scan* میکروبیهای چکر کیسه صفرا و
گردنه را تشخیص و موقعیت آنرا تثبیت می کند.

همچنین باید ذکر کرد که یک ساحه عمده و مهم تطبیق
B scan امراض نثانی خاصاً در دوران حاملگی می باشد.
در حالاتیکه دا کتر نتواند اشعه X را (نسبت بعضی عواقب
نامطلوبی که شاید برای طفل داشته باشد) استعمال کند برتری
طریقه ماورای صوتی به وضاحت معلوم می شود.

بعضی سوالات که باقی می ماند:

به تمام سوالات مربوط به اثرات منفی ممکنه تازمان معلوم
شدن نتایج از تحقیقات جدید که درباره تأثیرات اهتزازات بالای
اجزای کوچک، مایعات و مواد پلاستیکی جریان دارد پاسخ
داده شده نمی تواند. در عین زمان باید تدکر بدهیم که تا حال
درین همه تجارب و مشاهدات متعدد که چه بالای انسانها و چه
بالای حیوانات بعمل آمده هیچکدام اثر منفی دیده نشده است.
B-scan به پیمائش وسیع امکانات تشخیص را برای
دکتران نثانی تقدیم می کند بطور مثال:

— تحقیق، درجه بندی و دریافت موقعیت تومورها.

— گرفتن عکس های جنین که قبل از وقت به یک نگاه
تاریخ تولد و نقض های مانند *Hydrocephalus* و کلان
بودن از اندازه نورمال طفل را در رحم مادر مریض نشان
بدهد، در وقتیکه هنوز امکالات چاره سازی موجود می باشد.
— معلوم کردن حمل های دوگانه، سه گانه و غیره.
— موقعیت *Placenta* (جفت جنین) که این هم یک موضوع
مهم است زیرا بعضاً لزوم عملیات دیده می شود.

— معلوم کردن اینکه با وجود مردن جنین هنوز سقط جنین
صورت نگرفته است.

— و بالاخره *B-scan* برای بدست آوردن اسناد فوتوگرافیکی
استعمال شده می تواند.

نظری به آینده:

آیا متخصصین در آینده از *B-scan* چه گامهایی راه چلو
توقع دارند؟ آنها توقع دارند تا عکس ماورای صوتی را
با استعمال اشعه لیزر به مرحله سوم آن برساند که به واسطه
یک تصویر سه مرحله ای می توان تشخیص و معالجه را تحت
کنترل مستقیم چشمی در آورد.

به صدای استخوانها که عبارت از همان استخوان قسمت هموار
سرمه باشد و یک قلّه کوتاه در قسمت وسط به حدای قسمت
مخت دماغ اکبر *Falx cerebri* که در جمجمه قسم طولانی
واقع بوده دماغ را به دو قسمت مساوی راست و چپ جدا میکند
بالای گراف تشکیل می نماید. اگر حالات پتولوژیکی مثلاً
یک تومور دماغی موجود باشد غیر عادی بودن آناتومیکی در
منحنی الحرافات را تشکیل می نماید که به کمک این میتود،
متخصص سیتراوند که شکل، اندازه و موقعیت حقیقی یک تومور
دماغی را در یابد. البته متخصص مذکور باید عملیه ارسال
امواج صدا را چندین مرتبه و از زوایای مختلف اجرا کند،
بعداً منحنیات متنوع را باهم مقایسه کرده و از تشخیص خود
مطمئن گردد. این عملیه را میتوان بدون کدام اثر منفی اجرا
کرد زیرا قسمیکه تا امروز معلوم گردیده این طریقه (تشخیص
ماورای صوتی) کدام تأثیر منفی ندارد.

البته این عملیه که بنام *A-scan* شناخته شود، بر علاوه
دماغ بالای دیگر قسمت های بدن نیز اجرا شده میتواند بطور
مثال برای تشخیص انقباض شریانها و یا بقصد دوگانه یعنی
تشخیص صحیح و بدون خود فشار خون حتی در رگهای بسیار
کوچک که بطریقه عادی (که از یک کیسه پرشونده هوا و یک
گیج فشار تشکیل شده) قابل تشخیص نباشد.

U.C.G (Ultrasonic cardiogram) ریکارد ماورای
صوتی (ضربان قلب) *E.C.G* (Electro cardiogram)
ریکارد برقی (ضربان قلب) را تکمیل می کند:

یک شکل اصلاح شده *A-scan* وجود آمده که یک ریکارد
ماورای صوتی ضربان قلب بالای ریکارد برقی ضربان قلب یک
مغایرت را تشکیل می دهد، که به طرز ثبت کردن نقاط متحرک آله
مرسله آواز بالای یک فلم که به سرعت یکنواخت حرکت می کند
حاصل می شود این طریقه که برای اولین دفعه در جرمنی کشف
شده است امروز نسبت به جمهوری فدرالی آلمان در دیگر
ممالک جهان زیادتر الکشاف کرده است همچنان ازین طریقه
اکثراً به عوض طرق خطرناک مثل *Catheterisation*
(کشیدن مایع ذریعه یک تیوب مانند انداختن سنج) قلب کار
گرفته میشود. در چنین حالات آله *E.C.G* برای تشخیص
کنندگان وقتیکه آله *ECG* به تنهایی قادر به حل مشکل
نباشد، یک آله مفید را تشکیل میدهد.

قدم مهم در قسمت ماورای صوتی در ظرف چندسال گذشته
یعنی ارتقا از *A-scan* به *B-scan* از منحنی ثابت به عکس
متحرک برداشته شد درینجا هم یک پرنسپس بسیط موجود است
اگرچه یک ترجمه مغلق الکترونیکی برای انتقال یک سلسله
مقیاس های متحرک ماورای صوتی به یک عکس متحرک یک
ضرورت اولیه محسوب می شود.

موارد تطبیق *B-scan* متعدد و متنوع اند:
— با یکچاشدن با *A-scan* توسط *B-scan* می توان یک
تشخیص روشن تر عوارض پتولوژیکی داخل سر را بدست آورد

د تخلیبی او ترمیم پوستی فعالیت

ژ باړونکی جگړن پښتونچار

په تکنیکی تطبیقات که کنهک بلاندي ډول و وظیفه اخستی وه :-

مدافعه کړونکی دشمن باندي تعرض، پرسولل نی دمنځه وړل، اور کړونکی وسلې دجگړې په اصلی ډگر کې تخریب او په سرعت سره دغلیم ځای په ځای کېدو سنگرونه اشغال او په عمق کې نی وړاندي تک.

د قوماندان مرستیال د تخنیکي سرویس لپاره یوه د ترمیم پوسته وگمارله چه دا پوسته دیوه تخنیکي قسم سره دیوی نجات واسطی او د ترمیم واسطی د کنهک د ترمیم قسم له ترکیب شویوه. د ترمیم پوسته د تخنیک سرویس د قوماندان له خوا لپارې شویوله کیده ددی وظیفه داوه چه د کار لویدلی اومات شوی ټانکو ته د دشمن د اور لاندي تخلیه او په نژدی پناگاکي سریع ترمیمات اجرا کړی.

لږ وروسته محاربوی وسایط د کنهک په محاربوی ساحه کې کمو فلاژ شول او د ترمیم پوستی امر خپل احضارات د کنهک مرستیال ته خبر ورکړ ترڅو ددی د محاربوی وظیفو دا کمال لپاره غیږ نه وکوی. کله چه ټانکونه د کنهک قوماندان په اشاره تعرض شروع کړ د کنهک مرستیال ددی فعالیتونه د نژد په دغار تخنیکي پوستی په واسطه لیدل. ټانکونو د مدافعی په لمری کرښه باندي تعرض شروع کړ، دشمن دارو قدرت زیاد کړ، لاغا په N۲۳۸ ټانک ودرید او د کنهک د محاربوی نظام په منځکي بېرته پاتی شو، د ټانک مرتبات را ووتل ترڅو خپل ټانک معاینه کړی د ټانک فرماندان په سیستم کې راپور ورکړ چه د ټانک د مخی عرادی صدمه لیدلی اوموتر لږ زوی! پرله پسې د ټانک عملی د ترمیم کارالو سره په کار شروع وکړه.

په کینه ساحه کې N۲۱۱ ټانک همدا رنگه غیر فعال و لیدل شو چه دی ټانک هم سخته صدمه لیدلی وه، د کنهک مرستیال د ترمیم پوستی قوماندان ته امر ورکړ چه ټانکوله تخلیه او په نژدی پناگاکي نی په ترمیم اقدام وکړی!

په اراضی کې د ترمیم واسطی ددی قضیې په لیدلو په ماهرانه ډول او په چابکي سره غیر فعال ټانک نژدی موضع ته ورساوه د ترمیم دواسطی افرادو او د ټانک او پراتو راتو د طناب په واسطه غیر فعال ټانک کش کړ، ددی واقعی په

لیدلو دشمن په اور شروع وکړه خود ترمیم واسطه د ټانک سره د نژدی تپی شانه د دښمن د لیدوله خولدی وو. خود ترمیم د پوستی امر او ترمیم کارالو واسطه بار کړه او N۲۳۸ ټانک ته نی ورسوله. کله چه ترمیم کړونکی راورسیدل په ناڅاپی توگه نی کار شروع کړ او د ترمیم پوستی امر هغه دارتیا وړ قسمتوله د ترمیم لپاره تشخیص کړل بعضی احتیاطی قسمتونه د نجات په واسطه باندي اوچه پرستر قسمتونه ددی د ترمیم واسطی باندي جر شول N۲۳۸ ټانک د مخکښی عراده کې صدمه درلوده، د ترمیم پوستی امر وروسته لیدی د ترمیم عرادی افرادو ته خبر ورکړ چه د نجات واسطی نه وروسته N۲۱۱ ټانک تخلیې او ددی د صدمی د تشخیص لپاره دی راغونډی شی!

ژرتر ژره د ترمیم واسطه په ټاکل شوی محابکي ښکاره شوه د ټانک قوماندان د ترمیم پوستی امر نه راپور ورکړ چه N۲۱۱ ټانک غلور صدمی لیدلی او د افرادو په واسطه دی ځای بدل اجرا کړی! په دی لټه کې کنهک د تعرض لپاره وړاندي ولاړ او د نوو صنایعا نو تحمل نی وکوه، یودوی ټانکونه وسوزید، او دوه نورونی د متوسط ترمیم احتیاج پیدا کړ چه دا ترمیم هم د ترمیم پوستی له خوا اجرا کیدای نشو له دی اسله د قوماندان مرستیال مافوق قوماندان ته را پور ورکړ. دوه نور صدمه لرونکی ټانکونه د جگړې په ډگر کې ښکاره شول دی ټانکو د حرکت قسم د ترمیم لپاره اړتیا درلوده چه دیوه ټانک لپاره دری ساعته وخت او د بل لپاره اته ساعته وخت په کار وو، د قوماندان مرستیال فکر وکوه چه یو ټانک د ترمیم پوستی په مرسته ترمیم کړی او د مافوق قوماندان له نی په بیسیم کې وغوشتل چه دووم ټانک د ترمیم لپاره د مافوق قوماندان متخصص وگماری!

په دی کې د قوماندان مرستیال غه فکر در لود ځکه چه دواړه ټانکوله کیدای شول چه د ترمیم پوستی له خوا ترمیم شی؟ لمری دا چه مرستیال هغه ترمیم کاران او اداره کړونکی چه په تشکیل کې درلودل استعمال کړی ترڅو چه لږ صدمه لرو لکی ټانک ژر تر ژره بېرته وظیفی ته ولیږل شی. دوم دا چه د کنهک د ترمیم پوستی پیاښی په پوره توگه د حرکت قسم ترمیم لپاره هغه نیته کې چه د دشمن مدافعه شق کېږی موظف شوی لوی.

به عمومی توگه دترمیم دکاروخت چه دترمیم پوستی
بواسطه اجرا کیری دتکتیکی وضعیت او به لمړی توگه
دکنکک دپهشرفت په تناسب پیدا کیری.

داجات واسطی بنائی کنکک په تا کلی وخت کی ددی لپاره
مربوط کیری! چه دکنکک وظیفی په پوره توگه سرته ورسیری
اوتخنیککی مرستی دجکیری وسایطو درا تلونکی حرکاتو لپاره
چمتو کیری!

تردی حالت لاندی د قوماندان مرستیال دی نهجی ته
راورسید چه کنکک بنائی در کړشوی وظیفی په ۵-۶ ساعتو کی
های ته ورسوی. دترمیم پارتی بنائی یوه ساعت ته اړه ولری
ترغو هغه مسافه ئی چه د تانکوسره په جکیره کی سفر کیری
وهویشی ۱ یوبل ساعت بنائی دمتضرر شوی تانکک په وړاندی
بیاولو چه په پوره توگه د استخدام اومسلح گولو دساعی
مخکی مصرف شویوی اوهم یوبل ساعت چه مصرف شویدی
هغه ۲۳۸ N تانکک په ترمیمولو کی تیر هوی وی. دقوماندان
مرستیال دانتیجه واخستله چه دترمیم پوستی ته ددری ساعتونه
اضافه وخت ندی ور کړ شوی چه لازمه ترمیمات دی اجرا
کیری.

داغر لکه داسی فکر کیده چه تانکک دی ترمیم شی چه په
ترمیم کی ددری ساعتونه زبات وخت ونه لیسی. مرستیال
داوظیفه دترمیم دپوستی امرته په بیسیم کی تا کله ، پدغی
لیته کی ترمیم کارا او په دله ئیزه توگه کار پر ۲۳۸ N
تانکک باندی بشپړ کړیووه، دبل غیر فعال تانکک لپاره په
لیته کی وو. دوی دانتیبت کړه چه بنائی دتانکک دافرادوله
خوا پخپله های ته رسیدلی وی.

کله چه پوی معنی پوستی دترمیم پوستی له دلروخت
لپاره په معین محابکی توقف کړیو و مرستیال د ترمیم واسطی
افرادوته امر وکړ چه تانکک ترغار غایه پوری دست په
زور وړاندی بوزی ترغو دضرورت په توگه تخلیه شی. او
اوس اوس دی دترمیم واسطی افراد تانکک کشن کیری
اودمرمی په قیقو کی دی داخل کیری! همدارنگه اراضی
خلاصه وه دترمیم واسطی مرتبات ددینم تر موضع پوری
نژدی تانکک وړاندی بوت اوتانکک ئی په دود غبارپت کړ.

په داپول ئی دتانکک دتخلی عملیه خولدی کړله.
کله چه کنکک مخکی ددینم مدافعه ماته کړه او
په تعقیب ئی شروع وکړه وکه ۲۳۸ N تانکک دکنکک وروسته
غوشتل چه دکنکک سره الحاق وکیری! بعضی وختونه لکه
اراضی ته قیمت ور کول، مختلف وضعیتو پدوخت کی دنجات
واسطه دکنکک دتانکک تعلیمات اشی تعقیبولی، پدی صورت
مرستیال ئی بنائی دلپار سیر مستقیم کیری ترغو تطبیقات
اجراشی په داسی وضعیت کی بعضی ترمیم کاران دتخنیککی
سرویس قسم له لازمه افزارو او احتیاطی قسمو سره
اکمالپوری چه دکنکک دترمیم موثر تعقیبوی ، همدارنگه
دلجات موثر د سر کو سپر دکنکک دتعرض په ساحه کی
حرکت کوی.

ددی تطبیقات په وخت کی گردو ترمیمکارانو دلجات
اوتخلی عملی داراضی تعلیماتویو عالی اوستا لدازده پوونه
په تا ککل شوی وظیفه کی وپوونله! چه هم ئی دتخلی عملیه
په دیرمهات اجرا کړه اوهم دترمیم وظیفه په ینه توگه
ددینم دنظر لاندی مستوره سرته روسیده، دلجات عملی
همدارنگه تولی دکنکک وظیفی په برهالیتوب بشپړ کیری.

تعلیم و تربیه بلوک تانک

(بقیه صفحه ۷۹)

تولی رسیده درین وقت حکم تطبیقات،
تانکک دشمن که از تبه ۱۷۴۴ آتش
می نمود به قوماندان بلوک تعریف
کرد، آیا قوماندان بلوک چه اجرا ات
کرد؟ قوماندان بلوک تانکک هارا
توقف داد واز حال توقف بالای
آن آتش را باز نمود قوماندان تولی
بواسطه بیسیم به قوماندان تولی گور
میکوف خبر داد که بلوک دوم بدون
بر خورد مقاومت دشمن به تبه زار

رسیده است.

بدست آوردن این معلومات قوماندان
بلوک گورمیکوف را این مفکوره داد
که یک هجوم جهبه وی را بالای محل
مقاومت در تبه ۱۷۴۴ اجرا و بعد از
طرف راست آنرا احاطه نماید درین
اتخاذ قرار او حق بجالب بود و تکیه
تالکک ها از تبه زار بیرون شدلک یک توپ
دافع تانکک از طرف چپ فعالیت آتشی
کرده اما به سرعت کشف شده و توسط
تانکک طرف چپ بالای آن آتش باز
گردید، کمی بعد تر بلوک هجوم متقابل
رادفع و طرد نموده و به محل تجمع تالکک ها

مواصلت کرده و تطبیقات با تدقیقات و
تغیبات مفصل ختم شد.
این نوع تطبیقات ها حاکمیت و
ملکه و مهارت قوماندانان را در امور
سوق و اداره الکشاف داده و سوبه تکتیکی
آنها را بلند می برد اجرا کنندگان تطبیقات
درین شرایط به وضعیت هائی مواجه
میشود که بصورت مستقل و در زمان
کم بهترین طرز حرکت و چاره اجرای
وظیفه را پیدا کنند و بدون معطلی
معلومات را از قوماندان مافوق اخذ
قرارهای محاربه ای منطقی و موثر را
اتخاذ کرده و اجرا نمایند.

.. و انسان میتواند بر مشکلات پیروز شود

(ظ. ص)

تا به هدف ملی خود یعنی از بین بردن یوغ استعمار ناپل آمد و نام او امروز با احترام و تجلیل خاص ورد زبان ما است ، پس باید بکوشیم که با درک این حقیقت که با استقامت صحیح و اراده قوی انسان میتواند بر مشکلات پیروز شود عزم متین را از دست ندهیم تا پای استقامت ما لغرد و از میدان زندگی زندگی مایوس و ناامید نگردیم .

زندگی صحیحه کشمکش ها ، جدال ها و مبارزه هاست و وقتی انسان خوشبخت میگردد که از بین کشمکش ها جدال ها و مبارزه مؤفق و کامیاب برآید و لذت آسایش زندگی و وقتی بدست می آید که بخاطر آن سختی ها ورنج ها را متحمل شده باشیم .

وظیفه همه ماست که درین راه از گذشتگان نام آور خود و از اسلاف فداکار خود سرمشقی بگیریم و بکوشیم تا همه با هم به اهداف ملی دست یابیم و دست بدست هم به سر منزل مقصود و آنچه که باعث فلاح و رستگاری همه ما میشود برسیم و هرگز فراموش نکنیم که مشکلات عواملی نیستند که نتوانیم بر آن غالب گردیم و این خود ما هستیم که میتوانیم همه چیز رامکن بسازیم و عوامل نابودی خودمان را نابود گردانیم

همینطور او راق زرین تاریخ ما مشحون است از فعالیت و سعی مردانیکه هر راه رسیدن به هدف ، مردانه دامن همت بکمر زدند و موفق شدند. بخصوص که همواره این تلاش ها ، بخاطر استرداد آزادی سر بلند ملت و برای افتخارات انسانی صورت میگرفت .

احمدشاه بابا یکی از فرزندان آبرومند این سرزمین هتکا میکه خیلی خرد سال بود پدرش را از دست داد ، ولی عزم قوی و اراده آهنین وی بود ، که در لحظات بسیار حساس ، وقتیکه نادر افشار در بستر مرگ افتاده بود ناگهان جوانمردانه دست بدامن زد و با اقدام شرافتمندانه اش کاری کرد که نه تنها موجب رسیدن خودش به هدف بزرگ ملی یعنی کسب استقلال شد بلکه موجب آن گردید تا دشمنان بخاطر جلوگیری خالواده و ناموس شاه مقتول با تحسین و تکریم از وی یادآوری نمایند .

همین مرد بزرگ بخاطر استرداد حاکمیت ملی افعالها تا سرزمین های ماورای سند نیز پیشرفت .

همینطور میره بس خان هوتک بهیث یک زهیم ملی با تلاشهای بی گیر کوشید

تلاش و کوشش بهترین راهیست که انسان را در رسیدن به لیل و هدف کمک میکند و این راهیست که پدران ما آنرا پیمودند و له تنها خود بر مشکلات ، بردشواربها و سختیها فایق شدند بلکه افتخارات بزرگی برای ملت خود و نسل آینده کمائی کردند که امروز ما ، با ورق زدن تاریخ زرین خویش با غرور و احساس پرشکوه انسانی آن همه کار نامه ها را بخاطر میاوریم و با تحسین از آن یاد آوری مینمائیم .

میگویند روزی امپرتیمور در آغاز فعالیت های جهان گیری خود در یکی از محاربات قومی شکست خورد ، بطوریکه تنها و مایوس از همراهان هزیمت یافته چداشد و زیر درختی پناه برد ، با آنکه سخت خسته و افسرده بود ناگهان نگاهش به سورچه افتاد که باری بردهان داشت و با تلاش و کوشش آن دانه را بر درخت بالا میبرد ، هر دفعه که اندکی پیش میرفت بار می افتاد و سورچه دوباره پائین میشد و بار را بطرف بالا میکشاید این کار تا چهل دفعه تکرار شد ولی سورچه ضعیف همچنان تلاش میکرد تا سرانجام آن بار که چندین برابر جثه سورچه بود بر سر درخت رسانید .

تیمور که مردی دقیق بود ازین حرکت سورچه التباه گرفت و با آنکه تک و تنها مانده دو باره کار خود را از سر گرفت جدالهای خولین و محاربات و هشتناک را براه انداخت و سرانجام بر همه اینها موفق گردید و له آنها خود را بر لیمی از جهان مسلط گردانیده بلکه صد ها ورق تاریخ را نیز خولین ساخت و شاید در جهان ما امروز کمتر کسی باشد که نام او را با پیروزیهای چشمگیرش نشنیده و یا لغوالده باشد .

- دل دوستان را آزرده ، مراد دشمنان بر آوردن است .
- چراغ دروغ بی فروغ است ... « لاپیون »
- عروس زندگی « کار » نام دارد . اگر شما داماد این عروس شوید فرزند شما سعادت نام خواهد داشت .
- « فرا نکلین »
- همه میخواهند در زندگی برای خود دوستی بیابند اما هرگز کسی در این اندیش نیست که برای دیگران دوست باشد .
- « پارون دو گرو دنی »

بخوان
و
ببیندیش

م و خواندگان

دگر من فضل احمد صالحی
از ریاست لوژستیک!
شعاطی امامه دوستانه خویش از ما
پرسیده اید که مسئله (جبر و اختیار)
یا موضوع قضا و قدر که فصل بزرگی
را از نگاه دین اسلام در بردارد و همچنان
حکماء و فلاسفه نیز درین مورد مطالب
و نظریات گوناگولی در طول تاریخ
بشری از خود بیادگار گذاشته اند
آیا شما میتوانید در مجله اردو این
موضوع را آنچنان که عام فهم و درعین
حال جامع و قناعت بخش باشد بغرض
استفاده اینجانب و دیگر خوانندگان
بطبع رسانده و ما را محنون سازید؟
دوست عزیز! خواهش شما را
اجابت نمودیم و باید بعرض برسانیم
که مسئله جبر و اختیار و تقدیر از مسائل
بخرنج و پیچیده دینی و فلسفی و علمی
است که از قرنهای باینظرف در پیرامون
آن عقاید و افکار و آراء مختلف ضد و
نقیض از طرف علما و فلاسفه و پیروان
مذاهب مختلف طرح و مورد مذاقه و
تقدو تبصره قرار گرفته است البته این
مطلب آنقدر وسیع و فراخ است که
لمیتوان حتی در یکی دو جلد کتاب قطور
نیز موضوعات آن را تشریح داد با
وصف آن، از منابع مختلف نشرات
خارجی تا جائیکه امکان دارد مطالب
را بشکل فشرده با کمی تصرف اقتباس

می نمایم و بغرض تنویر اذهان
خوانندگان محترم و بالخاصه مزید
معلومات شما تقدیم میداریم:
«گروهی از فلاسفه و حکماء مذهب
جبری دارند و برای این گروه از
جبری مذہبان همه امور عالم پهبی
بینی شده و مقدر اند یعنی مستقیماً از
مشیت الهی ناشی شده اند و با ازلیرو
های نامرئی و نامعلوم و مرموز بوجود
آمده اند که درینصورت بشر درظهور
و روز آنها هیچ گونه تاثیر و دخالت
ندارد باسناد این نظریه هیچ یک از
افعال ما بااراده و اختیار از ماسر نمی
زند، بلکه ما مجبور به اجرای آنها
هستیم بصورت مثال بعهده این گروه
اگر شما سفری به یکی از شهرها
می کنید گرچه ظاهر این اعمال را بااراده
و اختیار خود بجا آورده اید ولی در
واقع بازچه و آلت بوده اید و اراده
ای فوق اراده بشری و نیروئی
نامرئی شمارا بحرکت در آورده است.
این نوع از جبر را جبر مطلق یا تقدیر یا به
اصطلاح غربیها «فاتالیسم» می نامند.
جبر مطلق وجوه مختلف دارد: یک وجه
آن جبر دینی است آنچنانکه ابوالحسن
امهری (۲۳۰-۲۶۵ هجری قمری)
و پیروان او معروف به اشاعره معتقد
بودند. وجه دیگرش جبر هندسی
(اسپی نوزا) حکیم هالندی سده هفدهم

میلادی است. این حکیم که وحدت
وجودی بوده می گوید:

«خدا ذاتی است واجب و جامع
صفات بی شمار و جهان پرتو این ذات
است، یعنی ناشی و متفرع از اوست
و همان گونه که نتیجه خود بخود از
مقدمه و فرع از اصل بیرون می آید عالم
هم از ذات واجب صادر شده و نتیجه
طبیعی و منطقی وجود اوست». عبارت
دیگر همانطور که در هندسه قضایا
بالبشروره ناشی از تعاریف و اصول
هستند امور عالم هم ناشی از مبدأ کل
و پرتو آن هستند و جز آنچه هستند نمی
توانند باشند.

ایمان به جبر میان یونانیان قدیم
هم رواج کامل داشته و فرمان قضا
و قدر در آنان حتی فوق اراده خدایان
بوده است.

در افسانهها داستانها و در آثار شعرا
و نویسندگان ما هم نمونه های بسیاری
از این قبیل موجود است که همه دلالت
بر تاثیر اجتناب ناپذیر قضا و قدر دارند
و مذهب جبر را تأیید می کنند.

اینک چند مثال از فر دوسی .

«چپ و راست هر سوبتا یم همی

سر و پای گیتی نیابم همی

(مراد از «گیتی» روزگار و قضا و قدر
است که بر آن حکم فرماست).

یکی بد کند نیک پیش آیدش
جهان بنده و بخت خویش آیدش
یکی جز به یکی جهان نسورد
همی از نژادی فر و پڑ مرد
* * *

نگر تابندی دل اندر جهان
لباشی بدو ایمن اندر نهان
که گیتی یکی نغز بازیکر است
که هر دم و را بازی دیگر است
یکی راز ماهی بماه آورد
یکی رازمه زیر چاه آورد
* * *

«مدار ایچ تیمار باجان بهم،
بگیتی مکن جاودان دل دژم،
که ناپایدار است و ناسازگار
چنین بود تا بود این روزگار.»
* * *

یک مثال از حافظ در غزلی که
مطالعش این است:

زلف آشفته و خوی کرده خندان لب و مست
بهرهن چاک و غزلخوان و صراحی دردست
تا با آنجا می رسد که می گوید:

«بروای زاهد و بردود کشان خرده بگیر
که ندادند جز این تحفه بهار و زالست.»
(یعنی در کار خود مجبوریم که مختار

یک مثال از خیام:

«خوش باش که بخته اندسود ای تودی
فارغ شده اند از معنای تودی
قصه چکنم؟ که بی تقاضای تودی
دادند قرار کار فردای تودی»
امامولانا جلال الدین بلخی
مطالب را خیلی صریح بر زبان کرده است،
از آن جمله است این اشعار:

«آلت حق تو، قاعل دست حق
چون زلم بر آلت حق طعن و دق»
* * *

«برگ کاهم پیش تو ای تند باد
من چه دالم تا کجا خواهم فتاد»
* * *

هیچ برگی بر نیفتد از درخت
بی قضا و حکم آن سلطان تخت
«از دهان لقمه نشد سوی گلو
تا نکوبد لقمه راحق کاد خلواه»

«در زمینها و آسمانها ذره ای
بر لجنیابد نگردد پره ای»
«جز فرمان قدیم نافذش
شرح نتوان کرد و جلدی نیست خوش»
* * *

«چون قضا آید نمالد فهم و رای
کس نمی داند قضا را جز خدای
چون قضا آید فرو پوشد بصر
نالداند عقل تا پاره ز سر»
* * *

«چون قضا آید طیب ابله شود
و آن دوا در نفع خود گمراه شود.»
* * *

«چون قضا آید شود تنگ این جهان
از قضا حلوا شود رنج دهان.»
* * *

«چون قضا آید شود دانش بخواب
سه سید گردد بگیرد آفتاب.»
* * *

«ناظر فرعی ز اصلی بی خبر
فرع مائیم اصل احکام قدر.»
چرخ گردون را قضا گمراه کند
صد عطار در قضا ابله کند
تنگ گرداند جهان چاره را
آب گرداند حدید و خار را.»

و بسیاری از اشعار دیگر بهمین
مضمون ...

مذهب جبر به این صورت که آرا
جبر مطلق و تقدیر خواندیم
با وجود همه گفته های لطیف و دلنشین
گویندگان بزرگ البته مست و مردود
است. زیرا که اولاً با موازین دینی
و اصول اخلاق قابل تطبیق نیست و با
قبول آن جدول ارزشهای اخلاقی بکلی
واژگون خواهد شد و خیر و شر، اسرو نبی
و ثواب و گناه و کفر و هاداش و نظائر
آنها مفهوم خود را از دست خواهند
داد و موضوع مسئولیت اخلاق هم بی
معنی خواهد شد. بدیهی است که تا کسی
مختار نباشد تکلیفی بر او تعلق نمی گیرد
و نمی تواند هیچ گونه مسئولیت دینی
با اخلاقی داشته باشد. تا آنگاه که نظر
زندگی عمل و تأمین معاش روزانه هم
پذیرفتن جبر مطلق زیان بخش خواهد بود

زیرا وقتی که سعادت و نکت افراد
منحصراً به دست قضا و قدر باشد و سعی
و عمل بلا اثر پنداشته شوند آدمی به
دنبال کار نخواهد رفت، در ناامیدی
و یأس مستغرق خواهد بود و به تنبلی
و کاهلی خواهد گرائید و موجودی کاملاً
اتکالی خواهد شد. دانشمندان و گویندگان
بزرگ ما بدین جنبه مسأله هم توجه
داشته اند و در شان اختیار نیز مطالبی
گفته و اشعاری سروده اند که به بعضی
از آنها اشاره خواهیم کرد.

خوشبختانه جبر مطلق با عقل و
منطق هم سازگار نیست زیرا هر روز
خلاف آن به تجربه ثابت می شود.
ما به رأی العین می بینیم که در زندگی
مردمانی پیشرفت می کنند و کامیاب
هستند که اراده قوی دارند، در برابر
مشکلات به مبارزه می پردازند و در
کار خود ابتکار بیخرج می دهند، نه
کسانی که تسلیم صرف حوادث هستند
و از کار و کوشش گریزانند.

لا بد خواهید پرسید در این صورت چرا
جبر مطلق این قدر معتقد دارد و در
تأیید آن این قدر چیز گفته و نوشته اند؟

این امر دو دلیل دارد: یکی
اینکه قبول مذهب جبر ملایم طبع
خود خواه و تنبیل بشر است و با گریزان
بودن او از قبول مسئولیت موافقت تام
دارد. آدمی اگر خود را مختار بداند
باید نتایج اعمال خود را هم قبول کند
و نیک و بد زندگی را از چشم خود ببیند
ولی چون قهرت تنبیل و کاهل است و طبع
خود خواهش نمی خواهد مسئولیت قبول
کند می گوید که اینها بار مسئولیت
نا کامیها را به دوش غیر بیندازد و
خویشتر را مظلوم و مقهور و حق بیجانب
و معذور معرفی کند. این است که
گناه قصورها و تقصیر و اشتباهات و
لغزشهایی که در زندگی مرتکب میشود
یا محرومیت هایی که نصیبش می گردد
همه را به گردن روزگار و قضا و قدر
و طبیعت و سرنوشت و سرا انجام خالق
می گذارد و آنگاه از زبان شاعر معاصر
می گوید:

«چند می گوئی» که این کارست
فیک آن کار زشت :

کارزشت و نیک نبود جز به حکم
سر نوشت. »

یا استناد می کنند به قول مولوی
که ضمن بسیاری اشعار دیگر خود که
به آنها اشاره شد می فرماید:

«از مسب می رسد این خیر و شر
لیست اسباب و و سائط ای پدر»

دلیل دیگر این است که برای بسیاری
اشخاص معنی جبر درست روشن نبوده
است و جبر مطلق یا فاتا لیس را که
قبولش چنانکه عرض شد خالی از اشکال
نیست با جبر علمی (یاد تر می نیسم) اشتباه
کرده اند .

دلیل دیگر اینکه معنی اختیار را
هم بسیار وسیع گرفته و محدودی را که
دارد و مابعداً بیان خواهیم کرد برای
آن منظور نداشته اند .

اما جبر علمی با جبر مطلق از آسمان
تا زمین فرق دارد جبر مطلق بطلانش،
چنانکه بیان شد، با خودش است ؛
در صورتی که صحت جبر علمی رانمی
توان تردید کرد، زیرا پایه اش بر قانون
علمیت گذاشته شده است، یعنی بر
لژوم ترتب معلول بر علت .
این قانون چنانکه می دانیم حاکم بر جمع
امور عالم است که زنجیر وار به یک
دیگر پیوسته اند و علت معلول یکدیگرند
و همیشه علت های معین معلول های معین
را نتیجه می دهند

مذهب اعتزال تا حدی نزدیک به جبر
علمی است، زیرا واصل بن عطاء،
واضح آن، که در اواخر قرن اول
هجری می زیسته و بیروان معروف به
معتزله، معتقدند به اینکه عالم پس
از خلقت اولیه به خودش تشویض
شده است، و اراده خداوند متعال در
پیدا شدن حوادث جهانی مستقیماً دخالت
ندارد. باری، قانون علیت، یا به اصلاح
لا یب فی تیس، حکیم آلمالی، «قانون
سبب کافی» پایه تمام علوم و فنون

است و امروز کسی نیست که آنرا
قابل تردید بداند .

در این جا لازم است این نکته را
خاطر نشان کنیم که اعتقاد به جبر علمی
به هیچ وجه معنیش انکار وجود خدا
نیست و اگر خلاف این تصور شود خطای
محض خواهد بود. آنچه جبر علمی
می گوید این است که عالم تابع اصول
و قوانینی است که از آنها به لفظ
نوامیس مسلم طبیعت تعبیر می شود
و امور عالم بر مدار این قوانین و
نوامیس می گردند .

منتهی طبیعی مذهب آن قوانین را
ناشی از ذات عالم و ضمنی طبیعت و
خاصیت ماده می پندارند، و خداپرستان
آنها را مظهر مشیت الهی می دانند .
و بهر حال هر دو دسته معتقدند به اینکه
در جهان حادثه ای مخالف این قوانین
و اصول نمی تواند صورت پذیرد .

پس هر دفعه که شما مثلاً مقداری
اکسیژن را با دو برابر آن از هیدروژن
در شرائطی معین با هم ترکیب کنید
یقیناً آب بدست خواهید آورد .
آبراعم اگر در فشار هوای معین
یکصد درجه حرارت دهید بخار خواهد
شد . مکه-روب فلان بیماری اگر
در زمینه ای مناسب و شرائطی خاص
قرار گیرد آن مرض را به وجود خواهد
آورد، و فلان دارو در شرائط و اوضاع
و احوال معین همیشه آن بیماری را
درمان خواهد کرد. تا دنیا دنیاست
نوامیس طبیعت همین است که فعلاً
هست آن مقدمات این نتایج را بیار
خواهند آورد، یعنی در کارها اجبار
هست و هر امری همان است که هست
و طبق قانون ترتب معلول بر علت
علمی تواند جز آن باشد .

برای اینکه این تحقیق ناقص نماند
باید جواب این سؤال را هم بدهیم که
اگر حقیقت این است که بیان شد پس
چرا اشخاصی هم معتقد به جبر علمی
هستند باز در پیش آمده های مهم و حتی
غیر مهم دست نیاز به سوی خداوند

دراز می کنند و برای رهایی خود از آن
ورطه از او یاری می طلبند ؟ جواب
این است که این اشخاص از خدا
نمی خواهند که برخلاف اصول و قوانینی
که خود وضع کرده است، یعنی برخلاف
مشیت خود کاری کند و نظام جهان را
برهم زند، بلکه در واقع تمنای قلبی
آنان، که شاید خود شان هم به آن
توجه ندارند، این است که خداوند
آنها را بقدر کافی بصیرت دهد و روشنشان
سازد تا بتوانند علل یا موجبات و رطبه ای
را که در آن افتاده اند دریابند و بقدر
کافی به آنان همت عطا فرساید تا در رفع
آن علل و موجبات توفیق حاصل کنند
و خود را با اوضاع و احوال جدید
سازگار سازند .

تا اینجا نتیجه تمام بحث ما این می شود
که بهر حال آدمی مجبور است نه مختار
خواه قائل به جبر مطلق باشیم یا به جبر
نسبی و علمی. این نتیجه در قرن نوزدهم
با ترقیات شکفت انگیز علوم طبیعی و ثبوتی
اسری قطعی و مسلم محسوب می گردید
و هر کس برخلاف جبر علمی سخنی
می گفت مورد تخطئه قرار می گرفت
و مردی جاهل و غافل از ترقیات
و اکتشافات علوم بشمار می آمد امر
بدین منوال بود تا اینکه نخستین کتاب
برگسن فیلسوف گرامایه فرانسوی بنام
«معلومات فوری ذهن» منتشر
شد و انقلابی عظیم در افکار پدید آورد
آثار بعدی فیلسوف که عبارتند از
«ماده و حافظه» و «تحول خلاق»
و «نیروی روانی» و «مرچشمه های
دوگانه اخلاق و دین» و جز آن، نظریه
اورا تأیید کردند و برداشته تأثیر آن
نظریه در اذهان افزودند .

برگسن که پس از ۸۱ سال
زندگی هرافتنخار در اوایل جنگ جهانی
گذشته بسال ۱۹۴۱ میلادی دیده
از جهان بر بسته است، معتقد بود
به اینکه آدمی در انحال خود مختار است
یعنی تابع جبر علمی نیست و در اثبات
این نظر دلائلی دقیق آورده است که

ما نمی توانیم با رعایت موقع و مقام و تنگی وقت به بیان تفصیلی آن بپردازیم همینقدر به اجمال عرض می کنیم که این حکیم منکر جبر علمی (دترمی نیست) نبود و مانند همه علمای همزمان خود این قاعده را بر تمام امور عالم حکم فرما می دانست ولی حالات روانی یا کیفیات نفسانی را از جرگه این امور خارج می کرد و می گفت حقیقت نفس آدمی از این امور مادی و کمی و علائق دنیوی بکلی برکنار است، معنی صرف است و کیفیت محض، و برای درک آن ما باید در خود فرو رویم یعنی موقتاً خود را از قید علایق مادی و امور دنیوی رها بسازیم و کاملاً متوجه درون خود شویم و به اصطلاح عرفاء خودمان به مراقبه و مکاشفه بپردازیم و به اصطلاح خود برگسن به «انتویسین» یعنی «بینش» یا «درون بینی» توسل جوئیم. در این حال به حقیقت نفس می رسیم و بخوبی درمی یابیم که فردی کاملاً آزاد و مختار هستیم. زیرا حقیقت نفس برخلاف امور دیگر که از اجزاء و عناصر مختلف و متعددتر کسب یافته اند، و ازینرو تابع قانون تداعی معانی و جبر علمی هستند، جوهری است مجرد و واحد. هر حالتی از شادی و غم و امید و جزآن که ما را دست می دهد چیزی نیست که از خارج بر نفس تحمیل شده باشد، بلکه خود نفس و کل نفس است، همه گذشته نفس را دربر دارد و پایه و مایه حالات آینده است، کیفیت است نه کمیت، تغییر و افزایش است و پیشرفت است نه بر رویهم انباشتگی و تکثر پس نمی تواند تابع قانون جبر باشد.

ولی از آنجا که آدمی در مدت حیات در مواقع عادی از امور مادی احاطه شده و برای رفع نیازمندیهای خود و تدبیر بدن ناچار با آن امور سروکار دارد و باید برای حل مشکلات زندگی عقل خود را بکار اندازد و به یاری آن به تجزیه و ترکیب مادیات و تصرف در آنها بپردازد ازینرو نفس

محدودیت هائی هم پیدا می کند و چون دائماً سروکارش با کمیات است که البته تابع قساعده علمی هستند کیشیات را هم با هممان نظر می نگردد و آنها را هم خواه ناخواه تابع همان قانون قرار می دهد و خود را مجبور می پندارد این ظاهر نفس و قشر خارجی وسطی آن است نفس در باطن و حقیقت خود آزاد و مختار است، یعنی آدمی در انتخاب یا ترك افعال خود وجداناً احساس آزادی می کند. البته آثار این اختیار و آزادی فقط در موارد نسبتاً مهم بروز می کند و در آن حال اراده و اختیار مظهر شخصیت آدمی و معرف واقعی او خواهند بود.

این بود خلاصه نظری که برگسن درباره اختیار دارد و قسمت اعظم کتاب مهم او بنام «معلومات اولیه ذهن» صرف توضیح و بیان آن شده است نفس ماحتی در افعال و رفتاری که برای تدبیر بدن و تأمین معاش دارد، یعنی در مواعی هم که جنبه روحانیت صرف را از دست داده و بناچار با مادیات همگام گردیده است باز تاحدی مختار است.

اینکه گفتیم تاحدی برای آن است که اولاً؛ خلقت ما محدود است؛ ساختمان وجودی ما، استعداد های جسمانی و نفسانی ما دارای حدودی هستند ما اگر در خارج از این حدود، یعنی خارج از استعداد های ذاتی و اکتسابی توقعی داشته باشیم البته بیجا خواهد بود. پس اگر به آسمان و ستارگان دسترسی نداریم و نمی توانیم به اراده خود زمین و زمان را از گردش باز داریم، و اینکه ورود ما به صحنه حیات به اراده ما نبوده است و روزی راهم که از این دارقانی رخت برمی بندیم انتخابش با ما نخواهد بود، نباید اسباب تعجب ما باشد و این ناتوانیها را نباید دلیل عدم اختیار بدانیم و جبری مذهب شویم.

ثانیاً ما خواه ناخواه تحت فشار عوامل مختلف محیط قرار داریم چه عوامل طبیعی و چه عوامل اجتماعی و نمی توانیم خود را از تاثیر آنها برکنار داریم. کسی که در قطب شمال زندگی می کند البته مختار نخواهد بود به اینکه پیراهن استین کوتاه و پخن باز بپوشد، و آدمی که در صحاری سوزان عربستان و افریقا مسکن دارد نمی تواند خوراک و پوشاک و بطور کلی وضع و لوازم زندگی کسانی که در مناطق معتدله یا سردسیر هستند اختیار کند. فردی که مزاجاً علیل به دنیا آمده و مثلاً دارای سینه ای ضعیف است مختار نیست به اینکه به ورزشهای سنگین بپردازد و بخواهد قهرمان وزنه برداری شود، و آنکه فاقد استعداد موسیقی است بیجا است که اراده کند موسیقی دان درجه اول گردد. ما نباید عدم اختیار را در این موارد و نظائر آنها دلیل آن بدانیم که هیچ اختیار نداریم. اگر چنین کنیم حکم کودک را خواهیم داشت که اسباب بازیهای متعددی را که در دسترس دارد و می تواند میان آنها به انتخاب بپردازد و خود را سرگرم سازد همه را نادیده انگاشته دست بسوی ماه آسمان دراز کند و بخواهد آنرا بگیرد و بازیچه قرار دهد و چون نمی تواند، ناراحت و خشمگین شود. شعرا و نویسندگانی که اجبار راحا کم بر زندگی و رفتار بشر دانسته اند فقط توجه به محدودیت هائی از تبیل آنچه مذکور افتاد داشته اند و تاثیر عوامل محیط را بر وی انسان و سایر حیوانات یکسان پنداشته اند، در صورتی که چنین نیست. البته حیوانات هستی که فاقد اعصاب هستند با اعصابشان بسیار ساده و بی پدرا به است نه شعور دارند و نه اختیار؛ عمل آنها به فطرت و غریزه صورت می گیرد و تسلیم صرف هستند و افعالشان موجب است. ولی حیوانات دیگر، بتدریج که سلسله اعصاب پیچیده تر و کاملتری پیدا می کنند بهمان نسبت

شعور بیشتری از خود نشان می‌دهند و حیوانات در برابر عوامل طبیعت به مقاومت می‌پردازند و از آنها افعالی صادر می‌شود که ناشی از هوش هستند و از بنیاد واحدی جنبه اختنار دارند. انسان که در درجات عالی خلقت قرار دارد دارای کاملترین سلسله اعصاب است و با هوش و عقل خود در برابر محیط خارج غالباً ایستادگی می‌کند و به مخالفت می‌پردازد و به اراده و اختیار افعالی انجام می‌دهد، یعنی راهی غیر از آنچه عوامل مؤثر حظ ایجاب می‌کنند برمی‌گزیند و واحدی طبیعت و عوامل طبیعت را تحت فرمان خود درمی‌آورد و مورد استفاده قرار می‌دهد. ترقیبات شکست انگیز شرزاده همین اراده و اختیار است و دلیل روشن مدعا، اینکه چند مثال:

حیوانات هستند که نوع انسان از آنچه است در حواس ظاهره مشترکند یعنی همه دارای حواس بیثباتی و شنوائی و غیره هستند. پشه که این حواس یعنی دامن عمل آنها، چنانکه می‌دانید محدود است چشم تا ناصله معینی کار می‌کند و گوش تا فاصله معینی امواج صوتی را می‌گیرد. از این فاصله‌ها که گذشت مانده چیزی می‌بینیم و نه چیزی می‌شنویم. همچنین است در مورد سایر حواس. این محدودیتی است که در خلقت ما و سایر حیوانات هست و سبب می‌شود که افعال مربوط به این حواس در همان حد و صورت بگیرند و ما اختیار و توانائی عدول از آن حد را نداشته باشیم. مطلب برای حیوانات که فقط به فطرت و غریزه عمل می‌کنند همینطور است و در افعال خود مجبورند. ولی آدمی به یاری هوش و عقل، خود را از این چهار چوب محدودیت خارج ساخته و به برآوردن آرزوهای خود همت گماشته است. از آنچه خواسته است اجسام بسیار دور و بسیار کوچک را هم بیند و امواج صوتی بسیار بعید را هم بشنود و با اینکه این توقع از وسائل ادراکی طبیعی که در اختیار دارد خارج است فکر خود را بکار الداخه باختراع دوربین و ذره بین از یک سو

و تا کراف و تلفن ناسیم و بی‌سیم و رادیو و تلویزیون از سوی دیگر به مقصود نائل آمده است.

یکی از قوانین مسلم طبیعت قانون حادیت است. اجسام سنگین به مرکز زمین سقوط می‌کنند و نمی‌توانند در هوا معلق بمانند این قاعده طبیعی آدمی را در واقع زمین کوب کرده بود، زیرا جسمی وزین است و هر وبال هم ندارد. با وصف این او به یاری فکر بلند پرواز و هوش خلاق خود در این قاعده طبیعی هم فائق شده و در هوا به پرواز درآمده است و بر همین قیاس برای سایر ترفیقات روز افزون که همه دلالت بر تأثیر اراده و اختیار دارند.

از این افعال استثنائی که بگذریم حتی در پاره‌ای افعال و رفتار روزانه هم ما احساس اختیار می‌کنیم. لایب نیتز می‌گوید: «من احساس می‌کنم که مخنارم پس مخنارم.»

این حس اختیار را ما هم پیش از اقدام به عمل، هم در ضمن عمل و هم پس از خاتمه آن داریم. ما پیش از اینکه دست به کاری بزنیم احساس می‌کنیم که از چندین کار مختلف می‌توانیم هر کدام را که بخواهیم برتزیه و انجام دهیم؛ در ضمن انجام کار این خود را قادر می‌دانیم به اینکه کار شروع شده را متوقف سازیم؛ و پس از خاتمه کار هم احساس می‌کنیم که می‌توانستیم به نحو دیگر عمل کنیم و همین امر سبب می‌شود که بر اثر کار انجام یافته یا نیافته خود بحال یا متأسف می‌شویم و در صورتی که آن کار جنبه اخلاقی داشته باشد رضایت خاطر و لذت معنوی یا کدورت خاطر و بشیمانی حاصل می‌کنیم؛

باید متوجه باشیم که این جبر نفسانی دو گونه است: یکی آن است که ما تسلیم جنبه حیوانیت خود، یعنی تسلیم غرائز و هوای نفسانی و شهوات خود شویم، که این البته جبر واقعی است؛ و دیگری اینکه عقل را راهمای خود قرار دهیم و به دستور آن عمل کنیم؛ یعنی غلبه با جنبه السالیت ما باشد، که در اینصورت اجبار عین اختیار است، زیرا این اجبار خواسته خود ما است. این دو

جنبه شخصیت که فروید از آنها به الفاظ اماده و من از یک سوی، و به من برتر از سوی دیگر تعبیر کرده است غالباً با هم تعارض دارند و تردید و تاملی که ما را قبل از صدور پاره‌ای افعال دست می‌دهد بر اثر همین تعارض و دلیل بر اختیار است. پس در این تعارض اگر نهاد و من غلبه کنند ما تسلیم جبر نفسانی شده و بی اختیار عمل کرده‌ایم؛ ولی اگر عقل بر روز گردد و به دستور آن عمل کنیم، عملی به اختیار انجام داده‌ایم، زیرا انرمانبری از عقل عین اختیار است، برای اینکه بدانید بزرگترین شاعر عارف ما، مولانا جلال الدین بلخی، فقط به تعریف و تأیید جبر نپرداخته بلکه به جنبه اختیار آدمی هم توجه داشته است بی مناسبت نیست چند شعر دیگر که این معنی را برسانند در اینجا نقل شوند:

در تردد، ناله ایم از دو کار
این تردد کی بود بی اختیار؟
این کم یا آن کم خود کس شود
چون دوست وهای اوسته بود؟
بر قصا کم نه بهانه‌ای جوان
چرم خود را چه لپی بر دیگران؟
خون کند ز بد و قصاص او به عمر و؟
می خورد عمر و بر احمد حد خمر؟
گرد خود بر گرد و جرم خود بین
جنبش از خود بین تو ارسایه بین.
چرم خود را بر کس دیگر نه
گوش و هوش خود بران باداشده
چرم بر خود نه که توجوه کاشتی
باجزا و عدل حق کن آنتی.
در خرد جبر از قدر رسوا تر است
زانکه جبری حس خود را می‌کند است.
اینکه فردا این کم یا آن کم
این دلیل اختیار است، ای صم.
و اینکه در ختم مقال چند بیت از اشعار سعدی را نقل می‌کنیم:
خوش بود یاری و یاری در کنار مرغزاری
بار فغان دست درهم از حسودان بر کناری.
راحت جان است رفتن با لاراسی به صحرا
عین درمان است گفتن درد دل با غمگساری.
عشق در عالم لبودی گر لبودی روی زبا
ورنه گل بودی نخواندی لبلی بر شاخساری
هر که منظوری ندارد عمر ضایع میکند
اختیار این است در باب اینکه داری اختیاری!

جهان در

یک ماه اخیر

آرا بصفت یک موافقت نامه تاریخی یاد نمودند . امضای پیمان اسلحه سترا تیزیک که در نهایت مسابقات تسلیحاتی را نیز بین قدرتهای بزرگ کاهش بخشیده این امیدواری را بوجود آورده که دیگر نسل بشر از ترس واقعی اتم و استعمال آن در امان خواهند بود .

اگر چه اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا از دو آید یالوژی مخفف پیروی مینمایند و هر دو کشور بزرگ جهان با آنکه درگیر و دارهای سیاسی و نظامی و تضادهای مفسوروی در ویتنام ، شرق میانه و دیگر حصص جهان مشغول اند و جنگ را بین خود اجتناب ناپذیر تلقی مینمایند ولی به یک اصل بشری خوب ملتفت شده اند که در صورت بروز کدام جنگ اتمی یک طرف هم جان سلامت نخواهند برد و ملیونها انسان بیگناه قربانی فاجعه اتمی خواهد شد از اینرو هر دو طرف پس از سالها تلاش بدین نتیجه رسیدند تا معاهده محدود اسلحه سترا تیزیک را بین خود امضا نمایند .

امضای معاهده اسلحه سترا تیزیک که در نتیجه سفر لکسن به مسکو امضا شد یکی از موفقیت های بزرگ سفر لکسن محسوب شده و راه را برای مذاکرات بیشتر در حوضه جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی و سایر موضوعات نظامی باز نموده است ناظرین سیاسی و نظامی بدین عقیده هستند که قدرت های نظامی دو کشور که دارای قوه تخریباتی بیشتر میباشد از این به بعد محدود گردیده و هم در بودجه نظامی هر دو کشور به یک پیمان و وسیعی تصرف بعمل خواهد آمد . و هر دو کشور میتوانند از بودجه های اضافی

* سفر ریچارد لکسن رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا به اتحاد شوروی و لاینجل ماندن موضوع جنوب شرق آسیا و شرق میانه ، سفر وزیر دفاع اتحاد شوروی به مصر ، سفر مارشال تیتو رئیس جمهور یوگوسلاویا به اتحاد شوروی و امضای نخستین معاهده دوستی بین آلمان شرقی و جمهوری اتحادی آلمان از جمله موضوعات مهم بود که در اینجا تشریح میگردد .

* سفر ریچارد لکسن به اتحاد شوروی زمانی صورت گرفت که اوضاع جهان چندان آرام نبود و جنگ های شدیدی بین طرفهای متخاصم در ویتنام ادامه داشت حتی پیش ازین سفر بعضی مبصرین سیاسی بدین عقیده بودند که نتایج چندان خوبی بدست نخواهد آمد اما قراریکه بعداً دیده شد زعمای دو کشور اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا موفق شدند که راجع به مهمترین موضوعات جهانی به موافقه برسند . در خلال این سفر چار معاهده مهم بین طرفین به امضا رسید که عبارت اند از امضای پیمان محدود کردن اسلحه سترا تیزیک ذروی امضای معاهده همکاری مشترک قضائی برای سال ۱۹۷۵ و امضای معاهده محافظه محیطی و تحقیقات طبی و امضای قرارداد همکاری در حقوق طبی و صحیه .

* معاهده اسلحه سترا تیزیک که بین لیونید برژنئف سرمنشای حزب کمونسست اتحاد شوروی و ریچارد لکسن رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا امضا گردید از طرف اکثر حلقه های سیاسی جهان باخوش بینی زیادی استقبال شد و بعضی حلقه ها



نظامی در بهبود امور اجتماعی کشورهای کم‌رشد و عقب‌مانده کمک‌شایانی نمایند و بدین اساس مکلفیت بشری خود را در برابر مردم لادار و غریب انجام نمایند .

* پروپم ویتنام کمافی السابق باقیمانده و جنگ‌های شدید بین طرف‌های متخاصم در جریان است . جنگ‌های ویتنام زمالی بیش از پیش شدت اختیار نمود که ریچارد نکسن مشغول مسافرت و بازدید از اتحاد شوروی بود و مقامات ویتنام به کرات و مرات اعلام داشتند که آنها هیچ فیصله را قبول نخواهند کرد . منظور ویتنام شمالی از این اعلام‌های مکرر این بود که ریچارد نکسن و لیونید برژنئف نمیتواند در حصه مشکل ویتنام به کدام موافقه برسند زیرا مقامات ویتنام شمالی بدین عقیده هستند که یگانه راه حل مشکل ویتنام خارج شدن تمام عساکر امریکائی از ویتنام جنوبی است و ویتنام شمالی هیچ‌گونه موافقت نامه را قبول کرده نمیتواند که در آن طرف خود ویتنام شمالی حاضر نباشد . چنانچه مقامات ویتنام شمالی این ادعای خود را زمان سفر نکسن به پکنگ نیز یاد آوری نموده بودند قرائیکه از اعلامیه مشترک اتحاد شوروی و ایالات متحده در پایان مسافرت نکسن استنباط میشود هر دو جانب در مورد ویتنام بکدام موافقه نرسیده اند .

* استعمال اسلحه خطرناک و مدهش در ویتنام :

فعلا در ویتنام ایالات متحده امریکا و ویتنام شمالی از اسلحه خطرناک و مدهش که قوه تخریبی بیشتر دارند استفاده مینمایند چنانچه ایالات متحده امریکا برای بدست آوردن اهداف نظامی خویش قوت‌های سنگین هوایی خویش را بطرف جنوب شرق آسیا حرکت داد . و بیشتر از ۱۵۰ طیاره (اف؛ فالتوم) و (اف ۱۰۵) و (ب ۵۲) که در آن شامل است مصروف فعالیت‌های نظامی میباشد بر علاوه این طیاره‌ها ۸۵۰ طیاره دیگر ایالات متحده در ویتنام به ماموریت‌های مختلف نظامی مشغول کارند قوت‌های هوایی ایالات متحده امریکا برای اینکه از وسایل دفاعی دشمن در اسان باشد از طیاره‌های نوع ب ۵۲ و اف ۱۰۵ و ب ۶۶ که با رادار گمراه‌کننده مجهز هستند استفاده میکنند بالای این طیاره‌ها مرمی‌های ضد هوایی و راکت‌های هوایی اثر کرده نمیتواند ویتنام شمالی به مقابل این حرکات نظامی ایالات متحده امریکائی از اسلحه جدیدی استفاده کرد و قرار اظهار قوماندان امریکائی که گفته بود شاید این اسلحه در اتحاد شوروی ساخته شده باشد و این اسلحه جدید عبارت از راکت نوع (سام) که فعلا در اختیار قوای ویتنام شمالی قرار دارد . و در مرحله اول قوای ویتنام شمالی

توانستند سه طیاره جدید ایالات متحده امریکا را سقوط دهند بدین ترتیب طیاره‌های الکترونیکی ایالات متحده امریکا نیز در خطر واقع شدند . این راکت جدید برای رادار هم ضرورت ندارد و وزن آن هم خیلی سبک است چنانچه یک عسکر عادی هم میتواند آنرا نقل نمایند و نشان خود را بالای آن هدایت قرار دهد . خوبی این اسلحه برای ممالک عقب‌مانده و در حال رشد که دارای قوای هوایی مجهز نمی‌باشند خیلی مفید است

این راکت وقتی فیر شد خود را بطرف منبع حرارت به شکل انوماتیک نزدیک ساخته و بطرف بدنه طیاره که از آنجا مرمی فیر میشود رسانیده با طیاره تکر نموده که بعد طیاره آتش گرفته و از بین میرود .

و اختراع این اسلحه در نوع خود یک ابتکار جدید است که نصیب عساکر ویتنام شمالی گردیده است . و قوماندانان امریکائی باین اندیشه اند که چطور میتوانند با این تکنیک جدید سر بازان ویتنام شمالی کنار آیند .

* در شرق میانه اوضاع پر آشوب بوده خصوصاً بعد از آنکه سه نفر از افراد چابالی که مربوط کماندوهای فلسطینی بودند بر یکی از میدانهای اسرائیل حمله مسلحانه نمود چند نفر را کشته و چند نفر را زخمی ساختند . مقامات اسرائیل بعد از این حادثه بر افروخته شده و حکومت لبنان را تهدید نمودند که منتظر حمله لنگهائی اسرائیل باشند چه مقامات نظامی اسرائیل گفتند که پلان این حمله مسلحانه در بیروت چیده شده اما مقامات مسئول لبنان این ادعای اسرائیل را رد نمودند و در مقابل تمام نقاط سوق الجیشی و میدانهای هوایی خود را بشکل تدافعی در آوردند . مقامات جمهوری عربی مصر این حمله افراد چابالی را تقدیر و ستایش نموده افزودند این حدس که تا حال نزد اکثر نظامیان قوی بود که نمیتوان مقامات امنیتی اسرائیل را گول زد عاری از حقیقت بوده و فعالیت این سه تن در یکی میدانهای هوایی اسرائیل نشان و هنده ضعف افراد امنیتی اسرائیل میباشد .

سفر وزیر دفاع شوروی به جمهوری عربی مصر نیز یکی از انکشافات دیگر شرق میانه میباشد در خلال این سفر جمهوری عربی مصر توانست اسلحه جدید از اتحاد شوروی حاصل نمایند طوری که در پایان مسافرت وزیر دفاع اتحاد شوروی از اعلامیه مشترک هر دو کشور فهمیده شد اتحاد شوروی مایل است سلاح‌های جدیدی در اختیار مصر بگذارد تا بنیه دفاعی و تهاجمی مصر پیش از پیش تقویه شود . طوری که بعضی از مبصرین سیاسی اظهار عقیده میکنند منظور سفر وزیر دفاع

تطبق فیصله نامه ۱۹۶۷ شورای امنیت شداند و هم در تطابق فیصله های سال ۱۹۷۱ جمع عمومی موسسه مال متحد که در حصه مشکل شرق میانه وضع شده بود اجرا روزیدند و تطبیق این فیصله ها را برای تأمین صلح در این منطقه موثر خواندند .

بتاریخ ۲۲ جوزا اولین موافقت نامه رسمی بین دو کشور آلمان یعنی جمهوری اتحادی آلمان و جمهوری دیموکراتیک آلمان شرقی به امضای رسید به موجب امضای این موافقت نامه تنظیم ارتباطات ترافیکی و رفت آمد اشخاص بین دو قسمت آلمان میباشد که در حقیقت امضای این موافقت نامه نتیجه مذاکرات و معاهدات سال ۱۹۷۰ است که بین بن و مسکو صورت گرفته است .

امضای این موافقت نامه این سهولت را برای مردم آلمان بوجود آورده که در ۲۳ سال قبل وجود نداشت و در این مورد هیچ شکمی نیست که عملی شدن این اقدام یک تاثیر آلی بالای مردم آلمان غربی که فعلاً جهت رای دادن به دو حزب مقدر جمهوری اتحادی آلمان هر یک سوسیال دیموکرات و دیموکرات مسیحی مشغول هستند خواهد گذاشت زیرا این قرارداد وعده مهمی برای تسهیل تماسها و رفت و آمدهای دو طرف خط اقیانوس اطلس می دهد . قراریکه معلوم است فعلاً در جمهوری اتحادی آلمان عده زیادی از امضای این قرارداد اظهار خیرینی نموده و آنرا یک عمل خردمندانه گفته اند که در ترتیب یک بار دیگر و بلی هرات صدراعظم و رهبر حزب سوسیال دیموکرات شانس خوبی برای خود و حزب خود گمانی نموده است .

نکات مهم این پیمان که در بعضی روزنامه ها نشر شده قرار ذیل است :

این پیمان برای بار اول معضله تمام مقررات مربوطه به ورود و خروج از طریق راه آهن سرب و معابر آبی بین دو آلمان را وضع میکند . البته ترافیک هوایی از آن بیرون مانده است که تنظیم آن مستلزم یک معاهده جداگانه میباشد و علت آن هم اینست که هنوز چار قدرت بزرگ که از جنگ دوم جهانی و اشغال آلمان باین طرف مستوایت تردد هوایی بین دو آلمان را بعهد داشته اند هنوز هم این مکلفیت را دارند اما هر دو طرف آلمان اظهار تعایل کردند که در آینده این مسأله را نیز حل کنند .

حکومت آلمان شرقی در این معاهده متعهد شده است که به مردم آلمان شرقی اجازه خواهد داد تا بنا بر دلایل عاجز فاسیلی و سایر حالات فوق العاده با آلمان غربی سفر نمایند چنان مردان بالاتر از سن ۶۵ و زنان بالاتر از سن ۶۰ نیز حق خواهند داشت سالیکه مراتبه برای چار روز از آلمان شرقی وارد آلمان غربی شوند هم چنان برای مردم آلمان غربی اجازه داده شده که برای مسابقات سپورتی، فرهنگی، مذهبی و تجارتی به جمهوری آلمان شرقی سفر نمایند .

شوروی به جمهوری عربی مصر این بود تا موافقت با اوراق السادات لزد مخالفین قویتر جلوه کند . فعلاً اتحاد شوروی و جمهوری عربی مصر یک دوستی همه جا با برابری مدت پانزده سال امضاء نموده اند اما دو کشور دیگر عربی سوریه و ایبیا به این نظر نیستند چنانچه رهبر لبیا بدین عقیده است که باید ممالک عربی بدون آنکه تحت تاثیر کدام قوه خارجی قرار گیرند میتوانند از بول عاید بطرول که نصیب شان میکرد از اتحاد شوروی و ایبیا در یافت دارند . کشور سوریه نیز تا حال با اتحاد شوروی کدام معاهده امضاء نموده است ولی زمانیکه نکن مشغول مسافرت در اتحاد شوروی بود یک هیأت خود را به جمهوری چین فرستاد . منظور این سفر این بود تا به اتحاد شوروی بفهمانند اگر روزی ممالک عربی از طرفداری کشور مذکور محروم شدند ممالک عربی میتوانند ای جمهوری چین را در شرق میانه دخیل سازند .

* در جریان این ماه مارشال تیتو رئیس جمهور یوگوسلاویا سفری به اتحاد شوروی نمود که در خلال این مدت مذاکرات مهم و سردمندی با زعمای اتحاد شوروی انجام داد . روابط اتحاد شوروی و یوگوسلاویا از جنگ جهانی دوم به این طرف چندان خوب نبود و هم با آنکه یوگوسلاویا از نگاه آید یا لوزی مانند اتحاد شوروی امور اقتصادی خود را تنظیم و عیار میسارد ولی داخل بکت و ارسانیست و مارشال تیتو از سالیان متعادی به این طرف کشور یوگوسلاویا را بحدی یک کشور بی طرف و دارای قضاوت آزاد در امور بین المللی نگاه داشته است . از همین روست که روابط اتحاد شوروی و یوگوسلاویا در چند سال اخیر به نظر میرسد . اما حالاً قراریکه از اعلامیه مشترک دو کشور در پایان مسافرت مارشال تیتو معلوم میشود که زعمای دو کشور سوسیالیستی در اکثر موارد مسایل جهانی نظر موافق دارند . هم هر دو کشور تأکید نمودند که روابط بین اتحاد شوروی و یوگوسلاویا با خیلی دوستانه است هر دو طرف انحولات مثبت را در نتیجه ره اروپا تأیید نموده و به آن اهمیت زیاد قابل شدند . هر دو کشور موافقه کردند که حالا پیش از هر وقت دیگر برای تأمین امنیت در اروپا زمینه مساعد گردید و برای جلسه تأمین امنیت اروپا تمام شرایط آماده است .

اتحاد شوروی و یوگوسلاویا طرفداری خود را از حقوق کشورهای عربی ، کمبود یا لاووس که به مقابل استعمار می جنگند ابراز نموده و موافقت های شان را آرزو نمودند . هر دو طرف طرفداری خود را از بیرون کشیدن تمام عساکر امریکایی از ویتنام و متوقف ساختن بعماردمان ویتنام شمالی از طرف ایالات متحده اظهار داشتند . اتحاد شوروی و یوگوسلاویا از خواست های عادلانه مردمان عرب و مسترد نمودن اراضی عربی از طرف اسرائیل حمایت خود را ابراز داشته و خواهان

راپورتر: ظریف صدیقی
 عکاسها: سونہرام تلوار
 و محمد اکبر زبیر - ست زاده

خدمات نقلیہ اردو در راه های مختلف اجتماعی و ملکی

در کنار سایر مؤسسات اردو کہ در خدمت هموطنان و وظایف مهم و دشوار را بعمل آورده است یکی هم گروپ نقلیہ اردو است کہ با وسایط دست داشته خود، در مشکلترین شرایط جوی در سرمای طاقت فرسا و در اراضی دشوار گذر گندم های امدادی و حکومتی را بمردم تحطی زده و گرسنه قسمت های دور افتاده کشور عزیز رسانیده است، خبر نگار

لین سهم گرفته و کاروان ها را در راه خانہ خدا رهنمای و رهبری نموده است همچنین سامان تعمیراتی مورد ضرورت ریاست تعمیرات را طی سالهای گذشته از حیر خان بندر بمرکز نقل داده و انتقال تمام مسجات و آلات حربی را نیز از بنادر به مرکز بھمدہ گرفته است از سال ۱۳۴۹ کہ شروع کار پروژہ چهار صد بستر میباشد بطور مداوم تمام سامان و لوازم تعمیراتی و ساختمانی شفاخانہ را از شہر خان بندر بھ پروژہ نقل داده و میدھد.

برید جنرال ولی محمد اضافہ کرد:

مہمترین قسمت سهم گیری گروپ نقلیہ اردو بعد از توزیع گندم حکومت بمردم، ہمالا همکاری این قوماندانی برای خدمت بھ مؤسسہ خیر بھ سرہ میباش است. گروپ نقلیہ اردو افتخار

بیسٹ عرادہ موتر این وظیفہ مهم را بانجام رسانیدند و تفصیل آن توسط سایر همکاریان بھ شما توضیح داده خواهد شد.

قوماندان گروپ نقلیہ علاوہ نمود:

علاوہ بیسٹ عرادہ لاری زیل ۱۵۰ از ماہ ثور ۱۳۵۱ باینطرف بدسترس ریاست انکشاف محل گذاشته شدہ تا گندم های کمبہ شدہ را بولایات صعب المرور کہ پروگرام گندم در مقابل کار پیشبرده میشود انتقال دھد همچنین پنج عرادہ موتر با تربلر ہمہ روزہ نان پختہ را از داشہای سیار اردو واقع خواجہ رواش بمحل ستملکین در نقاط مختلف شہر میرسا ندوی افزود:

گروپ نقلیہ اردو در کنار سایر فعالیت های خود در تنظیم و کنترول کاروان های حج در سال های ۴۹ و ۴۸

ماضن باز دید از کار وانہای گروپ نقلیہ اردو با شخصیت های مربوط و ذیصلاح مصاحبہ بعمل آورده است کہ در ذیل تقدیم میگردد.

برید جنرال ولی محمد قوماندان گروپ نقلیہ اردو ضمن توضیح فعالیت های گروپ نقلیہ اردو گفت:

نظر بھ صواب دید مقامات صالحہ حکومتی تجویز گرفته شدہ تا در ہنکام خشکسالی سال گذشتہ بک تعداد وسایط اردو با پرسونل مربوطہ بدسترس مقامات حکومتی گذاشته شود تا گندم توزیعی حکومت را بولایات و محالات دور دست برساند. ہمین بود کہ کاروان های مختلف نقلیہ اردو بھ ہر طرف گسیل شد کہ جمعاً در حدود (۶۵۷۵) تن گندم توسط ۱۳۰۸ عرادہ واسطہ بدفعات مختلف بولایات کشور انتقال یافت کہ دو صد و

دستگیر آمر کاروان دوم جگرن لیکه محمد آمر کاروان سوم و تورن عبدالقیوم از نقلیه لوژستیک بصفه آمر کاروان چهارم خدمت کرده اند، در سال ۱۳۴۹ لیز دگر و ال عید ال رحمن بحیث آمر عمومی کاروان ها، دگرمن غلام دستگیر آمر کاروان اول، جگرن عبدالغفور آمر کاروان دوم. جگرتورن محمد ابراهیم آمر کاروان سوم و جگرن لعل گل از قول اردوی مرکزی بصفه آمر کاروان چهارم ایفای وظیفه نموده اند که از حسن اجراءات و زحمتکشی صاحب منصبان موصوف توسط وزارت عدلیه قدردالی شده است. وی افزود که در سال ۱۳۵۰ یکتعداد صاحب منصبان و خورد ضاطان گروپ نقلیه اردو برای توزیع کود کیمیاوی بولایات مختلف کشور اعزام شدند که وظایف خود را بحسن صورت انجام دادند و مورد تقدیر و تحسین مقامات ذیصلاح قرار گرفتند.



کاروان های نقلیه اردو در حالت پار شده در سیلوی مرکز

درستیزوال نقلیه اردو و علاوه کرد:

با آنکه صاحب منصبان و پرسونل فداکار گروپ نقلیه اردو با وسایط دست داشته توانستند پروگرام های پر ثمر توزیع گندم را در سخت ترین شرایط جوی به صعب المرورترین نقاط کشور برسانند درین راه تلفات انسانی را نیز متحمل شدند چنانچه یکی از خورد ضاطان جوان که در خدمتگذاری و فداکاری در بین هم مسلکان خود نامبر دار بود شب ۱۳۵۰/۹/۱۵ در بین راه پل خمیری و سمنگان در اثر یک تصادم وحشتناک قربانی گردید. این شخص محمد جان ولد حضرت گل خورد ضاطان تولی نمبر ۷ کندک سوم گروپ نقلیه اردو بود که مقامات محترم وزارت دفاع ملی نسبت به مرگ این مرد فداکار که کمهای مادی و معنوی نمودند. یکی دیگر از قربانیان انجام وظیفه اسامی ناصر ولد جلات خان درپورتولی نمبر ۲ کندک ۳ نقلیه اردو بود که به تاریخ ۱۳۵۰/۹/۸ حین انتقال گندم در

میباشد فعالیت مینماید. قسم ترانسپورتی در سال ۱۳۴۱ باساس صوابدید مقامات صالحه اردو درچوکات گروپ نقلیه هفت تن و هشت تن تقویت یافت که در سال گذشته تمام سمحت مورد ضرورت پروژه های کانال درونته و نقلو فریعه همین وسایط از دهنه غوری مرکز پروژه ها انتقال داده است.

دگروال مجد اسحق محروق رسولی

درستیزوال گروپ نقلیه اردو در باره تنظیم فعالیت کار و انبای حج چنین گفت:

در کاروانهای حج در دو سال گذشته نقلیه اردو با پرسونل مربوطه خود همکاری بیهای موثری با ریاست او قاف بعمل آورد درین کارو الهها که از ترانسپورتهای مختلف تشکیل شده بود صاحب منصبان آتی ایما و وظیفه نمودند.

در سال ۱۳۴۸ دگرمن صدیق الله بحیث آمر کاروان اول، دگرمن غلام

دارد که در راه رساندن امداد سره میاشت بر مردم مصیبت رسیده کشور عزیز سهم باززی گرفته و ازین راه در تخفیف آلام و راج های ستمدیدگان را گوشه های مختلف خدمت مقدس ملی خود را انجام داده است.

چنانچه در سالهای گذشته یکمقدار اشیا کمکی و ابه برادران مصیبت رسیده پاکستانی و مواد تعاونی را به آسیب دیدگان زلزله ایران بآنکشور نقل داده و در داخل کشور نیز علاوه بر همکاریهای فوق الذکر تمام سامان لوازم اختصاصی را بدون اخذ کرایه برای شفاخانه سره میاشت که در سالهای گذشته در امام صاحب تعمیر و تدویر گردید رسانیده است.

قوماندان گروپ نقلیه در برابر یک

سوال دیگر گفت:

گروپ نقلیه اردو در سال ۱۳۳۶ در چوکات وزارت دفاع ملی تشکیل شده و بحال دو قسم و وسایط که یکی قسمت ترانسپورتی و دیگر قسم وسایط حربی

کوتل اوگروان ولایت بامیان موترش در يك نقطه فوق العاده صعب المرور از ارتفاع پنجاه متر سقوط کرد و دربور فداکار درین را قربانی شد. البته وزارت دفاع سلی ازین جوان فسر دانی کرد

یکی دیگر ازین قربانیان که درائتای خدمت گندم رسائی ولایت بغلان فوت کرد اسامی حبیب الله ولد امین الله مسکونه ولایت تخار بود که بتاریخ ۱۳۵۰/۱۰/۲۱ برحمت ایزدی پیوست.

دگرمن غلام دستگیر آمر تخنیکمی و ترانسپورت گروپ نقلیه اردو ضمن مصاحبه گفت :

از تاریخ ۱۳۵۰/۳/۱۹ تا تاریخ ۱۳۵۱/۲/۱۲ مقدار یک هزار و چهارصد و ده تن گندم، آرد و جواری از سیلوی مرکز به مغازه های سر بوطه داخل شهر توسط دوهزار و دوصد و دو عراده موتر زیل ۱۵۰ گروپ نقلیه اردو نقل داده شده و هنوز هم این وظیفه دوام دارد

همه روز وسایط اردو گندم و آرد را در داخل شهر نقل میدهند.

دگرمن غلام دستگیر است وسایطیکه گندم را به ولایات صعب العبور و دشوار گذر انتقال دادند قرار ذیل ارائه نمود :

بتاریخ ۵۱/۱/۷ الی ۵۱/۱/۱۳ توسط چهل عراده زیل ۱۵۰ مقدار یکصد و شصت و یک تن گندم به ولایت تخار و محلات آن رسانیده شده است.

بتاریخ ۱۳۵۰/۱۲/۱۹ توسط (۱۵) عراده واسطه مقدار ۹۶ تن گندم بولایت قندها فرستاده شده است.

در ماههای دلو و حوت سال گذشته ذریعه ۱۱۴ عراده زیل قوماندانی نقلیه لوژستیک برای ولایت فاریاب مقدار ۴۶۶ تن گندم از کابل الی پل خمیری منتقل گردیده است.

بتاریخ ۱۳۵۰/۱۰/۳۰ الی ۱۳۵۰/۱۱/۲۹ مقدار ۱۶۴ تن گندم توسط چهل و یک عراده موتر در شرایط

دشوار جوی به ولایت بغلان و محلات آن انتقال یافته است.

بتاریخ ۵۰/۱۰/۲۰ الی ۵۱/۱/۱۶ مقدار ۸۵۸ تن گندم توسط (۱۱۹) عراده وسایط مختلف بولایت سمنگان فرستاده شده است.

بتاریخ ۱۳۵۰/۱۰/۹ مقدار یکصد و چهارتن گندم توسط شانزده عراده موتر به ولایت کاپیسا انتقال یافته است.

بتاریخ ۱۳۵۰/۱۰/۱۲ مقدار (۵۱۰) تن گندم توسط ۸۸ عراده موتر بولایت جوزجان منتقل گردیده است.

بتاریخ ۱۳۵۰/۹/۱۳ الی ۱۳۵۰/۱۲/۱۲ مقدار ۸۹۴ تن گندم توسط ۱۳۵ عراده موتر مختلف النوع به ولایت بلخ و مربوطات آن فرستاده شده است.

بتاریخ ۱۳۵۰/۱۰/۵ تا ۱۳۵۰/۱۰/۲۶ مقدار ۲۲۸ تن گندم



منظره دیگر از انتقال گندم توسط کاروانهای نقلیه اردو



کاروانهای گروپ
نقلیه اردو در راه
انتقال گندم



آمرتخنیک و ترانسپورت گروپ
نقلیه اردو افزود :

خدمات و زحمات صاحب منصبان
و در پیوران نقلیه اردو و چنان مشهود بود
که عده از جراید روزنامه‌های محلی
آنرا طی راپورها ستودند . چنانچه
روزنامه بدخشان در شماره (۲۹۰)
سورخ شنبه ۲۸ حوت ۱۳۵۰ ضمن راپور
مفصل چنین نوشته است :

چکنورن پرگل و چکنورن خان دل
دو تن از صاحبان گروپ نقلیه اردو که با چهل عراده
موتور ماسور انتقال گندم به بدخشان
بودند ۲۶ روز در عرض راه بین
فیض آباد - کابل با سردی طاقت فرسا
مشکلات و موانع زیاد روبرو گشته
و چندین مرتبه به خطر مرگ مواجهه شده‌اند
چکنورن خان دل طی مصاحبه اظهار

مقدار ۳۰۴ تن گندم توسط ۷۶ عراده
واسطه بولایت وردک و مربوطات به
منطقه هزارهجات که اراضی آن برای
تردد فوق العاده ایجاد مشکلات مینماید
نقل گردیده است .

بتاریخ ۲۱/۷/۵۰ الی ۲۸/۹/۱۳۵۰
مقدار ۹۶۸ تن گندم توسط ۱۹۲ عراده
واسطه مختلف النوع بولایت باسیان
و سجالات آن که مناطق مرکزی
صعب‌المرور را احتوا مینماید و یک نفر
در پیور لایق طی آن قربانی شد انتقال
یافته است .

جمعاً (۲۲۰) عراده واسطه
گروپ نقلیه اردو مقدار (۶۵۷۵) تن
گندم با راقبول فداکاری و بدون در نظر
داشتن اوضاع جوی و ترس از نبودن
راه در اراضی دشوار گذر در دور افتاده
ترین نقطه مملکت عزیز لقل داده است

توسط ۴۷ عراده موثر به ولایت غزنی
رسانیده شده است .

بتاریخ ۱۸ / ۹ / ۱۳۵۰ الی
۱۳ / ۱۰ / ۵۰ مقدار دو صد تن توسط پنجاه
عراده زیل ۱۵۰ به ولایت قندوز
ارسال گردیده است .

بتاریخ ۱۵ / ۸ / ۱۳۵۰ الی
۲۹ / ۱۰ / ۵۰ مقدار ۶۱۸ تن گندم
توسط ۱۵۴ عده زیل ۱۵۰ در شرایط
مشکل جوی و اراضی صعب‌المرور به
ولایت بادغیس و مربوطات آن انتقال
یافته است .

بتاریخ ۲۲ / ۷ / ۱۳۵۰ الی تاریخ
۲۷ / ۱۲ / ۵۰ مقدار ۸۶۱ تن گندم توسط
۱۹۵ عراده موثر در حالات سخت
و نا مطلوب جوی بولایت بدخشان
فرستاده شده است .

بتاریخ ۱۷ / ۷ / ۱۳۵۰ تا ۱۲ / ۱۰ / ۵۰

نشریه عاطفه

پیمان جمعیت فعالیت‌های سیاسی و خدمات

وزارت دفاع ملی را ستوده است

داشهای سیارارد و در اخیر چنین ادامه یافته است :

«جمعیت افغانی سره میاشت ان اقدام لیک و نوع خواهانه را مظهر روحیه بشری دانسته برای توسعه چنین همکاری های پیشانیه متقابله بین ارگانها و مؤسسات بیش از پیش کمال آرزومندی دارد .

اردوی غیور شاهانه همواره در چنین موارد اقدامات موثر و بموقع نموده است .

نشریه عاطفه ارگان نشراتی جمعیت افغانی سره میاشت در شماره چهل و یکم مورخ جوزای ۱۳۵۱ چنین نوشته است : «وزارت دفاع ملی که همواره در موقع لزوم و عاجل سهم فعال در امور خیریه گرفته است با تاسی ازین مفکوره خیراندیشانه درین اواخر داشهای سیار خویشرا در دامنه کوه خواجه روایش کاردانداخته است .

بعد ضمن خبر مفصل از چگونگی فعالیت

داشت که این ششمن بهره است که مابعدشان گندم انتقال میدیم ولی این بار وقتیکه از کابل حرکت کرده وبه جبل السراج رسیدیم در حصه گهواره سنک نسبت برف کوبه و برف کوچ موترهای ما متوقف شد ومدت شش روز تام در آنجا ماندیم



مرحوم محمدجان بریدگی

که توسط نقلیه اردو از کابل برایمان غذا آورده شد .

در مصاحبه مشکلات طاقت فرسای که در طول راه بر کاوان روی داده به تفصیل یادآوری شده که هر خواننده را به فداکاری و زحمتکشی صاحب منصبان اردو واقف میگرداند .



مرحوم ناصر خان دریور

در اخیر این مصاحبه از قول یکی صاحب منصبان مؤظف چنین گفته شده است :

شاغلی بر گل گفت : آنچه این همه تکالیف و زحمات مارا التیام می بخشد یکی پایان دادن انتظار مردم به گندم و دیگر لطف و نوازش مقامات صالحه میباشد .

دم لور لور مقام ته سلام

د عبدالعزیز اور بندوال لیکنه

مظلومیت اولویدوبه مرحله کتبی چه زبونه به درد رازی اوترسی اوشکی را ولاری شی دخولی نه لومری چغه را وتل دمورجانی به نوم ژبه و چلیبری او د مورغیر قربان بچی لوگی دی شم بچی جان بچی به مورگران بچی داسی خطاب او دداسی عاطفی غبردی چه ژراه خندا بدلشی خفگان به خوشحالی بدلشی او هغه مرورتوب چه به لویو بخششوفونه بهخلا کیده دموربه یوه جان - جان به یوه غبره یوه بهرز و بهخلاشی او دمور لطف به درد بانندی ملهم شی به ژرا کتبی تبسم شی او به زره کتبی دمینی قوت به وده راشی نور مورجانی ستا منلی مقام ته سلام ستاشو گرونو اولولولو کتبی برکت اورحمت دی ستا به روزنه کتبی صحت اولطافت دی ستا به غیر کتبی شجاعت اومهربانی ده نوموری ستاد مقام اومحبوبیت دنمالخلودپاره ستا اولاده جهانی اتفاق ستا مقام اومنلی درناوی ته داحترام سرونده تیت کرل اونن ستا دلما نخلودتاریخی وریمی هر کلی ته د خپل عقیدت گلوته و پانندی کوو او وایو ژوندی او لوړدی وی دگرانی مور منلی مقام . به درناوی

دمور منلی اوخو نوم چه به یادولو بی زره او ژبه خوشحالیری او دها با آدم اولاد به مور را تبول دی کوربه مور ودان دی مورد کور میرمن ده د کور رئیس د کور ودانی د کور رزا او د کورنی دتربیی لومری معلم دی دمور دغیبری نه چه مور پاللی نابغه گنان او بههان وتلی دی دقام اوملت ژبی ته چه دمور غخه بی زده کپی مورنی ژبه ویل کپی دمور درحمت سبوری دی دشفقت اومهربانی لاس دی دمینی اومحبت غیر ده اولاده مور را تبول دی درد او خفگان به وخت کتبی دژرا او فریاد به حال د

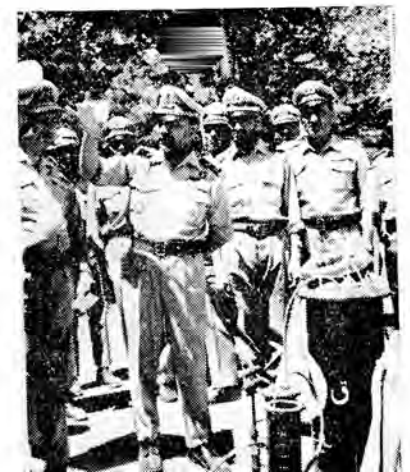
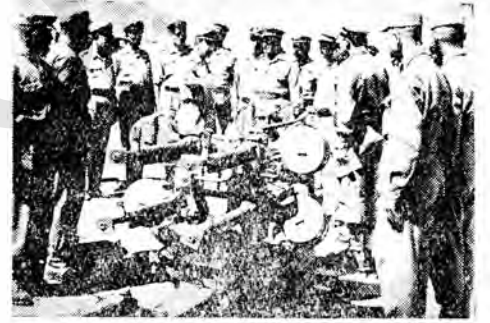


مرحوم حبیب الله دریور

بازدید از جریب



والا حضرت جنرال سردار
عبدالولی قوماندان قول اردوی
مرکزی بتاریخ سه شنبه ۱۶ جولای
از جریان تعلیم و تربیه قطعات
مختلف فرقه های نمبر ۷ و نمبر ۸
قول اردوی مرکزی دیدن نمودند.
همچنین ضمن بازدید که از
جریان تعلیم و تربیه جزو نامهای غدا





ان تعلیم و تربیه



دافع هوای قوای هوایی و مدافعه

هوایی طبق پروگرام مرتبه صورت

گرفت و الاحضرت قوماندان قول

اردوی مرکزی نیز حضور داشتند.

اینک چند منظره از مناظر جریان

تعلیم و تربیه در فرقه نمبر ۷ و هکذا

در بطریقه نمبر ۲ کندک نمبر ۲ وسط

غند دافع هوا را به نشر میسپاریم



مجله عرفان

مقرری

دربن اواخر بائر تجریز مقامات
عالیه دیپلوم انجینیر نون غلام حبیب
و دیپلوم انجینیر نجیب الله سروری که



دهلوم انجینیر غلام حبیب اشرت

اخیراً بعد از تحصیلات عالی موفقانه
از خارج بوطن عودت نموده اند بحیث
آمترسم تخنیککی و آمترسم طباعتی در



دهلوم انجینیر نجیب الله سروری

مدیریت عمومی نشریات مترورگر یداند .
امیدواریم با مساعی این دو جوان تحصیل
یافته امور تخنیک و طباعتی مطبعه دفاع
ملی بیش از پیش رواق و نظم کامل
را اختیار نماید .



بناغلی (اسدی)
مدیر مسوول مجله عرفان

در قطار مطبوعات معتبر و وزین کشور ، مجله عرفان مقام والا
و برجسته ای دارد که این ارزش و موقعیت براننده از لحاظ مطالب
و محتوی و از نگاه طباعت و صحافت درخور توجه شاہان میباشد .
مجله عرفان نشریه ماهانه مصور وزارت جلیله معارف است که
بانشر مضامین علمی ، تربیتی ، اجتماعی و ادبی مقام شامخی را در صف
مطبوعات کشور حایز گردیده است . هر خواننده میتواند با اطمینان
خاطر مطالب نازه و عالی و مضامین و اشعار شیوا و پراحساس را که مولود
اندیشه های ناموران و سخوران و ارباب علم و تربیت است از متن این
نشریه مطالعه نماید و بر ذخایر معلومات خویش بیفزاید ناره ترین
مسائل علمی و تربیتی و عالیترین موضوعات ادبی و اجتماعی را میتوان
در صفحات زیبای مجله عرفان جستجو نمود .
آخرین شماره فوق العاده مجله عرفان که بمناسبت پنجاهمین
سالگرد نشراتی آن مجله از طبع برآمده و طی مجلس بزرگی بدسترس
علاقمندان قرار گرفت باز هم نمونه ذوق و ابتکار و محصول زحمات
فراران گردانندگان این نشریه است .

ما سالگرد پنجاهمین سال زحمات عرفانی و فرهنگی این نشریه را
بنظر تقدیر و تحسین نگریم و به مدیر دانشمند و مسوول عرفان بناغلی
(اسدی) و دیگر کارکنان آن نشریه صمیمانه تبریک میگوتیم و از خداوند
برای ایشان توفیق کامل نمنا می کنیم تا در راه بسط و اشاعه فرهنگ و تعلیم
و تربیت محیط معارف و خوانندگان آن مجله بیش از پیش از پیش مصدر
خدمت و کامیابی گردند .

قابل توجه خانمهای باسلیقه



جراب بلندا:

سلندراج داروبی سلندراج

شیک و زیبا و بادوام

تا تمام نشده بشتابید.

مرجع: کوپرا لایف اسکری
انصاری وات

قابل توجه کوپون داران محترم !



ار اجناسی که جدیداً وارد شده استفاده نمایید :



- انواع واقسام نکه ها

- کریم دندان

- کریم ریش

- انواع جکهای آب

- سمپت های جدید لاشق و پنجه .



رادیو سونی



دارای ۳ موج

حساس

ارزان و پرتائیف

علاقتمندان بشتابند.

مرجع : مغازه های کوپون داران عسکری

انصاری وات



خلص سوانح

مرحوم

محمد رحيم

دگرمن

۱۳۴۵ برتبه دگرمنی لائل و درسنه ۱۳۴۷
در بست احتياط پذيرفته شده در سنه
۱۳۴۸ در بست قوای ۱۴ غزنی مقرر
گردیده است .

نشان و مدال هم نیکه در دوره خدمت
خود گرفته است .

۱- نشان ورتبای نکلی .

۲- رشتن »

به کمال تأسف اطلاع گرفته ایم که
دگرمن موصوف به عمر (۴۵) سالگی
داعی اجل را لبیک گفته پدرود حیات
نمود . (الله وانا الیه راجعون)
وزارت دفاع ملی از قوت دگرمن
مذکور که یک تن از صاحبمنصبان لایق
وزحتکش اردو بود با اثر سربضی که عاید
حال شان شد پدرود حیات نمود متاثر و متالم
گردیده از بارگاه خدای متعال برای
مرحومی طلب مغفرت و برای بازماند
گالش صبر جمیل میخواند آمین .

مرحوم دگرمن محمد رحيم در بازارك
پنجشیر كاپيسا در سنه ۱۳۰۶ تولد یافته و
بعد از تحصيلات مقدماتی لامبرده در

ح . پ شامل و در سنه ۱۳۲۵ برتبه و کیل
ضابطی از مکتب انشئت نموده در قطعات
قوایم کز مقرر گردیده در سنه ۱۳۲۶ برتبه

دریم بریدمن لائل شده در سنه ۱۳۲۸
برتبه دوهم بریدمن ترفیع و در سنه ۱۳۳۰
برتبه لمړی بریدمنی ترفیع نموده و در همین
سال در بست قوای قندهار تبدیل گردید .

مرحومی در سنه ۱۳۳۱ بریاست حربی تبدیل
شده در سنه ۱۳۳۲ برتبه تورلی لائل

شد و در سنه ۱۳۳۶ برتبه جگنورلی
ترفیع کرده و در سنه ۱۳۳۸ برتبه جگنرلی
لائل آمد در بست قوای پکتیا داده شده
در سال ۴۱ غرض تحصيل بکورس تکامل

شامل گردید . موصوف در سنه ۱۳۴۲ در بست
احتياط گرفته شده است در سنه ۱۳۴۴
در بست تعمیرات مقرر گردیده در سنه

د ملی دفاع وزارت - ستر درستیز

دنشریاتو لوی مدیریت - دار دو مجله

مجله اردو (نشریه ماهانه)

سال پنجاه و دوم

نمبر مسلسل : ۶۰۳

جوزا ۱۳۵۱

شماره : سوم

شرح اشتراك :

۱۵۰ - افغانی

سه لاله برای صاحب منصبین و اشخاص دولتی :

۱۲/۵۰ - افغانی

قیمت فی شماره :

۷۰۹۰۱

نمبر حساب در افغانستان بانک :

کابل - افغانستان

آدرس :- مجله اردو - مطبعه دفاع ملی -

نمبر تالیفون مدیر مجله : ۲۳۲۰۸

AFGHAN MILITARY REVIEW

(Monthly Magazine)

Address: URDU MUJELLA, Military Press, Kabul,
Afghanistan

Tel: 24574 & 23208

Subscription rate for foriegners & abroad = 15US. dollars

Volume, 52, Serial No, 603 Number, 3

May & June 1972